گرکنیزکی بخرد یا زنی بخواهد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر بیند که زین وی بشکست دلیل که زن بمیرد و یا بیمار
شود و اگر بیند که زین وی بزر و سیم آراسته بود دلیل که زنش خویشتن بین و متکبر بود و اگر بیند که زین وی سیاه بود
و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و میگر در خواب زن دلاله بود و دلالی کار او بود والله اعلم بالصواب

حرف السین — **سار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب بیند که سار داشت
دلیل که مردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مسافر او را صحبت
افتد و اگر بیند که گوشت سار میخورد دلیل که بقدر آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن
سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بر وی جمع شدند دلیل که میان کافران
گرفتار شود **ساطور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر بخواب بیند که ساطور
داشت دلیل که با چنین مردی او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که ساطور بشکست یا ضایع شد
دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب او
آسان گردد خاصه که ساطور بزرگ بود **ساعد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساعد دست درست و انباز معتمد بود
اگر بیند که ساعد دستش قوی بود دلیل که او را از انبازان و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ساعد وی بشکست
دلیل که انباز و دوست از وی جدا شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ساعد دست وی موی بسیار بود دلیل که دوستان
از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که موی از ساعد خود ببسترد دلیل که وامش گذارده شود **ساق** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید ساق در خواب مال و معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معبران گویند که ساق مردم را عز و جاه باشد و اگر بیند که ساق وی
قوی بود دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود دلیل که حال و کارش ضعیف و بی نظام بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که ساقش آهنین یا روئین بود دلیل که عمرش دراز شود و مالش باقی ماند و اگر بیند که ساق او بشکست دلیل که برتن
او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن ساق در خواب مرد از زن بود و زن از شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر همی پیچید
دلیل هم هلاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود دلیل که وامدار گردد و اگر بیند که موی از ساق ببسترد دلیل که وامش گذارده شود
جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ساق در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مردان با زن
و زنان را شوی **سایه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب بزرگی و هیبت بود و سایه پادشاه در تاویل هم پادشاه
بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر دلیل بر فساد کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی زیر سایه
نشسته بود دلیل که مرگش نزدیک بود قوله تعالی أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا جعفر صادق
رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم هیبت سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ
سایه بان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرومایه بود و اگر بیند که زیر سایه بان نشسته
بود دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان بر وی افتاد و او را گزندی رسید دلیل که پادشاه بر وی خشم
گیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سایه بان پشمین یا کرباس بود و لون آن سبز یا سپید بود دلیل که خدمت پادشاه ظالم

کند **سپر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان بادشاه او را پناه بود و اگر بیند که با سپر مال
دیگر بود دلیل بر مردی بود که دوستان و برادران را از شر نگاه دارد و اگر بیند که سپر بر زمین نهاد دلیل که او را با مردی
فاضل صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر دوم یار سیوم قوت
چهارم پسر پنجم ایمنی ششم پشت و پناه بقدر بزرگی سپر **سپرز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپرز در خواب دیدن مال
و شادی بود و اگر بیند که سپرز گاو داشت دلیل که او را در آن سال چیزی حاصل گردد و اگر بیند که سپرز داشت دلیل که وی را
از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بیند که سپرز چهارپای وحشی داشت دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپرز دان
داشت دلیل که بقدر آن مال از زیه بیابد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سپرزهای مجموع در خواب مال بود و سپرز
جانور که گوشت او حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت وی حرام باشد مال حرام بود **سبزه** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید سبزه در خواب دین بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بیند که زمینی داشت و در آن سبزه بسیار بود دلیل
بر صلاح و پاکدینی وی بود و اگر بیند که در آن زمین گیاه مجهول بود و او آن گیاه را نشناخت و به تعجب در آن می نگریست و در
که در آن زمین ملک وی است این جمله دلیل بر دین و دیانت بیننده کند و اگر بیند که در آن زمین گیاه معروف بود دلیل بر فراخی نعمت
و مال وی بود و مغربی رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب چون بوقت بیند دلیل از زهد و ورع بود ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سبزه زار در خواب نیک بود و اگر بیند که در سبزه زار مقیم شد دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان سبزه زار مقیم بود
دلیل بر عاقبت و ثواب آخرت او بود کرمانی علیه الرحمة گوید اگر سبزه زار پاکیزه و خرم بیند و داند که ملک وی است دلیل بر دین
پاک و ورع و دیانت او باشد و اگر سبزه زار زرد بود و پژمرده بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سبزه زاری
بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت او با مردمان پارسا با دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل که صحبت او با مردمان مفسد بود
جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سبزه در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم پرهیزگاری
سبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چشمهای وی سبل داشت چنانکه نمی توانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین
وی نقصان باشد و اگر چشمهای ازرق بود و سبل در آن بود دلیل که در راه بدعت بماند و اگر چشمهای شهلا داشت و سبل در آن
بود دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر بیند که سبل از چشم وی برگرفتند دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و
اگر در غربت بود دلیل که بسلامت در وطن خود باز رسد **سبو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبو در خواب مرد منافق
بود که بر دست وی مال ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سبو در خواب کنیزک یا خادم بود اگر بیند که سبوئی نو فرا گرفت یا
بخرید دلیل که کنیزک بخرد یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که سبو ضایع شد یا بشکست دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بیند
که سبوی او را سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که سبو از آب صافی پر بود دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبو در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مزدور منافق دوم زن سوم خادم چهارم
کنیزک پنجم قوام دین **سبوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی بود و اگر بخواب بیند
که مردی نان سبوس بخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی افتد و اگر بیند که سبوس را از خانه بیرون ریخت دلیل بر نعمت

و فراخی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپیداب در خواب بر سه وجه بود یکی نیازمندی دوم قحط سیوم تنگی معیشت **سپید**
آب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپیداب بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که سپیداب داشت یا کسے
بوی داد دلیل که با کسے گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر بیند که سپیداب بر روی داشت دلیل که بقدر او را متاع
دنیا حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سپیداب ولی خدمتگار بود و بعضے از معبران گویند که کدخدای خانه بود و نیک و بد آن
بکدخدای خانه باز گردد **سپید مهره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سپید مهره بدید دلیل که راز
نهان وی ظاهر گردد و اگر بیند که سپیده نتوانست زدن دلیل که کاری کند که انکار نداند مغربی رحمة الله علیه گوید سپید
مهره در خواب دیدن مردان را رنج و سختی بود و زنان را رسوائی و ظاهر شدن راز بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
سپید مهره در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر مکروه دوم سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی
ستارگان دانیال علیه السلام گوید ستارگان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه
دلیل بر وزیر بود اگر زحل را بخواب بیند دلیل که او را با مردم دهاقین شغل افتد و او را مال و نعمت از و حاصل آید و اگر مشتری را
بخواب بیند دلیل که او را با مهتری پارسا و مصلح و نیکخواه کار افتد و اگر مریخ را بخواب بیند دلیل آن بر زنان بدوے محتشم
رخادان پیوندد و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطارد را بخواب بیند دلیل که او را با مردم حکیم شکلم پیوستگی افتد
و از و فایده یابد و اگر بیند که بعضے از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر ستارگان ناسه چون عیوق و عقیق و سهیل و کلیل که بعضے از مشرکان می پرستیدند اگر یکے از ایشان بخواب بیند
دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر بیند که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد دلیل عالمی آن دیار از دنیا
برود قوله تعالی وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ اگر بیند که ستارگان بیگردند دلیل که فتنه و آشوب
در بزرگان افتد و اگر بیند که ستاره بدست گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بیند
دلیل که او را فرزندان بسیار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ستارگان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرقه در میان
پادشاه افتد و اگر بیند که ستارگان سعد بهم جمع شدند دلیل که حالش نیک شود و اگر بیند که ستارگان از خانه وی
برآمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر بیند که ستارگان مطیع وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر
بیند که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت دادگر باشد و اگر خلاف این بیند دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود
و اگر بیند که ستارگان با هم جنگ میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بیند که ستارگان در آستین خود نهاد
دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از ستارگان یک ستاره در بر او متحرک شد و در کنار وے
افتاد دلیل که وی را فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بیند ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که نسلش زیاده
شود و اگر بیند که ستاره می پرستید دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید ستارگان که مردم
در بیابان بدو راه می برند در خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگانیکه مردم آنرا می پرستند دلیل بر شر و مضرت
بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا

پنجم وزیر ششم ویران هفتم خزانه دار هشتم مردمان نهم شاگردان **حکایت** آورده اند که در بغداد مردی بخواب دید که
ستاره روشن بر زمین افتاد معبران گفتند عالمی بمیرد دران هفته امام اعظم رح از دنیا رحلت کرد **ستون** ابن سیرین رح گوید
ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود اگر بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند اگر
بیند که ستون خانه وی بیفتاد یا بشکست دلیل بر هلاک او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستون
خانه بیفتاد یا بشکست دلیل که خداوند خانه هلاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی باریک بود دلیل بر ضعف دین وی بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید ستون در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرگ سیوم مرد محتشم چهارم قوت و کار
پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سجاده در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی
بر سجاده نشسته بود دلیل که بسفر حجاز رود قوله تعالی وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى خاصه چون ببیند
که در مسجدی معتکف شد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سجاده پشمین یا پنبه داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول
گردد و اگر بیند که سجاده او بسوخت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سجاده وی ابریشمین بود دلیل که طاعت وی
ریائی بود **سجده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باری سبحانه و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ
ظفر یابد و اگر بیند که غیر خدای تعالی را سجده کرد دلیل که مرادی که دارد بر نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که
مهتری را سجده کرد دلیل که او را از سلطان زحمت رسد قوله تعالی أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ وَلَا
يَضُرُّكُمْ **سنجیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ترازو در دست داشت و چیزی می سنجید دلیل که میان مردم داوری
کند و اگر بیند که راست می سنجید دلیل که حکم براستی کند قوله تعالی وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ اگر بیند که راست سنجید اگر
از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود دلیل که بقاضی محتاج گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست سنجیدن در خواب
بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن برادری چهارم حاکم شدن و اگر آن کج سنجید تاویلش بخلاف
این بود **سخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سخن گفتن در خواب و شنیدن تاویل مر زبانها مختلف بود و اگر بیند که بزبان
عربی سخن گفت دلیل که از مهتران عز و جاه یابد و اخبارها و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم استماع کند و اگر بزبان عبرانی
سخن گفت یا شنید دلیل که با مهتران او را صحبت افتد و از ایشان نیکی یابد و اگر بزبان عبری سخن گفت یا شنید دلیل
که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی اصل و دون همت و بیکاری افتد و اگر بزبان ترکی
سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دوستان صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن گفت یا شنید دلیل که خبری مکروه شنود و اگر
بزبان سقلابی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شغلی افتد و اگر بزبان یونانی سخن گفت یا شنید دلیل که
بمعقولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت نادانی غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از آن منفعت بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که بهر زبان که در خواب سخن گوید و شنود اگر خواب خیر و صلاح بود تاویل آن خیر و صلاح باشد و
اگر شر و فساد گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که پراندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که

بر خویشتن گواهی است دهد قوله تعالی یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
و هر اندامی که بدان سخن گوید دلیل بر ستم و بیداد باشد **سراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سراب در خواب خصومت
و داوری بود و اگر بیند که سراب خراشید یا کسی بوی داد دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که سراب میخورد همین تاویل
دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سراب زرد شده بود و میخورد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب بکسی داد
یا از خانه بیرون افگند دلیل که از جنگ و خصومت خلاصی یابد و در دیدن سراب بخواب هیچ منفعت نباشد **سر**
دانیال علیه السلام گوید سر بخواب دیدن مهتر قوم بود و اگر بیند که سر بریده بستد دلیل که مهتری را دوست دارد و از وی خیر
و منفعت یابد و اگر بیند که بزخم تیغ سرش از تن جدا کردند اگر وام دار باشد دلیل که وامش گذارده شود و از غم فرج یابد
و اگر این خواب بنده بیند دلیل که آزاد گردد و اگر رنجور بیند شفا یابد و اگر مهتری بیند ولایت یابد و اگر آزاد بیند
دلیل که زنی خواهد اما توانگر باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی سرهای بریده بسیار بیند دلیل که مهتران آنجا بسیار
جمع شوند و اگر بیند که از آن سرها موی یا پوست یا مغزها برداشت دلیل که از آن مهتران مال یابد و اگر بیند که پوست سرها
بخورد دلیل که از مهتران و رئیسان مال حاصل کند و اگر بیند که پوست سرهای مردم بخورد دلیل که مهتری با وی عتاب کند
و اگر بیند که سر سوی معروف بخورد دلیل که سرمایه خود را بخورد و اگر بیند که سرهای چهارپای دشتی بخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند
که سر مردی مجهول می خورد دلیل که سرمایه کسی بخورد و اگر بیند که سر مرغی بخورد دلیل که بقدر آن مال پادشاه بخورد و اگر
بیند که مردی سر کسی یا سرها پیش او آورد دلیل که سرور آن گروه گردد و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر در خواب سر زنی
بیند دلیل که از زنان توانگر راحت یابد و اگر بیند که سر گوسپندی میخورد دلیل که عمرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند
که سر گاوی بخورد دلیل که آنقدر مال و نعمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سر خود بزرگ بیند دلیل که جاه و حرمت و منزلت
یابد و اگر بیند که او را دو سر بود دلیل که کارش قوی گردد و اگر سر خود برهنه بیند دلیل که از شغلی که دارد بیفتد و غمگین شود
و اگر بر سر خود جراحتی بیند که از آن خون می آمد دلیل که با کسی داوری افتد و اگر بیند که از سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین
افتاد دلیل که سرمایه از دست وی برود و اگر بیند که مغز باز جای خود نهاد دلیل که مایه باز بدست آورد و اگر بیند که سر وی چرب
بود دلیل که کارهای خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی مهتر گردد و فرمان روا
گردد و اگر بیند که سر وی سخن نیکو گفت دلیل که نیکوکار باشد و در کارها انصاف نگاهدارد و اگر سخن بد گفت تاویلش بخلاف
این بود و اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست داشت و یک نیمه در دست چپ داشت دلیل که مادر و پدر وی
بمیرند و اگر بیند که سر خود در دست خویش داشت دلیل که از مهتری خیر و منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون
سر پیل شد دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که سر وی چون سر اشتر شد دلیل که بفساد حرام گراید و اگر بیند که سر وی چون سر اسب
شد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که سر وی چون سر خر شد دلیل که از بخت خود کامگاری یابد و اگر بیند که سر وی
چون سر گاو شد دلیل که نزد خلق خوار گردد و اگر بیند که سر وی چون سر گوسفند شد دلیل که جهل بر وی غالب گردد
و اگر سر خود چون سر شیر بیند دلیل که فرمان روائی یابد و دشمنان را قهر کند و اگر سر خود را چون سر سگ بیند

دلیل که ذل و خواری یابد و اگر بیند که سر خوک شد میلش بکفر باشد نعوذ بالله منها و اگر بیند که سر وی آبگینه شد دلیل بر هلاک وی
بود و اگر بیند که سر او زرین یا سیمین شد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر او آهنین یا سنگین بود دلیل که خدمت مهتری سفله
کند و اگر بیند که سر او چوبین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی یا
زن کند و اگر بیند که سر وی چون سر مرغان شد دلیل که بسفر رود و اگر بیند که سر خود بریده داشت دلیل که او را بردار
کنند و اگر بیند که سر او از تن جدا کردند و باز بر جای نهادند و درست شد دلیل که عاقبت درجهٔ شهدا یابد و اگر بیند
که سری داشت و زنش آبستن بود دلیل که او را پسری آید و اگر زنی خود را سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد
و اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر بریان بخشید یا کسی بوی داد و او آن بخورد دلیل که از
مهتری فایده یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تنها دلیل رئیسی یا مهتری کردن باشد و اگر بیند که سر خام
میخورد دلیل که مهتری را غیبت کند و سر پخته بهتر از خام بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید سر مردم بخواب پدر بود یا مهتر
یا پسر و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایمان بمیرد و اگر سر خود را
باز بگردن خود بست دلیل که از کسی ببضاعت استعانت یا وام کند و اگر بیند که سرهای بریده در پیش داشت و رقص میکردند
دلیل که مهتر آید یار را از غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر سر پادشاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس دوم مهتر سیوم پدر چهارم مادر پنجم امام
ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم نهم پسر دهم غلام یازدهم زن دوازدهم توانگری اگر بخواب بیند که سر برگ
کرد و جامهٔ پاک پوشیده بود دلیل که او را با مهتران صحبت افتد و اگر جامهٔ چرکین بود که پوشید دلیل که از مهتری غم و اندوه
یابد و اگر بیند که سرها در تنور نهاد دلیل که از مهتران و خادم کارش افتد **سرا** تاویلش سخن باطل باشد و علمی که در و
منفعت نبود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سرای مقیم شد دلیل که بعلم باطل و سخنی که در وی خیر نباشد
مشغول گردد و اگر بیند که از زمین سرا بخورد دلیل که از علم باطل نان جمع کند **سراپرده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر خود را در سراپرده بیند و داند که ملک او بود دلیل که بزرگی و منزلت یابد و باشد که مهتر لشکر شود و اگر بیند که در سراپرده
پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه حرمت و جاه یابد و اگر بیند که سراپرده پادشاه بیفتاد دلیل که زوال مملکت وی بود و
اگر بیند که سراپرده پادشاه بسوخت دلیل که پادشاه بمیرد و اگر بیند که پادشاه او را از سراپرده بیرون آوردند دلیل که
پادشاهی بیابد و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سراپرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست
سیوم ولایت چهارم دولت پنجم سرهنگی **سرا** دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که در سرای بیگانه شد
و هیچ نشناخت و در انجا مردگان دید دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر بیند
که در آنجا شد و بیرون آمد دلیل بر بیماری او بود و لیکن شفا یابد و اگر بیند که بسرای معروف شد و بنیادش از گل بود دلیل
که روزی حلال یابد و اگر بیند که بنیادش از گچ و آجر بود دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که آن سرای بزرگ و فراخ بود دلیل که
روزی بروی فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود تاویلش بخلاف این بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرائی

خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود به بندد و عبادت نکند و اگر بیند که سرای کهنه را پاک کند دلیل که در خیرات بر وی گشاده شود و اگر بیند
که سرای نو و پاکیزه بود دلیل به بندد سستی و عمر دراز باد و بدر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرای نو و پاکیزه در شد و دانست
که ملک ویست دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و عز و جاه یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرای در خواب بر هفت وجه
بود یکی مرد را زن و زن را شوی دوم توانگری سیم ایمنی چهارم عیش پنجم مال ششم ولایت هفتم امانت و عشرت
سرب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی دون او را حاصل شود و اگر
بیند که سرب بگداخت دلیل که به بدی در زبان مردم افتد **سرخی جامه** بدانکه در جامه مردان سرخی کراهیت
بود و رنج و اندیشه و زنان را خیر و خرمی و اگر مردی بیند که همه جامه وی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد
و بر مردم ستم کند بقدر سرخی جامه **سرخچه** در خواب دیدن دلیل بر زیادتی مال بود و اگر بیند که بر تن وی سرخچه بیرون
آمد دلیل که مالی برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که سرخچه از تن او ناپدید شد تاویلش بخلاف این باشد **سرفه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید سرفیدن در خواب پنج وجه بود یکی سرفه تر دوم سرفه خشک سیوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون
بر آرد پنجم سرفه که صفرا بر آرد اگر بخواب بیند که بکاه سرفیدن بلغم بر آورد دلیل که پیش کسی شکایت کند از بلائی که بوی
رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت وی از محال و بیهوده بود و اگر بیند
که سرفه تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر بیند که سرفه خون داشت دلیل که شکایت وی از فرزندان
بود و اگر بیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از همه شکایت کند و اگر بیند که بهتری می سرفید دلیل که غمخوار دین
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر بیند که سرفه در گلوی او بماند دلیل که وقت
مرگش باشد اگر بیند که او را سرفه پیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بخواب بیند که می سرفید دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد **سرکه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرکه در خواب
مال حلال بود با برکت و خوردنش تاویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه الصلوة والسلام فرموده نعم
الادام الخل و بعضی معبران گفته اند که سرکه ترش در خواب غم و اندوه بود و سرکه فروش در خواب مردی خصومت طلب بود
سرگین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرگین اسپ و گاو در خواب مال و نعمت بود اگر بیند که سرگین بسیار جمع آورد
دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که سرگین مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که در آب خانه سرگین می
انداخت دلیل که مکروهی بوی رسد و نقصان مال وی بود و اگر بیند که در بستر پلیدی کرد دلیل که از مال خود بعضی بعیال
دهد و اگر بیند که سرگین افگند و آن سرگین را بخاک پوشید دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سرگین مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که بجایگاهی مجهول سرگین افگند دلیل که مال خود بجای خرج کند و اگر
بیند تن خود را بسرگین بیالود دلیل که در گناه افتد و اگر بیند که اسهال پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند دانیال علیه
السلام گوید سرگین مردم مال حرام بود و سرگین چهارپایان مال حلال بود و سرگین ددان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی
رحمة الله علیه گوید معبر پلیدی که از مردم جدا شود دلیل زیان باشد و اگر بیند که در میان پلیدی می رفت و غرق شد دلیل که او

از پادشاه غم واندوه رسد واگر بیند که پای بر پلیدی نهاد وبفتاد و جامه واندامش آلوده گشت دلیل که از حاکم مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرگین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم گشایش سیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم **سرگین گردان** یعنی جعل باشد مردی بود که مال جمع کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جعل بگرفت دلیل که او را با مردی حرام خوار صحبت افتد واگر بیند که جعل را بکشت دلیل که مردی حرام خوار بکشد واگر بیند که بخورد دلیل که مال حرام خوار بخورد **سرما** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرما در خواب رنج ومضرت بود اگر بیند که سرما بیافت دلیل که بقدر سرما درویشی وتنگدستی او را بود واگر بیند که سرما او را مضرت رسانید دلیل که از خویشان او را مضرت رسد **سرمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب مال بود اگر بیند که سرمه در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید واگر بیند که سرمه کسی را داد دلیل که بقدر آن مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب مال وجاه بود مر زنان را وبعضی معبران گویند که سرمه در خواب یافتن راه حق وصواب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید **سرمه فروش** در خواب مردی بود که در صلاح دنیا جوید زیرا که چشم دین بود وسرمه روشنائی باشد **سرمه دان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زنی بود که پیوسته با خدای تعالی باشد ومرد را از راه دین خواند اگر بیند که سرمه دان وی بشکست دلیل که زن او بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زن دین دار بود واگر بیند که سرمه دان وی ضایع شد دلیل که از صحبت زنی جدا شود واگر بیند که سرمه دانی بخرید دلیل که کنیزک دیندار بخرد **سرنج** کرمانی رحمة الله علیه گوید سرنج در خواب غم واندوه بود واگر بیند که سرنج داشت یا کسی بوی داد دلیل که غمگین ومتفکر شود واگر بیند که سرنج میخورد دلیل که بیمار شود واگر بیند که سرنج بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم رسته گردد **سرود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرود در خواب دلیل بر سخن باطل ومصیبت بود واگر بیند که سرود با نواهای دیگر چون دف وچنگ ونای میزد دلیل که اندوه ومصیبت بیشتر بود واگر بیند که سرودی شنید دلیل که سخن باطل شنود کرمانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بیند که سرود میگفت اگر در بازار بود دلیل که توانگر از رسوائی باشد ودرویشان را غم بود معبران گویند سرود گفتن در خواب یا شنیدن بر شش وجه بود یکی کلام باطل دوم غم واندوه سیوم مصیبت چهارم رسوائی پنجم جنگ ششم علم وحکمت **سرونها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرونها بخواب دیدن همه نیک باشد اگر از آن بد باشد از بزرگی خیر ومنفعت بیند واگر سرون گاو ماده بیند دلیل که در آن سال او را منفعت بسیار بود واگر بزرگ تر باشد حاصل بیشتر باشد واگر بیند که سرونی در هوا معلق آویخته بود دلیل که بمردم آن دیار خیر ومنفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر سر خود دو سرون داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد واگر بر سر خود سرونهای بسیار بیند دلیل بر غم واندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر سرون داشت دلیل که صلاح در کارش باز پدید آید وعمر در خرمی بگذارند واگر بیند که مردم را بدان سرون بیزد دلیل که بمردم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرونهای چهار پایان دشتی دلیل بر خیر ومنفعت بود وسرون چهار پایان شهری دلیل بر خلاف این بود **سریش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سریش در خواب دلیل بر غم واندوه بود وخوردن آن مضرت ونقصان باشد واگر بیند که سریش

چیزی می‌پوشاند دلیل که کاری کند که باز بصلاح آورد **سریشم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سریشم داشت یا
کسی بوی داد دلیل که بمقصود آن و براحت رسد واگر بیند که سریشم بخورد دلیل که بسبب عیال کاری کند که محکم و استوار باشد +
سرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرین در خواب دیدن یکی از خویشان بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پسر
کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند واگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که فرزندش نیک حال بود واگر سرین ضعیف
و کوچک بیند تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که سرین وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت سیوم باغ چهارم یکی از خویشان **سطل** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خدمتگار بود واگر بیند که سطلی نو بخرید دلیل که کنیزک بخرد واگر بیند که سطل وی سوراخ
شد دلیل که عیبی بر کنیزک ظاهر شود **سعتر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سعتر در خواب غم و اندوه بود و خوردن آن جنوبت
و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سعتر در خواب خیر نباشد **سفر کردن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود والا بخلاف این بود واگر بیند که سفر
کرد و ندانست که کجا رفت دلیل که از عیال خود دور گردد و یا از آن سرای نقل کند واگر بیند که بوداع قومی میرفت یا گروهی
بوداع او می‌آمدند دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز بحال خویش آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با برگ و ساز تمام
بسفر رفت دلیل که کارش نیک شود واگر بخلاف این بیند کارش بد شود **سفره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سفره نو پاکیزه داشت یا بخرید دلیل که کنیزک زشت روی بود واگر بیند که سفره بنان و نعمت بود دلیل که
ازان کنیزک منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سفره بخواب سفری با منفعت بسیار باشد اگر سفره کوچک و تهی باشد دلیل
که منفعت کمتر بود واگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کنیزکش بمیرد یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کنیزک دوم خدمتگار سوم سفر چهارم کسب معیشت **سفوف** خوردن آن در خواب
غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر
بود **سقا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقا مردی بود که بر دست وی خیرات بود خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب
بی طمع میداد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سقائی میکرد بی طمع دلیل که بکار آخرت راغب باشد واگر بیند که مشک
پر آب کرد و بکسی نداد دلیل که مال جمع کند و الا راحت از آن نیابد واگر بیند که آب بخانه کسان می برد دلیل
که بجهت کسان مال جمع کند و او را از آن هیچ تمتع نباشد **سقنقور** ماهی ایست که در میان ریگ میباشد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سقنقور داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد
اما در دین ضعیف بود و معبران گویند که ماهی سقنقور در خواب مکروه باشد **سقمونیا** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید سقمونیا در خواب دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود واگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر
خیر و منفعت بود واگر بیند که از خوردن سقمونیا مضرت یافت دلیل بر نقصان مال بود **سگ** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید سگ در خواب دشمنی بی سرمایه بود و مهربان باشد و سگ سیاه دشمنی از عرب بود و سگ سفید دشمنی

از عجم باشد و اگر بیند که سگی او را بگزید دلیل که از دشمن گزند یابد و اگر بیند که جامهٔ او آب دهن سگ آلوده شد دلیل که از دشمن سخن خسته گردد و اگر بیند که سگ جامهٔ او بدرید دلیل که در مال او نقصان آید و اگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که دشمنی از نعمت کند و اگر بیند که نان بسگ داد دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند که سگی با وی نزدیکی کرد دلیل که دشمنی بوی طمع کند و اگر بیند که سگ بروی تکبیر کرد دلیل که بر دشمنی فرومایه اعتماد کند و اگر بیند که شیر سگ میخورد دلیل که ترسی و بیمی بوی رسد و اگر بیند که سگ از وی بگریخت دلیل که دشمنی بر حذر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده سگی در خانهٔ وی آمد دلیل که زنی دون همت و فرومایه بر ان کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند که بسگ شکاری شکار میکرد دلیل که او را از دشمن که دعوی دانش کند خیری بدو رسد و اگر بیند که گوشت سگ شکاری میخورد دلیل که میراث یابد و اگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت دلیل که از دشمن با منفعت جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سیوم دانشمند چهارم مرد غماز **سکبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکبا اگر بگوشت گوسپند و حوایج نیکو پخته بود دلیل بر عیش خوش و عز و جاه بود و اگر بگوشت گاو پخته بود دلیل بر یافتن مال و خواسته بود و اگر بگوشت مرغ پخته بود دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود **سکوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکورهٔ نو بدو دادند دلیل که سخنی لطیف بشنود و اگر بیند که سکوره بشکست یا ضایع شد دلیل که سخن باطل بشنود و بعضی از معبران گویند که سکوره در خواب کنیزک بود و اگر بیند که سکورهٔ نو خرید دلیل که کنیزک نو خرد و اگر بیند که سکوره بشکست دلیل که کنیزک او هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم سخن خوش نهم میراث از جهت زنان **سکنجبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکنجبین در خواب چون شیرین بود دلیل بر مال و روزی حلال بود که آسان بدست آید و اگر ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سکنجبین خورد و اگر شیرین بود دلیل که شفا یابد و اگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز شود **سلاح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بیگانه بود دلیل که عوام زبان بروی دراز کنند و لیکن بگروهی بوی نرسد و اگر بیند که گروهی آشنا بود دلیل بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را با تیر و کمان بیند دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که از ان آلتها که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی وی بود و اگر بیند که با کسی جنگ و نبرد میکرد دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کسی او را بود دلیل که آنکس را مضرت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزد و نداند که آنکس که بود دلیل که او را مضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم ریم جمع شد دلیل که بقدر آن مال جمع شود و اگر بیند که بدان زخم که زد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از آنکس مال و نعمت رسد و اگر بیند که در حرب دست کسی ببرید دلیل که او را سخنی سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سر کسی ببرید دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش وجه بود

یکی قوت دوم بزرگی سیوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن وصلاح که درخواب پادشاه بزرگ دادگر بود

سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد دلیل که آن دوست ازوی شادی بیند و
گر دشمنی بروی سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود واگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او راندیده بود دلیل که
با وی دوستی و آشنائی گیرد واگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او راندیده بود دلیل که ازعذاب حقتعالی ایمن گردد واگر بیند
که پیری آشنا بروی سلام کرد دلیل که زنی خوب روی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب
سلام او باز نداد دلیل که میان ایشان جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که
اقبال دنیا یابد واگر بیند که در نماز بود وسلام بجانب چپ داد دلیل که کارش شوریده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سلام درخواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سیوم اقبال چهارم منفعت مال **سلطان** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که سلطان درسرای یا در مسجدی یا در شهری یا در دهی شد دلیل که رنجی و مصیبتی بدان مقام رسد قوله تعالی
إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا اگر بیند که در جنگ با سلطان غلبه کرد دلیل آنکه حاجتی که دارد روا شود
ومقصود برسد واگر بیند که سلطان دست راستش ببرید دلیل که سوگندش دهند واگر بیند که سلطان از تخت بیفتاد
یا تخت بشکست یا اسپ او را لگد زد یا شمشیر وی بشکست یا گاوی سرونی بروی زد و او را مجروح گردانید اینهمه
دلیل بر زوال مملکت وی بود واگر سلطان را دادگر بیند دلیل بر شرف و بزرگی وی بود بقدر آنکه عدل کند واگر بیند
که سلطان لباسی بزرگ بگسترد دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
سلطان کار خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جاهش زیادت گردد واگر سلطان مرده را گشاده روی و خرم بیند و
با وی سخن گفت دلیل که کار او نیکو شود و شغلهای مرده او زنده گردد **سماروغ** گیاهیست که او را کماغ خوانند
دیدن وی بخواب زنی بود که در وی خیر نباشد واگر زیاده از سه سماروغ بیند دلیل بر مال و نعمت بود که از زنی
بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سماروغ بزرگ بود دلیل که او را پسری آید واگر کوچک بود او را دختری آید

سماق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سماق درخواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود واگر بیند که سماق خورد
دلیل که کسی گفتگو کند و در خوردن سماق هیچ خیر نبود **سمانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه درخواب
پسری غلام بود واگر بخواب بیند که سمانه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که غلامش را فرزندی آید واگر بیند که سمانه
در دست وی بپرید فرزند و غلامش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمانه درخواب مالی و روزی حلال بود قوله تعالی
وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ اگر بیند که گوشت سمانه بخورد دلیل که روزی حلال یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید سمانه درخواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم خیر و مال **سمور**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمور درخواب مردی کافر و ظالم و راهزن بود واگر بیند که با سمور نبرد
میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت کند و قوت او را بود که غالب آید واگر بیند که گوشت سمور بخورد
دلیل که مال مردی ظالم بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمور درخواب مردی غریب توانگر بود و گوشت و پوست

وموی وی در خواب مال و خواسته بود واگر بیند که سمور را بکشت و گوشت او بر زمین افتاد دلیل که مال مردی غریب
تلف کند **سنان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بیفگند دلیل که خصم را بحجت
غلبه کند و بر وی ظفر یابد واگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سنان پولاد درفشنده داشت اگر از اهل آن باشد دلیل که ولایت یابد واگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند
واگر بیند که سنانش زنگ گرفته بود دلیل که نفعش اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنان در خواب
بر شش وجه بود یکی حجت دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنان **سنب**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنب در خواب فرزند بود واگر بیند که سنبی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی
آید واگر بیند که سنبی داشت و از وی ضایع شد دلیل که فرزندش غایب شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سنب در خواب
مال بود واگر بیند که سنبها فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند واگر بیند که بر پای او سنب بود دلیل
که عمرش بخوشی و خرمی گذرد واگر بیند که سنب بیفتاد تاویلش بخلاف این بود **سنبل** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب دید که سنبل داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند واگر بیند که سنبل خشک داشت تاویلش
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنبل تازه میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزندی آیدش که
در آن دیار مشهور گردد واگر بیند که سنبل بر آتش میسوخت دلیل بر نقصان مال بود **سنجاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
سنجاب در خواب مردی غریب بود اگر و نا آمیزنده بود و پوست و موی و استخوان وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال حرامی
بود واگر بیند که سنجاب بکشت و گوشت او بخورد و بیفگند و پوست او پاره کرد دلیل که مال مردی غریب تباه کند و یا بغصب
بستاند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنجاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری ببرد **سنجد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجد در خواب مال صالح بود که برنج بدست آرد اگر بیند که سنجد خرید یا کسی بوی داد دلیل که مال بسیار
حاصل کند واگر بیند که سنجد میخورد دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجد در خواب بر سه وجه بود یکی
مال برنج دوم مال بی رنج سوم منفعت از مردم بدخوی **سندان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سندان بخواب دیدن
رئیس بزرگ بود واگر بیند که سندان فراگرفت یا کسی بوی داد و دولت که ملک اوست دلیل که از رئیسی خیر و منفعت یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل که با مهتری صحبت افتد او از وی راحت یابد واگر بیند که سندانی بکسی داد یا
ضایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود یکی
مهتری دوم منفعت سوم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال در کارها **سنگها** کرمانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن
سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم مهتری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر باشد اگر بیند که سنگی سپید بگرفت دلیل که با مهتر
خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد واگر بیند که سنگی سیاه بگرفت دلیل که با مهتری از عرب او را صحبت افتد واگر
بیند که سنگی سرخ بگرفت دلیل که از مهتری مفسد او را رنجی باشد واگر بیند که بر کوهی برفت و سنگهای بسیار در دامن کوه بگرفت
و بیاورد و بدیگر آن سنگها سپید یا سیاه بود دلیل بر منافقی کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد واگر

سنان
سنب
سنبل
سنجاب
سنجد
سندان
سنگها

بیند که سنگ از زیر آب جمع میکرد دلیل که مال بمکر و حیلت جمع کند و اگر بیند که سنگ از کوه میتراشید دلیل که مال از بزرگی جمع
کند و اگر بیند که سنگ از بیابان جمع میکرد دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بیند که سنگ بر کسی انداخت دلیل که بکراهیت از مال
خود بکسی چیزی دهد و اگر بیند که کسی سنگ بر او انداخت دلیل که بقدر آن مال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی
سنگ انداخت دلیل که بر وی تهمت کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم
مهتری سوم سختی در کارها چهارم کسب **سنگ خواره** مرغیست که سنگ ریزه میخورد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سنگ خواره گرفت دلیل که در کارها دشواری افتد و از آن خیر نه بیند یا او را با مردی ابله کار افتد و اگر بیند که سنگ خواره
از دستش بپرید یا در دستش بمرد دلیل که از کاری دشوار برود ی خلاصی یابد و اگر بیند که گوشت سنگ خواره خورد دلیل که از
کسب بدشواری چیزی بدست آرد **سواری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سواری میکرد دلیل که از
پادشاه اسپ و سلاح و نعمت یابد و اگر بیند که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند دلیل که بر گروهی فرمان روائی یابد و
اگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بوی دادند دلیل که او را از کسی غریب منفعت رسد و اگر بیند که سواران معروف چیزی
بوی دادند دلیل که او را از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سوار از با جامه کبود و بر اسپان لاغر دید کین بیند تاویلش [illegible]
این بود **سورهای قرآنی** خواندن در خواب **سورة الفاتحه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة الفاتحه میخواند دلیل که عمرش دراز باشد و خاتمت کارش با ایمان بود **سورة البقره** اگر بخواب بیند که سورة
البقره میخواند همین تاویل دارد و از شر دشمنان ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید میان خلق راستگوی باشد و اگر درویش
باشد توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر بنده بود آزاد گردد **سورة آل عمران** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة آل عمران میخواند دلیل که از همه بدیها ایمن گردد و پاک شود و عاقبت خیر گردد جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید اگر بیند که آیه شهد الله میخواند دلیل که بقضای حق تعالی راضی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر وام
دارد بگذارد و مردم او را عزیز دارند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آیه قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ در خواب
میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد **سورة النسا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة
النسا میخواند دلیل که میراث یابد و خویشان و اهل بیت او بسیار شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید مال و نعمت او بسیار شود **سورة
المائده** جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بیند که سورهٔ مایده میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد کرمانی رحمة الله
علیه گوید خواندن سورهٔ مایده دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و معبران گویند که خواندن سورهٔ مایده در خواب دلیل بر صحت
و سلامتی بود **سورة الانعام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که سورة الانعام میخواند دلیل که سعادت
دنیا و آخرت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید چهارپایان بسیار حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که باحسان و سخاوت
توفیق یابد **سورة الاعراف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعراف میخواند دلیل که دیندار
و موءمن بود و عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن سورة اعراف در خواب دلیل که کوه طور را زیارت کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سورهٔ اعراف در خواب دلیل که همه خلق از وی خوشنود گردند و امانت نگاه دارد

سنگ خواره
سواری کردن
سورة الفاتحه
سورة البقره
سورة آل عمران
سورة النسا
سورة المائده
سورة الانعام
سورة الاعراف

سورة الانفال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفال میخواند دلیل که بخیر وصلاح بود **سورة التوبه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التوبه میخواند دلیل که از گناه توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید سرانجام
کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین یگانه بود **سورة یونس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة یونس میخواند دلیل که روزی او فراخ گردد و کارش براد شود کرمانی رح گوید که مکر کافران وکید حاسدان وی دفع شود
و بر دشمن غالب گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفظ و عبادتش نیکو شود **سورة هود** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که سورة
هود میخواند دلیل که روزی او از کشت و زرع بود کرمانی رح گوید کارش نیکو گردد و در کارها اقبال یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که در راه دین یگانه شود **سورة یوسف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة یوسف میخواند دلیل که سفر بسیار
کند و مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید پس از رنج و محنت عز و بزرگی یابد و کارش بالا گیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
راست قول و با امانت باشد **سورة الرعد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الرعد میخواند دلیل که پیوسته
بعبادت و قرآن خواندن مشغول گردد کرمانی رح گوید که بکار خیر و طاعت راغب گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
دلیل که عمرش کوتاه باشد **سورة ابراهیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة ابراهیم میخواند دلیل که مدام
بطاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نزد حق تعالی عزیز و گرامی بود و عاقبتش محمود گردد
سورة الحجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الحجر میخواند دلیل که نزد حقتعالی جل وعلا پسندیده بود کرمانی
رح گوید که هر امیدی که دارد حاصلش آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید حضرت باری سبحانه وتعالی او را علم روزی گرداند و حاجتش
بنیفزاید **سورة النحل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النحل میخواند دلیل که روزی حلال یابد و دوستدار
اهل دین باشد کرمانی علیه الرحمة گوید که از محنت و آفت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حق سبحانه وتعالی
او را علم روزی کند **سورة بنی اسرائیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة بنی اسرائیل میخواند
دلیل که نزد حقتعالی قرب یابد و در دنیا جاه و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل برسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که دین و اعتقادش پاک شود **سورة الکهف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الکهف میخواند دلیل که از همه بلاها ایمن گردد و در راه دین یگانه و مخلص بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عمرش دراز گردد
و سعادت عقبی یابد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید که چندان عمر بیابد که بمراد برسد **سورة مریم** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سورة مریم میخواند دلیل که در قیامت از عذاب در کنف باریتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید
راه خیرات گیرد و سنت پیغامبر صلی الله علیه وآله وسلم بجای آورده **سورة طه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة طه میخواند دلیل که با دشمنی سختی گوید و دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید نامش در دیار بخیرات منتشر گردد جعفر
صادق رضی الله عنه در راه دین یگانه و نامدار گردد **سورة الانبیا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الانبیا
میخواند دلیل که حق تعالی جل وعلا او را سیرت انبیا بخشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اقبال دو جهانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عالم و دانا شود و از مشقت آسانی یابد **سورة الحج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که سورة الحج میخواند

سورة الانفال
سورة التوبه
سورة یونس
سورة هود
سورة یوسف
سورة الرعد
سورة ابراهیم
سورة الحجر
سورة النحل
سورة بنی اسرائیل
سورة الکهف
سورة مریم
سورة طه
سورة الانبیا
سورة الحج

دلیل که مال خود را در راه خدا تعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که ورد های پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
در زهد یگانه و در راه دین مجتهد بود **سورة المؤمنون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المؤمنون
میخواند دلیل که با مومنان در بهشت رود کرمانی رحمة الله علیه گوید درجات دینش قوی گردد و سیرت پسندیده اختیار کند
سورة الفرقان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفرقان میخواند دلیل که بر راستی حق از باطل جدا
شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میان خلق منصف و داد گر گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید از راه باطل براه حق گراید
سورة النور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النور میخواند دلیل که دلش بعلم و حکمت منور گردد
سورة الشعرا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الشعرا میخواند دلیل که در پناه حقتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه
گوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید باری سبحانه و تعالی او را از فواحش نگاه دارد
سورة النمل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النمل میخواند دلیل که بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید
دولت بخشش مساعد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یابد **سورة القصص** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القصص میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بذکر حق تعالی مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
پیوسته در راه دین و صلاح کوشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید درهای رحمت بروی کشاده گردد **سورة العنکبوت**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العنکبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در امان خدا تعالی باشد کرمانی
رحمة الله علیه گوید از رنج و بلا ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت او نصیب بود
سورة الروم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الروم میخواند دلیل که بر دست وی شهری
از روم کشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید در کار دین و غزا و جهاد مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قوم
را از دین و صلاح وی بهره باشد **سورة السجده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة السجده میخواند
دلیل که در سجده باشد که از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که سجود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق علیه السلام
فرماید که عاقبت کارش محمود باشد **سورة الاحزاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الاحزاب میخواند دلیل که مال یابد و خصم دهر کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الاحزاب میخواند دلیل که
صد دنیا یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که سورة الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه و تعالی یابد
سورة السبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة السبا میخواند دلیل که زاهد و عابد گردد کرمانی
رحمة الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلحا گزیند **سورة فاطر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
پیوسته در طاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشاده گردد **سورة یس** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة یس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید عمر
دراز باشد از حق تعالی جل و علا رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه

سورة المؤمنون
سورة الفرقان
سورة النور
سورة الشعرا
سورة النمل
سورة القصص
سورة العنکبوت
سورة الروم
سورة السجده
سورة الاحزاب
سورة السبا
سورة فاطر
سورة یس

وسلم ورولش مستقیم شود **سورۃ الصافات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الصافات میخواند
دلیل کہ ہدایت دین از باری سبحانہ وتعالی توفیق یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ براہ صلاح درآید جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید کہ فرزندی صالح آید **سورۃ ص** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ ص میخواند
دلیل کہ مالش زیادہ گردد و بزرگ شود **سورۃ الزمر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ
الزمر میخواند دلیل کہ حق سبحانہ وتعالی گناہش عفو کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید دینش قوی گردد **سورۃ مومن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ مومن
میخواند دلیل کہ مومن مخلص بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید شریعت نگاہدارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید رحمت
وغفران باشد **سورۃ فصلت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ فصلت میخواند از مقربان
حق گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید پیوستہ در صلاح دین گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید داعی بود بحق وحاجات
کند وی را **سورۃ حم عسق** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ حم عسق میخواند دلیل کہ در آخرت از
عذاب رستہ گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید تاویلش ہمین باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید عمرش دراز گردد **سورۃ
الزخرف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الزخرف میخواند دلیل کہ نماز وطاعت بسیار کند
وپیوستہ روزہ دارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید راست قول وخوب افعال بود **سورۃ الدخان**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الدخان میخواند دلیل کہ شب طاعت کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید
راست گوی باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید توانگر گردد **سورۃ الجاثیہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر
بخواب بیند کہ سورۃ الجاثیہ میخواند دلیل کہ توبہ کند وبخداوند تعالی بازگردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید اگر بزہ کار بود
توبہ کند **سورۃ الاحقاف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الاحقاف میخواند دلیل کہ فرمان
مادر وپدر بجای آورد کرمانی رح گوید با مادر وپدر چنان کند وعجایبہا بسیار بیند **سورۃ محمد علیہ السلام** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ محمد علیہ السلام میخواند دلیل کہ بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید از آفت وبلا
ایمن گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید در جہان توفیق یابد **سورۃ الفتح** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر
بخواب بیند کہ سورۃ الفتح میخواند دلیل کہ در ہمہ باب اورا فتح ونصرت باشد **سورۃ الحجرات** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحجرات میخواند دلیل کہ مردم را بالقاب خواند وغیبت نکند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید
کہ آزار کس نجوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ با مردم پیوندد **سورۃ الذاریات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ
گوید اگر بیند کہ سورۃ الذاریات میخواند دلیل کہ بطاعت وعبادت مشغول گردد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ با خلق خدای
جود واحسان کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بروی روزی فراخ گردد **سورۃ قاف** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ قاف میخواند دلیل کہ حق سبحانہ وتعالی اورا بکارہای خیر وصلاح توفیق بخشد کرمانی رحمۃ اللہ
علیہ گوید کہ کارہای دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ [illegible]ب خود بہرہ یابد **سورۃ الطور**

سورۃ الصافات
سورۃ ص
سورۃ الزمر
سورۃ مومن
سورۃ فصلت
سورۃ حم عسق
سورۃ الزخرف
سورۃ الدخان
سورۃ الجاثیہ
سورۃ الاحقاف
سورۃ محمد
سورۃ الفتح
سورۃ الحجرات
سورۃ الذاریات
سورۃ قاف
سورۃ الطور

ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الطور میخواند دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ حق تعالی
جل و علا او را یاری دہد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در مکہ مجاور شود **سورۃ النجم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
اگر بخواب بیند کہ سورۃ النجم میخواند دلیل کہ حقتعالی جل و علا در رحمت بروی کشادہ گرداند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بر دشمن
ظفر یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ حق سبحانہ و تعالی او را پسری صالح دہد **سورۃ القمر** ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القمر میخواند دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کارہای
دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ جادو بروی کار نکند **سورۃ الرحمن** ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الرحمن میخواند دلیل کہ از دروغ و حرام اجتناب کند کرمانی رحمۃ اللہ
علیہ گوید کہ سیرت نیکو و راہ دین گزیند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید در این جہان مال یابد و در آنجہان نعمت **سورۃ
الواقعہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الواقعہ میخواند دلیل کہ از گناہان توبہ کند کرمانی
رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در طاعت سبقت کند **سورۃ الحدید**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحدید میخواند دلیل کہ روزی برنج و سختی یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ
گوید کہ راہ آخرت گزیند و رضای حقتعالی جوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ در راہ دین ستودہ گردد
سورۃ المجادلہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المجادلہ میخواند دلیل کہ او را
با زنان خصومت افتد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ در راہ دین با خلق مجادلہ کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید
با اہل خود خصومت کند **سورۃ الحشر** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحشر میخواند
دلیل کہ حشر وی با مخلصان باشد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ صحبت او با دینداران و اہل صلاح باشد جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید کہ بر دشمن ظفر یابد **سورۃ الممتحنہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ
الممتحنہ میخواند دلیل کہ آزمایش کار بر آستی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ صحبت او با اہل صلاح باشد جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید کہ بمحنتی گرفتار شود کہ ہلاک او در آن باشد **سورۃ الصف** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
اگر بخواب بیند کہ سورۃ الصف میخواند دلیل کہ در راہ خدای عز و جل غزا کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ پیوستہ در رضای
خدا تعالی باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ آخر عمر شہادت یابد **سورۃ الجمعہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
اگر بخواب بیند کہ سورۃ الجمعہ میخواند دلیل کہ حق سبحانہ و تعالی او را توبہ روزی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توفیق
خیرات یابد **سورۃ المنافقون** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المنافقون
میخواند دلیل کہ منافق باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از منافقی توبہ کند **سورۃ التغابن** ابن سیرین رحمۃ اللہ
علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ التغابن میخواند دلیل کہ صدقات بسیار دہد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ دستگیری
ضعیفان بکند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید راست قول و مقیم احوال باشد **سورۃ الطلاق** ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الطلاق میخواند دلیل کہ با زنان گفتگوی کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سیرت

حق نگاہدارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ گفتگوی از ہر کار دین کند **سورۃ التحریم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ فرماید
اگر بخواب بیند کہ سورۃ التحریم میخواند دلیل کہ در خانۂ خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید از حرام
توبہ کند و دور باشد **سورۃ الملک** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الملک میخواند
دلیل کہ او را عذاب گور نباشد کرمانی رح گوید کہ عاقبتش محمود باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ شرف و بزرگی یابد **سورۃ
القلم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ القلم میخواند دلیل کہ صدقہ و خیر کردن دوست دارد و
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید با ہمہ کس احسان کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ خدای عزوجل او را علم روزی کند
سورۃ الحاقہ ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الحاقہ میخواند دلیل کہ فریضہای خدائیتعالی
بگذارد و کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ بر جادۂ شرع باشد **سورۃ
المعارج** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المعارج میخواند دلیل کہ خیر و نیکی بسیار
کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بخیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ از ترس ہم ایمن گردد
سورۃ نوح ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۂ نوح میخواند دلیل کہ توبہ کند و عاقبتش
محمود گردد و کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ تا دلیش ایمن بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید امر معروف کند **سورۃ
الجن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الجن میخواند دلیل کہ توبہ کند و از آفت جن ایمن باشد
جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ دیو و پری مضرت او را نرساند **سورۃ مزمل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
اگر بخواب بیند کہ سورۃ المزمل میخواند دلیل کہ نماز شب دوست دارد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توفیق طاعت یابد
سورۃ مدثر ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ المدثر میخواند دلیل کہ عمل صالح کند جعفر
صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ سیرت پاک و راہ راست یابد **سورۃ القیمہ** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند
کہ سورۃ القیمہ میخواند دلیل کہ بشہادت از دنیا برود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ تائب گردد **سورۃ
الانسان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ الانسان میخواند دلیل کہ درویشان را طعام
دہد و رضای حقتعالی عزوجل جوید کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ بر سخاوت و شکر نعمت توفیق یابد **سورۃ المرسلات**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ سورۃ المرسلات میخواند دلیل کہ از دروغ گفتن توبہ کند کرمانی
رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ راہ راست جوید جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ روزی بروی فراخ گردد **سورۃ
النباء** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النبا میخواند دلیل کہ ترس کار و متوکل بود
کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ کار خیر کند جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید کہ کارش بزرگ شود **سورۃ
النازعات** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند کہ سورۃ النازعات میخواند دلیل
کہ بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید کہ توبہ کند و از عقوبت ایمن گردد جعفر صادق رضی اللہ
عنہ گوید کہ دلش از مکر و حیلت و خیانت پاک گردد **سورۃ عبس** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بخواب بیند

سورۃ التحریم
سورۃ الملک
سورۃ القلم
سورۃ الحاقہ
سورۃ المعارج
سورۃ نوح
سورۃ الجن
سورۃ مزمل
سورۃ المدثر
سورۃ القیمہ
سورۃ الانسان
سورۃ المرسلات
سورۃ النبا
سورۃ النازعات
سورۃ عبس

که سورهٔ عبس میخواند دلیل که بر مردم روی ترش کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که خیرات کند **سورة التکویر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التکویر میخواند دلیل که او را
درد چشم ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه
میترسد ایمن شود **سورة الانفطار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفطار میخواند دلیل که
از خدای تعالی ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که میل وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک
عزیز و محترم باشد **سورة المطففین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المطففین میخواند دلیل
که کیل و پیمانه راست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که راستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس مشفق بود
سورة الانشقاق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت
نامهٔ اعمال وی در دست راست وی دهند کرمانی رحمة الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به اسناد و متدفنا
بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نسلش بسیار گردد **سورة البروج** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البروج میخواند دلیل که در دنیا اندوهگین باشد و عاقبت کارش محمود گردد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع الدرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از غمها فرج یابد **سورة
الطارق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را فرزندی صالح آید
کرمانی رحمة الله علیه گوید او را فرزندی خوبروی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل و خرم شود
سورة الاعلی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار
خواند کرمانی رح گوید زبانش بذکر حق مشغول و جاری گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان
گردد **سورة الغاشیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الغاشیه میخواند دلیل که از هول قیامت
ترسد و توبه کند و از آتش ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در رضای حقتعالی عزوجل ثابت بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود **سورة الفجر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفجر
میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام بگزارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
هیبت و شکوه او کم شود **سورة البلد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که صدقه
دادن برو واجب باشد و دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که از آفات و بلیات ایمن گردد **سورة الشمس** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که از بلاها ایمن گردد **سورة اللیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة اللیل میخواند دلیل که
سایلان را منع نکند و زکوة مال دهد **سورة الضحی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الضحی
میخواند دلیل که چیزی بخواهندگان بدهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان را عزیز دارد سورة

سورة التکویر
سورة الانفطار
سورة المطففین
سورة الانشقاق
سورة البروج
سورة الطارق
سورة الاعلی
سورة الغاشیه
سورة الفجر
سورة البلد
سورة الشمس
سورة اللیل
سورة الضحی

الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد **سورة التین** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خوبروی و خوب کردار گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد **سورة العلق** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید که عالم و فصیح گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود **سورة القدر** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا بیرون نرود تا ثواب شب قدر یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز گردد و مراد یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد
سورة البینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البینه میخواند دلیل که با توبه از دنیا
برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که مردم او را خیر و صلاح دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که همین تاویل دارد **سورة
الزلزله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الزلزله میخواند دلیل که او را با کسی کاری افتد و عدل و
انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران هلاک کند **سورة العادیات** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العادیات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارند کرمانی رحمة الله علیه
گوید که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غزا کند و مظفر گردد **سورة القارعه** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القارعه میخواند دلیل که در قیامت ترازوی اعمال وی از کردار نیک گران آید کرمانی
رحمة الله علیه گوید که در کار خیر کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را گرامی دارد **سورة التکاثر** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التکاثر میخواند دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدارد **سورة العصر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند دلیل که در کارها صابر و شکیبا گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که او را زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود **سورة الهمزه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الهمزه میخواند دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم روشناس
گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با مال حریص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه خدا تعالی
مال نفقه کند **سورة الفیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل میخواند دلیل که ظالم را
یاری دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر یابد و مرادش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بدست او فتحی بر آید
و بر دشمن ظفر یابد **سورة القریش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند دلیل که از
ترس و بیم ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را نصیحت کند در راه دین جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که با خلق احسان کند **سورة الماعون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره

الماعون میخواند دلیل که نماز گذارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حذر باید کردن از صحبت بددینی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد **سورة الکوثر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که سورة الکوثر می خواند دلیل که مال و نعمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که از بزرگان عطا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند **سورة الکافرون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که سورة الکافرون میخواند دلیل که براه بدعت رود و بدنیا مغرور گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اجل او فراز رسیده باشد زیرا که چون این سوره نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آخر عمر بود **سورة النصر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النصر میخواند دلیل که در راه خدای تعالی متوکل گردد **سورة تبت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة تبت میخواند دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبت خدای تعالی در خطر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که او را زنی بدکردار باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گروهی به بدی وی کوشند **سورة اخلاص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة اخلاص می خواند دلیل که در راه دین موحد و یگانه گردد و توفیق طاعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که پاک دین و نیک اعتقاد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد و عیش بر وی خوش گردد **سورة الفلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند دلیل که جادو بر وی کار نکند کرمانی رحمة الله علیه گوید که از شر بدکرداران ایمن گردد **سورة الناس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که سورة الناس میخواند دلیل که او را حقتعالی از چشم بد نگاهدارد و روزی بر وی فراخ گردد و اگر ببیند که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ میگفت دلیل که مال و خواسته یابد و اگر بخواب بیند که آیتی از قرآن میخواند که تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی **سوزن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوزن داشت و چیزی دوخت دلیل که شغلهای پراگنده وی جمع شود و حاجتش روا شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جامه میدوخت دلیل که احوال او نیکو گردد و اگر بیند که سوزن او گم شد دلیل که احوالش بد بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسے بیند که کسی سوزنی بوی بخشید دلیل آنکس مشفق احوال او باشد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل بر خیر و صلاح کار او بود **سوسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسمار وی را بگزید دلیل که مضرت یابد و اگر بیند که سوسماره را بکشت دلیل که بر دشمن، قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت بود که بوی رسد و اگر بیند که سوسمار در خانه وی بانگ کرد دلیل که از خانه وی آواز شیون برآید **سوسن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سوسن در خواب بوقت خود دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و او را فرزندی آید و بیوقت دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسن از درخت بکند و بغلام داد دلیل که غلامش گوید کرمانی رحمة الله گوید اگر بیند که کسی دسته سوسن بوی داد دلیل که میان ایشان گفتگوی خیزد مغربی رحمة الله علیه گوید که درخت سوسن در خواب کنیزک بود **سوگند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوگند خورد دلیل که کاری نیک بر دست وی برآید یا امانتی گذارد یا خیراتی کند و از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که سوگند بدروغ

خورد دلیل بر خشم خدای تعالی بود و در رحمت افتد مگر توبه کند و در دام غرق شود و از پادشاه زیان بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سوگند راست خورد دلیل که او را توبه باید کرد از گناه و خطا تا رستگار شود و اگر بیند که سوگند دروغ خورد دلیل که دینش تباه
شود و اعتقادش خلل پذیرد لقوله تعالی وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوگند براست خورد دلیل که اندوه و مضرت بیند **سوراخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوراخی
بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی بود و از آن خون میرفت
دلیل که او را زیانی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود دلیل که از عیال خود ناایمن بود و اگر بیند
که در سنگی سوراخ میکرد دلیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در درختی سوراخ میکرد تاویلش بخلاف این بود و معبران گویند
که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود **حکایت** در خبر است که مردی پیش امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه
آمد و گفت بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز بسوراخ رود نتوانست رفت
گفت آن سوراخ دهن است و آن گاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نرود **سوهان** در حرف میم بیان کفتیم
سیب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود و چون سرخ
باشد منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازرگان بود و چون زرد و ترش بود دلیل بر بیماری بود و اگر
بیند که سیبی سپید بدو نیم کرد دلیل که شرکت با کسی که دارد از وی جدا شود و اگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز
کرد و خورد دلیل که او را دختری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب دلیل خبر بود و اگر سیب ترش بود دلیل
خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود دلیل که خبر خوش شنود دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که
سیب داشت و خورد دلیل که نفع یا بد و سیب همت بیننده خواب باشد در شغل و صنعت وی اگر پادشاه سیب
بخواب بیند دلیل که مملکت یابد و اگر بازرگان بیند دلیل که تجارت نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب
در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم منفعت سوم بیماری چهارم کنیزک پنجم مال ششم فرمان روائی هفتم همت خداوند
خواب و خبر غایب و حاضر **سیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود که از پس مردم گویند اگر بیند که سیر پخته خورد دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رح
گوید که سیر در خواب رنج و گریستن باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم
سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم گریستن پنجم سختی دیدن **سیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در خواب
سیری بیند دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند دلیل که معصیت کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود از وی مزاج
برنج آید **سبز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سبزی داشت دلیل که نامش بخیر و نیکی منتشر گردد و اگر
بیند که در زمین او سبزه بود بوقت خود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر مضرت باشد
سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سنگی شد دلیل که در فتنه افتد

داگر بیند که سیکی میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می بخیت و می خورد دلیل که مالی حرام برنج و سختی بدست آورد
داگر بیند که درخانه سیکی بسیار داشت دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می آمیخت
و میخورد دلیل که مالی یابد که بعضی حلال باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی میفروخت دلیل که چیزی حرام فرو شد و ربا
دهد و سیکی خوردن خیر نباشد و والی را دلیل بر عزل بود و سیکی خر ماغم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیکی
در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم تزویج کردن سیوم نعمت ناگهانی و سیکی فروش در خواب مردی بود
که جنگ و فتنه طلب کند **سیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیل در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه
ظالم بود و اگر بخواب بیند که سیل را از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و غم و اندوه وی کم شود و اگر
بیند که سیل بگریخت دلیل که از دشمن بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب در دیار رسد و سیر غم و اندوه بود
درد یار کرم سیر دلیل بر منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سیل بیند و نداند که این سیل از کجاست دلیل که
حق سبحانه و تعالی عذابی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از معبران گویند که چون
بخواب بیند که سیل جائی خراب میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم مصادره بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن سیل در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه ستمگر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی
سیماب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در معدن سیماب در رفت یا از آنجا سیماب برگرفت دلیل که
زنش در کار بد افتد و اگر بیند که سیماب بفروخت یا بکسی داد دلیل که از مکر و حیلت زن ایمن گردد و اگر بیند که در چشمه سیماب
غرق شد دلیل که زنان بروی جادو کنند **سیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار مردم باشند که در خواب سیم
ببینند و در بیداری سیم یابند و بسیار بود که در خواب سیم ببینند و در بیداری غم و اندوه بود و سبب طبیعت
مختلف کرمانی رحمة الله علیه گوید سیم درست در خواب خبر راست باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کیسه
بود دلیل که کسی پیش او ودیعتی نهد دانیال علیه السلام گوید اگر کاسه یا آفتابه یا طشت سیمین بخواب بیند که بی اندازه
آلات سیمین بیافت دلیل که بقدر آن گنج یابد و اگر بیند که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از انبار زنی خواهد
و سیم پاره در خواب مردی بود که در حق او سخن زشت گویند **سیمرغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب
سیمرغ نر بیند دلیل که با مردی خوش طبع و بزرگوار دوستی کند و اگر سیمرغ ماده بیند دلیل که زنی با جمال و خوبروی
بود و اگر بیند که سیمرغ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که با سیمرغ جنگ میکرد دلیل که با مردی
بزرگ خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یابد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که سیمرغ ماده گشت دلیل که دوشیزگی دختری بستاند و اگر بیند که سیمرغ از دست وی پرید
دلیل که زن را طلاق دهد و اگر ببیند که بچه سیمرغ بگرفت دلیل که او را فرزندی ابله آید مغربی رحمة الله علیه
گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود و اگر ببیند که سیمرغ در کوچه فرود آمد و اهل کوچه سیمرغ را بکشتند
دلیل که پادشاه آن دیار هلاک شود و اگر بیند که از سیمرغ می ترسید دلیل که پادشاه او را عطا دهد

سینه

سینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سینه در خواب شریعت بود قوله تعالی اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ اگر بخواب بیند که سینهٔ وی فراخ شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد واگر بیند که سینهٔ وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود واگر بیند که بر سینه وی خطی سبز نبشته بود دلیل که حق با وی کرامت کند واگر بیند که بر سینهٔ وی خطی کبود نبشته بود دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت بمیرد واگر بیند که از سینه موی سترده بود دلیل که وامش گذارده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سینه وی دم گرفته بود چنانکه دم متوالست زدن دلیل که دین و دنیا بروی گشاده شود واگر بیند که سینهٔ وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل او تعلق بکسی بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که سینهٔ او تنگ بود دلیل که تنگدل گردد واگر سینهٔ خود فراخ بیند دلیل که خرم و شادگردد و بعضی معبران گویند اگر کافر سینهٔ خود را منشرح بیند دلیل که مسلمان شود قوله تعالی فَمَنْ یُّرِدِ اللّٰهُ اَنْ یَّهْدِیَهٗ یَشْرَحْ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید دیدن سینه در خواب بر هفت وجه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم مرگ هفتم بخل

شادی

حرف الشین

شادی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود واگر بیند که کسی شادمان شد دلیل که از انکس غم و اندوه رسد واگر مرده را در خواب شاد و خرم بیند دلیل که حالش نیکو گردد و خاتمش بسعادت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که بی سببی شادمان بود دلیل که اجلش فرا رسیده بود قوله تعالی حَتّٰۤی اِذَا فَرِحُوْا بِمَاۤ اُوْتُوْۤا اَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً

شادروان

شادروان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شادروان نو و فراخ در خواب گسترده بود دولت که ملک اوست دلیل که بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر دراز یابد واگر بیند که بشادروان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل بر مال و نعمت و درازی عمر و روزی بود واگر بیند که در جایگاهی بیگانه از بهر او شادروان گسترده بودند و نداند که شادروان از آن کیست دلیل که احوال بروی متغیر گردد و در غربت بمیرد واگر شادروان کوچک در خواب بیند دلیل بر روزی اندک و عمر کوتاه بود واگر بیند که شادروانی پیچیده برخود گرفت بود دلیل که از جای خود بجای بیگانه رود واگر بیند که بر شادروان صورت مردی نگاشته بود و آنمرد را می شناخت و با وی سخن گفت دلیل که آنمرد را بدروغ ستایش کند واگر بیند که شادروان بفروخت یا بکسی داد تاویلش بد بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که شادروان گسترده بود دلیل که بر درازی عمر و ساختگی کار او بود واگر بیند که شادروان کوچک بود و در زیر او فراخ شد دلیل که روزی بروی فراخ گردد واگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او تنگ شود واگر بیند که شادروانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت و بکنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروان کهنه و دریده بود دلیل که بعفت دنیا مشغول گردد واگر بیند که شادروان سیاه یا کبود بود دلیل که غم و اندوه بود واگر بیند که شادروان زرد بود دلیل بر بیماری بود واگر شادروان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی روزی حلال بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروانی مجهول در جایگاهی مجهول افگنده بود دلیل که آنچه دارد از دستش برود واگر بیند که شادروان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خداوند خانه را روزی و نعمت بود واگر بیند که در خانه مجهول شادروانی

انداخته بود و او بر آن نشسته بود دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شادروان
در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر سوم منفعت چهارم معیشت **شاخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن
شاخها در خواب بر خداوند خواب دلیل بر برادران و فرزندان و خویشان بیننده خواب کند و اگر بیند که شاخهای
درخت بسیار و انبوه بود دلیل که خویشان او بسیار بوند و اهل بیت او بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف این بود تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود ببرید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور کند و اگر بیند که شاخ درخت وی
خشک شد دلیل که از خویشان او یکی هلاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تاویلش بدیگران باز گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرما بوی دادند یا بیافت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی بخورد
دلیل که بقدر آن مال فرزند خورد **شانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسب بود
و در دین او نفاق باشد و اگر بخواب بیند که سر و ریش را شانه میکرد دلیل که از غمها فرج یابد و وامش گذارده شود و بمراد برسد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریش را شانه میکرد و یکان موی برون می آورد دلیل که زکوة مال بدهد مغربی رحمة الله
علیه گوید شانه در خواب یاران موافق در کار خیر باشد و موی را شانه کردن یافتن مراد بود و شانه تراش مردی بود که غم و اندوه
از دلش ببرد و وام بگذارد و بعضی معبران گویند که مردم خوبروی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد **شانه
آدمی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه آدمی در خواب دیدن زن بود و اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی
بخواهد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را زنی حاصل شود و اگر بیند که دوش وی بشکست دلیل که زنش بمیرد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و رگها پدید بود دلیل که در آنسال رنج بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند در آن شانه سیاهی بود دلیل که در آنسال آفت و بلا باشد و اگر در آن شانه سرخی و یا سیاهی بیند دلیل
در آنسال نرخها ارزان باشد و اگر در آن شانه زردی بیند دلیل بر بیماری بود و اگر بر کناره او خطهای بسیار بیند دلیل که در آنسال
مرگ بسیار بود **شاه رود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شاه رود در خواب دلیل بر لهو و طرب دنیا و سخن دروغ و محال بود و اگر
بیند که شاه رود میزدند دلیل که بدروغ رضا دهد و اگر بیند که با شاه رود چنگ و چغانه و نای بود دلیل بر مصیبت بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود بشکست یا بیفگند دلیل که از سخن دروغ توبه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود
میزد دلیل که با زنی بزرگ پیوندد و از وی عز و جاه یابد **شاه اسپرغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه اسپرغم
سبز و پاکیزه و خوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد و اگر زود پژمرده بود دلیل بر بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
شاه اسپرغم در خواب بر شش وجه بود یکی عز و بزرگی دوم فرزند سوم دوست چهارم سخن خوش پنجم مجلس علم ششم نام نیکو
و ثنا و مدح **شاهین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شاهین را بگرفت یا کسی بوی داد و آن شاهین مطیع
او بود دلیل که او را از پادشاه یا از بزرگی ظالم منفعت و جاه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید شاهین در خواب مردی
بسیار دان بود و اگر بیند که شاهین بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی دانا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرزند سوم

شاخ
شانه
شانه آدمی
شاه رود
شاه اسپرغم
شاهین

مال ونعمت چهارم فرمان روائی **شب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شب تیره وناخوش بود تاویل آن غم واندوه
بود واگر بخواب بیند که شب روشن ومهتاب بود دلیل که عیش وخرمی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شب تیره میرفت وراه
بروی مشکل بود وبه بینت راه راست میرفت دلیل که اورا در دین استقامت بود **شب یمانی** که آنرا زاک سپید گویند دیدن آن
درخواب غم واندوه بود وخوردن آن دلیل بر هلاک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شب یمانی را روشن چون آفتاب درخشنده
بیند دلیل بر خیر وگشایش در کارهای وی بود واگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت وبستگی کارها بود **شبان** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبانی گاو وگوسفند واسپ وشتر ومانند آن کرد هر چیز را بقدر وی تاویل بود شبان
اسپ دلیل بر ولایت وبزرگی بود وشبان خر دلالت بر محنت کند وشبان گاو دلالت بر سالت ونعمت وفراخی بود وشبان
گوسفند دلیل بر روزی حلال ومال ونعمت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شبانی میکرد وگرگ از گله وی گوسفندی ربود
دلیل که پادشاه آنجا را خراب کند واحوال رعیت تباه گردد دانیال علیه السلام گوید شبانی گوسفند کردن دلیل که بر
عدد آن گوسفندان او را بر جمعی مهتران مهتری بود واگر بیند که شبانی چیزی بوی داد دلیل که او را از بزرگی فایده رسد ومنفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شبان درخواب مردی ناصح بود وحافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کارها هر کسی باز
نماید **شب بازی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب بازی کردن درخواب لهو وطرب اما دروغ ومحال باشد واگر
بیند که شب بازی با بربط ونای میکرد دلیل بر غم واندوه بود **شب برگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب برگ
درخواب مردی گمراه ومحروم بود واگر بیند که شب برگ داشت دلیل که او را با گمراهی صحبت افتد واگر بیند که شب برگ میخورد
دلیل که از کار آنکس بروی نفع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شب برگ از درخت وی برید یا بمرد دلیل که از صحبت مردی
گمراه او را جدائی افتد وصلاح او در آن باشد **شپش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شپش را بکشت دلیل که
دشمن را قهر کند واگر بیند که شپش بیگانه بود دلیل که دشمن او ضعیف باشد واگر بیند که شپش بسیار بروی جمع شدند واو را
میگزند دلیل که وی را با مردم افتد یا او را نقصان مال بود واگر شپش خون مردم میخورند وخون تاویل مال بود **شپشه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شپشه جانوری بود که در تابستان در جامه پشمین وپوستین افتد وتباه کند وبر دوستی هم
خوانند دیدن وی همسایه بود واگر بیند که شپشه جامه وی بخورد دلیل که در مال او نقصان افتد واگر بیند که شپشه
اسباب پشمین تباه کرد دلیل که از خانه وی دزد چیزی ببرد واگر بیند که شپشه را بکشت دلیل که دزد را بگیرد ومال بستاند
شبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبه داشت یا بخرید وسوراخ کرده بود دلیل که او را دختری
آید واگر دختر بیاید غمناک شود ودیدن شبه کبود وسیاه خیری نبود مغربی رحمة الله علیه گوید شبه سپید دیدن
بخواب ودیدن دلیل بر خیر ومنفعت کند وبعضی گفته اند که شبه زرد دلیل بر بیماری بود **شتافتن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکاری می شتافت دلیل که از آنکار پشیمانی یابد واگر بیند که از آن پشیمان شد در
شتافتن دلیل که در آنکار شتاب کند مغربی رحمة الله علیه گوید در همه کاری شتافتن دلیل درنگ بود ودرنگ دلیل
بر شتافتن بود **شتالنگ** یافتن درخواب جنگ وخصومت بود واگر بخواب بیند که با شتالنگ بازی میکرد

و بانگ و شغب میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر هنگام بازی خاموش بود مال حرام یابد **شراب** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید خوردن شرابهائی که بطعم شیرین بود چون شراب سیب و شراب انار و شراب ترنج و مانند این بر شش
وجه بود یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابهائیکه بوی آن
ترش بود چون شراب ریواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود اما شرابها
که تلخ باشد چون شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب دلیل بر فایده دین و دنیا بود و اما شرابهائیکه بطعم معتدل
و خوشبوی بود چون شراب عود و شراب بنفشه و شراب گل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خورمی بود و ستایش کند مغربی
رحمة الله علیه گوید شرابهائیکه از برای دارو خورند در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بجهت دارو بکار ندارند دلیل بر صلاح و خیر دنیاوی
کند **شرابی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شرابی بخرید دلیل که کنیزک بخرد و معبران گویند که شرابی
در خواب خادم خانه بود و اگر بیند که شرابی وی بشکست یا ضایع شد دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح دنیا ششم عمر
دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زنان **شرم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرم از ایمان باشد
چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود **اَلْحَیَاءُ مِنَ الْاِیْمَانِ** مغربی رحمة الله علیه گوید شرم از ایمان باشد
شرم داشت دلیل که در آنکار خیر و صلاح بود و زیادتی ایمان و شرم داشتن از کاریکه دران شر و فساد بود دلیل نقصان
ایمان بود **شستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شستن در خواب بآب جوی و کاریز و حوض و دریا دلیلست بر نجات
از غم و اندوه و اگر این خواب محبوس بیند دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر بیمار بیند
شفا یابد و اگر تن خود تمام نشست دلیل که کارش تمام شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده خود را شست دلیل
که خویشان او از غم و اندوه خلاصی یابند و اگر بیند که بآب شور خود را می شست دلیل که رنجی بوی رسد و اگر بیند که جامه
پاک بآب چرکین میشست دلیل بر تباهی کار و فساد دین بود و اگر بیند که بآب سرد یا آب چرکین خود را می شست دلیل که توبه کند
مغربی رح گوید شستن بآب سرد بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم ایمنی از ترس و شستن
بآب گرم غم و اندوه بود و دست و روی شستن در خواب بر هشت وجه بود یکی حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم یافتن
مال چهارم حج پنجم فرج ششم ایمنی هفتم دین پاک هشتم روا شدن حاجت **شش** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید شش در خواب شادی و خرمی بود و اگر بیند که کسی ششش بدو داد و آنکس معروف بود دلیل که از وی خرمی بیند
و اگر او ششش بکسی داد دلیل که خیر بدانکس رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شش خام یا پخته میخورد و از جائیکه گوشت وی
حلال بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند **شطرنج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شطرنج باختن در خواب بهتان و سخن
دروغ بود و اگر بیند که شطرنج باخت و خصم را غلبه کرد دلیل که بباطل کسی را غلبه کند و بهتان نهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که شطرنج میباخت دلیل که جنگ و منازعت کند و معبران گویند شطرنج باختن خیر و منفعت بود **شعر** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شعر یا غزل میخواند یا مدح کسی یا هجوی میخواند دلیل که سخنی باطل گوید قوله تعالی **وَالشُّعَرَاءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُنَ** و اگر لغت گوید یا

یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و نیز کار شود **شغال** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بطلب شغال میگشت و متحیر
بود و نتوانست گرفت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شغال با وی بازی کرد دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر
بیند که گوشت شغال میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و موی و پوست و استخوان
شغال در خواب همه مال بود **شفتالو** ابن سیرین رح گوید شفتالو در خواب اگر زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر
بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر بیند شفتالو شیرین بود و زرد نبود و کنیزک باشد و اگر بوقت خود بود مالی باشد که بوی
رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شفتالو در خواب بر پنج وجه بود یکی کنیزک دوم پسر سیوم علت چهارم
مال پنجم منفعت از قبل مردی غریب و اگر بیند که استخوان شفتالو بشکست و بخورد و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود
و اگر شیرین بود دلیل که از مردی بی اصل بقدر آن مال و منفعت باشد **شکار کردن** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که
گوسفندان یا گاو کوهی یا خر گور یا مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد همه دلیل نیکوئی بود و اگر بیند که شکار
بیفگند دلیل که غنیمتی یابد کرمانی رح گوید شکاری که بدام گیرند یا بچاه طلبند دلیل که زیان بود و بعضی معبران گویند که شکار
گیرد در خواب جوینده معاش بود **شکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید پاره شکر در خواب سخنی لطیف بود یا بوسه که
بکسی بدهد چون فرزند و برادر و دوست و اگر شکر بسیار بود دلیل بر مال و روزی حلال بود مغربی رحمة الله علیه گوید
شکر بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکر در خواب
بر پنج وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سیوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال **شکر گذاردن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شکر خدا تعالی گذارد دلیل بر درستی دین و قوت و جاه و مال و سعادت دو جهانی بود قوله تعالی
لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ **شکستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بشکست دلیل که بقدر آن
او را زیان رسد و اگر آن چیز که شکست از آن دیگری بود دلیل که مضرت آن بر بیننده باز گردد و اگر بیند که اندامی از
اندامهای وی بشکست دلیل بر غم و مصیبت خویشی که بدان اندام تعلق دارد بود و اگر بیند که از آلات چون
چنگ و رباب و طنبور و نای چیزی بشکست دلیل بر خرمی بود **شکم** در تعبیر معبران سه قول است دانیال علیه
السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب
دلیل بر خویشان باشد اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشان کند و اگر بیند که شکم
وی کوچک بود و از پوست وی چیزی نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود
جمله بیرون آمد و بشست و باز بجای نهاد دلیل که حال او نیکو شود و مقصودش حاصل گردد و اگر مردی بیند که از شکم
وی فرزندی بیرون آمد دلیل که از قبل وی کسی پدید آید که اهل بیت او را جاه و حشمت بیفزاید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر کسی شکم خود را آماسیده بیند دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافته بیند دلیل که او را
مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیند دلیل که او را از قبل عیال وام افتد و اگر کسی از شکم خود موی
سترده بیند دلیل که بی غم گردد و وامش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال مال او بخورد

جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکم در خواب بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینه سوم نظام عیش چهارم فرزند —
شکنبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنبه در خواب از جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند
که شکنبه پر سرگین بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شکنبه پخته خورد دلیل که خیر و منفعت بیند **شکنجه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنجه در خواب دلیل بر خواری و بیچارگی بود و اگر بخواب بیند که او را شکنجه الم رسید
دلیل بر همین بود و اگر بیند که او را از شکنجه زحمت نرسید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را
در شکنجه کرد دلیل که از پادشاه گزند بیند **شگوفهٔ درختان** شگوفه درختان تاویل بوقت خویش بهتر بود و شگوفه
زرد تباویل کمتر از سرخ و سپید بود و گلنار در خواب عروسی نیکو بود و شگوفه درختان بقدر کوتاهی و بلندی درخت سخن لطیف
بود **مغربی** رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هنگام شگوفه درختان میخورد از گروهی که بدان درختان نسبت دارند سخن
لطیف شنود و از ایشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که شگوفه می پوشید دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند -
شل شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامی از ان او شل شد و بکنج خانه افتاده بود و
نتوانست برخاست دلیل که از کارهای بد توبه کند و شرم خود از مردم باز دارد و اگر بیننده خواب مفسد بود
تاویلش بخلاف این بود **مغربی** رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامی از اندامهای او خسته بود دلیل آنکس را از خویشی
که بدان نسبت دارد آفتی رسد **شلغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند
که شلغم بکسی داد دلیل که بدان کس رنج رساند **مغربی** رحمة الله علیه گوید شلغم پخته در خواب به از خام بود **کرمانی** رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **شلوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که شلوار در خواب
کنیزک عجمی بود یا زنی دون که بخواهد و اگر بیند که شلوار نو بخرید و بپوشید دلیل که کنیزک عجمی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار
پوشیده بود دلیل بر زنی ستیزه بود و اگر بیند که او را شلوار بخشیده اند دلیل که او را خادمی زیادت شود و اگر بیند که شلوار
نو یافت دلیل که خادمی نو یابد و اگر بیند که شلواری پر سرگین داشت دلیل که عقوبت از حقتعالی جل و علا یابد قوله تعالی
سرابیلهم من قطران و تغشی وجوههم النار و اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت دلیل
که زنی با حرمت یابد و اگر بیند که شلوار زرد داشت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل که مردم
او را ملامت کنند و زنان را شلوار رنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو خرید دلیل که شوهر کند و اگر بیند که شلوار وی
گم شد دلیل که کنیزک یا خادم او بگریزد و اگر بیند که شلوار زنی در پای داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید شلوار در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم خانه **شلوار بند** دلیل بر عورت مردم
بود و اگر بیند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکمی قضیب کند و اگر شلوار بند کهنه بیند دلیل بر ضعیفی قضیب
باشد **شمار کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت افتد **مغربی**
رحمة الله علیه گوید هر شماری که آسان تر بود محنتش کمتر بود و تاویل عددها از یکی تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهیم
کرد **شمشیر** دانیال علیه السلام گوید شمشیر در نیام بودن زن باشد و بی نیام مال و خواسته و فرمان

روائی بود واگر بیند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید واگر بیند که شمشیر از نیام بیرون بود تاویلش همچنین بود واگر بیند
که شمشیر در نیام بود و نیام بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل که فرزند بسلامت بود و مادرش بمیرد واگر بیند که شمشیر برهنه
در دست داشت و بالا برد تا بکسی زند دلیل از سخنی اندیشیده بود که بکسی گوید واگر بیند که شمشیر بکسی زد و کارگر نبود دلیل که زبان
در حق آنکس گشاده باشد واگر بیند که شمشیر بکسی زد و کارگر بود دلیل که آنکس که زخم خورده باشد نسلش منقطع شود واگر بیند
که شمشیر در گردن حمایل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود واگر حمایل شمشیر دراز بود دلیل که احتمال ولایت ندارد واگر
بیند که حمایل شمشیر کوتاه شد دلیل که آن ولایت بدو سپارند واگر حمایل شمشیر کوتاه بود و گسست دلیل که آن ولایت از دست
وی برود واگر بیند بی آنکه جنگ بود کسی را شمشیر زد دلیل که آنکس مشهور گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بدست خود
شمشیر آویخته بود دلیل که او را فرزندی آید واگر فرزند بود فرمان روائی یابد واگر بیند که کسی او را شمشیر داد دلیل
که توانگر گردد واگر بیند که شمشیر با نیام هر دو بشکست دلیل که فرزند و مادر هر دو بمیرند واگر بیند که کسی او را شمشیر زد
و خون از وی روان شد و جامهٔ وی آلوده گشت دلیل که او را بمال حرام تهمت کنند واگر بیند که شمشیر از وی بستدند
دلیل بر عملی که دارد از وی بستانند واگر بیند که شمشیر بر میان بست دلیل که عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که شمشیر آهنین داشت دلیل که کارش قوی گردد واگر بیند که شمشیر از بلور داشت دلیل که از زنی بزرگ خیر یابد واگر
بیند که شمشیر از مروارید داشت دلیل که از علمای اهل دین قوت یابد واگر بیند که شمشیر از چوب داشت دلیل که
کارش ضعیف شود واگر بیند که شمشیر از سفال داشت دلیل که از زنان پادشاه قوت یابد واگر بیند که
نیام آن شمشیر شکسته بود دلیل که یکی از اهل بیت او بمیرد واگر بیند که شمشیر وی دو روی بود دلیل که کارش بر دوان
گردد واگر بیند که شمشیر لاجورد بود دلیل که کارش پایدار باشد واگر بیند که شمشیر او چون آینه بود و میدرخشید
دلیل که او مهتری و نواخت و حرمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم
ولایت سوم محبت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر گر در خواب مردی بود بتقوی و فصیح زبان **شمع**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود واگر بخواب بیند که شمع افروخته
داشت دلیل که دولت و نعمتش زیادت شود واگر بیند که شمع افروخته در خانهٔ خود نهاده بود و همه خانها از و
روشن بود دلیل که در آنسال نعمت بر وی فراخ گردد و تجارت وی روا نشود و بعضی گویند که او را زنی با جمال ستوده
باشد واگر بیند که شمعی افروخته او را دادند دلیل که عز و دولت یابد واگر بیند که او را شمعی با شمعدان سیمین بود دلیل
که زنی یابد که اصل نیک باشد واگر بیند که شمعدان زرین بود دلیل که زنی از نزدیکان پادشاه بخواهد واگر شمعدان از
زر نبود دلیل که زنی از قبیله متوسط خواهد واگر بیند که شمعدان از مس بود دلیل که زنی بی اصل خواهد واگر بیند که شمعدان برنج
بود دلیل که زنی از اصل کبار خواهد واگر بیند که شمعدان از آهن بود دلیل که زنی از اصل قوی خواهد واگر بیند که شمعدان
از سفال بود دلیل که زنی از مردمان عار باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمعی افروخته و بدست داشت
ناگاه بمرد زنش بمیرد واگر بیند که شمع افروخته در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد برد واگر بیند که

روشنی شمع کم شد دلیل که عز و جاه و دولت او کم شود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند شمع افروخته در دست داشت
دلیل که اگر زن دارد او را پسر آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بیند دلیل که پادشاه آنجا عادل و داد گر
باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و ختر می در آنشهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن موضع
بطاعت و تعلم علم مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه
دوم قاضی سوم فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهتری هفتم بسرای هشتم شادی نهم
توانگری دهم علم یازدهم عیش دوازدهم کنیزک سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر بیننده **شناو کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شناو کردن در خواب در آب صافی طلب معیشت کردن بحیلت و تدبیر بود
و اگر بیند که در آب صافی شناو کرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در دریا شناو کرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شناو کردن
بروی آسان بود دلیل که کار وی آسان گردد و اگر بیند که شناو بروی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد
و اگر کنارهٔ دریا نبیند دلیل که در حبس افتد و اگر بیند که آب غلبه کرد و او در میان آب بمرد دلیل که در دست
خصمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن امان یافت دلیل که از شغلهای این جهانی سلامتی یابد و در کار آخرت
در آید و اگر بیند که آب او را بزمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بیند که از زیر آب بر زمین آمد از غم فرج
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دریا شناو بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از شغلهای پادشاه
خلاصی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تاویلش بازگونه بود و اگر بیند که از روی بزرگ شناو بکنار آمد دلیل که
از شغلی بزرگ رسته گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در آنشغل بماند **شنگرف** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید شنگرف در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که شنگرف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بیند که شنگرف
خورد دلیل که بیمار شود و اگر بخواب بیند که بشنگرف صورت می نگاشت دلیل بلهو باطل دنیا فریفته شود و اگر بیند
که بشنگرف چیزی می نبشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مغفرت
یابد **شهادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت بر می آورد دلیل که از غمها فرج یابد و عاقبت
کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت یابد و اگر
بیننده مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بینندهٔ خواب مشرک بود دلیل که مسلمان گردد و عاقبتش
بخیر بود **شاه بلوط** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت و میخورد دلیل که غمگین گردد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد **شهد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با موم بود تاویل میراث بود یا غنیمت حلال بود اگر بیند که شهد داشت
دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن
علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از ان شهد مردم را میداد و میخوردند دلیل که مردم از علم او فایده یابند

واگر بخلاف این بیند منفعت نیابد معبران گویند که شهد دلیل بر قرآن کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب
شهد دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود شهرستان
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی استوار بود و
عاقبتش محمود گردد و اگر بیند که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم عالم
چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل بر استواری کارها شهر ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی گردد و اگر کاری در دینش دارد تمام شود و بمراد برسد و اگر
بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تاویلش بخلاف این بود و اگر کسی خود را بر کنگره یا
بر روی شهر بیند دلیل بر هلاک او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زن را طلاق دهد و زن
وی شوی دیگر کند و اگر بیند که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر
کافران تحویل کرد دلیل که از دین راست بدین باطل گراید و باشد که نی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر
برف و یخ بیند دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سردسیر بیند دلیل بر فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بیند
که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت دلیل که
خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی رَبَّنَا
اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا و اگر در شهری گم شده بود تاویلش نیکو بود و اگر بیند که زنان
در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و بلا افتد و اگر بیند که زنان و آراسته شهری رفتند دلیل که در آن دیار
نعمت و فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلامان پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و
بیداد کنند و اگر بیند که سوی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ناخوش رود و اگر در خواب
در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی رح گوید اگر در خواب خود را بشهر هندوستان بیند
دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای بلغار
و سقلان بیند دلیل که بروی خیانت بود و کارها بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراء النهر
بیند دلیل که عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق
بیند دلیل که دولت و کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای خراسان بیند کار او بآسانی تمام گردد و اگر خود را در
شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را بشهرهای کرمان بیند دلیل که عیالش بسیار
شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل بر سلامتی و ایمنی بود و اگر
خود را در شهرهای مصر بیند دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند دلیل که در آن
کارها رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهر ارمنیه بیند دلیل که مرادش برآید و اگر خود را بشهرهای مغرب بیند دلیل که

واگر خود را در شهرهای فرنگ بیند دلیل که کار دنیائی او نیک گردد اما در دین ضعیف باشد واگر خود را در شهرهای شیروان
بیند دلیل که کار او نیکو باشد **شهرهای معروف دیدن** کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عز و
جاه و نصرت یابد واگر خود را در مدینه بیند دلیل که او را با تجار صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد واگر خود را در حرمین
بیند دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد واگر خود را بطایف بیند دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد واگر خود را ببصره
بیند دلیل که از علما بهره مند گردد واگر خود را بواسط بیند دلیل که دیندار و پارسا شود واگر خود را بکوفه بیند دلیل که از عام
نیکوئی یابد واگر خود را ببغداد بیند دلیل که توانگر شود و بازرگانی او را خیر رساند واگر خود را بحلوان بیند دلیل که عیش
خوش گذارند واگر خود را باصفهان بیند دلیل که او را با بزرگی صحبت افتد واگر خود را بموصل بیند دلیل که بمراد رسد
واگر خود را بدمشق بیند دلیل که روزی بر وی فراخ گردد واگر خود را بحلب بیند دلیل که از بزرگی منفعت یابد واگر
خود را بانطاکیه بیند دلیل که از مهتری منفعت یابد واگر خود را به بیت المقدس بیند دلیل که عز و کامرانی یابد
واگر خود را باخلاط بیند دلیل که کارش شوریده شود واگر خود را بقیصر بیند دلیل که منفعت یابد واگر خود را در [illegible]
بیند دلیل که کارش بسته گردد واگر خود را به تفلیس بیند دلیل که کارش نقصان گیرد واگر خود را بگنجه بیند دلیل که معیشتش
زیادت گردد واگر خود را بخوی بیند دلیل که مالش کم شود واگر خود را بمراغه بیند دلیل که امان و راحت یابد واگر
خود را به تبریز بیند دلیل که از رنج رسته گردد واگر خود را بزنگان بیند دلیل که اندوهگین شود واگر خود را بهمدان
بیند دلیل که جاه و منفعت یابد واگر خود را بقزوین بیند دلیل که او را با مهتری صحبت افتد واگر خود را در ری
بیند دلیل که او را سوگند افتد واگر خود را بگرگان بیند دلیل که او را خصومت افتد واگر خود را بدهستان بیند
دلیل که متفکر شود واگر خود را به بطام بیند دلیل که خرمی یابد واگر خود را بیساد بیند دلیل که مالش نقصان یابد
واگر خود را بمرو بیند دلیل بر شغلیکه ساخته بود بجائی ماند واگر خود را به نیشاپور بیند دلیل که بمردی بزرگ او را
صحبت افتد واگر خود را بطوس بیند دلیل که خیر و منفعت یابد واگر خود را به بلخ بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر
خود را بسمرقند بیند دلیل که در میان مردم نامدار شود واگر خود را بغزنی بیند دلیل که از بزرگان خیر و منفعت یابد و
اگر خود را بکاشغر بیند دلیل که اندوهگین شود واگر خود را باسکندریه بیند دلیل که کاری در پیش گیرد و از آن پشیمان شود
واگر خود را باندلس بیند دلیل که با وی خیانت کند واگر خود را در حصاری بیند که کارش فرو بند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن شهرها در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیوم عیش خوش چهارم زنیکه جفت
وی باشد **شوربا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شوربا در خواب اگر بگوشت باشد و طعم و بوی خوش داشته
باشد دلیل بر منفعت بود واگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شوربا با گوشت
باشد و خوب پخته باشد نیکو باشد واگر گوشت غلیظ باشد دلیل که غم و اندوه بود **شونیز**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شونیز در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر مضرت کند و نقصان بود
واگر بیند که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار شود **شیر** ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید شیراز در خواب غم و اندوه بود و هرچه ترش بود دلیل که اندوه صعبتر باشد و اگر بیند که شیراز بفروخت یا بکسی داد و اوان
هیچ نخورد دلیل که خورمی بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید خوردن شیراز در خواب سخنی بد بود که از ان برنجد **شیر** دانیال
علیه السلام گوید شیر در خواب هرچند که تازه‌تر و خوبتر و شیرین‌تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تاویلش
بخلاف این باشد و اگر بیند که شیر تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بیند که شیر در پستان وی
جمع شد دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی
بیند که شیر میدوشید و عوض شیر خون می آمد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که از پستان خود شیر میخورد دلیل که
در کسب معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیند که کودک شده بود و شیر میخورد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر زنی
بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر زنی بیند که کودک از شیر باز گرفته بود و باز
شیر داد دلیل که زیان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید شیر چهارپای دشتی در مال اندک بود و اگر بخواب بیند که شیر گور خر
میخورد دلیل بر نوبت و صلاحیت کند و اگر بیند که شیر شتر میخورد دلیل که از بزرگی مال یابد و اگر بیند که شیر آهو
میخورد دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که شیر زن میخورد دلیل که از زن مال و نعمت یابد و اگر بیند که شیر
پلنگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شیر ببر میخورد دلیل که از مردی بزرگ مال حرام یابد و اگر بیند که شیر
گاومیش میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که شیر خرگوش میخورد
دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بیند که شیر خوک میخورد دلیل که ابله و بی خرد گردد و اگر بیند که شیر روباه میخورد دلیل که
باکسی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که شیر گوسپند میخورد
دلیل که مال حلال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر دوشیدن در خواب از جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال
کند و حیوانیکه گوشت او حرام بود دلیل بر غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر سه وجه بود
یکی روزی حلال دوم مال و فرزند سیوم غم و اندوه **شیره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیره انگور در خواب خیر و
منفعت دنیاوی بود قوله تعالی یُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ اگر بیند که شیره انگور می فشرد دلیل که بپادشاهی
بزرگ نزدیک شود و اگر بیند که شیره تازه میخورد دلیل که بقدر آن روزی حلال یابد و اگر بیند که شیره بطعم ترش
بود دلیل که روزی برنج و محنت آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیره داشت دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که
انگور و شیره می دوشید و تلف میکرد دلیل که مال بسیار یابد و شیره هرچند که تازه‌تر و شیرین‌تر بود منفعت آن بیشتر
باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سیوم
علم و حکمت چهارم منفعت بی رنج **شیرینیها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیرینیها در خواب شادی و خرمی
و روزی حلال باشد و اگر بیند که کسی شیرینی بوی داد دلیل که از انکس روزی یابد و اگر بیند که شیرینی خورد
دلیل که منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید شیرینی در خواب کنیزک نیکو بود و اگر بیند که شیرینی سفید
بود دلیل که پارسا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر زرد

بود و دلیل که کنیزک بسیار صفت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت
دوم مال حلال سیوم علم و ادب و فرهنگ و حکمت و ثنای نیکو چهارم کنیزک خوبروی شیر ابن سیرین رح گوید
شیر در خواب دشمن بود و اگر بیند که با شیر جنگ میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و از هر دو آنرا که ظفر بود غالب و
باشد و اگر بیند که بر اشتر شیر رفت دلیل که از پادشاه بترسد و اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر او را طلب میکرد دلیل که از
آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن مظفر گردد و اگر بیند
که گوشت نمیخورد دلیل که از پادشاه خلعت یابد کرمانی رح گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بیند که از اندام شیر
چیزی بیافت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل که از مال دشمن چیزی بخورد و اگر بیند که با شیر مجامعت میکرد دلیل که از محنتها
برسته گردد و مراد یابد و اگر بیند که شیر را در بر گرفت دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بیند که شیر نر با وی مجامعت کرد
دلیل که از پادشاه خواری بیند و اگر بیند که شیر از پس او در آمد و از پیش وی بیرون شد دلیل که از پادشاه او را مضرت
رسد دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که سر شیر یافت دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که پادشاهی او را شیر داد
دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر شیر نشست دلیل که دولت و مرتبت
او را زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود اگر بیند که شیر شیر
مید و شید دلیل که دبیر پادشاه گردد و اگر زنی پیراین خوابرا بیند دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر بیند که شیر را بکشت
گرفته بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که شیر او را بگزید دلیل که از دشمنی مضرت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که شیر او را در بر گرفت دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خشم پادشاه بود و اگر
بیند که با شیر طعام خورد دلیل که معتمد پادشاه شود اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن
بود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که دشمن را باسانی بدست آورد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این
بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم مرد دلیر سوم دشمن قوی ۞
شیر خورشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود اگر در خواب بیند که شیر
خورشت جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشت میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند
و عوض باز یابد و اگر بیند که شیر خورشت داشت دلیل که مال از بازرگانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر
خورشت در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیوم کام دل یافتن شیشه ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید شیشه در خواب زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زنان کند ولیکن ثباتش نباشد و اگر بیند که شیشه
خالی بود که بوی دادند دلیل که زنی درویش خواهد و اگر بیند که در آن شیشه روغن گل و بنفشه دلیل بر زنی دیندار باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید زن توانگر باشد و اگر بیند که از آن روغن چیزی بسر مالید دلیل که از مال زن چیزی بوی
رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد چون شراب سیب و شراب انار و غیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که شیشه آبگینه داشت سپید و پاکیزه بود دلیل که زنی خوبروی و پارسا خواهد و اگر بیند که شیشه

شکسته دلیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی سازکار خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوب روی خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیزک سیوم خادم خانه **شیطرنج** دار و ئیست که در خوردن آن هیچ ضرر نباشد

حرف الصاد

صابون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه خود را بصابون می شست دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کردار بد باز دارد و اگر بیند که صابون بخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که صابون بکسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صابون بسیار داشت و هم جامهٔ خود را بشست دلیل که او را خواسته حاصل گردد و اگر بیند که دست خود بصابون بشست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن به از فروختن بود اگر صابون سپید بود و از آتش بوی خوش می آمد بغایت نیکو بود و صابون اگر زنی بیند بهتر بود **صرافی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صراف در خواب عالم بود و اگر کسی بخواب بیند که صرافی میکرد معبر نگاه کند تا سائل را چه مراد است اگر بیننده مستور و دیندار بود دلیل که آنچه که موافقت دین بود آنرا اختیار کند و اگر سائل چیزی نشستن نماند تاویلش آنست که مردی متحیر باشد بکار فاسق مشغول بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صرافی میکرد دلیل که بخیانت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صراف در خواب مردی با خرافات گوی باشد که همه آن کند که او زیان دارد **صاروج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج کرد دلیل که با مردم سخن لطیف گوید و صاروج گر در خواب مردی خوش بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج از بهر کسی کرد دلیل که آنکس را امداد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صاروج کردن در خواب بر سه وجه بود یکی سخن لطیف دوم امداد کردن سیوم رضای آنکس جستن **صاعقه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صاعقه آتشی بود که از ابر جهد اگر بخواب بیند که از ابر صاعقه افتاد دلیل که بقدر آن صاعقه عذاب خدایتعالی با اهل آن مقام رسد قوله تعالی وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از ایشان دفع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتشی از هوا مانند باران می بارید دلیل بر بلا و فتنه و خون ریختن از جهت پادشاه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاعقه بیفتاد و او را بسوخت دلیل که از عقوبت پادشاه هلاک شود **صبح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح صادق بدمید و جهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را ایمنی حاصل شود و اگر بیند که بعد از صبح تاریکی پیدا شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح دمید و سرخ بود چنانچه زمین از عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل و خون ریختن شود و اگر رنگ صبح زرد بود دلیل بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صبح در خواب دلیل بر قوت و صلاح دین مردم آن دیار بود **صبر** در خواب عالمی بود که غرض از علم و خیر بمال بود و اگر بیند که صبر بخورد دلیل که عاملی بدین لفع شود و اگر نخورد

تا دلیش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل بر غم واندوه بود که بوی رسد **صحبت** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر صحبت با مردم مصلح و پارسا میداشت دلیل بر دیانت و صلاح زندگانی او باشد و اگر بخلاف
این بیند دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همراهی با پادشاه میکرد
دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که همراهی با مردی عالم میکرد دلیل که علم و دانش یابد و کارش
بنظام شود و اگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد توبه باید کرد و اگر بیند که با بزرگی همراهی میکرد دلیل که بدنیا مغرور شود
صحرا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خرمی و نیکوئی بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر صحرائی
بی اندازه بیند و در آن خار و خس بسیار باشد و در آنجا میگشت دلیل که او را با پادشاه ستمگری ظالم صحبت افتد و مقرب وی
شود و اگر صحرائی بیند که در وی سبزه بود دلیل که با مرد فاضل و عالم صحبت افتد و فایده یابد **صحف** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که او را کسی راه صواب نماید و از خطا منع کند خاصه که از کتاب
خواند و اگر بیند که صحف از ظاهر میخواند دلیل که صحبت او با مردم بنفاق و ریا باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسلمان
مصحف و اگر دو صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که اعتقاد وی در دین مسلمانی بود و دیگران وجود دان را دوست دارد
و میل تمام با ایشان بود **صحیفه** دسته معنی دارد یکی نامه دوم کاغذ سیوم پرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بر صحیفه چیزی می نوشت دلیل که میراث یابد و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی می نوشت دلیل که از مردی بیدار
با امانت چیزی یابد و اگر بیند که بر صحیفه بخط سبز چیزی نبشت دلیل که از مصیبت زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی
نوشت دلیل که بمیراث رسد **صدف** کرمانی رحمة الله علیه گوید صدف در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که صدفی
داشت دلیل که زنی خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که صدف ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد **صدقه دادن**
خلاف ست معبران را درین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عالمی صدقه میداد دلیل که از علم وی بمردم
نفع رسد و اگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه وری صدقه داد دلیل که
شاگردان را کار آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از رنج و سختی یابد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر وام داری بیند که صدقه داد دلیل که وامش گذارده شود و اگر بنده بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر
زندانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی یابد و اگر ملحد بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود فی الجمله صدقه
دادن در خواب دلیل بر سعادت دو جهانی باشد **صراط** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که بر صراط استاده بود دلیل که کارهای کج بر دست وی راست گردد زیرا که صراط راه راست
قوله تعالی وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلائی بزرگ و مرگ
ایمن گردد و اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد دلیل که در رنج و بلا و مصیبت افتد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صعبی کار سیوم ترس چهارم راحت از قبل سلطان

صحبت
صحرا
صحف
صحیفه
صدف
صدقه دادن
صراط

پنجم گناه ششم نفاق **صفه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صفه در خواب ادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفه سرایش
نو و پاکیزه و بلند بود دلیل بر درازی عمر و سلامتی نفس با در و پدر باشد و اگر بیند که صفه بیفتاد و خراب شد دلیل
بود بر هلاک پدر و مادر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل
که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش بیمار شود و اگر با در و پدر ندارد دلیل که او را غم و
اندوه رسد **صلوات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم میداد دلیل که حاجتهایش روا گردد و روزی بر وی فراخ گردد و خاتمت کارش بسعادت بود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار بر پیغمبر میفرستاد دلیل که حج کند و اگر پیغامبر صلی الله علیه و آله وسلم
را بخواب بیند دلیل که سنتهای پیغامبر صلی الله علیه و آله وسلم بجای آورد **صمغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
که صمغ از درخت آنچنانست که فضله آن خود و اگر بخواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر آن
از فضله مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد دلیل که از فضله مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید
صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان درخت منسوبست چنانچه اگر صمغ بادام خورد دلیل
که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ زردآلو خورد دلیل که از مردی بیمار منفعت یابد و اگر صمغ مغیلان داشت
دلیل که از مردی بیابانی منفعت یابد **صنج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صنج در خواب گروه و کلام باطل و دروغ
بود و اگر بیند که در پیش او صنج میزدند دلیل که بدروغ و باطل رضا دهد و اگر بیند که صنج یا چنگ یا چغانه
میزدند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود که باهل آن موضع رسد و اگر بیند که صنج بشکست یا بینداخت
دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صنج زدن در خواب بر پنج وجه بود یکی
خبر گروه دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه **صندل** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنای او گوید و اگر بیند که صندل سپید داشت
دلیل که از مردی بزرگوار عطا یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بیشتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن صندل در خواب بر چهار وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت
و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود **صندوق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صندوق در خواب
زن بود و بعضی معبران گویند که عز و جاه بود و اگر بخواب بیند که صندوق بزرگی نو بخرید یا کسی بوی داد
دلیل که بقدر آن عز و جاه یابد و اگر بیند که صندوق ضایع شد یا بشکست دلیل که جاه وی کم شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که صندوق پاکیزه داشت دلیل که زنی خوبروی و پاکیزه بود و اگر بیند که صندوق کهنه بود
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندوق در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه
دوم بلندی قدر و مرتبت سوم زن بود **صورت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند
که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که احوالش بدانکه دیده باشد بگردد و اگر بیند که بصورت خود باز گشت

دلیل که بخداوند تعالی باز گردد و اگر در خواب صورت خود باز گونه بیند دلیل که هر کس بوی می‌ از وی بگرداند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صورت آدمی یا صورت جانوری شد دلیل که بمذهب وی دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صورت در خواب کسی بیند که بر خداوند تعالی دروغ گوید **صوف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید جامهٔ صوف در خواب خیر و منفعت دنیا بود خاصه که مردم مصلح را و اگر بیند که از بدن صوفیان بیرون آمد دلیل که میل او بخطا و گناه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صوفی شد و مرقع پوشید و در میان صوفیان مقام داشت دلیل که همین به بیداری بیند و اگر بیند که صوفیان او را از میان خویشتن بیرون کردند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صوفی شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کناره گرفتن سیوم پیوسته بعبادت مشغول بودن چهارم طمع کسی نداشتن **صیقل** در خواب پادشاه بود و بعضی گویند وزیر پادشاه بود و اگر بیند که صیقلی میکرد اگر از اهل صلاح بود دلیل که پادشاهی یابد یا مقرب پادشاه شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صیقل کرد در خواب مردی باشد که بدست خود حق از باطل جدا کند **صینی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صینی آلت زنان خادمه بود و اگر صینی روشن و پاکیزه بیند دلیل که زن خادمه با جمال بود و اگر تیره بیند دلیل که زن خادمه زشت روی بود و اگر بیند که آلات صینی داشت یا فرا گرفت دلیل که زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزک یا زن ببرد یا بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید صینی آلت در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه دوم کنیزک سوم منفعت از زنان

حرف الضاد

ضرابی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضرابی در خواب مردی باشد که سخنان خود را بیاراید و بعضی باز گوید و اگر بخواب بیند که ضرابی میکرد دلیل که سخنی چند بی اصل بیاراید و لطیف و شیرین بگوید و اگر بیند که درم در وی میریزد دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش بود که مردم از آن سخنان برنجند **ضعیف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیند که سر وی ضعیف شد دلیل که قدر و جاهش کم شود و اگر بیند که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بیند که گوشت وی ضعیف شد دلیل که زنش یا خادمش بیمار شود و اگر بیند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیند که زبانش ضعیف شد دلیل که سخنان باطل بگوید و اگر بیند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیند که قفای وی ضعیف شد دلیل که غیبت مردم کند و اگر بیند که دست وی ضعیف شد دلیل که زنش رنجور شود و اگر بیند که ساعدش رنجور شد دلیل که مادر یا فرزندش بیمار شود و اگر بیند که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای او محال گردد و اگر بیند که پستان او ضعیف شد دلیل همین تاویل دارد و اگر بیند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پناه او باشد ضعیف گردد و اگر بیند که سرین وی ضعیف شد دلیل که حال بهتری از خویشان وی بد گردد و اگر بیند که ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی بیمار گردد و اگر بیند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال

او نقصان پذیرد و اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوهگین گردد ضیاع زمینها را مالک بود و اگر بیند که مر او را زمین خوش خرم
بیکاشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر بیند که ضیاع وی بوقت خود رسته بود دلیل که در راه دین نیکو باشد و اگر بیند
که جمله ضیاع خود بفروخت و بها بستد دلیل که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر بیند که
که ضیاع خود آبادان بیداشت دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را نقصان مال
بود و اگر بیند که سیل ضیاع او را خراب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد

(حرف الطاء)

طاس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاس در خواب زن خادمه بود یا کنیزک خدمت خانه کند اگر بیند که طاسی داشت
یا کسی بوی داد دلیل خانه بخانه آورد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که طاس وی بشکست دلیل که آن زن از وی
جدا شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید طاس در خواب کنیزک اسیر بود و اگر بیند که طاس آب بوی
دادند و بخورد دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طاس بشکست و آب بجا ماند دلیل که کنیزک بمیرد و فرزندی که باشد
بماند و اگر بیند که آب ریخت و طاس بسلامت بود دلیل که فرزند بمیرد و کنیزک بماند جعفر صادق علیه الصلاة
والسلام گوید که طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم فرزند چهارم منفعت از زنان **طابع**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طابع بوی دادند تا خزانه خود مهر کند دلیل که عز و جاه و شرف یابد زیرا که
تاویل طابع بهتر و قوی‌تر از انگشترین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه یا امیری طابع بدو داد تا مهر
خزانه ساخته کند دلیل که مال خود بدو سپارد و اگر بیند که سزاوار نبود دلیل که بقدر خود جاه و بزرگی یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طابع در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی و جاه دوم خزانه سیوم مال جمع کردن
طاعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که طاعون دلیل بر فتنه و بلا باشد و اگر بخواب بیند که بر تن وی علت طاعون
بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طاعون در خواب جنگ و کارزار بود **طاوس** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید طاوس نر در خواب پادشاه عجم بود و اگر بیند که طاوس نر داشت دلیل که از پادشاه جاه و
مال حاصل کند و اگر بیند که طاوس ماده بود و داند که ملک اوست دلیل که زنی عجمی بزرگ با جمال بخواهد و از وی مال و فرزندان
حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل که قوادگی کند دانیال علیه السلام
گوید که طاوس در خواب زنی مفسده بود و اگر بیند که طاوس نر با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که نر
و طاوس ماده هم بودند دلیل که بیگانه با عیال او فساد کند و اگر بیند که طاوس از خانه وی بپرید دلیل که زن را
طلاق دهد و اگر بیند که طاوس را بکشت دلیل که از دختری دوشیزگی بستاند و اگر بیند که طاوس در دست
داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که بچه طاوس را بگرفت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که طاوس
نر از دست وی بپرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس در خواب بر دو وجه
بود یکی پادشاه عجم دوم خزینه و مال **طباخ** در خواب مردی حریص بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که طباخی می‌کرد و آن طبیخ بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد

طاس
طابع
طاعون
طاوس
طباخ

طبق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس سازد وقت شادی وهر که وی را ببیند شاد گردد
واگر بیند که طبقی بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خادمی حاصل آید واگر بیند که طبق بشکست دلیل که خادم او بمیرد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند طبق در آتش افتاد وبسوخت دلیل که کنیزکی وی یا پرستارش بیمار شود وبطاعون
وسرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه ومجلس
دوم کنیزک سوم فایده چهارم هدیه **طبل** ابن سیرین علیه الرحمة گوید طبل در خواب سخن دروغ وباطل
بود واگر بیند که با طبل نای در رقص بود دلیل بر غم ومصیبت باشد واگر بیند که طبل بغز میزدند
دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی بشوربه ورسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبل میزد دلیل که کاری باطل
کند وطبال در خواب مردی بود که دروغ آراسته کند **طبیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که طبیبی بیمار را علاج کرد ودرست شد دلیل که یکی را از راه فساد براه صلاح آورد واگر بیند که بیماری بر عکس
صحت شد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که مردم را دارو داد ونافع آمد دلیل که علم گوید وپند دهد ومردم
پند وی پذیرند وبعلم وی کار کنند واگر دارو وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود وطبیبی کردن در خواب
مردم مصلح را دین وراه راست آخرت بود ومردم مفسد را اصلاح تن وکسب معیشت بود **طعام** دانیال علیه السلام
گوید هر طعام وشراب که آن را رسیده باشد تاویلش بد بود مگر پالوده وغیره زیرا که جواهر حلوا از اصل روغن وانگبین
باشد واین هر دو در تاویل مال بود وابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخوردن دشوار وبیمزه باشد
با تاویل رنج واندوه بود وهر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود وطعام شیرین عیش خوش بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که طعام از زر وسیم بستد دلیل بر زیان مال باشد واگر بیند که طعامی در خانه داشت
وهمه بخورد دلیل که عمرش بسر آمده باشد واگر بیند که چندان طعام بخورد که طاقت نداشت که برخیزد دلیل بر
مرگ وی بود واگر بیند که مرده طعام میخورد دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
که درویشی را طعام داد دلیل که از غم ورنج وترس وبیم رسته گردد واگر بیند که کافر را طعام داد دلیل که در کار
دشمنان حقتعالی او را یاری دهد **طعنه** نیزه زدن بود اگر بیند که کسی را نیزه زد ونیزه در تن وی در رفت دلیل
که آنکس بقدر آن زخم دشمنی آنکس در دل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد
واگر بیند کسی را طعنه زد وجای او را خست دلیل که از سخنی که در حق وی بگوید او را درد حاصل آید واگر درد نکرد تاویلش
بخلاف این بود **طلاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد واو را یک زن بود دلیل
که از شرف وبزرگی افتد واگر او را زنی دیگر بود دلیل بغیر این زن دلیل که شرف وجاه بعضی نقصان پذیرد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود وخلع کردن در خواب
توانگری بود لقوله تعالی وَاِنْ يَّتَفَرَّقَا يُغْنِ اللّٰهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهٖ **طلع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طلع بار
خرما بود اگر بیند که یک طلع یا دو یا سه فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید واگر بیند که طلع خورد دلیل که مال ونعمت

بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار داشت و از ان بخورد و بکسی بخشید دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سیوم منفعت چهارم ستدن مال بغصب **طلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طلق اندک مایه نفعی بود در کارها زیرا که جوهری از سنگ است اگر بیند که از جای طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بکر و حیلت از سفر مال حاصل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طلق محلول بر تن بمالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج بوی نرسید دلیل که شر پادشاه از وی دفع شود و اگر بیند که طلق میخورد دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی ضایع شد دلیل که مالش تلف شود **طنبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و مصیبت بود و اگر بیند که طنبور وی بشکست دلیل که توبه کند و اگر بجای بیند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بیند که آواز طنبور می‌شنید دلیل که سخن باطل شنیدن رضا دهد **طوطی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود اگر کسی بخواب بیند که طوطی از دست وی بپرید دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی گوید یا کاری کند که مردم را از ان عجب آید و طوطی ماده دختر دوشیزه بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد پارسا بود و اگر بیند که طوطی ماده را بکشت دلیل که دوشیزگی دختری ببرد و اگر بیند که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که در فغان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم دختر دوشیزه سیوم شاگرد پارسا **طوق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گردن او طوق بود از زر یا از سیم دلیل که بقدر آن ولایت یابد و در آن انصاف نگاه دارد و اگر بیند که از آهن بود دلیل بر بی امانتی و فساد دین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر طوق در گردن خود بیند دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زرین بیند دلیل که ولایت یابد و اگر از مس یا از آهن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سیوم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسپ خود بیند دلیل که از پادشاه مال و بزرگی یابد **طیلسان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بیند که طیلسان نو و پاکیزه بود دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که قدرش کم شود و اگر بیند که طیلسان بدرید یا بسوخت دلیل که عزیزی از ان او بمیرد دانیال علیه السلام گوید دیدن طیلسان در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بیند که طیلسان پاکیزه بود دلیل که امانت بگذارد و اگر طیلسان چرکین بود دلیل که امانت در گردنش بماند و اگر بیند که طیلسان زرد ببرد دلیل که او را غمی سخت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طیلسان سپید در خواب فرزند مصلح بود و اگر سرخ بود دلیل که فرزندش معاش و طرب دوست دارد و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طیلسان در خواب بر ده وجه بود یکی عز و جاه دوم ولایت سیوم فرزند

طلق
طنبور
طوطی
طوق
طیلسان

چهارم دولت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین دهم شمشیر **حرف الظاء — ظلم کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر وظلمی رفت دلیل که بر ظلم کننده نصرت یابد واگر بیند که او بر کسی ظلم کرد دلیل که آنکس بروی ظفر یابد واگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد دلیل که پادشاه بروی محتاج شود واگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد دلیل که از پادشاه مضرت یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر بیچاره ظلم کرد دلیل که آن بیچاره را نفرین کند واگر خواجه بیند که بر بنده ظلم کرد دلیل که از خواجه او را بلا و محنت رسد **ظلمات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بروشنائی بدل شد دلیل که راه دین بروی گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بروشنائی آمد و باز در ظلمات رفت دلیل که بنافق باشد قوله تعالی وَاِذَآ اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوْا وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ الآیه مغربی رحمة الله علیه گوید ظلمات در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که در دیاری ظلمات ظاهر شد دلیل که در آن دیار غم و اندوهی صعبتر پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم تحیر سیوم فروبستن کار ها چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر توانگر بیند که بدرویشی آمد دلیل که مال زیادت شود واگر درویشی بیند که بتوانگری رفت دلیل که کارش بد بود

حرف العین — عاج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عاج در خواب دولت بود اگر بیند که عاج داشت دلیل که از پادشاه مال یابد واگر بیند که عاج از وی ضائع شد دلیل که مالش ضائع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عاج در صندوق داشت دلیل که یکی از خویشان وی زنی بزرگ خواهد واگر بیند که دوات از عاج داشت دلیل که پادشاه او را کنیزی عطا دهد و جاه یابد واگر بیند که عاج بشکست یا ضائع شد دلیل که زن یا کنیزک او هلاک گردد هر چند که عاج سپید تر و پاکیزه تر باشد مال بیشتر بود **عاریت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند دلیل که تا بت شود بر وی واگر چیزی بود که دوست ندارند تاویلش بخلاف این بود **عاشق** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که عاشق است و حریص بود دلیل بر فساد و بدی کند واگر چیزی حلال بود و خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد واگر بیند که بر کسی خوبروی عاشق شده بود واگر در آن عشق بنیت حرام بود دلیل بر شر و فساد کند واگر در آن عشق بنیت حلال بود دلیل بر خیر و صلاح بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از معشوق کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود **عالم** اگر بیند که عالم یا فقیه شد و در اصل جاهل بود دلیل که مردم سخن بکنند و در زبان مردم افتد به بدی واگر عالم یا فقیه بود دلیل که علمش زیادت شود واگر بیند که قاضی یا حکیم یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی بگذشت که در آنجا ترس و بیم بود دلیل که مردم آن موضع از ترس و بیم ایمن شوند و پادشاه ایشان عادل گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را علم میگفت اگر از اهل علم بود دلیل که از آن دیار بگریزد واگر عالم بود دلیل که عز و جاه یابد واگر بیند که بعلم گفتن عطا بستد دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب بر چهار وجه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خطیب **عبادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که

که عبادت خدایتعالی میکرد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه میکرد دلیل که
خیریت انجهانی یابد واگر بیند که جای عبادت کرد که مکروه بود تاویلش بخلاف این بود **عجوزه** پیرشدن است در حرف
کاف بیان کنیم **عدد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از درم یا از دینار یا از جامه یا غیر آن بوی داد
دلیل که خیر و نیکوئی بیند قوله تعالی مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ عَشْرُ اَمْثَالِهَا یعنی یک طاعت را ده یاداش
است بنا برین معبران گویند که اصل ده از یکی است کرمانی رحمة الله علیه گوید عدد یکی نیکو بود و دو غم و اندوه ولیکن
بر دشمن فیروز گردد ثَانِيَ اثْنَيْنِ اِذْ هُمَا فِي الْغَارِ واگر عدد شمار بیند بد باشد واز کاریکه در آن بود برخوردار
نیابد قوله تعالی قال اٰیتك الا تکلم الناس ثلثة ایام ولفظ سه دلالت بر فرقت کند زیراکه طاق است
واگر عدد چهار بیند نیکو باشد چون چیزی دیگر مضاف نباشد ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم واگر
عدد پنج باشد نیکو بود وقتیکه صاحب خواب پنج نماز بر پای دارد واگر عدد شش بیند نیک باشد خلق السموات
والارض فی ستة ایام واگر عدد هفت بیند بد باشد سبع سموات طباقا وچون هفت یا هشت
باشد بد بود قوله تعالی سبع لیال وثمانیة ایام حسوما واگر عدد نه بیند بد باشد قوله تعالی تسعة رهط
یفسدون واگر عدد ده باشد نیکو باشد و مراد دین و دنیا او را حاصل گردد قوله تعالی تلك عشرة کاملة واگر عدد
یازده بیند دلیل که شغلهای وی بر وی کار برآید واگر عدد دوازده بیند نیکو باشد قوله تعالی ان عدة الشهور عند
الله اثنا عشر شهرا واگر عدد سیزده بیند بد باشد و آخر کارش بد شود واگر عدد چهارده بیند نیک باشد واگر عدد پانزده
بیند کارهای پراگنده وی برآید واگر عدد شانزده بیند حاجتش دیر برآید واگر عدد هفده بیند بد باشد واگر عدد هجده
بیند امیدش بر نیاید واگر عدد نوزده بیند او را با مردم کار افتد قوله تعالی لواحة للبشر علیها تسعة عشر واگر عدد
بیست بیند نیک باشد و بر دشمنان ظفر یابد قوله تعالی عشرون صابرون واگر عدد سی بیند او را با کسی داوری
منفصل گردد قوله تعالی ووعدنا موسی ثلثین لیلة واتممناها بعشر واگر عدد چهل بیند کارش بسته گردد
واگر پنجاه بیند دلیل بر رنج وسختی بود قوله تعالی الف سنة الا خمسین عاما فاخذهم الطوفان واگر
شصت بیند دلیل که او را سوگند بگردن افتد و او را دو ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت درویش را طعام
باید داد قوله تعالی شهرین متتابعین من قبل ان یتماسا ذلك لتؤمنوا بالله ورسوله واگر عدد هفتاد بیند
دلیل که بنا خیر بما آید واگر عدد هشتاد بیند دلیل که او را تهمت کنند و چوب بزنند قوله تعالی فاجلدوا ثمانین جلدة
واگر عدد نود بیند دلیل که چند زن را از بزرگان نکاح کند قوله تعالی تسع وتسعون نعجة ولی نعجة واحدة واگر
عدد صد بیند دلیل که نصرت وظفر یابد قوله تعالی مائة یغلبوا مائتین واگر سلطان خود را بیند که صد سوار با وی بود دلیل
که بر دشمنان ظفر یابد واگر کسی بیند که وی را صد درم دادند دلیل که تهمتی بزنا بروی نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی
فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة واگر بیند که کسی او را صد دانه گندم یا جو یا چیزی از دانها داد دلیل که او را
خیر و برکت بود و عیش بروی فراخ گردد قوله تعالی فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللّٰهُ يُضٰعِفُ

الحق اشکرو واگر عدد دویست بیند دلیل که دشمنان بروی ظفر یابند واگر عدد سیصد بیند دلیل که بروزگار مرادش حاصل شود
قوله تعالی وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا واگر عدد چهارصد بیند دلیل که بر
خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که خیر الجیوش اربعة آلاف یعنی بهترین
خوابها چهارصد و بهترین لشکرها چهارصد هزار واگر عدد پانصد بیند دلیل که کارش موقوف باشد واگر عدد ششصد بیند
دلیل که شاد شود و بمقصود رسد واگر عدد هفتصد بیند دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت برآید واگر عدد هشتصد
بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر عدد نهصد بیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد هزار بیند دلیل که بزرگی یابد
و بر دشمن قهر کند قوله تعالی وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ واگر عدد دو هزار بیند دلیل
که بد باشد واگر عدد سه هزار بیند دلیل که بر فیروزی بود قوله تعالی بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ
واگر عدد چهار هزار بیند دلیل بر قوت و نصرت باشد واگر عدد پنجهزار بیند دلیل که مبارک و فرخنده بود واگر عدد
شش هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد هفت هزار بیند دلیل که کارهای او گشاده گردد واگر عدد هشت هزار بیند
دلیل که کارش بنظام شود واگر عدد نه هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد ده هزار بیند دلیل که نصرت و فیروزی بود واگر
عدد بیست هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد سی هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر بزرگ یابد واگر عدد چهل هزار بیند
دلیل که نصرت و ظفر یابد واگر عدد پنجاه هزار بیند دلیل که برنج و سختی و عجز فرمانده شود قوله تعالی
وَمِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ واگر عدد شصت هزار بیند دلیل که خرم و شادمان گردد واگر عدد
هفتاد هزار بیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد هشتاد هزار بیند دلیل که کارها بروی پوشیده گردد واگر
عدد نود هزار بیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد صد هزار بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی وَأَرْسَلْنَاهُ
إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ عدس معبران را در تاویل عدس خلافست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت ابراهیم علیه السلام او را دوست داشتی کرمانی رحمة الله علیه گوید
خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل را از من و سلوی ملال گرفت از حق جل و علا عدس و سیر و پیاز
خواستند مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب مال بود که اندک نان بوی رسد خاصه که پخته بود واگر خام
بود دلیل بر حسرت و اندوه باشد عراده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عراده در دشمن کافران می
انداخت دلیل که کافران را سخت دشمن دارد واگر بیند که عراده در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که در دین مسلمانان
سخنان ناهموار گوید و باشد که اهل اسلام را دعای بد کند واگر بیند که عراده می انداخت دلیل که اهل آن موضع را
غیبت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عرش در خواب امیری بزرگ یا مال خواسته
بسیار بود واگر بیند که عرش آراسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و عزت و نصرت یابد واگر
عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار گردد واگر خود را بر عرش نشسته بیند دلیل که او با مردی بزرگ پیوندد
و از وی حرمت و جاه بیند واگر بیند که از عرش بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق

رضی الله عنه گوید دیدن عرش در خواب پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم
بزرگواری **عرعر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عرعر داشت دلیل که با مردی اصیل او را صحبت
افتد و درخت عرعر بتاویل مردی باشد که نیکی کمتر کند **عرق کردن** اگر کسی بخواب بیند که عرق از تن وی
روان شد دلیل که بقدر عرق وی را زیان افتد خاصه اگر عرق وی بزمین میچکید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
کسی بخواب بیند که جامه وی از عرق تر شده بود دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود میخورد مال
خود بخورد و اگر بیند که عرق سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل
که مالش حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند و اگر بیند که عرق
میکرد دلیل که حاجتش روا شود و اگر بیمار بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد **عروسی** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخواست و لیکن او را ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر
بیند که عروسی بخانه آورد و با وی بخفت دلیل که بزرگی یابد و چیزیکه ملک او نباشد ملک او شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید عروسی که در آنجا چنگ و چغانه و نای باشد دلیل بر مصیبت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر زنی
بخواب بیند که عروسی شد و او را بنزد شوهری بردند دلیل که عمرش باخر رسیده باشد و اگر بیند
که شوهر او را بستد و با وی نیکی کرد دلیل که خیر و منفعت یابد **عزل** دور کردن از کاری بود و اگر بیند
که پیری را معزول کردند دلیل که خواری و بیحرمتی بیابد و اگر بیند که جوانی را معزول کردند تاویلش بخلاف این بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهتری را معزول کردند دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد دلیل بر کسب
معیشت کند تاویلش نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست از بدی
کوتاه کند و راه صلاح گیرد **عسس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با عسس بگشت و ایشان مردمان صالح
بودند دلیل که او را خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و مضرت بود و اگر بیند که عسس او را بگرفت
و گزند رسانید دلیل که از مردم پادشاه بوی رنج رسد و اگر بیند که از آن عسس بوی ملالت نرسید دلیل بر
خیر و نیکی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عسس جامه وی برکند یا وی را بزندان کرد دلیل که از مردم پادشاه
او را زیان رسد و بیحرمتی بیند و اگر بیند که از عسس بگریخت و کسی او را نتوانست گرفت دلیل که اندک رنج بوی
رسد **عصار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عصاری میکرد دلیل که بکاری مشغول گردد
که او را اقتدا گویند و نام نیکی و خیر برد **عصا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصا در خواب مردی بزرگوار با قدر بود و اگر
بیند که عصا بدست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر بیند که عصای
وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا کرده دلیل که بمعاونت مردی بزرگ آنچه می جوید
بیابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد دلیل که بمراد رسد و اگر کوتاه شد تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت

عرعر
عرق کردن
عروس
عزل
عسس
عصار
عصا

دلیل که او را امسر زندی آید واز و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب بر سه وجه بود یکی
مردم بزرگوار دوم پادشاه سیوم قوت **عصیده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصیده نوعی از حلواهاست و آن بهتر
که زعفران بود و دیدن او در خواب مالی بود که بمشقت در وی بدست آید و اگر بیند که لقمه از عصیده در دهان گذاشت
دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصیده بسیار خورد دلیل که مال بخصومت حاصل کند **عطا** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را عطا دادند معبر باید که بپرسد او را از این عطائی که دادند چه نوع
بود زر و یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد بود چون جمله نیکو بدانست آنگه تعبیر کند اگر نیکو
باشد آنچیز مردم آنرا دوست میدارند دلیل که از آن عطائی که بوی داد نیکی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول
بود دلیل که بسبب دنیا او را خواری رسد و اگر عطا بوعده خطا بود اجمله دروغ بود و اگر بیند که عطا بستد و
دیگر باز داد دلیل که نیک وجه آن بعطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را میوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا داد
دلیل که با آنکس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او برغبت بستد
دلیل که ایمان او پر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا بخواب بیند که مسلمانی ایشان را عطا داد و برغبت
بستد دلیل که مسلمان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او شکر گفت دلیل که زیادتی
مال و تندرستی بود و اگر شکر نگفت تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی
نیک بود و عطا دهنده دون بود تاویلش بد بود **عطر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که با خود بوی خوش داشت و او عالم بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر توانگر بود دلیل که از مال نفع
رساند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با خود عطر داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و ثنا گویند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود یکی ثنای نیکو دوم سخن خوش سیوم علم با نفع
چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کریم هفتم مرد با فرهنگ هشتم دین پاک نهم خبر خوش **عطار** اگر
بخواب بیند که عطاری میکرد دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که بر مردم بوی خوش میفروخت دلیل که وعده دهد لیکن
خلاف کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطار دوستی و آشنائی شد دلیل که مردم او را
مدح و ثنا گویند و نامدار شود **عطسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت
دلیل که اگر بیمار است او را طبیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی حاجتش روا کند و بر وی
منت نهد و اگر بیند که سه بار عطسه داد دلیل بر نیکی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار داد دلیل که مرادش
بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی باز گشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطسه
داد و مخاط از بینی باز گرفت و روان شد دلیل که در وی سخنی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و جنبنده از بیرون
آمد دلیل که از جوهر آن جنبنده او را فرزندی آید که بدان حیوان منسوب باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر عطسه بصواب
بآسانی داد دلیل که مال بآسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد دلیل که مال بدشواری بدست آورد **عقل** ابن

سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و داند که عقل ویست اگر بیننده خواب اهل آن
باشد دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از وی خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر کسے عقل خود را بدین صورت بیند دلیل که بخت روی بوی نهد و عز و جاه یابد و توانگر شود دانیال علیه
السلام گوید عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید من عقل توام دلیل
که بخت و دولت یار او شود و مغربی رحمة الله علیه گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غائب باشند و زنده
بودند دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و در
خبر است که مردی پیش حضرت رسول مقبول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت بخواب دیدم که مال و جان من از من
جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من در آمدند و هر سه نشستیم و بشراب مشغول گشتیم رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آن جهان کار تو براد شود و اگر بیند
که عقل و جان ستیزه و لجاج میکردند دلیل که با سلطان ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل
و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و پدر سیوم فرزند پادشاه چهارم مال
و نعمت **عقیق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد دلیل که با بزرگی
مصاحب شود و از وی خیر یابد و اگر بیند که عقیق از وی ضائع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بخروار
عقیق داشت و از وی چیزی بخورد دلیل که او را فرزندی آید که شرف و بزرگی و جاه یابد **علک** گندر بود اگر
بیند که علک بر آتش نهاد دلیل که بقدر آن در مال او نقصان شود و اگر بیند که علک میخائید دلیل که مالی بخصومت
و گفتگو یابد **علم** در خواب مردی دانا یا امام زاهد بود یا شخصی که مردم بوی اقتدا کنند و اگر بیند که علم
در دست داشت دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی آشنا شود و از وی راحت یابد و اگر بیند
که علم از دست وی بیفتاد یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب
دلیل بر سفر بود اگر بیند که علمی بوی دادند یا لشکری بر وی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که علمی سپید بزرگ در دست داشت دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد
و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سبز داشت دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه
داشت دلیل که قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن علم در خواب بر چهار وجه بود یکی جهت دوم
سفر سیوم جاه چهارم نیکی احوال **عمارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بیند که در جایگاهی خراب
عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر بیند که بر زمین خراب
شده بود و از بهر خود عمارت میکرد چون سرای دوکان و مانند این دلیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بیند
که جای معروف بود و خراب شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جای
معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از آن مقام خیر و صلاح و منفعت بقدر عمارت آن

مقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجهانی دوم خیر و منفعت سوم
کامرانی چهارم برکت و گشایش کارها نسبة **عماری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در عماری
نشسته بود و عماری وی بر استر یا بر اسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عماری بیفتاد
و یا از عماری بیرون شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عماری نشانند
دلیل که با بزرگی پیوندد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عماری
در خواب بر هفت وجه بود یکی بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم
پیوستن با مهتری **عمود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عمود در خواب مردی درست و راست بود و معبران گویند
که سخنهای سخت باشد و اگر بیند که عمودی بر کسی زد دلیل که سخنی سخت بکسی بگوید و اگر بیند که عمود آهنین
داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمود وی از دست وی بستدند تاویلش بخلاف
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود در خواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم سخنهای سخت درشت
سیوم مهتری بزرگ **عناب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عناب داشت و میخورد دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل که از وی بدانکس مال رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که عناب از درخت جمع میکرد دلیل که بقدر آن مال رنج حاصل کند **عنبر** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که عنبر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر بیند که عنبر بسیار جمع میکرد و باز
بیافت دلیل که بقدر رحمت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبر بکسی داد دلیل که از وی بدانکس منفعت رسد
و اگر بیند که عنبر از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبر مالید دلیل که
بجای او نیکی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم
کامرانی چهارم ثنای نیکو **عنقا** نوعی از نوا بود چون چنگ و بربط و مانند این ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که عنقا میزد دلیل که بباطل و سخن محال رضا دهد و اگر بعماری بیند که عنقا بشکست یا بفگند دلیل که
از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عنقا میزد دلیل که زود بمیرد **عنکبوت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
عنکبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و عاصی بود و بعضی معبران گویند که جولاهه بود و اگر بیند که عنکبوت
از وی دور شد دلیل که از مردی جولاهه دور شود **عود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود زیر کسی
میسوخت دلیل که از وی خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که عود خام داشت و یا کسی بوی داد دلیل که از پادشاه خلعت یابد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید عود در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی خوبروی دوم سخن خوش سیوم ثنا و آفرین چهارم
مال و منفعت **عودسوز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عودسوز در خواب کنیزک با فرهنگ یا غلام زیرک و
دانا بود و اگر عودسوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کنیزک از اصل ترسا باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل جهود

عماری
عمود
عناب
عنبر
عنقا
عنکبوت
عود
عودسوز

باشد اگر از آهن بود از اهل کبران باشد و اگر بیند که عودسوز بشکست یا ضایع شد دلیل که غلام یا کنیزک هلاک شود **عورت**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او را بدیدند دلیل که اسرار او در میان
مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید دلیل که سر او زود پوشیده گردد و معبران گویند اگر بیند
که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود
و اگر ترس دارد دلیل که ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسے بیند که عورت او برهنه بود و بیدار شد و از آن
شرمنده شد دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بیند که قصداً عورت خود برهنه کرد دلیل که کاری کند که
از آن مستوجب عقوبت گردد یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد **عید** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر ببیند که عید قربان بود دلیل که او را با مردی عاقل کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود دلیل که او را
با مردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عید بود و مردم
آراسته بیرون آمدند دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرف او زیادت
گردد **عاشورا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کامگاری یابد قوله تعالیٰ
اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز
بر وی خجسته و مبارک بود دلیل بر خیر و صلاح بود

حرف الغین

(**غار**) ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که در غار شد
و زود بیرون آمد دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غار شد
و آن غار روشن بود دلیل که او را بزندان کنند و بعضی گویند در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون
آمد دلیل که رنجور شود و شفا یابد **غارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمت وی غارت کردند
دلیل که غم و مصیبت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام دیار کفر را اگر بنت و غارت کرد دلیل
که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند دلیل که غم و اندوه مسلمانان را
رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زیان سیوم
غم و اندوه چهارم نرخ ارزان **غالیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غالیه در خواب فرهنگ و علم آور بود و اگر بیند
که غالیه بکسی داد دلیل که آنکس را از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید غالیه نشان حج بود و معبران
گویند که غالیه مالی باشد که از مهتری بوی رسد و اگر بیند که غالیه یافت دلیل که از زنی یا از مردی بازرگان منفعت
یابد و اگر بیند که کسے بر چشم وی غالیه مالید دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند
و اگر بیند که کسے بر بناگوش وی غالیه مالید دلیل که او را تهمت بدروغگوئی کنند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرهنگ دوم شادی و آفرین سیوم حج اسلام چهارم
مال و خواسته پنجم خیر و منفعت **غایب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر

نزد یک وی آمد دلیل که نامه و یا خبر آن غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که غایبش
ترشروی و متفکر بود تا ویلش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که غایبش
زود با نعمت و مال باز آید و اگر غایب را پیاده و عاجز و برهنه بیند دلیل که در راه غایب را قطاع الطریق زنند
و مفلس شده باز آید **عنبار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عنبار بر چیزیکه ملک او بود نشست دلیل
که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که عنباری برروی آسمان و زمین می شد دلیل که مردم آن موضع
از ان کار که دارند بیرون آیند و اگر بیند که عنباری برروی نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بروی او پر عنبار بود دلیل که او را رنجی و عقوبتی رسد قوله تعالی وُجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اگر بیند که بر زمینی که ملک اوست عنبار بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
غربال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غربال در خواب خادمی بود مهین و اگر کسی بخواب بیند که غربال داشت
دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که غربال وی بشکست دلیل که خادم وی بگریزد یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که غله بغربال پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم را از ان منفعت باشد و او را مضرت رسد و اگر بیند که آنچه
پاک میکرد از بهر خود میکرد دلیل که منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غربال در خواب بر سه وجه بود یکی خادم
دوم یار سوم شاگرد زیرک **غرق شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا غرق شد
و بمرد دلیل که پادشاه او را هلاک کند و اگر بیند که آب او را فرو برد و باز بالا آمد و نمرد دلیل که از کار دنیا دست بدارد
و صلاح دین و راه آخرت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهارپائی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد
دلیل که بکار صعب درماند و سرانجام رهائی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه
بود یکی مال بسیار دوم اقبال سوم صحبت با مردم بد مذهب چهارم منفعت **غزا کردن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در راه خدای تعالی غزا میکرد دلیل که کار خویشان و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابد
قوله تعالی وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً اگر بیند که از غزا روی بگردانید
دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا
أَرْحَامَكُمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بغزا رفت دلیل که دولت نعمت و بزرگی یابد قوله تعالی وَفَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر بیند که مردم آن دیار بغزا بیرون شدند دلیل که عز و جاه یابد و مردم را
فخر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی حلال بدو رسد
و عمرش دراز گردد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غزا کردن در خواب بر شش
وجه بود یکی خیر و برکت دوم سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گذاردن سوم ظفر بر دشمن یافتن چهارم

شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه داشتن ششم غنیمت یافتن **غسل کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که در اصل دریا غسل میکرد دلیل که غم و اندوه وی کم گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و از
ترس ایمن گردد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر بیند که بآب گرم غسل میکرد و آنکه دست و روی بشست دلیل که خیر و
منفعت یابد و اگر بیند که دست بآب و اشنان شست اگر دوستی دارد دلیل که در میان ایشان فرقت افتد
و اگر بیند که خود را از جنابت بشست دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در خواب از جنابت دلیل
بر پاکی از دروغ بود و هر زیادت و نقصان که شستن از جنابت پدید آید دلیل بر دین در وغ شود **غل** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دیدن غل در خواب کفر باشد و میلش بناحق بود و اگر بیند که غل در گردن داشت دلیل که کافر
میرد و اگر بیند که غل وی گردن بند سگ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که غل در گردن و بند بر
پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غل بر دستها داشت
دلیل بر بخل او کند قوله تعالی **وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ اَيْدِيْهِمْ وَلُعِنُوْا بِمَا قَالُوْا** و مقصود
از غل بخل است ابن عباس رضی الله عنه گوید معبران گویند چون مرد صالح غل در گردن بیند دلیل که دست از کار شر بدارد
غلاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غلاف در خواب زن بود و اگر بیند که غلاف شمشیر بشکست و شمشیر او بسلامت
ماند دلیل که فرزند بسلامت از مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و غلاف کارد همین حکم دارد **غلام**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غلام شده بود دلیل که بکاری سخت افتد و در ان رنجور شود و اگر
بیند که غلامی بگرفت یا بخرید دلیل که در کار نیکوئی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود
قوله تعالی **وَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيْمٍ** و در جای دیگر فرموده **يَا بُشْرٰى هٰذَا غُلَامٌ** جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر بیند که غلام یا کنیزک میفروخت دلیل که نیک بود و اگر بیند که میخرید بد باشد و از بهای غلام و کنیزک اگر زر و سیم
ستاند بد بود و اگر اجناس ستاند نیکو باشد **غلبه کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که بر خصم غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که خصم بر وی غالب شود
غم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب فرح و شادی بود و اگر بیند که غمگین شده بود دلیل
که فرح یابد و بمراد برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندوهگین شده بود دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند
که از غم رسته بود تاویلش بخلاف این بود **غنیمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب
اگر مال کافران بود دلیل که نرخها گران گردد و اگر بیند که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که
در آن دیار که غنیمت از آنجا برند نعمت شود و نرخها ارزان شود و اگر بیند که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند
دلیل که بقدر آن او را منفعت حاصل شود **غواص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بدریا
فرو رفت و مروارید برآورد دلیل که بقدر آن علم و دانش آموزد و از مال سلطان راحت یابد و اگر بیند که بدریا
رفت و هیچ نیاورد دلیل که بعلم آموختن مشغول گردد و لیکن فایده نیابد و اگر بیند که گوهری از قعر

غسل کردن
غل
غلاف
غلام
غلبه کردن
غم
غنیمت
غواص

هدیا برآورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد **غوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که غوره بوقت خود میخورد دلیل که بقدر آن چیزی برنج و منفعت بدست آورد ولیکن پایدار نبود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که غوره بیخورد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که غوره بفروخت یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد
دلیل که اندوهش کمتر بود و اگر غوره بگوشت پخته بود بهتر باشد غوک و وزغ در حرف واو شرح آن گفته شود

حرف الفاء

(**فاخته**) ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته در خواب زنی ناقص دین بدمهر بود
که با کسی سازکاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بر دین بدینسان بخواهد و اگر بیند که بچه فاخته بگرفت
دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و خرج کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید فاخته فرزندی دروغ زن بود و اگر بیند که فاخته بربام وی بانگ یکبار کرد دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار
بانگ کرد بهتر بود و اگر سه بار بانگ کرد بغایت نیکو بود و اگر بیند که فاخته با زاغ هر دو بخانه وی در آمدند دلیل که
دزد در خانه وی در آید و کالای او ببرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن
دوم فرزند سیوم خادم **فال گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فال گرفت و فال
نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فال گیری میکرد دلیل که آنکس چوز هندی بسیار خورد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت روا شدن
اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تاویلش بخلاف این بود **فالوده** اگر بزعفران بود بیماری بود و
دیدن فالوده رنج و خصومت بود بقدر آن آتشی که بروی رسیده باشد اگر بیند که فالوده در دهان نهاد
دلیل که سخنی لطیف گوید و اگر بیند که لقمه فالوده بکسی داد دلیل که با آنکس سخنی خوش گوید یا از بهر وی کاری کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده در خواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سیوم منفعت چهارم
با خنگ کار یکه برآید بدشواری بود **فام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فام بروی بود دلیل
که حج کند و اگر نمازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد باز رساند و اگر وام دارد
دلیل که بگذارد **فتنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که
اهل آن دیار بخداوند تبارک و تعالی بازگردند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر از ده چیز یکی بیند دلیل در اندیار فتنه و
بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد و سرد چهارم باد گرم پنجم سیاهی آفتاب و ماهتاب ششم غبار هفتم باران
هشتم برکندن درختان نهم ابر سرخ یا سیاه دهم جامه سرخ و زرد پوشیدن **فراخی** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از جایگاهی تنگ بفراخی آمد یا از سختی بآسانی رسید دلیل که از غم برهد و از اندوه فرج یابد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال وی فراخ گردد و اگر بیند
که خانه بروی تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیالان وی تنگ گردد و اگر بیند که خانه بروی تنگ شد و باز فراخ
شد دلیل که راه دین و شریعت بروی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر گشایش

کاربا بود و برکت در چیزها **فراش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فراش در خواب دلالة بود که از بهر کسی زن خواهد **فرج**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را هم چون زنان فرج بود دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر بیند
که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دو زن بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که دو زن
از یک کس باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از آهن یا از مس بود دلیل که از یافتن مراد با
نومید شود و اگر مردی بیند که فرج زنش از سوی پس بود دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای حق تعالی
در آن نباشد و اگر زنی بیند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش ماهی بیرون
آمد دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از فرج او گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن پدید
آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید و اگر زنی بیند که از
فرج او ماری زهر بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که دشمن او گردد و اگر بیند که از فرج وی کژدم بیرون
آمد دلیل که او را همین تاویل دارد و اگر بیند که از فرج او کرم یا موری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی
دون همت آید و اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگدست گردد و اگر بیند که از فرج وی
گنجد بیرون آمد دلیل که شوهرش او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش
در حالت حیض با وی مجامعت کند و اگر بیند که از فرج وی ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا
آید و اگر بیند که از فرج او آبی تیره بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از فرج وی سنگی بیرون آمد
دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهان بگیرند و اگر بیند
که کسی فرج وی را ببرید دلیل که از آنکس منفعت یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موی
رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خود اندوهگین شود و اگر بیند که بر فرج وی موی نبود دلیل که شاد
شود و اگر بیند که فرج وی آماسیده بود دلیل که مال یابد و اگر زنی بیند که او را بجای فرج قضیب بود و اگر
آبستن بود دلیل که پسر آرد و نماند و اگر آبستن نبود دلیل که پسرش بمیرد و اگر بیند که از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون
آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید **فرجی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که فرجی
پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین و کهنه بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد و لیکن با مردم پارسا
بود و دیبای رنگ از ملون بود و فرجی کرباس و ابریشم دلیل بر زیادتی دین بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که فرجی زنان پوشیده بود دلیل که او را ملامت رسد و اگر بیند که دران فرجی با کسی مجامعت کرد دلیل که حاجتش
روا شود از آنکس که با وی مجامعت کرد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل
که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده بود اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت
بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت دلیل بر مصیبت و غم

فرزند — فرعون — فرمودن — فرود آمدن — فروختن — فرونی — فستق

راندوه بود **فرزند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که او را دختری آمد دلیل که خیر و راحت یابد
اہل بیت شادمان شود و اگر بیند که پسری آمد دلیل که دختری او را آید و اگر بیند که دختری آمد دلیل که پسر آ
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بستد دلیل که بیمار شود اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در جائی طفل افگنده بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جائیکه امید ندارد چیزی بوی رسد
فرعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از فرعونان با تقدم یا از پادشاهی متقدم
در شهری در آمد و در آنشهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه اللعنه در آن دیار ظاهر گردد و اگر بیند که از پادشاهان
متقدم یکی در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن دیار ظاهر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که فرعون عطای بوی داد یا خلعتی او را بخشید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی
بزرگ مالی حلال یابد **فرمودن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را گوید دیگ بز
دلیل که در کاری که هست استادگی نماید و اگر کسی گوید که دیگ بگردان تا نسوزد یعنی پرحذر باش و اگر بیند که بد
گفتند که نان بشکن یعنی برادران را خوش دارد و اگر بیند که کسی گوید که گندم بفرودش یعنی نان بده و اگر بیند
که گویند میان را در بند یعنی فایده برگیر از کار و اگر بیند که گویند توقف کن یعنی بردشمن ظفر خواهی یافت و اگر
بیند که کسی گوید با آتش گم باش یعنی مال نگهدار تا درویش نشود و اگر بیند که گویند چراغ برافروز یعنی
مال خرچ کن و اگر بیند که گویند که بستر بگستر یعنی بخواه و اگر گویند تخم بکار یعنی با خلق خدائی نیکوئی کن و اگر
بیند که کسی گوید غسل کن یعنی توبه کن و بخدای تعالی بازگرد و اگر بیند که گویند چیزی بخور یعنی لقمۀ حلال بخور
فرود آمدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کوهی فرود یا از جائیگاهی فرود آمد دلیل
که شرف و بزرگی او زایل گردد و مالش نقصان شود و اگر بیند که از پایه نردبان زیر آمد دلیل که در دینش نقصان
شود خاصه که نردبان از گل بود و اگر نردبان از گچ و سنگ باشد دلیل که مالش نقصان شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از کوه فرود آمد اگر پیش پادشاه بود دلیل که از وی جدا شود و در حرمت و جاهش نقصان پذیرد
و اگر از تل فرود آمد دلیل که بقدر بلندی اندر نعمت او نقصان شود **فروختن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید هر چه در شرع و راه دین عزیز تر بود فروختن آن بد بود و اگر بخواب بیند که مصحف کلام الله را فروخت
دلیل که دین مسلمانی نزد او خوار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بنده خود را بفروخت دلیل که حرمت
و بزرگی او از زنان باشد و زشت نام گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بفروخت
آنچیز حقیر شود **فرونی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر فرونی خیر و صلاح بود نیک بود لیکن
چیزهائی که در آن شر و فساد باشد بد بود کرمانی رحمة الله علیه گوید فرونی در تن دیدن چون تن
را زیان ندارد نیک بود و هر چند که فزونی بیند دلیل که مال و نعمت بیش یابد و اگر در فزونی تن او را
مضرت رسد دلیل که نقصان و رنج و بیماری بود **فستق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فستق در خواب

مال ونعمت بود واگر بیند که مغز فستق داشت وبخورد دلیل که بقدر آن مال ونعمت بود واگر بیند که مغز فستق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فستق بدو دادند دلیل که مال ونعمت یابد **فقاع خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب دلیل بر خیر ومنفعت بود از قبیل خادمی که بوی رسد واگر بیند که فقاع میخورد دلیل که از خادمی خیر ومنفعت یابد واگر بیند که فقاع کسی داد دلیل که بآنکس منفعت رساند واگر بیند که کوزه فقاع بیفتاد وبریخت دلیل که او را زیانی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود واگر بیند که فقاع خورد دلیل که خدمت مردی سفله کند واگر بیند که فقاع خورد وشیرین بود دلیل که از و منفعت یابد واگر ترش وناخوش بود دلیل که او را زیان ومضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید فقاع خوردن در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم بوسه سوم خدمت کردن چهارم مرد سفله **فقیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فقیه وفاضل شده بود وسخن او نزد خلایق قبول بود دلیل که شرف وبزرگی یابد ونامش در اندیار بنیکی منتشر گردد ومغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی امی خود را بخواب فقیه بیند دلیل که عوان شود واگر خود را بخواب عالم تمام بیند دلیل که قاضی شود **فلاخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فلاخن بکسی انداخت دلیل که بدانکس نفرین کند واگر بیند که کسی سنگ فلاخن بر وی انداخت دلیل که آنکس بر وی نفرین کند واگر بیند که اندام از سنگ فلاخن خسته شده دلیل که از نفرین آفتی بوی رسد ورنجور گردد **فلوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فلوس در خواب جنگ وخصومت بود واگر بیند که فلوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند واگر بیند که فلوس بسیار داشت دلیل که در غمی سخت گرفتار شود واگر بیند که فلوسها از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم وانده وارسته گردد مغربی رحمة الله علیه گوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر مفلسی بود **فندق** در خواب دیدن مال بود واگر کسی بخواب بیند که فندق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد واگر بیند که بخروار فندقی داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فندق شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد **فنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فنگ در خواب مردی غریب توانگر وآمیزنده با خلق بود وپوست وموی واستخوان از وی مال وخواسته بود وگوشت وی مال مردی غریب وتوانگر بود واگر بیند که فنگ مطیع وی نبود دلیل که فایده نیابد واگر بیند که فنگ را بکشت وپوست وی را بر کند وگوشت وی را بخورد دلیل که مال مردی غریب تلف کند واگر بیند که فنگ را بجبه کرد واز گردن او خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری غریب بستاند واگر بیند که فنگ بسیار بر وی جمع شدند واز ایشان گزند ندید دلیل که در میان گروهی افتد واز ایشان منفعت یابد واگر بخلاف این بیند مضرت یابد **فواق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که فواق آمد دلیل که خشم گیرد ودشنام دهد وسخن ناسزا گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهنگام نان

باشد **قالی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالی بزرگ ابهری افگنده بود دلیل است که ملک و لایت دلیل
که بر درازی عمر و فراخی روزی بود و اگر بیند که بر قالی نشسته بود در جای بیگانه و نداند که آن جا کجاست
دلیل که دنیا بروی متغیر گردد و در غربت بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته
بود دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت
دلیل که از جائی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و فراختر باشد معیشت
و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود و در زیر وی فراخ شده دلیل که عیش و روزی
وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر بیند که قالی گسترده
بود و بدست خود در نوشت و در کنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند و اگر بیند که قالی بر پشت
نهاد و میبرد دلیل که بزه بسیار کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که قالی کوچک و سبز بود دلیل که روزی بر وی
تنگ شود اما عمرش دراز شود و اگر بیند که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند
که قالی در خانهٔ کسی افگنده بود دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر بیند که در خانهٔ مجهول قالی
افگنده بود دلیل که سفر کند و مال و نعمت یابد **قبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبای کرباس در خواب پناه و قوت سفر
بود و اگر بیند که قبای کرباس فراخ پوشیده بود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که قبای حریر پوشیده بود
و در خواب مکروه بود دیگر که با سلاح پوشیده بود اما از مردی بزرگ عز و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که قبا پوشیده بحرب میرفت بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که قبای سبز پوشیده بود دلیل که روشنائی یابد و اگر کبود
بود مصیبت باشد و اگر سیاه بود غم و اندوه باشد و اگر ملون بود کارش بنظام گردد و اگر قبای کهنه و دریده بود
دلیل که زن را طلاق دهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قبای عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر بیند که قبای پوستین سیاه و سپید پوشیده بود دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر بیند که قبا از
پوست روباه بود دلیل که زنی پارسا بزنی کند و اگر قبا از پوست سمور بود دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید قبا در خواب بر شش وجه بود یکی پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست —
قباله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قباله و خط داشت دلیل که بقدر خط و قباله او را حکمت
حاصل شود و اگر بیند که پادشاه خط و قباله بوی داد دلیل که او را والی ولایت گرداند و اگر بیند که قاضی قباله
بوی داد دلیل که علم شرع او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر شش وجه بود یکی ریاست
دوم حکمت سوم منفعت چهارم ولایت پنجم صحبت ششم قوت **قبان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبان
در خواب مردی خونخوار بود و گفته قبان در خواب شغوای بود در زبانه اش فزونی بود بوقت گذاردن حکم مغربی
رحمة الله علیه گوید قبان در خواب قاضی بود و اگر بیند که قبانی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر
بیند که بقبان چیزی می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد **قبله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

قالی
قبا
قباله
قبان
قبله

خوردن او را فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که او را فواق پیاپی می آید دلیل که بی حجتی بر کسی خشم گیرد
و اگر بیند که فواق او به بانگ او بلند بود دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را ملامت رسد و اگر بیند فواق نرم و
آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد ولیکن زود باز آید و اگر بیند که فواق میکرد و هر چه بود برآورد دلیل که اجلش نزدیک
رسیده باشد **فوده** خمیر خشک باشد که از آن آبگامه سازند دیدن وی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند
که فوده میخورد دلیل که بسبب کاری متفکر گردد و فوده در خواب جنگ و خصومت با خویشان بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن فوده در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم
ناسازگاری بر عیال **فوطه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامهٔ فوطه در خواب شادی و آسانی
بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت دلیل بر راحت دین و دنیای وی بود که پاید خاصه نو و فراخ بود و اگر
فوطه کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند
که جامهٔ فوطه پوشیده بود و بیننده مستور بود دلیل بر زیادتی ستر او بود و اگر بینندهٔ خواب مفسد بود دلیل
که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامهٔ فوطه پادشاه بیند دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی
بیند که جامهٔ فوطه پوشید دلیل که حکم براستی کند و اگر مشرک بیند که مسلمان شود و اگر فاسق بیند تائب گردد
و اگر دزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید

حرف القاف

(**قاضی**) ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که قاضی شد و در میان خلق داوری میکرد و از اهل قضا نبود دلیل که در رنج و بلا
گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته باشد او را قطاع الطریق بزنند و مالش تلف شود و اگر عالم و
دانا بود قاضی شود و اگر بینندهٔ خواب عالم نبود و جوان بود از سفر بسلامت باز آید کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی مجهول بیند
که نشسته بود و او بکسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی وَاللّٰهُ
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ و در جای دیگر فرموده يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که قاضی بروی حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی ترازوی در دست داشت دلیل
که در میان خلق حکم براستی کند و اگر بیند که قاضی بمهر و شفقت برو نگاه کرد و با وی بلطف و مدارا سخن گفت دلیل
که او را نزد اهل علم حرمت و جاه نبود و خوار و فرومایه باشد **قافله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند با قافله سوی خانه می آمد دلیل که کار بسته وی کشاده گردد و از خویشان دور شود **قالب** کالبد بود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قالب کفش یا موزه در خواب بیند دلیل که زن و خادم بود که کارهای وی
راست دارند و اگر بیند که قالبی داشت دلیل که خادمی او را حاصل آید و اگر بیند که قالب بشکست
یا بسوخت دلیل که آن خادم خانه را و هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالب بسیار داشت
دلیل که او را خادمان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کفش دوز یا موزه دوز بود دلیل که بهتر

فوده
فوطه
قاضی
قافله
قالب

اگر بیند که قبله بگذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد دلیل که براه حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بیند که قبله نشناخت دلیل که در راه دین گشته و متحیر گردد **قبه** گنبد بود و در حرف کاف بیان کنیم **قدح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قدح آب با جلاب داشت و از آن بخورد دلیل که زن بخواهد یا کنیزک خرد و فرزند صالح و پارسا آورد و اگر بیند که آب بریخت و قدح باند دلیل که فرزند بمیرد و زن بسلامت باشد و اگر بیند که قدح شکست و آب ریخت دلیل که فرزند و زن هر دو بمیرند و اگر بیند که قدحی بود و از آن بخورد دلیل که او را فرزندی بد کردار آید و از و محنتی بدو برسد و اگر قدحی تهی بخواب بیند دلیل که او را فرزندی نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قدح در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم که مشترک حوایج خانه بود **قدید** ابن سیرین رضی الله عنه گوید قدید در خواب اگر گوشت گوسپند بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسپ بود دلیل که غنیمت مردم سیاه بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت مردم بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد **قران خواندن** در خواب دلیل بر حالکیست اگر بخواب بیند که آیت رحمت و بشارت بود از حق سبحانه و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حقتعالی جل و علا بگذارد و اگر بیند که آیهٔ عذاب میخواند دلیل که بر خشم و غضب خدایتعالی عز و جل بود توبه کردن باید و بخداوند تبارک و تعالی باز گردیدن و اگر بیند که آیت از قصص و امثال میخواند دلیل که معصیت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که نیمه قرآن میخواند دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بیند که حافظ قرآن شد دلیل که امانت نگهدارد و اگر بیند که آواز قرآن میشنید دلیل که کارش در راه دین نیکو گردد و اگر بیند که کسی قرآن وی میخواند و از آن هیچ فهم نمیکرد دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جمله قرآن ختم کرد دلیل که مرادها بیابد و بعضی از معبران گویند عمرش باخر رسیده باشد و اگر بیند که قرآن بآواز بلند میخواند دلیل که کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بیند که یاد دارد که کدام آیه میخواند دلیل که تفسیر آیه تعبیر وی باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهار یک قرآن میخواند دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بیند که از اعراف تا مریم بخواند دلیل که در میان خلق مشهور گردد و اگر بیند که از زمر تا سورة الناس خواند همه حاجات وی بر آید و اگر بیند که تمام سی پارهٔ قرآن خواند دلیل که سال و ماه بر وی مبارک باشد و اگر بیند که هفت سی پارهٔ قرآن خواند دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر کسی قرآن خوان نبود و بخواب بیند که قران میخواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا اگر بیند که برهنه بود و قرآن میخواند دلیل که هوادار بود و اگر بیند که بجایگاه پاک و پاکیزه میخواند دلیل که در اعتقادش خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قران خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی بسلامتی یافتن از آفتها دوم توانگری بعد از درویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرهیزگاری فرمودن کسانی را که مستور باشند روز قیامت حجت بر ایشان بد العذاب و عقوبت **قربان کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که اشتر یا گاو یا گوسپند قربان کرد دلیل که اگر بنده بود آزاد شود و اگر در رنج و بلا و زحمت گرفتار بود شفا یابد و اگر در بند بود خلاصی یابد

قبه قدح قدید قران خواندن قران خواندن قربان کردن

واگر درویش بود توانگر گردد واگر ترس دارد ایمن گردد واگر وام دارد وامش گذارده شود واگر حج نکرده باشد بگذارد واگر
بیند که بصحرا بجهت قربان رفته بودند دلیل که آنقوم اگر از چیزی ترسند ایمن گردند واگر محبوس باشند خلاصی یابند
واگر قحط وتنگی بود بفراخی بدل شود خاصه که اینخواب نزدیک عید قربان باشد تاویلش زودتر اثر کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گوشت قربانی بمردم قسمت میکرد دلیل که مردی محتشم انجا بمیرد ومالش را قسمت کنند واگر بیند
که گوشت بدزدید دلیل که بر خداوند تعالی عزوجل دروغگوید وقربان درخواب بشارت بود قوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ
بِاِسْحٰقَ نَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلٰۤى اِسْحٰقَ اگر خداوند خواب زن بود وحامله پسر صالح آرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل قربان درخواب بر شش وجه بود یکی ایمنی از ترس دوم حاصل شدن مراد وحاجات
سوم خیر وبرکت چهارم تا ششم زوال قحط وتنگی **قرابه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرابه درخواب کنیزک پیری
بود که مال وخواسته بدو سپارند واگر در قرابه آب یا جلاب یا چیزیکه خوردنش حلال بود بیند دلیل که آن کنیزک
پیر حلال خوار بود واگر بیند که در قرابه چیزی بود که مستی کند دلیل که آن کنیزک پیر حرام خوار بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که قرابه داشت دلیل که او را با کنیزک پیری صحبت افتد واگر بیند که از قرابه آب یا جلاب
خورد دلیل که او را از کنیزک پیر خیر ومنفعت رسد واگر از قرابه چیزی ترش خورد دلیل که غم واندوه خورد واز قرابه تهی
هیچ خیر وشر نرسد واگر بیند که قرابه بشکست دلیل که از آن کنیزک پیر جدا گردد **قرنفل** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید قرنفل درخواب ثنای نیکو بود واگر بیند که قرنفل بسیار داشت وبهرکس عطا داد دلیل که اهل آن دیار بروی ثنا گویند
ونامش بنیکی منتشر گردد واگر بیند که قرنفل همی خورد دلیل که او را غم واندوه ومصیبت رسد **قز** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید قز وابریشم چون سپید باشد دلیل بر نعمت این جهانی باشد واگر زرد بود دلیل بر بیماری کند ودیدن
ابریشم پخته بهتر از خام بود واگر بیند که ابریشم یا قز او بسوخت یا ضایع شد دلیل که ویرا زیانی رسد واگر بیند
که قز وابریشم داشت وسفید بود وملک وی بود دلیل که خیر ومنفعت یابد واگر سبز بود بهتر باشد واگر سرخ بود
مردانرا بد باشد واگر سیاه یا کبود بود دلیل بر غم واندوه باشد واگر بیند که از هر رنگی ابریشم داشت دلیل که
او را از هر رنگی متاع حاصل شود وابریشم مردانرا در دین مکروه بود وزنانرا نیک باشد **قسط** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که قسط وزیر خود میسوخت ودود میکرد دلیل که مردم آن ولایت او را مدح وثنا گویند ونامش در آن دیار
بنیکی منتشر گردد واگر دود کنده وناخوش بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط همی خورد
دلیل که غمگین شود **قسمت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که میان گروهی چیزی قسمت میکرد
دلیل که میان خلق انصاف نگاه دارد واگر بیند که مال خود بخیر وصلاح قسمت کرد دلیل که او را فرزندان آید ومال بایشان
قسمت کند واگر بیند که مال خود بشر وفساد قسمت میکرد دلیل که مال وی تباه شود واگر بیند که مال
کسی برضای او قسمت میکرد اگر بصلاح یا فساد بود دلیل که خیر وشر آن بوی باز گردد **قصاب**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قصاب چون مجهول باشد ملک الموت بود واگر بیند که قصاب دجالی

یا درکوچه آمد دلیل که در آنجا کسی بمیرد و اگر بیند که او قصابست و قصاب نبود دلیل که کسی را بکشد و اگر بیند که با قصاب جنگ
کرد دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصابی کرد و قصاب نبود دلیل که غم و اندوه
از وی زایل شود و اگر بیند قصاب بود و خون حق ریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصاب مجهول در خانه وی
درآمد یا درکوچه درآمد دلیل که در آن موضع مرگ مفاجات پیدا شود **قصه گفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بخواب بیند که قصه مجهول میخواند دلیل که از ترس و بیم ستمگاران ایمن شود قوله تعالی فلما جاءه
وقص علیه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مردم را قصه میگفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل بر شر و فساد کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصه میگفت دلیل که کارش نیکو شود و مرادش حاصل گردد و قصه گوی درخواب
مردی نیک محضر بود **قضیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که درخواب بیند
اگر کسی بخواب بیند که شاخ درخت تازه و باریک بود و بدو دادند و آنکس معروف بود دلیل که او را از آنکس
بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند که شاخی باریک و خشک بود دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که شاخ درختی که ترش میوه او بود و بدو دادند دلیل که از آنکس بدو غم و اندوه رسد و اگر از
درخت شیرین بود دلیل که خیر و منفعت یابد **قطائف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قطایف
بشکر و بادام کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بمغز جوز و در شاب بود
دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطائف درخواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال
حلال سوم منفعت چهارم منفعت بیرنج **قطران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قطران درخواب مال
حرام بود و اگر بیند که قطران داشت و از آن یکی خورد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که تن یا
جامه وی بقطران آلوده بود دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند
که قطران از خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند **قفا خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بر قفای خود موی بیند دلیل که وام دار شود و اگر بیند که موی از قفا سترده بود دلیل که وامیکه دارد گذارده شود
و اگر بیند که بر قفای او سیلی کسی زد چنانکه آماس کرد دلیل که هم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند که بیگانه
بر قفای او سیلی زد دلیل که منفعت از بیگانه یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان سیلی بر قفای او
زد که خون روان شد دلیل که او با کسی داوری کند و زیانش رسد و اگر بیند که قفای خود برید دلیل که عیالش
بروی خیانت کند و اگر بیند که بر قفای خود حجامت کرد دلیل چیزیکه خریده باشد قباله نویسد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که رویش بقفا گشت دلیل که با مردم منافقی کند **قفص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
قفصی داشت دلیل که درجائی گرفتار شود و معبران گویند که او را با کسی از خویشان در زندان کنند و اگر بیند
که قفص بشکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قفص درخواب

بر سه وجه بود یکی زندان دوم جای تنگ سوم سرای نخاس **قفل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قفل در خواب دلیل بر بسته
شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند که قفل زود بگشاد دلیل که کارهای وی گشاده شود و شاید که حج اسلام
بگذارد و اگر بیند که قفل نتوانست گشود دلیل که کارش دیر گشاده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قفلی
محکم بر جایی نهاد دلیل که مال خود بمصلح سپارد و اگر بیند که قفلش سست و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار دوم قوت سیوم محبت چهارم منفعت
پنجم زن ششم اعتماد بر کسی مصلح و امین **قلعه** دز بود و در حرف دال ذکرش رفته است **قلم** معبران در تاویل
قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلم امر حق است و خدای تعالی را بقلم و لوح محفوظ نسبت مغربی
رحمة الله علیه گوید قلم فرشته ایست که بفرمان خدای تعالی جل و علا کار کرد و اگر کسی قلم را بدان صورت که هست
بیند دلیل که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حق تعالی جل و علا قلم را یاد کرده است ن وَالْقَلَمِ
وَمَا يَسْطُرُونَ اگر بیند که قلم بر دست گرفت دلیل که او را فرزندی فاضل آید اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بدان قلم که بر دست داشت چیزی نبشت دلیل که علم آموزد قوله تعالی
عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب بر پنج وجه بود یکی امر حق تعالی
دوم فرشته سیوم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم قلم را خامه گویند و شرح آن در حرف خا یاد
کردیم **قلیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلیه که با آب پخته باشد بهتر از آنکه بی آب پخته باشد و هر چند که
قلیه بطعم خوشتر بود منفعت آن بهتر باشد و اگر قلیه از گوشت گاو فربه باشد و خورد دلیل که در آن سال از ترس و
بیم ایمن بود و اگر از گوشت بره یا بزغاله خورد دلیل که مالی اندک یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قلیه از گوشت
اسپ بود و خورد دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت اشتر خورد دلیل که مال از مردی بزرگ
بدست آرد و اگر قلیه از گوشت ماهی خورد دلیل که از جهت زنان بکر مال بدست آرد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل
بر غم و اندوه کند و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپایی خورد که گوشت وی حرام است دلیل که مال حرام خورد **قمع**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قمع کوچک در خواب غلام و کنیزک بود و قمع بزرگ وی مرد تدبیر کننده بود و اگر بیند
که قمع کوچک بخرید یا کسی بوی داد دلیل که غلام یا کنیزک کوچک بخرد و اگر بیند که قمع او بشکست یا ضایع شد
دلیل که او را از صحبت چنین مردی مفارقت افتد و اگر بیند که قمع او سیمین بود دلیل که او را با مردی نیک رای و
خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قمع او آهنین بود دلیل که با مردی قوی رای و شجاع صحبت افتد و از وی خیر و منفعت
یابد **قند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قند خورد دلیل که تعجیل کاری کند که از آن کار پشیمان
شود و اگر بیند که کسی پارهٔ قند در دهان او نهاد دلیل که او را بوسه دهد و اگر بجز آن قند داشت دلیل که بقدر آن
مال حاصل کند و اگر بیند که قند میفروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود **قندیل**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قندیل افروخته توفیق عبادت بود خاصه که روشن بود و اگر کسی بخواب

ببیند که درخانهٔ وی قندیل افروخته آویخته بود دلیل که زنی صالحه پارسا بخواهد واگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید قندیل افروخته درخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خواستن دوم توفیق سیوم عز و دولت چهارم گشایش درکارهای بسته و قندیل ناافروخته دیدن منفعت اندک بود

قنوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی درخواب بیند که قنوت خواند دلیل که مردم مدح و ثنا گویند و حاجتش روا گردد واگر مرد مصلح و پارسا درخواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود واگر بیند که مصلح بود از درگاه حقتعالی حاجتهای او برآید واگر بیند که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیا بوی برآید

قنینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قنینه درخواب خادمی بود که کاید خانه بدو سپارند اگر کسی بخواب بیند که قنینه داشت در وی آب بود یا جلاب یا چیزیکه خوردنی او حلال بود وآن بخورد دلیل که مال حلال یابد واگر در قنینه چیزی حرام بود وازان بخورد دلیل که او را ازان خادم چیزی حاصل شود واگر بیند که قنینه بشکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید قنینه درخواب خادمی بود که چیزها بردست وی باشد

قیامت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که قیامت بود دلیل که حق سبحانه وتعالی در اندیار عدل گستر دگردانند واگر اهل آندیار ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد واگر اهل آندیار مظلوم باشند دلیل که حقتعالی عزوجل ایشانرا نصرت دهد واگر بیند که اهل آندیار پیش حق جل وعلا ایستاده بودند دلیل برخشم [illegible] حقتعالی جل و علا باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد واگر بیند که علامتی پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا دجال و یاجوج و ماجوج پیدا شدند باید که توبه کند و بحقتعالی گراید واگر بیند که گورها بشگافت و مردمان بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که او را برانگیختند باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل وعلا جوید واگر بیند که در شمارگاه بود دلیل که در غفلت بود قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیان برسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا واگر بیند که کردارها بسنجیدند وازان وی نیکی زیادت آمد دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ واگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامهٔ وی بدست راست داشت دلیل که وی براه راست بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ واگر بیند که نامهٔ کردار وی دادند و گفتند که برخوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود واگر از اهل فساد بود پرخطر باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ اگر بیند که بر صراط است دلیل که براه راست میرود واگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم براه راست بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قیامت درخواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیوم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال و عاقبت باسعادت و اهل فساد را بخلاف

این بود **قیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قیر داشت دلیل که بقدر آن نعمت و روزی یابد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیر بسیار داشت و بخانه برد دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برد و اگر بیند که قیر از خانه برون
افگند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که در قیر او آتش افتاد و بسوخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش
بستاند و اگر بیند که قیر میخورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبران گویند که او را غم رسد **قی کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قی میکرد و آسان برمی آمد دلیل که توبه کند و اگر بیند
که قی نتوانست کردن یا در وقت برآمدن باز بجائی رفت دلیل که از توبه باز گردد و سر انجام عقوبت یابد و
بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد و اگر بیند که قی میکرد و میخورد دلیل که از بخل چیزی بر عیال نفقه نکند
کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که قی میکرد و طعم او ترش و ناخوش بود دلیل که بعد از توبه بسر گناه رود و
اگر بیند که هنگام قی کردن چیزی از شکم وی بزبان آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بلغم برآورد دلیل که از
بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار برآورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که صفرا برآورد دلیل که از رنج ایمن
شود و اگر هر چه در شکم بود برآورد دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید قی کردن در خواب
بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سیوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن ششم کارهای بسته
گشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و بخورد دلیل که چیزی بکسی بخشد و از آن کس باز ستاند **حرف الکاف**
کاچی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاچی بروغن کند و شگوفه در روغن بادام خورد
دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بروغن و انگبین میخورد دلیل که بقدر آن راحت یابد و اگر بیند
که کاچی بروغن و ماست میخورد دلیل که از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاچی بچیزی ترش می خورد
دلیل که بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاچی بچیزی شیرین می خورد دلیل که او را
مال بآسانی بدست آید و اگر بیند که بچیزی ترش میخورد دلیل که غم و اندوه بود بقدر ترشی **کارد** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید کارد فرزند باشد و نیام کارد زن بود اگر کسی بخواب بیند که کارد در دست داشت و دانست
که از آن وی است دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کارد سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاحی پوشیده و کاردی در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه
و قوت بود و بعضی گویند که غلام کاردگری آموزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کارد از نیام برکشید دلیل
که زنش پسری آورد و اگر بیند که کارد در نیام بشکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان پدرش بمیرد و اگر بیند
که اندام خود را بکارد بخست دلیل که بقدر خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند بکارد چیزی تراشید دلیل که از آن
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کارد او رخنه افتاده بود یا زنگ گرفته یا عیبی دید و ظاهر شد دلیل که نقصان
مال او بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کارد در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم
ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم توانائی هفتم ولایت **کارزار کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود واگر کسی بخواب بیند که کارزار میکرد دلیل که او را از علت طاعون بیم بود و اگر
در کارزار دشمن را قهر کرد دلیل که از علت خلاصی یابد واگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعلت طاعون هلاک
شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کارزار با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت دلیل
بر خصومت بود و آنرا ظفر بود که فرصت یافته بود واگر کارزار را به نیزه میکرد همین تاویل دارد واگر به تیر و کمان
کارزار میکرد دلیل که میان ایشان بزبان گفتگوئی شود **کارزی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که کارزی میکرد و کازر بود دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه
بتاویل غم و اندیشه بود و کازر پاک کننده چرکست پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که جامه در شستن بدرید دلیل که توبه بشکند واگر بیند که جامه دریده را بدوخت دلیل که باز توبه کند
واگر بیند که او بشستن سفید شد دلیل که از توبه خلاصی و رستگاری یابد واگر بیند که جامه می شست
و سپید نمی شد دلیل که همواره در گناه باشد مغربی رحمة الله علیه گوید کازر در خواب مردی باشد که بر دست وی
خیرات و حسنات برود و از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید کازر در خواب مردی باشد
که غم و اندوه از دل مردم ببرد از این سبب معبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشوید دلیل
که از غم و اندوه خلاصی یابد و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید شوید **کار دنیا کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار دنیا میکرد دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود
واگر بیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آنجهانی نیک بود واگر بیند کارهای دنیاوی آراسته
شد دلیل که اجلش نزدیک باشد واگر بخلاف این بود عمرش دراز باشد واگر بیند که بکاری مشغول
بود که او را و غیر او را از آن منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که با مردی بکاری می شد و در راه بنشست دلیل که مخالف دین بود قوله تعالی
فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ **کاروان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح و پارسا بودند دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود
واگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که سوار بود و برگ تمام
داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود واگر بیند که در کاروان پیاده بود و برگ نداشت تاویلش بخلاف این
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کارها بروی گشاده گردد واگر بخلاف
این بیند دلیل که کارها بروی بسته گردد **کاریز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که
در جایگاهی معروف کاریزی میکند دلیل که با کسان خود مکر و حیلت سازد و این تاویل وقتی بود که بکندن کاریز
آب پیدا نشود و چون آب پدید آید و روان گشت حکم کاریز کندن معین نگاه دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که از کاریز آب می ستد دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز وی کنده باشد منفعت بقدر

کارزی کردن
کار دنیا کردن
کاروان
کاریز

اگر از وی بردارد بوی رسد و اگر بیند که آب از کاریز بر داشت و در خم ریخت یا در سبو کرد دلیل بر مالی باشد که خرج کنند
و اگر بیند که در کاریز افتاد دلیل که در مکر و حیلت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بلغ را از کاریز آب میداد
دلیل که با زن خود مجامعت کند و کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بمکر و حیلت سازکند **کاسه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاسهٔ چوبین چون در وی خوردنی بود و بخورد دلیل است از سفر روزی حلال یابد و کاسه
سفالین در خواب روزی بود و کاسهٔ خالی سفر و ماندگی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاسهٔ طعام خادمی بود با برکت
و منفعت که بر دست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسهٔ زرین و سیمین که در وی خوردنی
بود روزی حرام باشد و کاسهٔ سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبهتی بود و کاسهٔ آبگینه دلیل بر آن کند
و کاسهٔ تهی دلیل بر مفلسی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاسهٔ خود چیزی خوردنی
خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی ترش و ناخوش بیند دلیل
بر غم و اندیشه بود **کاغذ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب مال و بزرگی بود
اگر بیند که کاغذ سفید و پاکیزه داشت دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاغذ وی در آب
بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال او نقصان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب
علم و دانش بود و اگر خداوند خواب پارسا بود و اگر بیند که کاغذ بسیار داشت دلیل که در فضل و علم شهرت
یابد و اگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاغذ در خواب
بر چهار وجه بود یکی زن دوم بزرگی سیم دولت چهارم مکر و حیلت **کافور** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک و راست بود در راه حق اگر بیند که کافور می سوخت و از آن بوی ناخوش
می آمد دلیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت ندارد و اگر بیند که اندکی کافور یافت دلیل که بشارت شادی
یابد و اگر کافور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب
بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سیوم دوست چهارم کنیزک خوبروی پنجم مال بسیار ششم ثنا و
آفرین و سخنهای خوب هفتم رامش نفس **کافور سیرغم** نباتیست که شگوفهٔ او زرد بود و از وی بوی کافور
آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که مدح و ثنای او در زبان مجموع مردم باشد و اگر بیند که کافور سیر
غم از جائی برکند دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود و اگر بیند که کافور سیرغم میخورد دلیل که او را غم و
اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کافور سیرغم در خواب بوقت خویش بر سه وجه بود یکی ثنا
و آفرین دوم نفع اندک سوم سخن لطیف شنیدن و گفتن **کافر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که کافر شده است دلیل که او را بملت کفر میل باشد و اگر بیند که گبر شد و آتش میپرستید
دلیل که بخداوند تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نور و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جوید و دین خود
را بمال حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافر در خواب بر سه وجه بود یکی میل بکفر

داشتن دوم صحبت با مردم داشتن و با بد اعتقادان نشست وخاست کردن سیوم خذلان خداوند تبارک
وتعالی بروی **کام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام وی چنان دراز شد که گلوی از درازی
او بسته شد دلیل که بدنیا حریص بود ومردم راغیبت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام بالای
وی بر زیرین لب بود دلیل که کارهای بسته گردد واگر بیند که کام او دراز شده بود و ببرید و بینداخت
دلیل که ترک حرص وآز بگوید ومردم راغیبت نکند **کامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کامه در خواب
جمله دلیل بر غم ومصیبت بود واگر بیند که کامه می خورد دلیل که بقدر آن رنج واندوه بوی رسد واگر کامه بکسی
داد واو بخورد دلیل که آنکس از وی رنجور دل گردد وغم واندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کامه
در خواب خوردن بر سه وجه بود یکی غم واندوه دوم مضرت سیوم خصومت وگفتگوی **کاه** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید کاه در خواب مال ونعمت بسیار بود خاصه که کاه گندم باشد واگر بیند که کاه
بسیار داشت ودر خانه میکشید دلیل که مال ونعمت حلال بسیار حاصل کند واگر بیند که کاه جو بود آنچه
گفتیم کمتر از آن باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاه دانی رفت وداند که ملک اوست دلیل که توانگر
شود ومراد وجهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کاهدان افتاد وکاه او بسوخت دلیل
که پادشاه او را مصادره کند ومال خواسته از وی بستاند واگر بیند که چارپائی کاه میخورد دلیل که بجد مال خود
تلف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاه در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سیوم
کام دل وشادی **کاهو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاهوی شیرین بوقت خود
میخورد دلیل بر غم واندیشه بود واگر بیند که کاهوی تلخ بود دلیل که مضرت وزیان بیند واگر بیند
که کاهوی تلخ ونیکو بود دلیل که باکسی گفتگوی کند **کاورس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کاورس میخورد دلیل که مال وخواسته یابد واگر بیند که کاورس بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج
حاصل کند واگر بیند که کاورس بفروخت دلیل که او را مضرت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاورس
بود دلیل که مالی اندک یابد وخیر ونفع در او اندک باشد **کاو** دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند
که برگاو نشسته بود وگاو از آن او بود دلیل که از پادشاه عمل گیرد ونفع بسیار از وی بیابد خاصه چون گاو
سیاه باشد واگر گاو نر زرد بیند دلیل که بیمار بود واگر بیند که گاوی نر از در خانه وی درآمد دلیل که حقتعالی
در خیر وروزی بر وی گشاده گرداند لیکن از وهش بیروی نگردد واگر بیند که گاوان نر بسیار داشت
دلیل که غلامان بسیار زیردست وی شوند واو در کار ایشان سعی کند واگر بیند که گاوی نر او را بیرون
بزد واز منزلش بیرون برد دلیل که از غلامان او را مضرت رسد واو خود را معزول گرداند واگر بیند که گاوی
او را ستبر دن بود وهر سروی نها بوضع سر بود دلیل که بعد هر سروی غلامش یکسال عمل وی کند واگر در اندامی
از اندامهای وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود واگر نقصان بیند تاویلش بخلاف این بود

کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو نر در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و دم گاو خرید و فروخت
نیز عامل بود و اگر بیند که دنبال گاو نر در سرای در آمد دلیل که مال بسیار یابد و روزی او فراخ شود
و اگر در کوچه خویش گاوان بسیار بیند دلیل که بهتر گردد و کار او و خیرات و برکت پدید آید و اگر گاوی نر او را
بسرون بزد و بینداخت اگر بیننده خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد و اگر بازرگان بود دلیل
که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بیفتد و اگر بیند که گاو بسرون بزد و او بیفتاد دلیل که کسی بروی شرف
و بزرگی کند و در عزل وی کوشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاو نر از میان گاوان بکشتند و قسمت
کردند و گاو آن عامل بود دلیل که مردی بزرگ از آن کوچه بکشند و اگر بیند که گاو را بکشت و گوشت او بخورد
دلیل که خداوند گاو را هلاک کند و مالش بستاند و اگر بیند که گاوی بکشت که نه گاو او بود دلیل که مردم محتشم در آن
موضع بمیرند و اگر گاوان بسیار نر و ماده مختلف بیند که در آن موضع آمد و شد میکردند دلیل که مردم آن موضع
در آنسال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر گاو فربه باشد دلیل فراخی و ارزانی بود و اگر بیند
که گاوان زمین را می شگافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که با گاو جنگ میکرد دلیل که او را با مهتری جنگ افتد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گاو در خواب
سال بود و اگر ماده گاو بیند دلیل که در آنسال فراخی و نعمت بود و اگر ماده گاو لاغر باشد ولیکن تا آنسال
بخلاف این بود و گوشت ماده گاو مال فراخی در آن سال بود و پوست وی ذخیره باشد و اگر بیند که ماده
گاو را بدوشید و از وی شیر بخورد دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند آزاد گردد و اگر درویش
بیند توانگر گردد و اگر آزاد بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده گاو او آبستن
بود دلیل بر امیدواری بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو فربه بخرید دلیل که در آنسال از بیع
توانگر بزی گشت و اگر بیند که ماده گاوی بدوشید و از آن شیر بخورد دلیل که مال بسیار جمع کند و از آن چیزی بخورد
و اگر بیند که ماده گاوی با وی سخن گفت دلیل که عیش بروی فراخ گردد و اگر بیند که ماده گاوی پیش آمد
دلیل که سال بروی مبارک بود و اگر بیند که ماده گاو از وی روی بگردانید دلیل که آنسال بروی بد باشد و اگر بیند
که بر ماده گاوی نشسته بود و بیفتاد دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده گاو جنگ میکرد دلیل که در آن
دیار با زنی خصومت کند و اگر بیند که ماده گاو در آن زمین مراعنه میکرد دلیل که در آنسال مال و نعمت یابد و اگر
بیند که ماده گاو او را بگزید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که ماده گاو ناگاه در خانه او در آمد دلیل که ناگاه
مال یابد و منعم گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماده گاو در خواب بر شش وجه بود یکی فرمان روائی دوم
مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو **گاو دشتی** کرمانی رحمة الله علیه گوید
گاو دشتی در خواب مردی توانگر بود با مال بسیار و اگر بیند که در شکار گاو دشتی بگرفت دلیل که بقدر آن مال و
نعمت یابد و اگر بیند که دو گاو دشتی با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو فاسق با هم جنگ کنند و ماده گاو

دلیل که از جهت زنان مال حاصل کند و اگر بیند که بچهٔ گاو دشتی بگرفت دلیل که او را فرزندی آید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو دشتی می‌خورد دلیل که قوت و دولت یابد و اگر بیند که گاو دشتی شاخهای
بسیار داشت دلیل که بهر شاخی او را دوستی و قوتی بود **گاو میش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که گاو
میش در خواب مردی با قدر بود که از وی بمردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود **گاو چشم** گیا هیست دیدن
آن در خواب کنیزک نیکو بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که شکوفهٔ گاو چشم از درخت بکند
و بشوهر داد دلیل که او را طلاق دهد و اگر بیند که شکوفهٔ گاو چشم کند و بغلام داد دلیل که غلام بگریزد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر گاو چشم بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیوقت بیند بد
باشد و اگر پژمرده بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود غمگین شود و باشد که او را زیان رسد
گاو زبان از انواع نباتست و بر گیاهی وی درشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن
گاو زبان در خواب جنگ و خصومت بود و در خوردن و دیدن آن خیر بود **گوشت پخته** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گوشت پخته در خواب بهتر از گوشت کباب بود اگر بیند که کباب از گوشت گوسپند
میخورد دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت گاو بود دلیل که از ترس و بیم ایمن
گردد و اگر کباب از گوشت میخورد دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که از گوشت چهار پای دشتی
کباب میخورد دلیل که او را منفعت و خیر از بزرگان بیابانی برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید گوشت کباب و
بریان در خواب دلیل بر منفعت کند **کبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر جمع میکرد دلیل که اندوهگین
شود خاصه که بهنگام خود نبود و اگر بیند که کبر میخورد دلیل که غم و اندوهش صعبتر بود و در خوردن کبر هیچ منفعت
نبود **کبر شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبر شد دلیل که خواستگار دنیا
بود نه طالب آخرت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر شد و در کنشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت
و بد دینان دارد و تابع اهل فساد و هوای نفس باشد و اگر بیند که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل
که توبه از گناه کند و بخدای تعالی باز گردد و بکار خیر مشغول شود **کبک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبک در خواب
زنی خوبروی بود و یا کنیزک با جمال و اگر بیند که کبکی را بگرفت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کبکی او را بخشیدند
دلیل که از بهر وی زنی خوبروی بخواهند و اگر بیند که کبکی بیکبار بگرفت دلیل که کنیزکی خوب بدست آورد و اگر
بیند که گوشت کبک میخورد دلیل که او را لباس نو حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوی کبکی ببرید
دلیل که دوشیزگی کنیزک ببرد مغربی رحمة الله علیه گوید کبک نر پسر باشد و کبک ماده زن و کنیزک ناموافق
و اگر بیند که کبک از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و یا کنیزکش بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود یکم پسر دوم دوست سوم رامش چهارم کام دل و مراد **کبوتر** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر کسی بخواب بیند که کبوتر گرفت دلیل که زن خواهد

اورا دختری آید و اگر بیند که کبوتر بسیار بگرفت دلیل که بعدد کبوتر زنان خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد دلیل
که از مال زنان فایده یابد و اگر بیند که کبوتر بچگان بگرفت دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی معبران گویند که کبوتر
بچه غم و اندوه بود از قبل زنی که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کبوتر بسیار در خانه
او بود دلیل که اورا فرزندان بسیار شوند و نیز گویند که اورا مال بسیار از جهت زنان حاصل شود مغربی رحمة الله علیه
گوید که کبوتر در خواب زنان آزاد بود اگر بیند که کبوتر کسان بحیلت بگرفت دلیل که بقدر آن مال بمکر و حیلت حاصل کند
و اگر بیند که کبوتر از هوا پیش وی آمد و مطیع وی شد دلیل که از جایی که امید ندارد منفعت رسد و اگر بیند که کبوتر را
طعام داد دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بیند که کبوتران بسیار جمع شدند و دولت که ملک اوست دلیل بر
ریاست و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سبز فام باشد دعا داند خداوند خواب
زن باشد دلیل که شوهری کند یا اورا دختری زاید و کبوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند کبوتر خانه
در خواب جای زنان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیزک
سوم مال چهارم نامهٔ غایب پنجم ریاست و معبران گویند کبوتر در خواب هر کبوتری درم بود که بیابد **کتاب
خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که کتاب تفسیر می خواند دلیل که در راه
دین و زهد گراید و کارهای بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که کتاب فقه می خواند دلیل که از کارهای ناکردنی
باز ایستد و اگر بیند که کتاب انبیا میخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب رای شود و اگر بیند که کتاب
اصول میخواند دلیل که بکاری مشغول شود که منفعت برنج حاصل کند و اگر بیند که کتاب توحید میخواند دلیل که بعلما مشغول
شود و اگر بیند که در آن فایده دینی باشد و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تهلیل میخواند دلیل که بر زبان وی
سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل که بر سخن اولیا و انبیا حریص بود و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند
دلیل که صلاح انجهانی حاصل شود و اگر بیند که کتاب نحو و آداب میخواند دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و مردم اورا شکر و ثنا
گویند و اگر بیند که کتاب رسائل میخواند دلیل که بصلاح کدخدائی مشغول گردد و اگر بیند که کتاب طبایع می خواند
دلیل که در طلب چیزها و شناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعر میخواند اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری
مشغول شود که مردم اورا ملامت کنند و اگر لغت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب تعبیر
میخواند دلیل که بحدیثی بزرگ بر مهتری منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدایه میخواند دلیل که بعلمی
مشغول شود که مردم اورا دانا خوانند ولیکن دین را سود ندارد و اگر بیند که کتاب مصاحب و قصائد خواند
دلیل که بسفر رود و از آن سفر منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب میخواند دلیل که همواره اندوهگین بود و اگر
بیند که کتاب مضاحک و فسانه میخواند دلیل که کاری کند که از آن زشت باشد و اگر بیند که کتاب هجو و عیب میخواند
دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد **کتان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کتان
در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم جامهٔ کتان

در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان می خورد دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم شر **کتف** در خواب آهستگی
مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتف وی درست بود دلیل بر زیاتی مال و جمال
باشد و اگر کتف شکسته و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی
بیند امانت گذارد و اگر ضعیف بیند در امانت گذارده ماند و اگر بر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم
در گردن او باشد و اگر کتف از موی پاک بیند دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بیند که بر کتف موی
داشت از جائی که خبر ندارد مال یابد **کتیرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتیرا داشت یا کسی او را
داد دلیل که بقدر آن فضله از مردی بخیل بوی رسد و اگر بیند که کتیرا میخورد دلیل که مالی بخورد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید کتیرا در خواب بر سه وجه بود یکی فضله مال مردم دوم نفع اندک سیوم کاری بود که اندک
منفعت بخداوند خواب برسد **کچ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کچ در خواب جنگ و خصومت بود اگر بیند
که کچ داد دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کچ کسی داد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة
الله علیه گوید کچ در خواب سختی باشد و هر بنیاد که از کچ درست بیند همه بد باشد زیرا که همه با آتش پخته اند
و اگر بیند که کچ میخورد دلیل که بیم هلاک او بود **کحال** هر که کحال را بخواب بیند دلیل بر صلاح کار کند
کنند و راه نمودن بکارهای که در آن گمراه باشند و اگر بیند که کحالی میکرد و داروی او بر چشمها نافع بود دلیل که خلق
براه صلاح خواند و گمراهان را راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کحالی میکرد
دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند و میان مردم صلاح جوید و اگر داروی وی نافع نبود تاویلش بخلاف
این بود **گدائی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست
دلیل که او را خیر و منفعت بسیار برسد و با هر کس زندگانی بلطف کند الا مردم او را ملامت کنند و اگر بیند که
از وی چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد دلیل که کار بروی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گدائی
کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه **کدو** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید کدو نیک بود اگر کسی بخواب بیند که در خانه او درخت کدو بود دلیل که جاه و رفعتش افزون شود
اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر ... بیند آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان گردد و اگر مسافر بیند بسلامت بوطن خود برسد
و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کدو در دست داشت دلیل که از زنی پارسا منفعت یابد و اگر
بیند که درخت کدو از بن بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت بیند و اگر بیند که کدوی پخته میخورد دلیل که حاجتش
روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید کدو در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم نعمت و مال
سوم نظام کارها کر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کر در خواب مال و خواسته بود اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی کر
پدید آمد و او را اندک خارش میکرد و در کر ریم بود دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کر از تن

وجمله از تن وی فرو ریخت و ناپدید شد دلیل که مال جمع کرده او تلف شود و بعضی معبران گویند که اگر اندام وی تیره
و سیاه بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام بود گربه سوجانوریست دیدن وی در خواب مردی بود که در میان
خلق و مردم فساد انداز د ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گربه سوررا گرفت دلیل که مردی بزرگ
بنخجر نشستن نزدیک کند و اگر بیند که گربه سوار و بگرفت دلیل که آن مفسدان و بگریزد و اگر بیند که گربه سور اکشت دلیل
که آن مفسد را حالی تباه شود و اگر بیند که گوشت گربه سو میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام از مردی مفسد خورد گربه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گربه در خواب دزد و مفسد بود اگر کسی بخواب بیند که گربه معروف بخانه وی در آمد
دلیل که دزدی معروف بخانه او در آید و اگر گربه مجهول بود دزدی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد یا ببرد دلیل
که دزد از خانه وی چیزی ببرد و اگر بیند که گربه را کشت دلیل که دزد را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت
بخورد و پوست از و بستد دلیل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که گربه جنگ میکرد و گربه او را مجروح شد
دلیل که بیمار شود و اگر گربه را قهر کرد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر گربه او را بگزید دلیل که بیماری بر وی دراز گردد
و بعضی از معبران گویند گربه بتاویل خادم بود دانیال علیه السلام گوید کسی بنا شد که گربه بخواب بیند بعد از صبح الا شش
روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گربه بدو شبیه و شیر وی بخورد دلیل که آزاد گردد و از آن خانه که آزادی یافته
باشد زنی را زنی کند و اگر آزادی بیند که شیر گربه خورد دلیل که او را با کسی خصومت افتد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن گربه در خواب بر هفت وجه بود یکی دزد دوم غماز سیوم خادم چهارم بیماری پنجم زنی مشفق
ششم حسود هفتم جنگ و خصومت کرته جامه کوتاه باشد که مردم آنرا قرطق خوانند و پوشیدن آن در خواب
قوت سفر بود و اگر کرته وی سبز بود از مردی پناه و قوت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب
بیند که کرته سفید پوشیده بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که کرته زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری
بود و اگر بیند که کرته کبود پوشیده بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بر عشرت دنیا مشغول گردد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرته ابریشمین پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف
بود و اگر بیند که کرته بسوخت یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن
کرته در خواب بر چهار وجه بود یکی قوت دوم پناه سیوم سفر چهارم نظام کارها گرد ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گرد بر چیزی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان
و زمین گرد جمع شده بود دلیل که کاری پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که روی او گرد آلوده بود دلیل که او را رنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمینی که
ملک وی بود نشست دلیل که بقدر آن مال خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرد در خواب دیدن بر سه
وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت حقتعالی گردن دانیال علیه السلام گوید گردن در خواب دیدن
جایگاه امانت و جای دین بود اگر بیند که گردن آن سطبر شد دلیل که او اقوت در امانت گذاردن و صلاح

دین و نگاهداشتن و یانت بود و اگر ببیند که گردن او کوتاه و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود و اگر ببیند که مار
در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال ندهد قوله تعالی سَیُطَوَّقُوْنَ مَا بَخِلُوْا بِهٖ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اگر گردن
خود گرانی ببیند بی آنکه چیزی بر گردن داشته باشد دلیل که بیمار شود و اگر باری بر گردن خود ببیند و هیچ گرانی پیدا
نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که گردن وی ستبر و قوی شده
بود دلیل که امانت نیکو گذارد و کارش قوی گردد و اگر گردن خود دراز ببیند دلیل که امانت در گردن وی دیر بماند و
از گواهی دادن خود باز بماند و اگر گردن خود کوتاه ببیند دلیل که امانتها از گردن خود زود دور کند و اگر گردن
خود سیاه ببیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته ببیند دلیل که از مراد خود باز ماند و در دین او
خلل افتد زیرا که امانتی بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاه ببیند دلیل که در امانت خیانت کند و
اگر بر گردن خود موی ببیند دلیل که او را از جهت امانت گذاری وامی افتد و اگر موی از گردن خود بسترد دلیل
که وامش گذارده شود و اگر گوشت از گردن بریده ببیند دلیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گردن خود را کوتاه
ببیند دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشند خیانت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که گوشت گردن وی
میخورد تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که بر گردن کسی نشسته بود دلیل که بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سیوم خیانت چهارم وام پنجم بیماری

گردن بند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که گردن بند از مروارید سفید داشت دلیل که حقسبحانه
عزوجل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن قویتر بود علم و دانش او بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر ببیند که گردن بند وی از زر بود یا از سیم مرصع بگوهرهای گرانمایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی
یابد و باشد که امانتی در گردن گیرد و اگر گردن بند او دو رشته باشد دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود تاویلش
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که گردن بند خود بجواهر مرصع کرده بود یا مرسله در گردن
داشت دلیل که جاه و ولایت یابد و اگر گردن بند وی دراز بود دلیل که منزلت یابد و اگر کوتاه بود تاویلش
بخلاف این بود و اگر ببیند که در گردن بندهای بسیار داشت دلیل که در علم بسیار کامل شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن گردن بند زرین در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت
چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک و هم او گوید گردن بند زرین حج باشد و از آن سیمین کنیزک گر

دن زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که او را گردن زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده
بود دلیل که آزاد شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر خوف دارد ایمن گردد
و اگر کافر بود مسلمان شود و اگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا نشد تاویلش بخلاف این بود و اگر انکس
که گردن زد معروف [illegible] آن چیزها که گفته شد از گردن زننده بدو رسد و اگر گردن زننده کودک و نابالغ
بود دلیل که اگر بیمار بود بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس که گردن او زد تندرست است و آزاد بود و توانگر بود دلیل

گردن بند

گردن زدن

که از نیک بختی به بدحالی افتد و مال و نعمتش نماند و درویش شود و سرانجام کار هلاک شود علی الجمله گردن زدن در خواب مر درویشان و خداوندان محنت را نیک بود و مر توانگران و خداوندان نعمت را بد باشد **گرده** در خواب مال نهان کرده باشد که بیابد و خرج کند و اگر بیند که گرده پخته یا بریان کرده بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیابد و اگر گرده از جانوری که گوشت او حلال بود داشت دلیل بر یافتن مال حلال بود و اگر از جانوری که گوشت او حرام باشد دلیل که مال حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گرده یافتن در خواب مال نهان کرده بود و بعضی معبران گویند که گرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از وی بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرده اسپ داشت و پخته میخورد دلیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که گرده گاو داشت دلیل که در آنسال مال و نعمت حاصل کند و اگر گرده گوسپند داشت دلیل که در آنسال مال و نعمت حلال یابد از قبل دشمن و اگر بیند که گردهای خام میخورد دلیل که مال حرام یابد و اگر گردهای بخورد آنچه گفتیم کمتر بود **گردون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گردون نشسته بود و گردون نیک برفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گردون بی گاوان ایستاده بود و او در گردون بود دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از گردونهای خود گردونی بوی داد دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر هشت وجه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سیوم مرتبت چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم حرمی هفتم رفعت هشتم آسانی در کارها **گرسنگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرسنگی در خواب بهتر از سیری بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد دلیل که حرص و آزش در مال دنیا کمتر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود دلیل که بقدر گرسنگی او را مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر سر معصیت رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی مضرت دوم حرص و آز سوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بمردم **کرسی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است و از راه خبر و چنین واجب کند که ایزد تبارک و تعالی جل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ ابن عباس رضی الله عنه گوید وسع یعنی علم [illegible] ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و قدرت خدا تعالی است و بعضی معبران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد [illegible] عادل و پرهیزگار روانی دانا چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و بیننده خواب از سلطان عادل خیر و نیکی بیند و مالش زیاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی علم دویم انصاف سیوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم [illegible]

وجاه واگر کسی بیند که بر آسمان بر کرسی نشسته بود دلیل که کار او بالا گیرد و قدر و مرتبت وجاه یابد و بهمه
مراد ها برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرم شود و عدل و انصاف در میان خلق
پیدا شود و اگر این کرسی که درودگر می سازد در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند
که کرسی بزرگ و پاکیزه بستد و بر و نشست دلیل که زن خواهد و از ان مال و نعمت حاصل کند
و اگر بیند که بر کرسی نشست دلیل که دختری دوشیزه بخواهد و اگر بیند که در زیر وی کرسی بشکست دلیل
که زن وی بمیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی درویش و حقیر و درمانده بود و اگر بیند که
کرسی داشت اما بر و نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد کرفس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که کرفس بخورد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از معبران گویند که چیزی مکروه خورد
و اگر بیند که کرفس داشت اما نخورد آنچه گفتیم کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود
اول غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوردن چیزی مکروه کرگ مرغی بود بقدر کبوتر و تاویل آن بزن
کنند اگر کرگ در خواب بیند و غریب بود دلیل که زن کند و اگر نه کنیزک خرد و اگر بیند که از دست وی
بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر کنیزک دارد بگریزد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن
میراث زن یابد کرگس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کرگس مهتر مرغان بود و قوی و تیز بین و دراز عمر
از مرغان بود و اگر بیند که کرگسی داشت دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته
حاصل کند و اگر استخوان یا پر یا گوشت کرگس داشت همین تاویل دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کرگس او را بگرفت و در هوا برد و نزدیک آسمان رسید دلیل که سفری دور کند و از ان سفر مال و نعمت بسیار حاصل
کند اما دین وی بفساد بود و بسبب آنکه بمرد و بکرگس بآسمان بر رفت و اگر بیند که کرگس او را از هوا بزیر افگند
و یا خود از چنگال کرگس بیفتاد دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و کارش خراب شود و اگر بیند که کرگس او را بآسمان
برد و آنجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و در آن سفر بمیرد و اگر مقیم نشد باز بزمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر
نه از اهل پادشاه بود یا از اهل و خویشان خود بزرگی یابد و کرگس بی چنگال در خواب دیدن فرشته بود
زیرا که فرشتگان حملة العرش بصورت کرگسانند و اگر بیند که کرگسی بالای سر وی شکار میکرد دلیل که
بیننده خواب بازرگانی کند و اگر بیند که با کرگس جنگ میکرد و او بر کرگس غالب شد دلیل که با مردی بزرگ
خصومت کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب بچه کرگس
بیند اگر زن دارد دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند و اگر بیند که کرگس بر وی
نشسته بود دلیل که او را بر دار کنند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه که کرگس فرود آمد دلیل
که پادشاهی بهمان کوچه فرود آید و اگر بیند که در آن کوچه که کرگس بکشتند دلیل که پادشاه آنجا یا معزول گردد
یا هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرگس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم زمان

ریاست چهارم ثنا و ستایش پنجم رتبت ششم امر و نهی کردن **گرگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرگ در خواب
پادشاه دروغ زن ستمگر بود و اگر بیند که با گرگ جنگ و نبرد میکرد دلیل که او را با پادشاه یا با کسی دشمنی
بود و خصومت کند و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود و اگر بیند
که گوشت گرگ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر بقدر آن مال یابد کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که گرگ را بکشت
دلیل که اهل اسلام از وی روی بگردانند و در وی از هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قهر کند و اگر بیند
که سر گرگ بیافت و یا کسی بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد بقدر وی و اگر بیند که گرگ در خانه وی
در آمد و زیانی انداخت دلیل که او را از پادشاهی مضرت رسد و اگر بیند که زیانی نکرد دلیل که پادشاه
مهمان او آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرگ در بستر او کمین کرد دلیل که پادشاه با عیال وی فساد
کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گرگ در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ

گرمابه

زن سوم مخالف ضعیف چون گرگ ماده باشد **گرمابه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرمابه در خواب
غم و اندوه بود و خوش نشستن شادی و خرمی باشد و آب نیم گرم نیک بود و آب سخت گرم بد باشد
و اگر بیند که در گرمابه رفت و غسل کرد و خود را پاک بشست دلیل که از رنج و فکر رستگاری یابد و اگر بیند
که در گرمابه رفت و خود را بشست دلیل غم و اندوه بود که بدل وی رسد بسبب زنان کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در گرمابه رفت و آهک بر خود مالید و خود را پاک بشست دلیل که اگر ترسی دارد ایمن شود و اگر غمگین بود شاد
گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر بیند که توانگر است از این چیزها که گفتیم خالی ماند
نیز در مالش نقصان شود و اگر بیند که آهک بخود مالید و خود را بشست دلیل که کارش تمام نگردد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بگرمابه رفت و دست و روی و سر و تن را بشست و بیرون آمد دلیل که از غم بیرون آید
و اگر بیند که در کوچه یا در خانه گرمابه بود دلیل که در انقام زنی روسپی پدید آید و اگر بیند که بگرمابه شد بی آنکه بشستن
محتاج بود دلیل که غمگین و وام دار شود و اگر بیند که در گرمابه جامه او دزد ببرد و او برهنه بماند دلیل که بسبب کاری
غمگین و رسوا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرمابه در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم غم و اندوه سیوم
دین چهارم نابکاری پنجم دوست ششم وام و گرمابه بان تباه دل زن بود و بعضی معبران گویند که کدخدای
سرای بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرمابه بانی میکرد اگر مرد بود دلیل که زن محتشم خواهد و بشغلها
زن مشغول شود و اگر زن بود دلیل که شوهری بدین صفت کند **کرمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
کسی بخواب بیند که کرمان بسیار در شکم وی شدند و طعام در شکم میخوردند دلیل که عیالان دیگر از مال وی [illegible]
خواهد و اگر بیند که کرمان جدا از تنش می افتادند و نیز بر تن و جامه وی کرمان بسیار بودند دلیل که مال و عیال
و حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می افگند دلیل که عیالان خود را از
خود دور کند و تیمارشان ندارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اندامهای او کرمان خوردند

دلیل که عیال از مال وی خورند و اگر بیند که از کرمان تن وی را مضرت میرسید دلیل که او را از عیالان رنج و مضرت رسد و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد کرم بیرون می آمد دلیل که بقدر آن مالش یا عیالش زیادت شود و اگر بیند که کرمان از تن وی می افتادند و می مردند دلیل که عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا گردند و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه وی وغیره بر وی ریختند دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرمان در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته

گره افگندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ریسمان گره افگند دلیل که از کاری که در وی بود بران تکیه کند و اگر بیند که گره ریسمان باز کشود دلیل که بران کار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم به بست و گره زد دلیل که روزگار ری در شغل آنچیز بسته ماند چنانکه کشودن بر وی نتواند و اگر آنچیز تعلق بدین دارد یا بدنیا کرمانی رحمة الله علیه گوید بستن گره در خواب دلیل بر بستگی کار ها کند و هر چند که گره سخت تر بود بستگی کار او سخت تر بود و اگر بیند که گره کشودن نتوانست دلیل که کار وی بسته بماند

گرو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی گرو است یا تن خود را بچیزی گرو نهاد دلیل که از گناهان بسیار بر تن خود میترسد که کرده است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود بکسی گرو کرد دلیل که بر وی ستم و بیداد کنند و اگر بیند که خود را پیش کسی گرو نهاد دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بر وی ستم کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را بگرو کرد دلیل بر فساد دین کند كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گرو کرد دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و مضرت یابد

گرویه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرویه داشت دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که گرویه بخورد دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که بطعم تلخ و ناخوش بود و هر چه تلخ و ناخوش باشد در تاویل غم و اندوه بود

گریختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گریختن در خواب رستگاری بود و اگر کسی بخواب بیند که از دشمن یا از جانوری گزنده میگریخت دلیل که از شر وی خوف این گردد و بر خصم مظفر شود زیرا که موسی علیه السلام در خواب دید که از فرعون علیه اللعنة میگریخت پس از شر فرعون رستگار شد و سر انجام بر وی ظفر یافت کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن او را ندید دلیل که متفکر شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان میگریختند دلیل که او را از بزرگی تهمت رسد قوله تعالی يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ اگر بیند که مردمان از زنان میگریختند اگر زنان مصلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گریختن در خواب شادی بود چنانکه بانگ مصیبت و اندوه بود

گریستن اگر بیند که از گریستن بلند وی وی نشان بود دلیل که بکردار نیک او را طعنه زنند کرمانی رحمة الله علیه گوید گریستن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی اگر در خواب بیند که بر گناه گریست یا در مجلس علم یا در قرآن

گره افگندن

گرو

گرویه

گریختن

گریستن

خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باریتعالی باشد که بفضل خود بر وی رحمت کند و گناهان وی عفو کند و اگر بیند
که میگریست و اشک از چشم وی می آمد دلیل که ناکردن از کاری گذشته حسرت خورد و توبه کند و اگر از بهر
معصیتی میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر بیند که بگریست و بعد از آن بخندید دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى
کری در خواب درویشی و بدحالی و فروبستگی کارها بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کری در خواب تباهی دین
و غم و اندوه بود و کارها بر وی بسته گردد و مرادش بر نیاید قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ
کرمانی رحمة الله علیه گوید کری در خواب دلیل بر بی نوائی و بستگی کارها کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل
که کار بسته بر وی گشاده شود و بمراد و کام دل برسد و از رحمت حقتعالی نصیب یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید کری در خواب بر چهار وجه بود یکی درویشی دوم تباهی دین سیوم غم و اندوه چهارم بستگی کارها
و نامرادی **گز** در خواب مردی منافق و بیخبر بود و بعضی از معبران گویند دیدن گز در خواب روزی حلال
باشد که بی منت خلق بدو رسد قوله تعالی وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى اگر بیند که گز انگبین بسیار
داشت و بخورد و بکسی نداد دلیل که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل
که از آن مال خیر و راحت بوی رسد **گز اگند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که گز اگندی پوشیده بود دلیل که زنی بخواهد و بر دشمنان چیره گردد و اگر این خواب زنی بیند دلیل
که شوهر کند و از شوهر خیر و منفعت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قزاگندی نو پوشیده بود
دلیل که زنی نو اگر و پارسا بزنی کند و اگر بیند که قزاگندی سبز پوشیده بود دلیل که آن زن مصلح و دیندار
بود و اگر بیند که قزاگندی سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر قزاگند
سیاه پوشیده بود و بیننده قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد و اگر قزاگند نو بود دلیل که آن زن خداوند
معصیت بود و اگر قزاگند کهنه بود دلیل که آن زن پلید و نابکار بود **کژدم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم
در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم را سخن چیند و دوست و دشمن نزد او یکسانست اگر کسی بخواب بیند که کژدم او را
بگزید دلیل که دشمن او را آنچه گوید و از آن رنجور دل شود و اگر بیند که کژدم را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد
و اگر بیند که بعد از کشتن کژدم کژدم زنده شد و باز قصد وی کرد دلیل که بعد از این بر دشمن ظفر یابد و دیگر بار
دشمن قصد وی کند و اگر بیند که در دست او کژدم بود دلیل که او مردم آزار بود و از پس مردم بد گوید و مردم را
در یکدیگر اندازد و فتنه انگیزد و اگر بیند که کژدم پخته یا بریان کرده میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد
و اگر بیند که کژدم را در دهان نهاد و بخورد دلیل که دشمن را نجانه دارد و با وی مجالست و خفت و خیز کند و اگر بیند
که کژدم در درون جامه داشت همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کژدم بترسید و کژدم
او را نگزید دلیل که از دشمن گزند نیابد و بعضی از معبران گویند با زن مجامعت نتوانند کند و اگر بیند که کژدمی

کژدم خوار
گز
گزیدن
کشتی گرفتن
کاسنی
کشت و زر

در پیراهن وی بود دلیل که از دشمن او را مضرت رسد و اگر بیند که در شلوار وی کژدم بود دلیل که دشمنی با عیال وی یا
با کنیزک وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کژدم در خواب بر سه وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سیوم
سخن چین **کژدم خواره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم خواره در خواب چیزیست که در خورستان
در میان آب میباشد و دم در زمین میکشد و چون کسی زخم آن یافت در حال هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید
دیدن کژدم خواره در خواب دشمنی باشد با حزد و سلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر
بیند که کژدم خواره او را بگزید دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کژدم
خواره گزندی نرسید دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کژدم خواره بود و از وی مضرت رسید
دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد و آن دشمن وی باشد **گز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گز در خواب
غم و اندیشه بود و اگر کسی بخواب بیند که گز بستد و بخورد دلیل که اندوه بسیاری بوی رسد مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گز شیرین بود دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گز در گوشت پخته باشد دلیل بر منفعتی
بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی معبران گویند خوردن گز در خواب بیماری بود و اگر گز بریان بیند هم
نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود **گزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
کسی او را گزید دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را بخشم و کینه بگزید
دلیل که بقدر آن از وی زیانش برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را خری بگزید دلیل که کارش از لخت
در خطر بود و اگر بیند که اشتر او را بگزید دلیل که او را از سفر زیان رسد و اگر بیند که گاو او را بگزید دلیل
که در امسال مضرت بیند و گزیدن جمله دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی مضرت دوم دشمن سیوم خصومت
چهارم جاه و مال **کشتی گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی کشتی میگرفت و آنکس او را بیفکند
دلیل که حال او نیکو گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بیفتاد تاویلش بخلاف این بود و اگر هر دو قایم بودند
دلیل که احوال هر دو در خیر و شر میانه باشد اما بظاهر با همدیگر دوستی کنند **کاسنی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخورد دلیل
که اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب مضرت و خصومت بود **کشت و زر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشت و زر در خواب توکل بخدای تعالی جل و علا بود و روزی حلال طلب کردن
و نیکی و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین شگافت دلیل که خیرات و صدقات
کند و استادان این صنعت رحمهم الله گویند اگر بیند که کشاورزی میکرد دلیل بر بیماری بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین شگافت و تخم می انداخت و بارش جمع میکرد دلیل که بزرگی و جاه و نعمت
یابد و اگر بیند که کشته بود و بارش میخورد از آنچه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن کشته چیزی حاصل
نشد و ندانست که بارش چگونه است دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که از پادشاه خیر

دینی

ونیکی بوی رسد واگر بیند که جو میکشت دلیل که او را مال بسیار حاصل شود واگر بیند کاورس میکشت دلیل که مال اندک یابد دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تخم بیکشت دلیل که زن خواهد و کارش ساخته گردد واگر بازرگانی زمین خود ناکشته بیند دلیل که زیان بیند یا با کسی خصومت کند واگر بیند که بجایگاهی مجهول زمین می‌کشت و تخم می انداخت دلیل که بر غزا و صدقات و خیرات کردن راغب بود واگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل که نعمت بروی فراخ گردد واگر گندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشاورزی در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم بیماری چهارم عز و جاه پنجم معیشت **کشته زار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشته زمین چون معروف بود در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر فرزندان مردم بود واگر بیند که کشته همی درود دلیل که مردم در جنگ کشته شوند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عملی کند که در دین و دنیا نیکو باشد واگر بیند که کشت کرد و درود و در خرمن افگند دلیل امیدی که دارد برآید واگر بیند که در میان کشت زار میرفت دلیل که با غازیان بغزا رود مغربی رحمة الله علیه گوید کشت درودن بخواب دلیل که حرب و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سبز بود و میدرود دلیل که در میان مصاف رود واگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در اندیار قحط پیدا شود واگر بیند که کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از دست وی برآید که دنیا و عقبی را منفعت دهد واگر بیند که آتشی بیامد و کشت وی را بسوخت دلیل که او را از پادشاه مضرت رسد واگر بیند که در میان کشت زاری رود و بزرگ می آمد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پیدا شود واگر بیند که از خوشهای گندم دانها بر زمین می افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت را زیان رسد واگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که زیان آن بخداوند خواب بود قوله تعالی نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ واگر کشت زار در وقت خویش سبز بیند دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد واگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد واگر بوقت خویش کشته را بدرود و خوشه بخانه برد دلیل بر مصیبت بود واگر بیند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و درودن خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر نیکوئی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر وبا و بیماری بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید کشت درودن بوقت خویش دلیل که امر خدای تعالی بجای آورد و توفیق یابد تا در حق درویشان خیرات کند قوله تعالی وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ اگر این چیز که میدید و میدرد بید دلیل که عاقبت کارش محمود باشد **کشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را ببرید دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکوئی بوی رسد و معبران گویند که کشنده بر کشته ظلم اندیشید واگر بیند که وی را بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی وی را بکشت دلیل که خیر و منفعت بیند واگر بیند که گروهی را بظلم بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بدو رسد

کشتزار

کشتن

قوله تعالی وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ واگر بیند که کسی بظلم بکشت دلیل که عاصی وظالم باشد وحق تعالی جل وعلا کسی را بروگمارد تا او را برنجاند قوله تعالی وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ الآیه وبعضی گویند که ستم بر فرزند کردن بهر باب عسر دنیا باشد واگر بیند که کسی را بکشت وخون از تن وی روان شد دلیل که بقدر آن مال یابد واگر تن خود خون آلوده ببیند دلیل که از مال خود چیزی بوی دهد واگر بیند که خون روان نشد دلیل که دین کشنده برود وجعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی از حشرات بکشت دلیل که بر خصم خود ظفر یابد وکسیکه بران جنس منسوب باشد قهر کند وکشنده خون آلوده دیدن غدار وبیداد گر باشد **کشتی** دانیال علیه السلام گوید کشتی دیدن درخواب غم واندیشه بود یا زندان یا کاری کند که از ان رنج وبلا بدو رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیامده باشد یا کشتی در دریا فرو مانده بود وابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کشتی بود وبسلامت از انجا بیرون آمد دلیل که از رنج برهد قوله تعالی فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد دلیل که بدست قوی هلاک شود واگر بیند که کشتی وی بزمین بماند دلیل که در رنج وبلا گرفتار شود ورستگاری دیر دست دهد واگر بیند که کشتی غرق شد واو بسلامت بماند دلیل که مالش تلف شود واو بسلامت بماند واگر بیند که کشتی بشکست وجمله غرق شد دلیل بر مصیبتی عظیم کند که بدو رسد واگر بیند که در کشتی بر جای بلند نشسته بود وکشتی در میان آب برفت دلیل که او را از پادشاه بزرگوار ان قربی ومنزلتی پیدا شود واگر بیند که در میان دریا کشتی بادگار ها میرفت دلیل که بسفر رود قوله تعالی وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ واگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود ودین بماند بلکه در آن سفر مقیم شود واگر بیند که در کشتی نشسته بود وبادی خوش می آمد وکشتی را خوش میبرد دلیل که از غم وداغ وه فرح یابد واگر بیند که کشتی ایستاده بود واز همه جانب بکشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر بیند که کشتی از پیش همی رفت واو نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد وعاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ اگر بیند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود واو را منفعت بسیار حاصل شود قوله تعالی يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ اگر بیند که در میان کشتیها چیزی نبود وتهی میرفتند دلیل که پادشاه رسولان را بجائی فرستد واگر بیند که کشتیها غرق شدند دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق شد ودانست که آن کشتی ملک او بود دلیل که او را از هلاک اندیشه نبود واگر بیند که در کشتی نشسته بود واز پادشاه معتبر سید دلیل که متقرب پادشاه شود وبقدر بزرگی کشتی او را منفعت رسد واگر در کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود واگر بیند که در دریا کشتیها بجامهای ملونها آراسته بود دلیل که پیش پادشاه متقرب شود واگر بیند که کشتی در قعر دریا فرو شد دلیل که او را از پادشاه قوتی عظیم باشد واگر بیند که کشتی نمیرفت تاویلش بخلاف این بود واسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود

در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بیند که کشتی در آب روان بود دلیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر
کشتی خود را در خشک ایستاده بیند دلیل که بکاری درماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشتی در خواب بر هشت وجه
بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم ایمنی هفتم عیش هشتم توانگری **کشف** ابن سیرین رحمة الله
رحمة الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و از صحبت او منفعت
رسد اگر کسے بخواب بیند که کشف داشت یا بخانه او درآمد دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت
کشف میخورد دلیل که بقدر آن علم حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشفے در سرگین دانی بیافت دلیل که صحبت
عالمی رسد و اگر بیند کشفی در مسجد یا در جای عزیز بیافت دلیل که زاهد شود و نزدیک بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب بر سه وجه بود یکی زاهد دوم عالم سوم مردی صانع در کارها **کشکاب** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشکاب عناب و بنفشه با شکر میخورد دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم
از دلش برود و اگر بیند که کشکاب نیتو انست خوردن تا دلش بخلاف این بود **کشمش** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بوی داد و میخورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که
که آب کشمش میخورد و اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بازرگان بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخروار
داشت اگر عالم بود دلیل که مال زیادت شود و اگر پیشه کار بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب
خوردن بر سه وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سیوم کسب **کشنیز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشنیز
در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشنیز داشت و خورد دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود
کعب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کعب بخواب تاویل مقامر بود اگر بیند که با کعب بازی میکرد دلیل
بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کعب بسیار داشت دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب
پای او بشکست دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که تاویل منازعت بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت
باشد مغربی علیه الرحمه گوید بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمن حقیر و جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی مقامر دوم زن سیوم فرزند چهارم مال پنجم گفتگوی قوله تعالے
وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا اگر بیند که کعب جانورے داشت که گوشت وی حلال
بود دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود دلیل بر مال حرام بود **کعبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کعبه
در خواب بیند خلیفه بود و هر کسیکه قبله وی بود هر زیادت و نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود
و اگر بیند که طواف کعبه میکرد دلیل بر صلاح دین وی بود و از خلیفه راحت یابد و اگر بیند که احرام
گرفته بود و روی بکعبه داشت دلیل بر زیادتی صلاحیت او بود و اگر بیند که سرائے او کعبه شده
بود و مردم زیارت میکردند دلیل که امانت نیکو نگهدارد و حرمت و منزلت یابد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر پادشاه بیند که بکعبه میرفت دلیل که از خلیفه بزرگے یابد و اگر بیند که کعبه بنیاد یا باقی

بسوخت دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر بیند که از کعبه چیزی بر گرفت دلیل که او را از خلیفه فایده برسد
بیند که در کعبه نماز میگذارد دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل کعبه ایمان
مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و دعایش مستجاب گردد و قوله تعالی
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا اگر بیند که روی بحجر الاسود نهاده بود و بوسه می داد دلیل که حج گذارد
بیند که بزیارت قبر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام
دلیل که بحج رود و بسلامت باز آید و اگر خود را بر بام کعبه بیند دلیل که بد مذهب بود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سیوم ایمان و مسلمانی چهارم ایمنی از بیم

گفتار در خواب زن زشت پلید و بد کردار باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گفتار بسته بود
دلیل که زنی زشت پلید بخواهد و اگر بیند که گوشت گفتار میخورد دلیل که بروی جادو کنند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که شیر گفتار میخورد یا از پوست یا از استخوان او چیزی داشت دلیل که از آن زن فایده
یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گفتار با وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان درازی کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن گفتار در خواب بد باشد

کفچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفچه در خواب کار و بار
خانه بود اگر بیند که کفچه نو و پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تاویلش
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد
یا بیمار شود و اگر ضایع شد یا بسوخت نیز خادم بمیرد

کفچه آتش انظام گوید سلاطین و ملوک چون بیند
دلیل که نایب وی باشد و آنکس که غیر ازین دو بیند دلیل بر خدمتگاری خانه و اهل وی باشد ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدمتگاری حاصل شود و اگر انظام بشکست یا
ضایع شد دلیل که خدمتگار بمیرد یا برود

کفش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفش در خواب زن
باشد اگر بیند که کفش نو داشت و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که کفش
دیگر در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخواهد و اگر کفش سیاه بود دلیل که زنی ستیزه کار بود و اگر کفش سرخ
بود دلیل که زنی معاشره و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمار گون بود و اگر کفش سفید
بود دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل
بخواهد و اگر از پوست گوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخواهد و اگر بیند که کرمک کفش از پای
وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و بحسب مقدر بیند و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که زن
او تباه کار بود و نیز کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفش
در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر و کفشگر
در خواب مردی بود که قسمت میراث کند

کف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی

کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها دوست برهم میسود دلیل که اجماع و عروسی و شادی بود
و اگر بیند که کفها او خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بیند که کفهای وی گشاده روی بود
دلیل بر فراخ دستی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن کف در خواب بر شش وجه بود یکی دست فراخی دوم مال سیوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری
ششم بازن بحرام در شدن **کف دریا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کف دریا در خواب منفعت از
پادشاه یا از مردی بزرگوار بود **کفن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از بهر مرده یا زنده کفن خرید
اگر آنکس معروف بود دلیل که از آنکس بوی رنجی رسد و اگر بیند که کفن مرده معروف کند دلیل که در دنیا
طریق آن مرده جوید کرمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده میدرید معبران گویند اگر بیننده
صالح و پارسا بود و طالب علم باشد و سخنهای باریک گوید دلیل که دینار وی بوی نهد و مال حرام جمع کند
و اگر بیند که مردگان را کفن میکند و از جائی بجائی میبرند دلیل که مالهای حرام بدست وی روان شود
اگر بیننده مفسد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بفساد مردم گواهی دهد **گلاب** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید گلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که گلاب بروی ریخت دلیل که تن درست بود و مردم او را
مدح و ثنا گویند و اگر بیند که گلاب بهر کس میداد دلیل که نامش در آفاق یا منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق
از علم وی بهره مند گردند **کلازه** مرغیست و آن را عقعق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بیوفا
و بد دین بود و اگر بیند که کلازه بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد
و اگر بیند که کلازه نبر دیگری دلیل که با مردی بدین صفت که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلازه از دست
وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر چه که کلازه بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند
و بقدر آن مال وی بخورد **کلاغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب مردی فاسق و بد عهد
بود و اگر کسی بیند که کلاغی بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بحیلتی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ
درختی نشسته بود و بانگ میکرد دلیل ... مال وی باشد اگر دو کلاغ بیند دلیل بر رنج و مشقت
بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود **کلاه** دانیال علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عز و جاه بود
بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بسختی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغان
بر سر داشت دلیل که عز اینجهانی یابد و الا در دین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند
دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند که کلاه عنابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه
بر دمی بر دست داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند و اگر کلاه بر سر دستار نهاده دلیل که
باور اکاری افتد که آنکار از مردمان پنهان باید داشت و اگر کلاه ابریشمین داشت دلیل که منفعت

بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل که پیش مردم عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دار و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عز و جاه و قوت بیند و یابد و اگر از چوب بود دلیل که خود را نزد مردمان خوار پندارد و در منع و محال گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر زمستان بر سر نهاده دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بیفتاد دلیل که از عمل معزول گردد یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی از این کلاهها که صفت کردیم بر سر وی نهادند دلیل که بقدر و قیمت آن کلاه از جهت جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود دلیل که از عز و جاه بیفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاده دلیل که آن زن را پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه وزیر بر سر وی نهادند دلیل که آنکس بر دین بود آبا پادشاهان را نیک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت او زیادت گردد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در ربود دلیل که از مردی بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در دین نباشد و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر بدی او کند مگر آنکه از این نوع کلاه داشته باشد در بیداری و اگر کلاه سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاهی مرصع پوشیده بود دلیل که بقدر و قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بیند که کلاهی آتشی افتاده بود دلیل که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب بر شش وجه بود یکی ولایت دوم ریاست سیوم بزرگی چهارم عز و جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه دوز در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

گل شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی گل شده بود دلیل که مال و خواسته بسیار یابد و بعضی معبران گویند که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر بیند که او را با مردی گل صحبت بود دلیل که با مردی توانگر دوست و آشنا شود و اگر بیند که سر وی کل بود و بعد از آن موی بر آورد دلیل که مال وی تلف شود و وام دار شود **گل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حکم بر گل در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه گل بر درخت بود و یکی آنکه گل از درخت شده باشد و گلی که آنرا انبار نهاده بود دلیل بر غم و اندوه بیند در خواب بود و اگر کسی گل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و چون بیوقت بیند دلیل که بسبب فرزند او را مصیبت بود و درخت گل در خواب بهتری از آن روا است بود و درخت گل زرد زنی بود با بزرگان حاجت روا کننده و درخت گل سفید دلیل بر عز و جاه و دولت بود و اگر

در سرای خویش درخت گل بیند دلیل که دختر برا نکاح آورد و اگر در سرای خود گل صد برگ بیند دلیل که بسبب فرزند
شاد شود و اگر گلها از هر گونه شگفته بیند دلیل که از خویشان و اهل بیت شادمان شود و اگر بیخ درخت گل از
زمین کشته بیند دلیل که مردم سرایش کاهل باشند مغربی رحمة الله علیه گوید گل در خواب مرد دون همت
و بد عهد بود که با کس وفا نکند و اگر بیند که گل بکسی داد یا از دست بفگند دلیل که از صحبت چنین مردی دور
افتد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید گل در خواب نامه بود که از غایبی بوی رسد یا آمدن غایب ابو جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سوم مرد دون همت چهارم
کنیزک پنجم غلام ششم نامه غایب **گلشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گلشکر در خواب و گل انگبین در
خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر که گل شکر یا گل انگبین داشت و از آن بخورد و اگر
توانگر بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر وام دار
بود وامش گذارده شود **گل خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که گل میخورد دلیل
که از پس مردگان بد میگوید و اگر بیند که گل با خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بیند
که از خاک تربت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم می خورد دلیل که حج گذارد و اگر بیند
که خانه بگل می اندود دلیل که غمگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن گل سفید و سبز در خواب مال حلال
بود و گل زرد بیماری بود و گل سرخ لهو و طرب بود و گل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و گل آب
تیره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان گلی غرق شده بود دلیل که در محنتی عظیم افتد که رهائی نیابد
و اگر بیند که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشست دلیل که از غم و اندوه رهائی یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب در سردسیر صعبتر بود که در گرمسیر **کلبتین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
کلبتین در خواب خادمی بود که بخوبی مال از دست پادشاه بدر آرد و بر مردم نفقه کند و اگر بیند که کلبتین در دست
داشت دلیل که او را مال و نعمتی حاصل شود و اگر بیند که کلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زیانی رسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل که بقدر آن از پادشاه راحت
یابد **کلم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلم داشت و بخورد دلیل که از زنی منفعت
یابد و چون بی گوشت خورد دلیل که منفعت کمتر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گوشت و کلم با هم پخته خورد
دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد منفعت کمتر باشد و اگر کلم بی وقت میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود
و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد **گلنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گلنار در خواب
عروسی پاکیزه خوب خاصه که هنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گلنار از درخت افتاد دلیل که از
دیدار عروس پاکیزه یا کنیزک جدا ماند **کلنگ** در خواب مردی غریب بود و ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که کلنگی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی غریب پیوندد و با وی نیکوئی کند و اگر

بیند که پر کلنگ یا گوشت او داشت دلیل که از مردی غریب راحت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگان را
میچرانید دلیل که بر گروهی غریبان و درویشان مهتر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت دلیل که درویش
شود **گلو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که گلوی وی بسلامت است و هیچ المی ندارد دلیل که امانت
و وام بگذارد و اگر بیند که رنج و آفتی در گلوی وی پدید آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر گلوی خود را فراخ بیند
دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر گلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانتها
را نیک نگهدارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوی او را ببریدند دلیل که برنده بر وی ظلم کند یا در دین او
طعنه زند و هر جانورے که کشتن او روا نباشد چون بیند که گلوی او را ببریدند دلیل بر مردی بود که
بدان نسبت دارد که بدان مردم را ستم کند و اگر بیند که بهیمه را گلو ببرید دلیل که کار بر وے دشوار گردد
و اگر بیند که گلویش را بضرورت ببرید و گوشتش بخورد و اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل که مال حلال یابد
و اگر حرام بود مال حرام یابد و اگر بیند که گلوی آدمی ببرید دلیل بر آنکس بیداد و ستم کند یا در دین او طعنه
زند و اگر بیند که گلوی کسے را بفشرد و خفه کرد دلیل که او شرف و بزرگی معزول گردد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید گلو در خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید گلو فشردن در خواب دلیل
بر تنگ شدن عیش مغلوب بود **کلیچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچه در خواب دلیل بر عیش خوش و نعمت و مال
کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچه مے خورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که کلیچه
بخروار داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچه در دهان نهاد و نتوانست خوردن دلیل که
مال و نعمت او قسمت دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوردن کلیچه در خواب بر چهار وجه بود یکے
مال حلال که باسانی بدست آید دوم روزی فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش **کلید** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید کلید در خواب مردی گشاینده کار بود و اگر کسے بخواب بیند که قفلی را بکلید باز کرد و در بگشاد دلیل که کارهای
بسته بر وی گشاده شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد
قوله تعالی مَقَالِیْدُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ الآیة کرمانی رحمة الله علیه گوید کلید در خواب گشایش در خیر بود و
بستن شر و بعضے گویند کلید در بستن تزویج بود و اگر بیند که کلیدهای در بهشت در دست داشت دلیل
که در دین سلطان بوده عاقبت کارش نیکو و محمود بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آهنین داشت
دلیل بر قوت و نیکوئی بود و اگر بیند که کلید برنجین یا مسین داشت دلیل که او را سخن روائی بود و اگر بیند که کلید
چوبین داشت دلیل بر نیکوئی کمتر بود و اگر کلید زرین یا سیمین داشت دلیل که سخن او روائی یابد و نیز گویند گنج
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید چندانکه کلید بسیار بود مال بیشتر بود و نیز گویند که کلید دعا و استغفار و
حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفلی نهاد و در را باز کرد دلیل که حاجتش
روا گردد و کار بسته او گشاده شود و اگر بیند که کلید و کلیدان بشکست دلیل که دعا وے خالص

بنا شد و اگر بیند که بیک کلید دو قفل را بگشاد و در را باز کرد دلیل که زنی خوبروی بخواهد حافظ معبر گوید اگر کسی دست خود را
کلید بیند دلیل که نماز گذارنده بود و اگر بیند کلید وی بیفتاد دلیل که کاهل نماز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید
در خواب بر هشت وجه بود یکی گشادن کارها دوم فراغ از غم سیوم شفا از بیماری چهارم یافتن مراد پنجم قوت دین
ششم گذاردن حج هفتم اجابت هشتم دانستن علم **کلیددان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کلیددان زود بگشاد و زحمت نداد دلیل که کارهای دینی و دنیاوی وی گشاده گردد و اگر بیند که کلیددان
بدشواری بگشادتاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که کلیددان نتوانست گشود و در بسته ماند دلیل که کارها
بروی بسته گردد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیددان زود باز کرد
و اگر غمگین بود دلیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی
دارد روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهاش بنظام گردد **کلیسا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در کلیسا رفت و در آنجا سوی قبله نماز گذارد دلیل که آنکس از گناه توبه کند و در دین قوی شود از بهر
آنکه کلیسا جای عبادتست کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کلیسا بود دلیل که میل او با بت پرستان باشد
خاصه چون نماز سوی قبله ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بیند که در کنشت شد اگر بیننده
خواب پارسا باشد دلیل بد بود خاصه که بیند در آنجا مقیم شد **گلیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گلیم در خواب
رئیس و سرور بود و اگر بیننده خواب مهتر بود دلیل که بزرگی و جاه او بیفزاید و بعضی معبران گویند مردی
صالح و گزیده بود و از درویشان دیندار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلیمی بیافت دلیل که زنی
توانگر بزنی کند و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهر کند و از وی منفعت بیند و اگر بیند که بر گلیمی کوته
نشسته بود دلیل که زنی خوبروی و پارسا و موافق بزنی کند و اگر بیند که گلیمی سبز بود دلیل که زنی ستوده کار
و دیندار بود و اگر بیند که گلیم سرخ بود زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر گلیم زرد بود زنی بیمار گون باشد و اگر
گلیم سیاه بود آن زن که باشد زاهده و عابده بود و اگر گلیم ملون بود از نیمه که گفتیم در زن موجود بود و اگر بیند که گلیمی
پوشیده بود دلیل که در پناه مهتری پارسا بود و از وی منفعت یابد و اگر گلیم از خود دور افکند و ضایع شد تاویلش
بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گلیم در خواب بر پنج وجه بود یکی مرد رئیس دوم مهتر و پارسا
سوم زنی توانگر چهارم کنیزک پنجم خیر و منفعت **کمان** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کمان را بی تیر بکشید
دلیل که بسفر رود و با فایده باز گردد و اگر بهنگام کشیدن زه کمان ببرید دلیل که سفرش تمام نشود و باشد که
از آتش زیان رسد و اگر بیند که کسی کمانی بوی داد دلیل که پسر یا برادر آرد و اگر بیند که کمان وی بشکست
دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از مال او تلف شود و اگر بیند که کمان تیر می انداخت دلیل که او بزرگی
نامه بود رسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کمانی تیر می انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید بسبب
راست و کج رفتن تیر و اگر بیند که از بهر خود کمانی ساخت دلیل که او را از پادشاه عجمی شرف و بزرگی حاصل شود

یا زن عجمی بخواهد و او را پسری آید و اگر بیند که از کمان تیر نتوانست انداخت دلیل که او را از پادشاه یا از آن زن غم نباشد و اگر بیند که کمان را بفروخت یا بکسی داد دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تاویل درازی عمر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمانی نو و پاکیزه داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کمان کشید دلیل که زن پایدار بود و اگر بیند که کمان ضایع شد دلیل که از زن جدا شود و اگر بیند که کمان او سخت بود و در وقت کشیدن نرم باشد دلیل که زنی نکاح بخواهد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر بمراد برسد و اگر بیند که کمان سست بود و سخت شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که کمانی بدست خویش از بهر خود میساخت دلیل که کار او ساخته گردد و اگر بیند که کمان بفروخت و از بهای او درم و دینار بستد دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای کمان جز درم چیزی دیگر بستد دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که کمانی عطا بوی دادند دلیل که زود زن را خواهد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کمان خمیده کشیده بوی دادند بی آنکه کمان را بکشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که کمان در کمان دان نهاد دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که کمانهای بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشند که بگاه سختی بفریاد وی رسند و اگر بیند که کمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که کردارهای نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گذارد و آنچه برین ماند بخداوند تعالی نزدیک بود قوله تعالی فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمان در خواب بر شش وجه بود یکی سفر دوم فرزند یا برادر سوم زن چهارم قوت پنجم کردارهای نیک ششم مرد درست در کارها

کمان حلاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان حلاجی در خواب شناعت زننده بود و اگر بیند که کمان حلاجی در دست داشت دلیل که منافقی کند و اگر بیند که کمان حلاجی داشت و ندانست که ملک اوست دلیل که تشنیع خواهد

کمانه آسمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمان آسمان همه زرد بود دلیل بر بیماری مردم آن دیار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبزی کمانه آسمان بیشتر از سرخی بود دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سبزی بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر آسمان علامت سرخی بکردار عمود شد دلیل که پادشاه آن دیار را قوت و کامگاری رسد و اگر عمودهای سیاه بیند تاویلش بخلاف این بود

کمان گروهه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان گروهه در خواب کار پادشاه بود با غم و اندوه و اگر بیند که کمان گروهه در دست داشت و کلوخ انداخت دلیل که کسی را سخن زشت گوید و دشنام دهد زیرا که کمان گروهه در راه دین ناپسندیده بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکمان گروهه کلوخ بر مردم انداخت دلیل که بسبب آزار مردم غمگین شود و اگر بیند که کمان گروهه وی بشکست یا ضایع شد دلیل که آزار کس نجوید

کمربند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان کمری بسته بود دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که کمربند

بر و جواهر مرصع بود دلیل کند بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محتشم قبایل گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند سه چهار بار کمربند بر میان بسته داشت دلیل که او را مال و حشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کمربندی بدو دادند و در میان بست دلیل که بسفر رود و اگر بیند که کمربند بشکست و بیفتاد و ضایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمربند شمشیر آهن یا مس بود دلیل که مهتر قومی شود و اهل بیت وی بسبب وی توانگر شوند و اگر بیند که کمربند شمشیر آهن یا مس آراسته بود دلیل بر خواسته بود و لیکن کمتر و اگر بیند که کسی او را کمربند و شمشیر بخشید دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمربند در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت از قبل پدر یا برادر یا خویشان دوم فرزند سیوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم انصاف دادن و یا فتن مراد ششم پاکی دین و اگر بیند که کمربند بر میان بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان بستاند اما عمر گذشته بود —

کم شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کم شده دلیل که در آن موضع که او بود ضایع شود زیرا که او را معرفت نشناسند و قرب او ندانند و اگر بیند که عیال یا فرزند او کم شد دلیل که از جهة ایشان اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی کم شد اگر آن چیز تاویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت وی زایل شود و کارش بنظام گردد و اگر آن چیز تاویل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش بنظام نشود

کمند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمندی بینداخت و مردی را بگرفت دلیل که باندازه کمند از بزرگی یاری خواهد و اگر بیند که کمندش از رسن بود دلیل که از مردی مؤمن یاری خواهد و اگر بیند که کمند از موی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و در گردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد دلیل که از مردی مسافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد

کنار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنار در خواب مال بغیش بود و از میوها هیچ میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوه مهتر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود و اگر بیند که کنار بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید کنار در خواب مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بجز و ار کنار داشت دلیل که مال بسیار یابد

کناه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کناه می کرد و ندانست که آن کناه چه بود دلیل که در کناه و فتنه افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید کناه کردن در خواب هم معصیت و گناه بود توبه باید کرد تا از عقوبت حق تعالی عز و جل ایمن شود و کارش بصلاح آید

کنبد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنبد در خواب زن بود و اگر کنبدی پاکیزه بیند و اند که ملک اوست دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید کنبد در خواب شرف و بزرگی بود و اگر بیند که در کنبدی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنبد در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم

منفعت چهارم عز و جاه **گنج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گنج بیافت دلیل که بیمار گردد
یا رنجی بدل او رسد و اگر بیند که گنج او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود معبّر رحمة الله علیه گوید گنج یافتن
در خواب در جایگاهی خراب بیمار یا هلاک شود و اگر بیند که در جایگاهی آبادان یابد دلیل که بیمار شفا یابد **گنجد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنجد در خواب مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بیند که کنجد داشت و میخورد
دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که کنجد بکسی داد دلیل که بقدر آن از مال خود او را منفعت رساند و اگر
بیند که کنجد خورد و طعم آن ناخوش بود دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی از معبران گویند که او را غم و اندوه
رسد **گنده پیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گنده پیر در خواب دنیا باشد و گنده پیر مسلمان
که بجامه آراسته باشد دلیل که مال حلال یابد و گنده پیر که بجامهٔ چرکین باشد و کافر بود تاویل حرام
بود و گنده پیر خوبروی و نیکو جامه تاویل اینجهان و آنجهان باشد و اگر بیند که گنده پیر فقیر و مسلمان
بزنی خواست و در البست که ملک اوست دلیل که مال حاصل کند و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از
خانه بیرون کرد یا طلاق داد دلیل که ترک دنیا بگوید و راه آخرت جوید و اگر بیند که با گنده پیری
مجامعت کرد دلیل که مراد اینجهانی او را حاصل شود **گندرو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندرو
میخورد یا میخایید دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن معبّر رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که گندرو داشت دلیل که غمگین شود زیرا که تلخست و در تاویل اندوه بود **گندس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
گندسه بسیار داشت دلیل که بیماری دراز کشد و عاقبت شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
گندسه میخورد دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و اگر بیند که گندسه به بینی فرا گرفت و عطسه داد دلیل که
حاجتش بدشواری بر آید **گندم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندم در خواب مال حلال بود که برنج بمردم
رسد و اگر بیند که گندم میخورد دلیل که صالح و دیندار بود و اگر پخته میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که
دهان تا شکم او پر از گندم خشک شده بود دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خوشهای
گندم میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پدید آید قوله تعالی **سبع سنبلات خضر و اخر یابسات**
و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که در آن دیار حق سبحانه و تعالی نرخ غله ارزان کند جعفر صادق علیه السلام
فرماید گندم در خواب بر سه وجه بود یکی معزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریبی اسمعیل
اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندم بریان میخورد دلیل که هیچ منفعت نیابد و اگر بیند که گندم بوقت خود
میدروید دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و گندم فروشی در خواب دیدن مردی بود که دین بدنیا اختیار
کند **گندنا** دانیال علیه السلام گوید گندنا در خواب مردی بود که مردم او را بدوستی یاد کنند ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گندنا در خواب مال حرام بود و گفتار زشت بود اگر بینندهٔ خواب مستور و مصلح باشد
دلیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و خوردن گندنا هیچ منفعت نباشد

کندو اگر انگبین بود اگر بیند که کندوائی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که رسولی پیش او در آید و او را شادمان کند

و کرامت یابد و بعد از چهار روز از قبل زنان مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد **کنشت** ابن سیرین

رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کنشت نشست و از سوی قبله نماز گذارد دلیل که عاقبت توبه کند و بخداوند تعالی

باز گردد و دین قوی گردد و بسبب آنکه کنشت جای عبادتست و اگر نماز سوی قبله بجهود ... گذارد

دلیل که هوای جهودان دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در کنشت بیند دلیل که بگفتار مردم بیدینان

کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنشت و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفسد را

شر و فساد بود **کنگر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بوقت خود کنگر میخورد دلیل که غم و اندوه

بوی رسد و خوردن کنگر در خواب نفع نبود و اگر بیند که کنگر داشت و نمیخورد دلیل که غم و اندوه کمتر

باشد **کنگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گنگ شده بود دلیل که درویش

و بدحال گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در خواب گنگ بیند دلیل بر تباهی و نقصان دین وی بود

چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ جعفر صادق علیه السلام رضی الله عنه

گوید گنگی در خواب بر هفت وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سیوم غم و اندوه چهارم نقصان

عیش پنجم معصیت ششم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر گنگی بخواب بیند که زبانش کشاده شد

دلیل که کار بسته بروی بگشاید **کنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنه در خواب عیال مردم بود و اگر بیند

که کنه اندام او میخورد دلیل که بقدر آن عیال از مال او بخورند و اگر بیند که کنه بسیار بر چهارپایه بود دلیل

که مردم از چهارپایان او فایده ببینند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنها از خود دور می انداخت

دلیل که عیال از خود دور کند و اگر بیند که کنه از چهارپای خود میگرفت و می انداخت دلیل که هیچکس را فایده

نرساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم

مال و خواسته فراوان و اگر بیند که کنها میکشت دلیل بد آنچیزهای که گفتیم نقصانی بود **کنیزک**

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنیزک در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال او و اگر کسی بخواب بیند که کنیزک خوبروی

فربه داشت دلیل که چیزی پنهان بوی رسد و از آنچیز متفکر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید کنیزک در خواب

مال بود و اگر بیند که کنیزکی بخرید دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر بیند که کنیزک بفروخت و بهای بستد دلیل

که او را غنم رسد و اگر بیند که کنیزک بخرید دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یابد و اگر بیند که کنیزک

برهنه بود دلیل که زیانی بدو رسد و اگر بیند که کنیزک خوبروی بسته بود و در خانه وی درآمد دلیل که شادی

و منفعت بدو رسد **کهربا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کهربا در خواب بیماری بود و اگر کسی بخواب

بیند که کهربا داشت دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی گویند که بیماری او دراز کشد **گوارش**

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوارش در خواب چون شیرین بود دلیل بر منفعت و خیر و شادی کند

واگر تلخ وناخوش باشد دلیل برغم واندوه ورنج وفساد بود وهر گوارش که بوی خوش بود دلیل بر مدح وثنا بود وهرچه بوی از ناخوش باشد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گوارش شیرین خوردن غم واندوه بود و گوارش داروها خوشبو خوردن دلیل بر ستایش کند **کوال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوال درخواب دلیل بر مردی عالم باشد وچیزهای که در واز خیر وشر بود بر نقول دلیل از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه آنچنانکه فرموده اِنَّ القُلُوبَ وَعِيَةٌ مغربی رحمة الله علیه گوید کوال چون بزرگ ولوف پاکیزه وفراخ بود دلیل بر منفعت بسیار بود والا منفعت اندک باشد **کو دابهبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کودابها که درخواب بیند بهتر از کوداب خرما بود وبعد از ان کوداب جیص بادام وبعد از ان کوداب نان دلعجالله کوداب خشخاش را تبا ویل منفعت از اینها کمتر باشد واگر بیند که کوداب جیص بخورد دلیل که بقدر آن مال از مردی بخیل بدست آرد واگر بیند که کوداب خشخاش بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل شود اما فایده اش کمتر بود واگر بیند که کوداب نان بخورد دلیل که بقدر آن مال ونعمت از مردی پارسا اورا بدست آید واگر بیند که ازین کودابها که گفتیم داشت واز ان چیزی بخورد وانچه گفتیم بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید کودابها آنچه شیرین وخوش طعم بود دلیل بر نیکی کند وانچه تلخ وناخوش بود دلیل بر بدی کند **گور** دانیال علیه السلام گوید گور بتاویل زندان بود واگر بیند که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بروی تنگ شود وبعضے از معبران گویند در آنموضع که گور باشد از بهر خود سرای نو سازد واگر بیند که اورا در گور کردند دلیل که احوال بروی دشوار شود قوله تعالی ثُمَّ اَمَاتَهٗ فَاَقْبَرَهٗ ثُمَّ اِذَا شَاءَ اَنْشَرَهٗ اگر بیند که اورا در گور کردند وخاک براو کردند دلیل که دین وی را نقصان بود ولیتوبه از دنیا برود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را در گور نهاد دلیل که اورا در زندان کنند واگر بیند که در گور بمرد دلیل که در زندان بمیرد واگر بیند که بر بام او گوری میکنند دلیل که زندگانی او دراز باشد واگر بیند که بر سر گوری ایستاده بود دلیل که بر گناه مقیم وایستاده بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در گور مرده دید ومنکر نکیر از وسوال کردند دلیل که پادشاه اندر کار او را مطالبه کند واگر جواب منکر ونکیر خطا داد دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند واگر بیند که اورا از گور بیرون آوردند وبردار کردند ودیگر باره در گور نهادند دلیل که پادشاه اورا بنوازد وخلعت بپوشاند وبعد از ان بزندان کند اما اگر این خواب بازرگان دیده باشد حساب او با بازرگانان بود وشمار هر کس با جنس خود ومعبران باید که قیاس از چیزهای نیک بداند تا خطائی نیفتد **گورستان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گورستان درخواب دیدن صحبت با جاهلان بود که دین ودنیای ایشان بفساد گردد وغم وپشیمانی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زندان را زیارت کند واگر بیند که در گورستان باران بارید دلیل که اهل گورستان را رحمت از حق سبحانه وتعالی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر توانگر بیند که در گورستان میرفت وبر گورها سلام میکرد دلیل که درویش گردد واز مردمان گدائی کند زیرا که گورستان جای مفلسان است

واگر بیند که در گورستان معروف بود مردگان از گور برخاسته بودند دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد واگر بیند که در گورستان
گورها باز میکردند بعضی مرده دید وبعضی زنده دلیل که در آن ولایت محنت وتنگی پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید
گورستان در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم غم سوم محنت وبلا **گوز** در خواب مالی بود که بمحنت وبلا ورنج
وسختی حاصل گردد واگر بیند که با گوز بازی میکرد یا گوز در دست داشت دلیل بر جنگ وخصومت بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید گوز که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بدو رسد بقدر رنجی وبسیاری واگر مغز گوز
بطعم خوش بود مال حلال بدو رسد واگر بیند که گوز میشکست دلیل که از مردی عجمی مال گیرد مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوز داشت دلیل که او را جنگ وخصومت افتد واگر بیند که گوز تلخ وناخوش بود دلیل که از
مردی بخیل سخن ناخوش شنود واگر بیند که از مغز گوز روغن بیرون آورد دلیل که از مردی بخیل او را منفعت
رسد **گوز هندی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی گوز هندی بوی داد دلیل که سخن
فال گیرد ومنجم شود واگر بیند که گوز هندی میخورد دلیل که سخن ایشان راست پندارد وبعضی از معبران گویند
گوز هندی در خواب مردی دان یا کنیزکی هندی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوز هندی میخورد دلیل
که سخنان منجمان راست پندارد واعتقاد بران داشته باشد **گوز بویا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوز بویا
در خواب صلاح دین بود ودانستن علم شرع واگر بیند که گوز بویا خورد دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و
علم شریعت بیاموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوز بویا بسیار داشت ومیخورد وبمردم میداد دلیل که در علم
وحکمت یگانه شود واز ان علم او را ودیگران را منفعت بود واگر بیند که گوز بویائی داشت واز ان بکسی نداد دلیل که از ان
علم منفعت نه او را ونه دیگران را باشد وبعضی گویند که خوردن گوز بویا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند **گوی زمین**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوی زمین در خواب مالی بود که بمکر وحیلت بدست آورد واگر بیند که بگوی پنهان بود که از انجا
او را بیرون آمدن نبود دلیل که بمکر وحیلت خود را در کاری افگند که از ان بدشواری بر آید وهر چند که گوی دور تر
بود کار صعبتر بود واگر بیند که آن گوی مانند سرداب بود دلیل که دزد از وی چیزی ببرد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوی یا چاهی کند دلیل که از بهر کسی مکر وحیلت سازد واگر بیند که از ان گوی آب بیرون آمد دلیل
که در آنگوی بمکر وحیلت چیزی بدست آورد وبدان معیشت کند واگر بیند که گوی از بهر کسی دیگر بود دلیل که آنچه
گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گوی افتاده بود واز ان بیرون نتوانست رفت دلیل
که در کاری مستور مانده باشد واز ان خلاصی نیابد واگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری یابد **کوزه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید کوزه از سپید روئین یا از مس بود در خواب خادم باشد واگر سفالین نو داشت دلیل که او را
کنیزکی حاصل شود بقدر خوبی کوزه واگر بیند که از کوزه آب خورد دلیل که با کنیزک جماع کند واگر بیند که
کوزه بشکست دلیل که کنیزکش بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید کوزه در خواب مال ونعمت باشد واگر بیند که کوزه
زرین داشت یا سیمین او را مال خواسته حاصل شود واما در آن مال تهمت باشد واگر ببیند که کوزه سفید روغن

یا قلعی داشت دلیل بر مال و نعمت باشد و اگر کوزهٔ آهنین داشت دلیل بر مال بود و اما جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن
ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از قبل زنان و کوزهٔ آویز را برادهٔ خوانند تاویلش بخواب
زنی بزرگ زاده و مهتر بود **گوساله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوساله نر فرا گرفت
یا کسی بوی داد دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که گوساله ماده بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند
که گوساله بخانه برد و بر وی دست مالید دلیل که اندوهگین شود کرمانی رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که گوساله
در منزل او در آمد و شد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گوساله دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسر
آید و اگر بیند که بر پشت گوساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجمی پیوند دارد و بزرگی یابد مغربی رحمة الله علیه فرماید
اگر بیند که گوساله وی بمرد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر گوساله وی ضایع شد دلیل که فرزندان از وی مفارقت
جویند و اگر بیند که گوساله داشت و از گوشت وی بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوساله سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که گوساله ابلق بود دلیل
که میانه بود و اگر گوساله وی قوی و فربه بود دلیل که فرزندش تن درست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر
بود تاویلش بخلاف این بود **گوسپند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوسپند در خواب غنیمت بود و اگر بیند
که گوسپند سپید داشت دلیل که بر گروهی بزرگی و مهتری یابد و اگر بیند که گوسپندان بعضی سپید و بعضی سیاه بودند
دلیل که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که گوسپند بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل
که او را مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که گوسپندی بر گردن گرفته بود دلیل که مؤنت کسی بر گردن گیرد و اگر بیند که گوشت
گوسپند پخته میخورد دلیل که بقدر آن او را غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل بر غم و اندوه
باشد و اگر بیند که از بهر خوردن گوسپند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند نره میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر
بیند که نره میشی را گلو ببرید و رها کرد دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که بر نره میش نشست
و مطیع و فرمان بردار او بود دلیل که بر مردی بزرگ چیره گردد و اگر بیند که نره میش بر وی غالب بود تاویلش بخلاف این
بود و اگر بیند که سر و پای نره میش بشکست دلیل که بر آنمرد که وصف کردیم غالب شود و اگر بیند که سر و پای نره میش دراز
و قوی بود دلیل که آنمرد قوی و توانا شود و اگر بیند که پشم بر تن نره میش دراز بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت
شود و اگر بیند که پشم نره میش بسیار حاصل شد و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشانرا
زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند که بعدد هر نره میشی او را سالی بزرگی و شرف حاصل
شود مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن نره میش در خواب زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه حق سبحانه تعالی در کلام مجید خود در قصه
داود علی نبینا و علیه السلام فرموده قوله تعالی ان هذا اخی له تسع و تسعون نعجة ولی نعجة واحدة

اگر بیند که ماده میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بر صفت که گفتیم او را محب و خواستگاری شود و از وی مال حاصل کند اگر
بیند که ماده میش ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده میشی را گلو برید دلیل
که زنی مستوره را بهتان کند و اگر ماده میش سیاه بود دلیل که آن زن از عرب بود و اگر سفید بود از عجم باشد و پوست گوسپند
غنیمت و مال حلال بود و دیدن گوسپند در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم زنی بزرگ سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه.
و منفعت **گوشتها** دانیال علیه السلام گوید گوشتها بتاویل هرچند پخته خورد دلیل بر مال و منفعت کند که آسان
بدست آید و گوشتهای که خام خورد دلیل که مال برنج و مشقت بدست آید و خرید و فروخت گوشتها در خواب غم و
اندوه بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پخته بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت بریان بهتر از
خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را می خورد دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند
که از آن کار پشیمانی خورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد دلیل که غیبت مردم بناحق کند قوله تعالی ایحب
احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه و اگر بیند که مردی را بردار کرده بودند و او گوشت او میخورد دلیل
که مال حرام خورد و اگر بیند که گوشت گوسپند فربه و پخته بود و میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوسپند
مسلوخ بخانه آورد دلیل که کسی بزرگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام گوسپند در خانه آورد دلیل که در آن خانه
کسی هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید که گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که بگوشت تازه کسی را همی
زد دلیل که او را بزبان رنجور گرداند یا او را غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد دلیل که بقدر آن
روزی با غم و اندوه یابد و اگر بیند که از قصاب گوشت بخرید و بهائش بداد و بزن خود برد دلیل که هلاک شود
و اگر بیند که گوشت اژدها میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که
گوشت اسپ میخورد دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پادشاه چیزی بدو رسد و اگر بیند که گوشت اشتر
میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت اشتر بچه میخورد دلیل که بقدر آن مال یتیمی
بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفا یابد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه او را منفعت رسد و اگر بیند
که گوشت اشترمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت آله میخورد دلیل
که از پادشاه ستمگر او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد دلیل که بقدر آن از زنی خوبروی
او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد دلیل که او را منفعت مال دشمن بدست آرد و خرج کند و اگر بیند
که گوشت پرستو میخورد دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند که مال دشمن بخورد و اگر بیند
که گوشت بط میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت پلنگ می خورد دلیل که در جنگ نام آور
باشد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گوشت گنجشک می خورد دلیل که از مال مردی ترفت یا از مال فرزند
بقدر آن او را حاصل شود و اگر بیند که گوشت بوزنه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد دلیل
که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر بیند که گوشت مرغ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر او را منفعت

رسد و اگر گوشت تذرو میخورد دلیل که مال مردی غدار خورد و اگر بیند که گوشت چغد میخورد دلیل که مال دزدیده خورد و اگر بیند
که گوشت چکاوک میخورد دلیل که چیزی از مال بنده خورد و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند
که گوشت خرگوش میخورد دلیل که از مال زن چیزی ک بیابد و بعضی از معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند
که گوشت خروس میخورد دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن
مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بیند که گوشت دراج میخورد دلیل که مال زن بستاند و خرج کند
و اگر بیند که گوشت راسو میخورد دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بیند که گوشت زاغ میخورد دلیل
که بقدر آن از مال فاسقی بخورد و اگر بیند که گوشت سنگ خاره میخورد دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد و اگر بیند
که گوشت سوسمار میخورد دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار
دلیل بر کمال و زینت اینجهانی یافتن باشد و اگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند
که گوشت سنجاب میخورد دلیل که مال مردی غریب خورد و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که مال مردی بزرگوار
بدو رسد و اگر بیند که گوشت شاهین میخورد دلیل که از مال مردی ستمگر نفع یابد و اگر بیند که گوشت بره میخورد
دلیل که با کسی مگر از محروم پیوندد و اگر بیند که گوشت شتر میخورد دلیل که بسبب تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بیند
که گوشت طاوس میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت طوطی میخورد دلیل که علم آموزد و ورا منفعت نکند
و اگر بیند که گوشت فنک میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بیند که گوشت قمری میخورد دلیل که از زنی
خوب منفعت یابد و اگر بیند که گوشت ماده گاو میخورد دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظام گردد و اگر بیند
که گوشت گاو دشتی میخورد دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیزک نفع رسد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد
دلیل که از مال زن او را بهره رسد و اگر بیند که گوشت گربه میخورد دلیل که منفعت یابد و اگر بیند که گوشت گرگ میخورد
دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بیند که گوشت کشف میخورد دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بیند
که گوشت گفتار میخورد دلیل که بهره زنی بر وی جادو کند و اگر بیند که گوشت کلازه میخورد دلیل که مال مردی
بیابانی خورد و اگر بیند که گوشت گورخر میخورد دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان میخورد دلیل که او
مال از کنیزک یا از خادم جمع شود و اگر بیند که گوشت ماهی میخورد دلیل که چیزی از مال زن خورد
و اگر بیند که گوشت مرغابی میخورد دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بیند که گوشت مرده میخورد دلیل که آن مرده را
به بدی یاد کند و اگر بیند که گوشت نهنگ میخورد دلیل که رنج و بلا بدو رسد و اگر بیند که گوشت هدهد میخورد دلیل که از
مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که گوشت همای میخورد دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند
گردد و اگر بیند که گوشت هزار دستان میخورد دلیل که از مال زن یا فرزند یا غلام او را منفعت رسد و اگر بیند که
گوشت داشته میخورد دلیل که از مال دشمن بخورد و اگر بیند که گوشت یوز میخورد درم از مال دشمن خورد و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال دوم میراث سوم توانگری چهارم مصیبت و اندوه گوش

ان

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوش او بیفتاد یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا دخترش بمیرد یا از هم جدا شوند و بعضی معبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کر شد چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل بر فساد دین و دیانت او بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن گوش در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم خیر سوم دوست چهارم رفتن پنجم پسر ششم غلام هفتم مال و خواسته هشتم ترس و بیم **گوشواره** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که در هر دو گوش گوشواره داشت دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گرانمایه آویخته بود دلیل که علم و قرآن بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاموزد کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که هر دو گوشوارها داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر دیگی از سیم دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش دوم آموختن علم و قرآن سیوم بزرگی چهارم غم و اندوه بسبب طلاق دادن زن **کوشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوشکی شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که کوشک از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از گل و آجر بود دلیل که مال یابد اما در دین او نقصان بود و اگر بیند که پادشاه کوشکی بنیاد دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوشک او خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در کوشک او آتش بیفتاد دلیل که پادشاه از و مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوشک در خواب بر هشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سیوم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم پادشاهی هفتم رامش هشتم شادی و خرمی بقدر بلندی و نیکوئی کوشک **گوگرد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوگرد در خواب غم و اندوه بود و در دیدن گوگرد خیر و منفعت نبود **کودک** دانیال علیه السلام گوید که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کودک شده بود و در کتاب چیزی پیش معلم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کودک صلاح از فساد نداند و معبران گفته اند که اگر خود را کودک بیند دلیل که کارش ضعیف شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کودکی بریان کرده پیش وی نهادند و میخورد دلیل که از وی خیر بسیار یابد و آن کودک با احتشام بسیار برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید کودک خوبروی بتاویل فرشته بود و کودک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیرخواره شده بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که در وقت زادن بسلامت بود **کوه** دانیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بلند بیند و داند که آنکوه ملک اوست دلیل که مردی بزرگ او را در پناه خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود بر کند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام کرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که بر بالای کوه همی شد دلیل که بزرگی و جاه یابد و بعضی از معبران گویند اگر بدشواری بر بالای کوه میشد دلیل که غم و اندوه بدو رسد اگر بیند که از کوه بزیر آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر

ببیند که بر سر کوهی مقام ساخت دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که بر سر کوهی نماز میگذارد و یا بانگ نماز میداد دلیل که کار او نیکو شود معبر رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوشک رفتن در خواب دلیل بر مقصودی که دارد یابد و اگر بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که بر دامن کوه بیفتاد دلیل که اندوهگین شود و اگر ببیند که بر دامن کوه نماز میگذارد دلیل که کارے کند که موافق دین باشد و اگر ببیند که در کوه مردی از کسان پادشاه با وی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر ببیند که کوه بجنبید و بعد از آن قرار گرفت دلیل که از مردے بزرگ در آنجا رنجور شود و شفا یابد و اگر ببیند که کوه را بیسکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که بزودی عطا یابد و اگر ببیند که کوه از خاک بود دلیل که او را با مردے خسیس طبع باشد و اگر ببیند که بر کوه قاف نشسته بود دلیل که اجلش فرا رسیده باشد و اگر ببیند که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل آید و اگر ببیند که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر ببیند که بر کوه لبنان بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر ببیند که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را بیم هلاک باشد و اگر ببیند که بدره شد دلیل که اجلش نزدیک آید یا بزندان گرفتار آید و اگر ببیند که بر کوهی روشن بود دلیل که مال یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدشواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که او را از پادشاه ستمگر بیم بود و اگر ببیند که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر ببیند که در کوه سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه شود و اگر ببیند که از آن سوراخ چیزی بیرون آورد دلیل که از آن پادشاه عطا یابد حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر ببیند که از کوهها سنگ میگرفت و هر یک بجائی می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه مینهاد دلیل که مالهای بقهر جمع کند و اگر ببیند که از کوهها در کنار گرفته بود دلیل که خود را بکسی بزرگ بندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر ببیند که بر کوه نردبانے از گچ و آجر بسته بود و بدان نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود حاصل شود و اگر ببیند که نردبان از گل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد و اگر از مس بود بد باشد و اگر از برنج بود مرادش بر نیاید و اگر ببیند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل که خاص مقرب پادشاه گردد و مال بسیار یابد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکے پادشاہے دوم دبیرے سوم ظفر چهارم بلندی پنجم رئیسی یافتن **گوهر** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید دیدن گوهر بخواب زن با جمال توانگر بود و اگر ببیند که گوهری داشت دلیل زنیکه دارد طلاق دهد و اگر ببیند که گوهر بسیار داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که گوهر میسفت دلیل که بشغل زنان مشغول گردد و دلالے کند و اگر ببیند که بعضے گوهرها سوراخ داشت و بعضے نداشت دلیل که دلالے دختران دوشیزه

وزنان بیوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود و اگر بیند که گوهر سفید داشت دلیل که او را
فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن گوهر در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم
سیوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بها پنجم زنان با جمال ششم سخن سفید هفتم خیر و برکت هشتم کار
نیکو کردن و چون خداوند خواب مستور نباشد دلیل بر پشیمانی بود و گوهر فروش در خواب خداوند علم و حکمت
بود **کوچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوچه آبادان بود دلیل که خیر و منفعت
بوی رسد خاصه که در وی مردم مصلح باشند و اگر بخلاف این بیند دلیل که شر و مضرت بوی رسد مغربی
رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که در کوچهٔ فراخ مقیم شد دلیل که غم و اندوه بوی رسد **لیکیر**
اگر کسی بخواب بیند که لیکیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که لیکیر می خورد
دلیل بر غم و اندوه صعب بود و اگر بیند که لیکیر بکسی داد دلیل که غم و اندوه بوی رساند و در دیدن
لیکیر هیچ منفعت نباشد والله اعلم

حرف اللام

لباچه ابن سیرین
رحمة الله علیه فرماید لباچه در خواب دیدن نیکوئی و پایندگی دین بود خاصه که سبز باشد و اگر بیند که لباچهٔ
سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مردی با دیانت بود مغربی رحمة الله علیه فرماید اگر بیند
که لباچهٔ سبز داشت دلیل که او را از مردی با امانت منفعتی رسد اگر بیند که لباچه سفید بود دلیل که از
مردی مصلح دولتمند او را منفعتی رسد و اگر لباچهٔ سرخ بود و پوشید دلیل که از مردی معاشر بقدر بهای
آن او را منفعت رسد و اگر لباچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لباچهٔ کبود بیند که پوشیده بود دلیل
که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباچهٔ سیاه پوشیده بود و اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف
این بیند دلیل که مضرت وی حرمتی یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید لباچه دیبا مردان را نقصان دین
بود و زنان را شادی بود و لباچه عنابی مردان را و زنان را نیک باشد خاصه که سفید و فراخ بود دلیل بر خیر
و نیکی بود و تنگی لباچه در خواب نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید لباچهٔ کرباس زنان را و مردان را
نیک بود و لباچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان دوم امانت داری سیوم صلاح کارها چهارم خیر و منفعت
لباس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لباس تابستان در زمستان پوشیده بود دلیل که مالش
زیادت شود اما ترس و بیم عظیم بوی رسد لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی بیند که لباس مردان پوشیده
بود دلیل که شوهرش چیزی رسد کرمانی رحمة الله علیه فرماید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بیند که در
بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بیند نیکو شود و اگر بر خود لباس مهتران بیند دلیل که مهتر
شود و اگر بر خود لباس فاسقان بیند دلیل که گناه بسیار کند و اگر بیند که لباس سلاطین داشت دلیل که
از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بیند که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بیند که لباس
صوفیان داشت دلیل که از دنیا دست بدارد و اگر بیند که لباس توانگران داشت دلیل که بجمع کردن مال حریص

بود واگر بیند که لباس جهودان یا ترسایان داشت دلیل که دلش بایشان مایل بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
دیدن لباس در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم توانگری سوم عز و جاه چهارم منفعت پنجم
عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد **لبها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لبها در خواب
دیدن دلیل بر بر آمدن حاجات بود ولب زیرین بهتر از لب بالا باشد وبعضی از معبران گویند لب در خواب
خویش و قرابات بود واگر بیند که لب بالائے وی از جا زایل شد دلیل که مال وی در زوال شود ولب
زیرین همین تاویل دارد واگر بیند که لب بالائے وی ببرید دلیل که زن را طلاق دهد یا زن او را هلاک کند
واگر هر دو لب افتاده بیند دلیل که او را مصیبتی رسد از جهة مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود واگر لبهائے
خود را درد مند بیند دلیل که غمگین شود واگر بیند که لبهاش بهم دوچسپیده بود چنانکه باز نتوانست کشود دلیل
که کارش بسته گردد واگر زنے بر لب خود خالی سیاه بیند دلیل که عز او زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه
فرماید اگر بیند که لب خود را بدندان گرفت وخسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه بیم
هلاک او بود واگر بیند که لبهاش آماسیده بود دلیل که مال وے زیادت شود واگر بیند که لبهاش
سرخ شده بود دلیل که فرمان روا گردد واگر بیند که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستان
غم خورد واگر بیند که لبهاش سست وضعیف بود دلیل که حالش بد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
لب بالا دلیل بر پسران بود ولب زیرین دلیل بر دختران بود **لحاف** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید
لحاف در خواب زن بود واگر کسے بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل که زن خواهد واگر بیند که لحاف نو بخرید
دلیل که کنیزکے دوشیزه بخرد واگر بیند که لحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد واگر لحاف دریده
و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناساز کار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لحاف نو داشت
دلیل که زنے دیندار و توانگر خواهد واگر بیند که لحاف سفید بود دلیل که زنے توانگر و پارسا او را بود
واگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد واگر لحاف زرد بود دلیل که بر زنے
بیمار گون باشد واگر لحاف ازرق بود دلیل که زنش مکاره و فریبنده بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سه وجه بود یکے زن عالمه دوم دختر دوشیزه سیوم کنیزک [illegible]
لرزیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلرزید دلیل که در امانت داری ضعیف
بود واگر بیند که سر وی میلرزید دلیل که از حاکمش زیان رسد واگر بیند که قفایش میلرزید دلیل که [illegible]
و آهستگی ندارد واگر بیند که دستهای وی میلرزید دلیل که نیک معیشت بود واگر بیند که سینه وی میلرزید
دلیل که سخنی بشنود که اندوهگین شود واگر بیند که شکم وی میلرزید دلیل که از مردی که قوت او بود و پناه او
بود رنجی بوی رسد واگر بیند که پایش میلرزید دلیل که در سفر رنجے بوے رسد واگر بیند که اندامش مے
لرزید دلیل که بسبب مرادی که در پیے آن بود رنج و سختی بیند دانیال علیه السلام فرماید لرزیدن

لب

لحاف

لرزیدن

اندامها در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم
ترس سیوم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری **لرزیدن چیزها** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید
اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار فتنه و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب
و ماه لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان لرزیدند دلیل که آشوب در
نزدیکان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین بیلرزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه بیلرزید
دلیل که پادشاه آن دیار را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عرش بیلرزید دلیل بر فساد و بے
دیانتی علما بود و اگر بیند که لوح و قلم بیلرزید دلیل بر بدحالی و بیران و اهل علم بود و اگر بیند که هفت
آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه و تعالی بسبب فساد بر اهل آن دیار بود و اگر بیند که ماه
و آفتاب بر جهت ستارگان بیلرزیدند دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه آن دیار بقتل و خونریختن بود و اگر بیند
که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر بیند که تن وی لرزید دلیل
بر معصیت و فساد بود **لشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا فرا رسید
دلیل که اهل آن موضع را گزندے رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار که لشکر بود و نیز
قوت آن پادشاه بود که لشکر از آن او بود و اگر لشکرے بے صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه
و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکے بلا دوم سیل
سوم باد سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید
لعل در خواب زنے با جمال و توانگر بود و اگر بیند که لعل آتشے فرا گرفت یا کسے بوے داد یا بخرید دلیل
که بدین صفت که گفتیم زنے بخواهد یا کنیزک پاکیزه خرد و اگر زنش باشد دختری با جمال لطیف صورت
زاید و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین مکروه بود مغربی رحمة الله
گوید اگر بیند که کسے آشنا پاره لعلے بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن زنے توانگر از خویشان خود خواهد
و اگر بیند که بیگانه او را پاره لعل داد دلیل که زنے مجهول بدین صفت خواهد و اگر بیند که جوانے پاره
لعل بدو داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود
یکے زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران **لعوق** لیسیدن بود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین یا خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق
انار و لعوق چلغوزه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و ترش بود و بوی ناخوش داشت
دلیل بر شر و مضرت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت
باشد و آنچه ترش بود تاویلش بخلاف این بود **لفاح الشمامه** دستنبویه را گویند ابن سیرین
رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که دستنبویه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بکسے داد آنکس بیمار

لرزیدن چیزها
لشکر
لعل
لعوق
لفاح الشمامه

گردد و اگر بیند که لفاح را بوی میکرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اگر بیند که لفاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف **لقلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لقلق در خواب مردی با حسب و نسب و آزاد و عاقبت اندیش بود و اگر بیند که لقلقی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لقلقی را بکشت دلیل که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بیند که لقلقی با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم از آن عجب آید و از مهتری او را منفعت رسد و اگر بیند که لقلقی بر بام وی نشست دلیل که مهتری در خانه وی در آید و اگر بیند که لقلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت مردی دهقان جدا ماند و اگر بیند که گوشت لقلق میخورد دلیل که بقدر آن مال دهقان خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی مردم دهقان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریبی و درویشی بود **لقمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد دلیل که آنکس سخن خوش بد و گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که لقمهٔ لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد مصلح بود دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند که لقمهٔ شیرین گرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقمه در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سیوم منفعت بقدر لقمه **لقوه** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر کسی بخواب بیند که روی از علت لقوه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید لقوه در خواب دلیل بر منافقی بود که میان مردم سخنان نفاق گوید و اگر بیند که لقوه شده بود دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان دین بود **لگام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لگام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه اسپان را باشد دلیل که روزه دارد و از گناه توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسیکه نابکار و بدگال تر بود لگام در دهانش رود مغربی رحمة الله علیه گوید لگام در خواب بر بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر آزاد نیکو نبود و گویند که بیننده خواب با ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم روزه داشتن سوم ادب و فرهنگ و لگام فروش در خواب مدبر کارها شود و ولایت یابد **لگد زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر کسی بخواب بیند که کسی را لگد زد دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اگر بیند که اسپ او را لگد زد دلیل که در شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معبران گویند

لقلق

لقمه

لقوه

لگام

لگدزدن

بخ

بفساد مشغول گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی او را لگد زد دلیل که بسبب زنی اندوهگین شود و
اگر بیند که کنده پیری لگد زد دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر او را لگد زد دلیل که از مردی محتشم
او را زیان رسد و اگر بیند که خرے وی را لگد زد دلیل که در سفر او را زیان و مضرت رسد و اگر بیند
که گاو او را لگد زد دلیل که در آنسال او را زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لگد زدن در خواب
بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت سوم غم و اندوه چهارم فساد عیال **لک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسے بخواب بیند که لک داشت دلیل که از کسے فرومایه او را منفعت رسد و اگر بیند که لک بر آتش
نهاد و دود میکرد دلیل که نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد و اگر بیند که لک میخورد دلیل که غمگین شود
و اگر بیند که کارد در دست وی بود و بلک محکم میکرد دلیل که در میان دو کس مصلح پیوند کند **لوبیا**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب اگر بوقت خود بیند نیکو بود و اگر بی وقت پخته یا خام دلیل
غم و اندوه بود **لوح محفوظ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ تاویل عالم با امانت بود که مال
خود را در راه حقتعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه فرماید که لوح محفوظ تاویل علم و حکمت و قرآن
باشد و اگر بیند که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوح محفوظ
چیزی مینوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر بیند که بر لوح میرفت دلیل که او را با پادشاهے بزرگ
شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نوشته بود دلیل که اهلش سعید
باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر
سوم علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت **لوزینه** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسے بخواب بیند که لوزینه بشکر در دهان نهاد دلیل که از کسے سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد
دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه بکسے داد دلیل که او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کارے نیکو کند
مغربی رحمة الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال و نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خورد یا خرید یا کسے
بوی داد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از حلال یابد و خرج کند و اگر بیند که لوزینه بکسے داد دلیل که از وے
بر آنکس مال و نعمت رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدیدند دلیل که آن نقصان مال بود **لنگ
شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لنگ شده بود دلیل که کارها طلب کند از خیر و
شر و سست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضے از معبران گویند اگر کسے خود را لنگ و حقیر بیند
دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسے خود را لنگ بیند دلیل که در
دین و دنیا شکسته بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بعمدًا لنگ ساخت دلیل که از کسے بجهت
کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که لنگ شده بود و بعصا میرفت دلیل که از کسے یاری خواهد
که مردم بر وے اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که [illegible]

لک

لوبیا

لوح محفوظ

لوزینه

لنگ شدن

بر کسے اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود مغربی رحمۃ اللہ علیہ فرماید اگر کسے خود را بر دو پاے لنگ بیند چنانکہ بدو دست چوب گرفتہ بود و میرفت دلیل کہ بشغل کہ خدا انے درویش و عاجز و دردمند بود و اگر بیند کہ از بہر خارے کہ در پاے او رفتہ بود راست نمی توانست رفت دلیل کہ از شر آنکس ایمن گردد و اگر بیند کہ در ہر دو پاے وے خار بود و آماسیدہ بود و نمی لنگید دلیل کہ دشمن بر وے حسد برد و مال وجاہ وی زیادت شود اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ فرماید اگر لنگ بخواب بیند کہ پای او درست شد چنانکہ نمی لنگید دلیل کہ کارہاے بستہ بروی کشادہ گردد و از مرادے کہ نومید شدہ باشد بیابد و کارش نظام گیرد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید لنگے در خواب بر پنج وجہ بود اول سستی در کارہا دوم نامرادے سیوم درویشی چہارم غم و اندوہ پنجم نقصان عیش **لوید** در خواب خدمتگار خانہ کہ اصلش ترسا بودہ باشد و اگر بیند کہ در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل کہ خدمتگارش با امانت بودہ باشد و اگر لویدی کہنہ و کوچک و چرکین بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند کہ لوید بیفتاد و بشکست دلیل کہ خدمتگارش بمیرد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ لویدش سوراخ شدہ بود دلیل کہ خدمتگارش بیمار شود و اگر بیند کہ لوید پر از آب صافی بود دلیل کہ خدمتگار او را منفعت رسد و اگر بیند کہ لویدش پر از خوردنے بود دلیل کہ بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند کہ لوید خورد دلیل کہ از خدمتگار خیر و منفعت رسد **لیمو** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بیوقت چون زرد بود دلیل بیماری و درد و رنج بود و چون سبز بود غم و اندوہ کمتر باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود و اللہ اعلم بالصواب

حرف المیم

مار ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواہ پنہانی بود و اگر بیند کہ در خانہ وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانہ بود و اگر بیند کہ با مار جنگ و نبرد میکرد دلیل کہ با دشمن خصومت کند و اگر بیند کہ مار بروی چیرہ شد دلیل کہ بر دشمن ظفر نیابد و اگر بیند کہ مار او را بگزید دلیل کہ از دشمن مضرت یابد و اگر بیند کہ مار را بکشت دلیل کہ دشمن را قہر کند و اگر بیند کہ گوشت مار خورد دلیل کہ بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند کہ مار بیرا بدو پارہ کرد دلیل کہ از دشمن داد خود بستاند و اگر بیند کہ ہر دو نیمہ را فرا گرفت دلیل کہ مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند کہ مار با وے بلطف سخن گفت دلیل کہ وی را عجب کارے پدید آید کہ از ان شاد و خرم گردد و اگر بیند کہ مار بروی بہ تندی و درشتی سخن گفت دلیل کہ دشمن بروی ظفر یابد و اگر مارے مردہ بیند دلیل کہ حق سبحانہ و تعالی شر و آفت از وے بگرداند بے آنکہ رنجے بوی رسد و اگر بیند کہ مار مطیع او بود دلیل کہ جاہ و بزرگی یابد و اگر بیند کہ مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند کہ مارے سبز بود دلیل کہ دشمنی دیندار و با امانت بود و اگر بیند کہ مارے سیاہ و ماران دیگر بودند دلیل بر لشکرے بود و اگر مارے زرد بود دلیل بر دشمنی بیمار گون باشد و اگر سرخ بود دلیل بر دشمنی طرب دوست و معاشر بود و اگر بیند کہ مار پا پیدا داشت دلیل کہ دشمن او قوی و دلاور باشد

واگر بیند که مار بسیار در پیش وی جمع شده بودند و گزند او را نرسانیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند ولیکن از ایشان مضرت نه بیند و اگر بیند که ماران سر و نهاد و ندانها داشتند دلیل که دشمن او کینه دار و بد سیرت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مارے از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قضیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزند دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دهان او بیرون آمد دلیل که سخنے گوید که وی را در آن وبال باشد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه فرماید مار سپید دشمن بود و مار سیاه سرهنگ لشکرے باشد و اگر بیند که از مار میگریخت و مار او را ندید دلیل که رامش و خرمی یابد و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزندے نکرد دلیل که بزرگی یابد و از دشمن ایمن گردد خلف اصفهانی رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که مارے سبز او را مطیع شد دلیل که گنجے یابد و اگر بیند که از آستین او مارے بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مارے انگشت و دامنش در خود مالید دلیل که مال دشمن یابد و اگر بیند که بر بستر خود مارے بکشت دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دهان او بیرون آمد و بزمین فرو شد دلیل که هلاک گردد و خار مار در خواب دشمن ضعیف بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مار در خواب بر ده وجه بود یکے نهادنی دوم زندگانی سیوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم زن هفتم دولت هشتم مرگ نهم پسر دهم سیلاب **مارچوبه** اگر بیند که مارچوبه از زمین جمع میکرد و بوقت خورد دلیل که بقدر آن او را منفعت رسد و اگر بیند که مارچوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود **مار قثا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار قثا در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیمارے بود و دیدن او در خواب خیر نباشد **مازو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از درخت مازو جمع کرد دلیل که برنج و سختی مال حاصل کند و اگر بیمار بیند که بخروار مازو داشت دلیل که مال مکروه بود و اگر بیند که مازو میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مازو زرد بود دلیل بر بیمارے بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مازو در خواب بر چهار وجه بود یکے مال مکروه دوم غم و اندوه سیوم بیمارے چهارم رنج و سختی **مار زیون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار زیون در خواب در وقت خویش دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال و هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد **ماست** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت و ترش غم و اندوه بود دانیال علیه السلام گوید ماست مالے بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد دلیل که مال از سفر حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد و ماست ترش غم و اندوه بود **ماش** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر ماش در خواب اگر پخته بود دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد اندوهگین شود و اگر بیند که ماش در خانه گذاشت و بمردم داد دلیل که بغم گردد کرمانی رحمة الله علیه فرماید دیدن ماش در خواب چه خشک و تر و خام یا پخته دلیل غم و اندوه باشد

مارچوبه
مار قثا
مار زیون
ماست
ماش

ماکیان مرغ خانگی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کنیزک بود اگر بیند که مرغ
خانگی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزک بخرد و یا خادمی بمزد گیرد و اگر مرغهای خانگی بسیار و بقیاس داشت
دلیل که ریاست و سروری یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از خادمان
یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کنیزک را دوشیزگی بستاند و اگر بیند که بچهٔ ماکیان بکشت دلیل
که فرزند او یا فرزند غلامش یا کنیزک او ببلائی گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه فرماید اگر بیند
که خایهٔ ماکیان را یافت دلیل که او را دختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه فرماید
ماکیان در خواب زنی باجمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی
همچون خروس بانگ کرد دلیل که سخن ناخوش شنود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید بچهٔ ماکیان در خواب بر سه وجه
بود یکی زن باجمال دوم کنیزک سوم خادم **مامیرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مامیرا در خواب
دلیل بر بیماری کند که وی را از آن خیر و ثواب حاصل شود **ماميثا** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید ماميثا
در خواب اگر بوقت یا بیوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماميثا بخواب خیر نباشد **ماه**
دانیال علیه السلام گوید ماه در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید
دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد و اگر بیند که با ماه جنگ و نبرد میکرد دلیل که با وزیر خصومت کند
و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که نور ماه بستد دلیل که وزارت
یابد و اگر بیند که ماه آسمان فرا گرفت و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره نبود دلیل که از عملها فتح یابد
و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود دلیل که وزیر پادشاه بکاری محتاج وی گردد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر پادشاه
هلاک شود و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و داد خود خواهند و اگر بیند که ماه
با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که دو ماه با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو پادشاه با همدیگر
جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بیفتاد یا پاره پاره و نقصان شد دلیل که از آن دو پادشاه یکی
از پادشاهی بیفتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که زن خواهد
و اگر ماه هلالی بود دلیل که آن زن به اصل و نسب از وی کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد دلیل که زن از اصل مولا
زادگان باشد و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل
که شوهری بدین صفت بخواهد و اگر بیند که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت دلیل که از آن خانه زن خواهد
و منفعت از وی یابد و اگر بیند که چیزی ماه را بپوشانید دلیل که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه منخسف
شده بود دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ماه بدر و منور بیند بموضع
خویش و نورش مقابلهٔ خانهٔ وی تافت دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت

واگر ماه بر بود و تاریک بیند دلیل که او را رنج و کراهیت رسد و اگر ماه و هلال از مطلع خویش برآید لیکن نه باول ماه نورش
زیادت شد یا بدر گشت دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود برآید
دلیل که از وی فرزندی آید یا او را کاری صعب افتد که مردم از آن غم و اندوه باشد و بعضے از معبران
گفته اند که اگر کسے ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه آن دیار را پسرے آید و اگر نور ماه زاید بیند دلیل
که آن پسر را زندگانی دراز بود و اگر ماه را بدر بیند دلیل که عمرش میانه بود و اگر ماه را نقصان بیند دلیل که بخدمت
پادشاه یا وزیر مشغول شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا کبند بروی آمد
دلیل که فرزندی عالم و دانا او را آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند
که ماه و آفتاب و جمله ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل که بیننده خواب هلاک شود و اگر
مصلح بود در غم و اندوه افتد یا بیننده بیمار گردد و عاقبت شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
ماه در خواب بر هفتده وجه بود یکی پادشاه دوم وزیر سوم ندیم چهارم رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست
هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم مفسد دوازدهم مهتر بزرگ و ار سیزدهم پدر چهاردهم
مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفتدهم بزرگوارے **ماهی** دانیال علیه السلام گوید ماهی در خواب
در دریای گرم سیر بلا و سختی بود و در سرد سیر تاویلش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار دید
دلیل بر مال و غنیمت کند و اگر ماهے خرد بیند غم و اندوه یابد و اگر در شکم ماهی مروارید یافت دلیل که او را پسرے
آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهے خشک یا شور کسے بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگے
او را مضرت رسد و اگر ماهے شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضے گویند که ماهے شور بریان کرده
تاویل سفر در طلب علم یا صحبت مردی باشد و در خوردن ماهے خرد خصومت باشد و اگر بیند که چیزے از اندام
ماهے چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهے باشد بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد
و اگر بیند که در دریا ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از اهل کسے زنے بخواهد که او را مال بسیار باشد مغربے رحمة الله
علیه گوید ماهے تازه بریان کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهے تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان
بود که از بهر عیسی علیه السلام از آسمان آورده اند قوله تعالی ربنا انزل علینا مائدة من السماء اگر بیند که از دهان
ماهے بیرون آمد دلیل که سختی در رنج و در کاری گوید و اگر ماهی از قضیب وی بیرون آمد دلیل که او را دخترے آید
و اگر زنے بیند که از دهان وی ماهی بیرون آمد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که از دریا ماهی بگرفت دلیل
که از مردی بزرگوار مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماهے تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهے فروشی میکرد دلیل که او را از کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ماهے از حوض
یا از جوی بگرفت دلیل که از مردی عامه بمکر و حیلت چیزی بستاند و اگر بیند که ماهیان دریا با او سخن در آمدند دلیل
کرامت از پادشاه آشکارا گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود یکی وزیر

ماہی

دوم لشکر سوم دختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم واندوه ششم کنیزک هندو بود **ماهی خواره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب زن بود اگر بیند که ماهی خواره بگرفت یا کسے بوی داد دلیل که زن خواهد واگر بیند که ماهی خواره از دست وی بپرید یا ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد واگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد دلیل که بقدر آن مال صرف کند معبرے رحمة الله گوید ماهی خواره تاویل غم واندوه باشد **مبرد** سوهان باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبردے داشت و زنگ بدان میزد دلیل که کارش بشکل بروی کشاده گردد خاصه که آهن ملک او باشد واگر بیند که آهن روشن وپاکیزه را در آنجا بچیزے میزد دلیل که کارے کند که دران مضرت و زیان بیند وبعضے گفته اند که مبرد سخن نرم باشد واگر بیند که مبرد او بشکست یا ضایع شد دلیل که کارے طلب کند وبدست وی باصلاح نیاید معبرے رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسے از اهل مسین خانه مبرد روشن میکرد دلیل که چیزے از وی بخادم خانه وی رسد یا شغل خادمش بسبب او باز خلاصی یابد **مطهره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطهره نو داشت دلیل که از سفر او را خیر ومنفعت رسد واگر بیند که مطهره کهنه ودریده بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهره در خواب بر سه وجه بود یکے سفر دوم مال سیوم زندگانی **مشته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمشته چوبے یا درختے سوراخ میکرد دلیل که بمکر وحیلت چیزے از وے بستاند وبعضے از معبران گویند که مقصودش حاصل شود معبرے رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمشته اندام کسے را سوراخ میکرد دلیل که بمکر وحیلت و کید کسے را ببلا افگند **مجلس علم** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود وعالم بر کسے قران میخواند و تفسیر قرآن واخبار و توحید می گفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم کند که خلاف شریعت باشد معبرے رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم میگریست دلیل که بکار دنیا مشغول شود وازان شادمان گردد واگر بخلاف این بیند دلیل که غمگین شود واگر او را در مجلس علم حالی پدید آمد وبیهوش گشت چنانکه عقل از وی برمید دلیل که او را کارے پیش آید که دران کار سرگشته ومتحیر شود اما سر انجام آن بخیر بود **مجلس شراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمجلس شراب بود وشراب نمی خورد دلیل که بفساد وحرام مشغول نشود اما رضا دهد واگر بیند که در مجلس شراب مطرب وچنگ وچغانه بود دلیل که او را غم واندوه باشد یا با کسے خصومت کند **مجمره** عود سوز بود وشرح آن در حرف عین گفته ایم **مجبره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مجبره در خواب بیند دلیل بر زنے پاک دین وعالمه بود واگر بیند که مجبره داشت دلیل که زنے عالمه بزنی کند واز وے خیر ومنفعت یابد واگر بیند که مجبره بشکست یا ضایع شد دلیل که زنش بمیرد واگر زن ندارد از خویشان او یکے بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بمجبره چیزی مے نوشت اگر آنچه نوشت قران یا نامهاے خدای تعالی باشد دلیل بر صلاح ومنفعت بود واگر بخلاف این باشد دلیل بر شر وفساد بود **محراب**

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز میگذارد دلیل که او را فرزند صالح بشارت بود چنانکه
حقتعالی در قصه مهتر ذکریا علیه السلام فرموده وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ الی آخر الآیه اگر بیند
که نماز بوقت خویش گذارد دلیل که او را فرزندانش صالح بوند و اگر بیند که در محراب نشسته بود دلیل که در نماز
کاهل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی
گویند که مال خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب در خواب بر پنج وجه بود یکی امام دوم
پادشاه سوم قاضی چهارم محتسب پنجم میانجی مردمان بود **مخنث** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که مخنث شده بود و بزینت زنان خود را بیاراست دلیل که بقدر آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر
بیند که جامه زنان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و بحال مردان باز آمد دلیل که ترس و بیچارگی
و بلا از وی زایل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با مخنثان داشت دلیل که با مفسدان
اختلاط کند و اگر بیند که در میان ایشان او مقیم شد دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود **مداد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد بخواب دید دلیل که معیشت بروی فراخ گردد و اگر بیند
که مداد وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد بر جامه وی
ریخت دلیل که او را زیانی برسد و اگر دبیر بود مهتری یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مداد در خواب
بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم رامش سیوم معیشت چهارم شادی **مرد** مرا پند دهنده و ناصح باشد اگر بیند
که مرد مرا پند میداد دلیل که او را شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کند ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرا پند میداد دلیل که در آن پند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت
خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مرا پند دهنده بود دلیل که او را بخداوند تبارک و تعالی پناه باید گرفت
و توبه باید کردن تا او را از شر و فتنه نگاه دارد **مذی** آب نشاط بود چون کسی شهوت بازی کند اول
آب مذی از قضیب او فرود آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مذی در خواب شادی و خرمی
بود و بقدر آنچه دیده باشد **مرجان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرجان در خواب فرزند بود اگر سرخ
بود فرزند خوبروی بود و اگر مرجان با جواهرهای بسیار بیند دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مرجان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم زینت سوم جمال چهارم مال از
جهة خادم **مرد معروف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در بیداری
هم چنان بیند یا هم نام او یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری
مجهول بیند دلیل که بخت وی باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت
و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که مویش سیاه شده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی و نیکوئی او

مخنث
مداد
مذی
مرجان
مرد معروف

در دین بود و اگر مردی جوانرا بیند دلیل که از بزرگی زحمت و کراهیت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سرد میگفت دلیل که با مردی بدان صفت در خصومت افتد و بر وی ظفر یابد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بجهل کند که او را همه مردم ملامت کنند و اگر مردی بیند که زن وی را قضیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مهتر اهل بیت گردد و اگر مردی دید که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بدحالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود در دهر او و دیدن مرد جوان مکر و حیلت و حرب گروه بود

مرداسنگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرداسنگ در خواب بیماری بود و اگر بیند که مرداسنگ میخورد دلیل که بیمار شود چنانکه بیم هلاک باشد و اگر بیند که مرداسنگ بکسی بخشید یا بفروخت دلیل که از رنج و بیماری ایمن شود و مرداسنگ زرد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرداسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی رنج دوم بیماری سیوم عقوبت و شکنجه

مردن در خواب دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که بمرد و مردم بر وی میگریستند و زاری میکردند یا وی را بستند و در کفن پیچیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند این جمله دلیل بر فساد او در دین بود مگر آنکه بیند که او را از گور برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گورش از خاک پر کردند و مردم از سر گور وی بازگشتند دلیل که دینش هرگز باصلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که بمرد و بر جنازه نهادند و حمال جنازه اش برداشتند و خلق بسیار از پس جنازهٔ وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد اما بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل که گناهی کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیری دلیل که شهید در غزا شود و اگر بیند که بمرد و کسی بر وی نگریست و از پس جنازهٔ او کسی نبوده دلیل که آنچه از خانهٔ او خراب شده باشد هرگز آبادان نشود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را القبور باشد که وی راست که او مرده است دلیل که با مردمان جاهل سفر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک اهل صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح وی را در خواب بشارت میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بیند که مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک باریتعالی بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مرگ مفاجات در خواب دیدن دلیل بر راحت مؤمن و عذاب کافر بود و اگر مفاجات بود فساد دین بود و هر چند که جان کندن خود سخت تر بیند عذاب و عقوبت صعبتر بود و اگر بیند که بمرد و کسی او را می شست دلیل که تائب گردد و اگر بیند که از پس جنازهٔ وی قومی در هوا میرفتند دلیل که بزرگی از آن شهر در سفر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمرد و او را در جنازه نهادند و خلق در پس جنازهٔ او میرفتند دلیل که بقدر خویش ولایت و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه گران بود دلیل که بر مردم قهر و ستمکار بود و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر بیند که مردهٔ را بر کتف برداشت و می برد دلیل که مال

خرم یابد و اگر بیند که زنده بمردم او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت برکف نهادند دلیل که بخدمت پادشاه رود و از وی منفعت و راحت یابد و اگر بیند که بمرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بیند که دیگر باره بمرد دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد دلیل که توانگر شود و نیز گویند که از دشمن ایمن شود و اگر بیند که پدر و مادر وی بمردند دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مردم بر وی میگریستند دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده بار دیگر بمرد و بر گریه نبود بلکه آهسته میگریستند دلیل که از اهل بیت وی یکی را بزنی کنند و شادی و خرمی بود و اگر بیند که مرگ وی زنان و مردان فغان برداشتند و نوحه میکردند دلیل که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که بمرد و او را بشستند و بر جنازه نهادند دلیل که سخن نیکو گوید و اگر بیند که او را دفن کردند دلیل که بد باشد

مرده زنده شدن کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که حال وی نیکو شود خاصه که مرده را شاد و گشاده روی بیند و اگر زنده را مرده بیند دلیل که حال بر وی بد باشد خاصه که ترشروی بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و گشاده روی و با جامه پاکیزه بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسرِ زنده شد دلیل که غایبش از سفر بیاید و اگر بیند که مرده بیگانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بیند که زنده بمرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده را زنده کرد دلیل که کافر بدست وی مسلمان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترشروی و غمگین و با جامهای چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد زیرا که در سرای حقیقت بهر صفت کسی مرده را در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را گشاده روی با جامهای پاکیزه بیند دلیل که نعمت بسیار یابد و اگر برادر خود را بدین صفت که کردیم زنده بیند دلیل که شرف و بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند و تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام دلیل که سخن مرده نیکو در آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ و این آیه دلیل است برآنکه هرچه مرده گوید راست گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانهٔ خود در آمد و نشست دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده بخانهٔ خویش در کنار گرفت دلیل که تندرستی و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او بود دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و خرمی بود و اگر مرده را ترشروی و غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بر وی حسبت و با وی مناظره میکرد یا روی از وی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد

مرده زنده شدن

و وصیت او بجا نیاورده باشد واگر بیند که مرده شاد و خندان نزدیک وی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است واگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی تقصیر کرده باشد واگر بیند که مرده باوی نیکو گفت دلیل که حال وے نیکو گردد واگر سخن بد گفت یا اورا وصیت کرد تاویلش بد باشد واگر مرده باوی سخن از علم و حکمت گفت یا اورا موعظه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دیانت خداوند خواب بود واگر مرده را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود واگر بخلاف این بیند دلیل که مرده از عذاب خدایتعالی ایمن باشد و عاقبت محمود بود حافظ معبر گوید اگر بیند که مرده دست در گردن او در آورده و در کنار گرفت دلیل که عمرش دراز بود واگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وے صدقه باید داد و اورا بدعا یاد کند واگر مرده را ترشروی و غمناک بیند دلیل که عاصی و گنهگار بود واگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده مسلمان نمرده باشد واگر مرده را سیاه روی بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ واگر مرده را درمانده و بیجامه بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و معبران گفته اند که مرده را بجای طاعت توان بست دلیل که بیننده خواب بطاعت و نماز کاهل باشد واگر مرده را در جائیکه بزندگی نماز کردے در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح عاقبت زنده بود **مرده چیزی دادن** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیزی از متاع دنیا داد دلیل که از آنجا که امید ندارد چیزی بوی رسد واگر بیند که مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بوی داد و بخورد دلیل که روزی حلال یابد واگر نخورد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که اورا از مال و نفس غم و اندوه رسد واگر جامه نپوشید و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بستد و بدو داد و از آن جامه در پوشید و باز بیرون کرد و بمردم داد دلیل که اورا هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت گردد واگر بیند که جامهٔ خود بمردم داد و گفت که جامه بدوز یا بسوز یا نگاهدار دلیل که اورا غم و اندوه رسد واگر بیند که مرده جامهٔ خود را بعاریت بدو داد و دیگر باره از وی طلب میکرد دلیل که آن مرده را کردار بد باشد واگر مرده جامهٔ کهنه بدو داد دلیل که خداوند خواب درویش گردد واگر جامهٔ نو بود که بویداد دلیل که عزت و بزرگی یابد واگر مرده اورا جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند داد دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد واگر مرده جامه سیفر ریخت دلیل که آنجامه گران گردد واگر چیزی بمرده می بخشید و قبول نکرد دلیل که اورا مضرت و زیان رسد **مرده نالیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسے مرده را بدحال و نالیده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند واگر مرده را بیمار بیند دلیل که اورا از دین و ایمان سوال کنند واگر مرده از درد سر بنالید دلیل که از تکبر که در دنیا کرده باشد اورا سوال کنند

مرده چیزی دادن

مرده نالیدن

وبعضی گفته اند که تقصیرے که درحق مادر و پدر کرده است اورا سؤال کنند واگر از درد دندان مینالید دلیل که از غیبتی که در حق مردم کرده باشد اورا سؤال کنند واگر از درد چشم می نالید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد ازان سؤال کنند واگر از درد گوش مینالید دلیل که سخن مخش شنفته باشد در دنیا اورا ازان سؤال کنند واگر از از درد دست مینالید دلیل که آنچه در دنیا درحق زنان و برادران کرده باشد ازو سؤال کنند واگر از درد پهلو مینالید دلیل که آنچه در دنیا درحق زنان کرده بود ازو سؤال کنند واگر از درد پشت مینالید آنچه درحق مادر و پدر کرده باشد ازو سؤال کنند واگر از درد عورت مینالید دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد از وی سؤال کنند واگر از درد سرین مینالید دلیل که آنچه درحق خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سؤال کنند واگر از درد ساق و پایها مینالید آنچه در دنیا کرده باشد از وے سؤال کنند

مجامعت کردن با مرده جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل این خواب آنست که اگر با مرده مجامعت کند و آب منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تاویل آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تاویلش باطل باشد واگر بیند که با مرده مجامعت کرد دلیل که از جائے که امید ندارد امیدش بر آید واگر با مادر و خواهر که مرده بودند مجامعت کرد دلیل که از جائے که صدقه و ثواب بدان مرده برسد واگر بیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که ازان مرده چیزی بوی رسد واگر مرده را بشهوت بوسه میداد دلیل که زن خواهد وار بسر مرده چیزی کند یا اورا بدعا یاد کند واگر با مرده مجامعت کرد دلیل که از مال مرده چیزی بوی رسد

از پس مرده شدن کرمانی رحمة الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر مصلح و پارسا بود راه او گزیند واگر فاسق بود در راه و سیرت او گیرد واگر نداند که مرده مصلح بود یا مفسد و از پے وی می شد دلیل که بیمار شود و عاقبت شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده ویرا بانگ جواب داد و مرده راندید دلیل که از دنیا زود برود واگر بیند که در پس مرده براے مجهول در شدن دلیل که بمیرد واگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیا او گفت که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند وقتی که مرده مصلح و راستگوے بوده باشد واگر بیند که مرده او را بسهم پیش خود خواند و اورا منع نتوانست کرد دلیل بر وفات او بود واگر بیند که مرده را برای خود خواند و او و سرای مرده نرفت دلیل که بیمار شود و شفا یابد واگر بیند که مرده او را به بازار برد دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر کسے خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف و نهی منکر کند و از وی نشنوند واگر بیند که با مرده دوستی گرفت دلیل که بسفر رود و دران سفر دولت و اقبال و شادی و خرمی یابد واگر بیند که میان مردگان بود چنانکه جز او میان ایشان کسے دیگر زنده نبود دلیل که با گروهے مجالست کند که دین ایشان بفساد بود واگر بیند که او نیز هچو ایشان مرده است دلیل که در دین او نیز فساد بود واگر بیند که گروهے مردگان طعام خوردند دلیل که در آن دیار طعام گران شود حافظ سعبر رحمة الله علیه گوید اگر کسے بیند که پاره از تن مرده می خورد دلیل که از زمین

مجامعت کردن با مرده
از پس مرده شدن

گنجے یابد واگر بیند که مردگان مجهول را بشمشیر گردن همی زد واگر مصلح بود دلیل که مردم بدست وی توبه کنند واز کردار بد
باز آیند و بعضے معبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه را بدلیل و حجت غالب کند جعفر صادق رضی الله
عنه فرماید اگر بیند که مرده او را راه می نمود دلیل که راه شریعت دریابد واگر بیند که مرده خود را مے شست
دلیل که خویشان او را از غم رسته کردند واگر بیند که مرده را بر زمین می کشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال
بسیار یابد واگر بیند که مرده او را برداشت دلیل که مال حرام یابد واگر بیند که مردگان را زنده میکرد دلیل که دباغے
کند واگر بیند که با مرده در یکخانه خفته بود دلیل که عمرش دراز بود

مرده را جامه

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده جامهٔ سبز پوشیده بود دلیل که با شهادت از دنیا رفته باشد
واگر بیند که جامه سپید داشت دلیل که درجهٔ او نیکو باشد واگر بیند که جامهٔ سیاه پوشیده بود دلیل که
حالش بد باشد و جامهٔ دوزخیان سیاه باشد واگر بیند که جامهٔ سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد واگر
بیند که جامهٔ زرد یا کبود پوشیده بود دلیل که بیننده خواب را غم و مصیبت بود واگر جامهٔ زنده پوشیده
بود دلیل که بوقت زندگانی بیننده را با او خصومت باشد و حق بجانب مرده بود واگر بخلاف این بیند
حق بجانب زنده بود و بعضے از معبران گویند زنده در خواب چون مرده را جامه بپوشانید دلیل که اجلش رسیده
باشد

تاویل کفن مرده

کرمانی رحمة الله فرماید اگر بیند که مردهٔ معروف را کفن کند دلیل که در دنیا
طریق آن مرده بجوید اگر عالم بود علم واگر مالدار بود مال واگر بخواب بیند که مرده را کفن برکند دلیل که آن مرده
در گور زنده بود و حال آن مرده در گور نیک بود واگر بیند که مرده را کفن کرد دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه
کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مرده در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم
فساد دین واگر بیند که مرده بگریست دلیل که عمرش دراز بود ولیکن در سرایش خرابی افتد واگر بیند که مرده زنده شد
دلیل که کار مشکل بروی ظاهر گردد چنانچه اگر معزول بود عمل یابد واگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت گردد و امیدیکه
دارد واگر ورا از شغلی تردد بود باز یابد قوله تعالی فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ الایه مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مهتری یا عالمی زنده شده بود دلیل که مذهب و سیرت او زنده شود واگر نیک باشد یا بد باشد
واگر بیند که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود و کارش بالا گیرد واگر بیند که
چیزی بمرده داد دلیل که آنچیز عزیز گردد و نرخ او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید بود
واگر بیند که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد

مرزنگوش

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرزنگوش می بوئید دلیل که او را پسری آید
مبارک و مومن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد واگر بیند که مرزنگوش از جائی خود
برکند دلیل که پسرش بیمار گردد واگر فرزند ندارد او را غم و اندوه رسد واگر بیند که در
زمینی که ملک وی بود مرزنگوش بسیار رسته بود دلیل که ویرا مردم مصلح بسیار باشند کرمانی

رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست دار بود و اگر بیند که مرزنگوش سبز بود و در زمین او رسته بود دلیل که کسی از اهل بیت او دوستدار شود و اگر بیند که مرزنگوش زرد و پژمرده بود دلیل که آنکس مفسد و بدبخت بود **مرغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که همتش در آن کار طلب کند که عظیم تر باشد و اگر بیند که مرغان بسیار در جایگاهی بانگ میکردند دلیل که اهل آن موضع را غم و مصیبت رسد و اگر بیند که خایهٔ مرغ داشت دلیل که او را فرزندی آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند که مرغ در دست او بمرد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بار بر پشت مرغ نهاده بود دلیل که بدان کس که بدان مرغ منسوب باشد او را مضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزور بستانند و اگر بیند که گوشت از اندام خود میبرید و در پیش مرغ می افگند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افگند دلیل که مال یابد و مبانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بدو منسوب بود و این باول بیان کرده ایم مغربی رحمة الله علیه گوید خروس مانند نخاس بود که غلام و کنیزک فروشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند دلیل که لشکری بیگانه در آنجا رسد و اگر بیند که مرغ چشمهای وی بر کند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد و اگر بیند که خون مرغ میخورد دلیل که بقدر آن حرام نقصان مالش رسد **مرغ آبی** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید مرغ آبی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار وی را بخشیدند دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آبی جائی میداشتند دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بیند که بچهٔ مرغ آبی را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سیوم ریاست چهارم فرمان روائی زیرا که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خواهد از این سبب است که هر که مرغ آبی در خواب بیند هر مرادیکه خواهد بیابد **مردمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان بسیار جامهای سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان جامهای سیاه و چرکین داشتند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که جامهای کبود داشتند دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامهای لوز فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود **مرغزار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بیند که جوهر نباتهای او نشناسد دلیل بر دین

واسلام او بود و اگر بیند که میان مرغزاری بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر اعتقاد دین وی باشد
و اگر مرغزار ملک دیگران بود او تماشا میکرد دلیل که صحبت او با بندگان باشد و اگر بیند که در مرغزاری خوش
و خرم میگشت دلیل که عیش بر وی فراخ شود و کار او بنظام گردد و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود
بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزاری سبز و پاکیزه بیند و داند که ملک اوست دلیل که او را با مردی بزرگ پیوند
بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و ریاحین
در وی شگفته بود و جوی آب در وی روان بود دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری
بیند با شهادت بود معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد
که آن مرد از خدم و حشم خویش جدا مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزها و گلها و آب روان
بیاید و آن مرغزار را از بیخ برکند و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را مرگ مفاجات رسد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شد و در آنجا شیران دید دلیل که پادشاه آن
دیار ظالم و ستمگر بود و اگر در آن مرغزار گوسپندان دید دلیل که پادشاه آن دیار را مال بسیار حاصل
شود و اگر در آن مرغزار گاوان و خران دید دلیل که لشکر پادشاه بیوفا باشد و بر ایشان اعتماد نباشد
و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمعیل
اشعث رحمة الله علیه گوید مرغزار در خواب زن بود و اگر بیند در مرغزاری سبز و خرم رفت و در آنجا
مقام کرد دلیل که در آنجا زنی ستیزه و خوبروی بزنی کند و اگر بیند که مرغزار سبز و خرم بود تاویلش
بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم
اعتقاد سیوم معیشت و نظام چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مرادها

مرهم

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مرهم در اندام خسته در ریش مینهاد
دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مرهم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت
بدو رسد و اگر مردی بیند که مرهم بکسی داد دلیل که فرزندان مرد مرا خیر و منفعت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا بر ریش نهاد و آن مرهم گوشت بخورد دلیل بر نقصان مال وی بود

مروارید

دانیال علیه السلام گوید مروارید در خواب فرزند غلام یا فرزند کنیزک بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
مروارید در خواب کنیزک خوب روی بود یا زن با جمال اگر بیند که مروارید بسیار بود چنانکه در شمار نیاید
دلیل که بقدر مروارید او را منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مروارید پراگنده بیند دلیل بر سخن علم
و حکمت بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند
دلیل بر زنان و دختران کند و اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند
که از دهان وی عقد مروارید بیرون آمد دلیل که از دهان وی کلام منظوم از علم و حکمت و مثل آن بیرون

آید و اگر بیند که مروارید میخورد دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشاند یا آنرا فراموش کند و اگر بیند که
در منزل یا در راه عقدهای مروارید گسترده داشت دلیل که ویرا در علم حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم
از کلام وی علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هیزم مروارید می سوخت دلیل که علم و حکمت بسیار بمردم
آموزد که سزای علم و حکمت نباشند و اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود دلیل بر زیادتی
دین و دیانت وی کند و اگر توانگر بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت
دلیل که او را فرزندی خوبروی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده است کَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ
و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد و اگر بیند که مروارید را
بفروخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بیند که مروارید در دهان انداخت و فرو برد دلیل که او را از
حق تعالی علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مروارید را بجای مجهول بینداخت دلیل که در حق کسی کاری
کند که آنکس قدر آنکار نداند. و اگر بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت دلیل که ویرا دختری آید
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و
حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دهان وی یک یک مروارید گرانمایه بیرون می آمد دلیل که سخنهای نیکو
گوید و مردم آنرا بپسندند و اگر بیند که عقد مروارید از دست او بیفتاد و بشکست دلیل که بسیار بگوید
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه اگر بیند مروارید بسرگین دان یا بجای پلید افگنده دلیل که علم و حکمت در پیش
مردم نادان بگوید و اگر بیند که مروارید بآتش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل که کاری کند که خلاف
شرع بود و اگر بیند که مروارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که مروارید از
قضیب وی بیرون آمد و آن مروارید سوراخ نداشت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که عقدهای
مروارید در گردن بست دلیل که از هرگونه علم حاصل کند و اگر در گردن کسی بست دلیل که آن کس را علم و
حکمت بیاموزد و اگر بیند که گوشواره از مروارید در هر دو گوش داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند
که مروارید نجروار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که مروارید فروشی میکرد دلیل که آنکس پارسا و مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس از
اهل علم نبود دلیل که او را فرزند و مال بسیار حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
مروارید در خواب بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت و فرهنگ سوم مال چهارم زن پنجم کنیزک
باجمال ششم فرزند نیک و مروارید فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم دین داشته
باشد **مزدوران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل
که ویرا با خویشان پادشاه خصومت افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری صعب گرفتار شود و خداوند خانه را بکسی خصومت افتد

مزدوران

و اگر بیند که مزدوران در خانه او کار میکردند دلیل که غمگین شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه او خاک میکشیدند دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال وی نقصان شود **مژگان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مژگان در خواب نگهداشتن دین باشد و اگر کسی بخواب بیند که مژگان وی جنبید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که مژگان چشم فرو ریخت دلیل که در دین وی فساد بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مژگان چشم وی باز گونه گشت دلیل که بقدر آن او را زیان مال بود و اگر بیند که مژگان چشم وی جنبید دلیل که بیمار شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن مژگان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگهداشتن دین دویم دوست موافق سیوم مال و روزی چهارم خرمی بقدر فرزند فی الجمله هر خیر و شر که بر مژگان بیند دلیل برین چهار وجه بود **مزورها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مزور چون ترش و ناخوش بود و دران چربی باشد دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل بر مضرت و غم بود **مس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مس از جهت جهودان باشد و اگر بیند که مس داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید آوند مس چون شربه و آفتابه و آنچه بدین ماند جمله دلیل که خدائی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مس میگداخت و صاف و پاکیزه گردد دلیل که کاری مشکل بر دست وی کشاده گردد و گویند که مال حلال برنج بدست آورد **مستی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کاهلی کردن چنانکه در کلام مجید فرموده قوله تعالی یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَ اَنْتُمْ سُکَارٰی کرمانی رحمة الله علیه گوید مستی در خواب چون از شراب بود دلیل که بقدر مستی ترس و بیم عظیم بود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم توانگری سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن **مسجد** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید مسجد آبادان تاویل مردی عالم بود که مردم بنزدیک او بسیار آیند از بهر صلاح و حقتعالی در کلام قدیم فرموده قوله تعالی وَ مَسَاجِدُ یُذْکَرُ فِیْهَا اسْمُ اللّٰهِ کَثِیْرًا اگر بیند که مسجد بنا کرد دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و ازان او را اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین و شریعت برارد مغربی رحمة الله علیه فرماید بنای مسجد در خواب نهادن زن خواستن بود و اگر بیند که مسجدی بنا کرد اگر بنیاد تمام کرد دلیل که زن حلال خواهد و آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بیند که چراغ مسجد بکشت دلیل که فرزندانش بمیرند و اگر بیند که در مسجد جامع نشسته بود و پیرامن او سبزی رسته بود دلیل که بروی کمانها برند که در وی نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را از در مسجد باز داشت دلیل که آنکس بروی ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میگذارد و رویش سوی قبله نبود تاویلش بد بود و اگر بیند که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که مسجد ویران شد دلیل که عالمی

بمیر و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه فرماید که بنا کردن مسجد در خواب خواهش بود و جمع کردن مردمان که در ضلالت باشند با و بصلاح آمدن و غنیمت کردن اعدا چنانکه حق تعالی اجل و علا فرموده قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا و اگر بیند که جایگاهی از ملک وی مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را بدعوت حق خواند و اگر بیند که با قومی بمسجد میرفت دلیل که زنی ستیزه کی بزنی کند و اگر بیند که در مسجد چراغی بر افروخت دلیل که او را فرزندی صالح آید و اگر بیند که در مسجد که یا در مسجد مدینه درنشد دلیل که از همه ترس ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب هفتم موذن هشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکو کردن و اگر بیند که مسجد آدینه می آراست دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجد را عمارت میکرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر بیند که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا **مسح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه میکرد دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه میکرد دلیل که بسفر رود و دران سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد **مسکه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روغن تازه بتاویل مال و نعمت حلال بود و اگر بیند که مسکه فرا گرفت یا کسی بوی داد و از ان بخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی راست دادن بود و اگر مسکه گوسپند در خواب بخورد دلیل ز اید که او را مال و نعمت حاصل شود و مسکه گاو دلیل که آن سال بر وی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم معصیت **مسواک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مسواک کرد دلیل که مال بخیرات خرج کند که دران هیچ ثواب نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دندانهای پیشین را مسواک کرد دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه دندانهای خود را مسواک کرد دلیل که با همه خویشان نیکی کند **مشرق و مغرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر ملوک عالم است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهت پادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بکاری صلاح مشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جائی خود بد بیند دلیل که مرادش بر نیاید و بهمه حال جای بر آمدن آفتاب بهتر از فرو شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال و بزرگی بود و جای

فروشدن آفتاب دلیل او بازگردانده کی بود **مشرک شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مشرک بیند
که مسلمان شد دلیل که در مسلمانی بمیرد و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگذارد یا شکر حقتعالی میگذارد
دلیل که مسلمان شود و نعمت بر وی زیادت گردد چنانچه حقتعالی فرموده قوله تعالی اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُوْرِهٖ كَمِشْكٰوةٍ الخ اگر بیند که مشرکی درخانه مسلمانی آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بیننده خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر مستور
نباشد دلیل که با مردم بدمذهب او را صحبت افتد **مشک** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک
با خود داشت دلیل که با ادب و فرهنگ بود و همه کس بر وی آفرین کنند و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشک
از وی می آمد یا کافور دلیل که یقین وی پاکیزه و صاف گردد و در راه حق درآید ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مشک را میسود دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافه مشک بشگافت و از آن مشک
بوی ناخوش می آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش
وجه بود یکی زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کنیزک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش **مشک**
آب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مشک سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نو بود دلیل
که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مصحف** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید مصحف در خواب تاویل علم و حکمت بود اگر بیند که مصحف بخرید دلیل که طالب علم بود و دانشمند
شود و اگر بیند که مصحف را با آتش بسوخت دلیل بر فساد دین او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصحف
گشاده و بر سر و دیده نهاد دلیل که هر چه کند بقدر آن کار کند و والی الشهر و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت
اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر گفت دلیل بر شر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب
دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت
مصطگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطگی میخائید دلیل که وی را گفتگوی بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطگی با آب میخائید دلیل که بقدر خائیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند
که مصطگی با آتش بخور میکرد دلیل که وی را از پادشاه رنج رسد **مطبوخ** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مطبوخی از بهر بیماری می پخت و آن مطبوخ موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر مطبوخ
ناموافق بود دلیل که صلاح دین از وی بجوید و اگر بیند که مطبوخ بخورد و در وی اثر کرد دلیل بر صلاح و تندرستی
وخیر بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که رنج و زیان باشد **مطرب** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مطربی میکرد و چیزی از سرود و ترانها میزد دلیل که بچیزهای حرام گراید چون فساد طبل و آنچه
بدین ماند میزد دلیل که اندوهگین شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت بود معبر خواب گذار

بود و مردی باشد چون قاضی و مفتی و واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و و تعبیر دلیل بر فساد کند

معجون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از وی خیر و منفعت باشد و اگر بیند که معجون از بهر همه تن بود دلیل که از وی بمردمان خیر و منفعت رسد

معده ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که معده وی قوی و بی آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عمرش کوتاه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب بر شش وجه بود یکی مال حرام دوم شناعت سوم سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از وی حاصل شود بودن

معزول شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی وی را معزول کرد دلیل که زن را طلاق دهد اگر زن ندارد در تجارت زیان کند

معصفر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معصفر در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم غم و اندوه سیوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد

معلم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معلم در خواب مهتر و دانا بود و اگر بیند که معلمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان از سخن حق گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معلمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی بود و در موضع خود او را سخن رواگردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید معلمی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سیوم بزرگی چهارم حکم کردن

مغز دانیال علیه السلام فرماید مغز سر و مغز استخوان در خواب مالی بود که به ذخیره نهاده بود و اگر بیند که مارو کژدم مغز سر وی میخورند دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مغز سر در خواب مال دفینه بود و اگر بیند که مغز گنده و ناخوش خورد بود دلیل که مال او حرام بود یا زکوة نداده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغز در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سیوم صبر

مبتلا شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نتوانست خاستن دلیل که در کارها ضعیف و سست بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد دلیل که عیش بر آنکس تباه کند و مضرتی بوی رساند

مقراض ناخن گیر بود در حرف نون بیان خواهیم کرد

مقعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقعد در خواب دیدن شغل و کسب وی بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمده دلیل که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بر وی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت مال سیوم معیشت

مقنعه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را شوی و مردان را زن بود و اگر بیند که مقنعه از سر وی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد اگر مقنعه سیاه بیند دلیل که شوهرش فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست بود و اگر کبود بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود

معجون
معده
معزول شدن
معصفر
معلم
مغز
مبتلا شدن
مقراض
مقعد
مقنعه

واگر زرد بیند دلیل که شوهرش بیمارگون بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود یکی
زن دوم کنیزک سیوم خادم چهارم منفعت از زنان واگر مقنعه کرپاس یا پشمین بود دلیل که شوهر وی مصلح
و پارسا و دیندار بود **مسلمان شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مسلمانی بخواب بیند
که دیگر باره مسلمان شد دلیل که از بلا و آفتها ایمن گردد واگر کافر بیند که مسلمان شد دلیل که کافر را حق تعالی
مسلمانی روزی کند واگر بیند که مسلمانی کافر را گفت که مسلمان شو دلیل که کارهای وی مستقیم شود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسلمانی کافر شد دلیل که در بلا گرفتار شود و خاتمت کارش بخیر بود
واگر بیند که کافری بدست وی مسلمان شد دلیل که کسی را از فسق و فساد باز دارد **مسمار** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسمار بیند دلیل بر مردی بزرگ بود که بکارها ایستاده باشد و بهم پیوندد و بعضی
معبران گویند که مسمار در خواب پادشاه یا امیری بزرگ بود واگر بیند که مسماری بزرگ و قوی داشت
دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد واگر بیند که چیزی بمسمار بدوخت دلیل که بسبب مردی بزرگوار
کارهای پراگنده او بصلاح آید و جمع شود واگر بیند که مسمار بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسمار در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار دوم مردی که با مردان عهد
پیوندند سوم امیر یا والی چهارم گروه و سفرت کارها **مگس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس در خواب
مردم سفله و درویش بود واگر بیند که مگسان بروی جمع شدند یا در چشم و دهان وی می شدند دلیل که از
کسی سفله مال حاصل کند اما مضرت یابد واگر بیند که مگس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله سخن زشت شنود که از آن کوفته خاطر گردد واگر بیند که بانگ مگس می شنید
دلیل که از مردم غوغا بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردی حاسد و فرومایه بود واگر بیند که پیراهن او مگسان جمع شدند
دلیل که با مردم حاسد او را شغل افتد واگر در خواب بیند که مگس بسیار در خانه وی می گشتند دلیل که مردم سخن وی
گویند واگر بیند که مگسان او را میگزیدند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند واگر بیند که مگس را میکشت دلیل
که حاسدان را قهر کند واگر بیند که مگسان در زیر زمین می شدند دلیل که حاسدان از مال نهان کرده وی بستانند و خزینه
کشند و وی را مضرت رسد **مگس انگبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس انگبین در خواب مردی فراخ
روزی و زنی کسب کننده باشد واگر بیند که مگس انگبین فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال
و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مگسان انگبین بروی جمع شدند و او را نیش میزدند
دلیل که برنج مال و نعمت حاصل کند واگر بیند که مگسان انگبین می خوردند دلیل که او را بقدر آن زیان و
مضرت رسد واگر بیند که انگبین از مگسان می ستد دلیل که سخنهای با خیر و منفعت شنود و از آن
فایده بیند **مکه مبارک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکه بیند دلیل که زیارت
کعبه کند و حج دریابد واگر بیند که بمکه از بهر تجارت رفته نه از بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد بود و بعبادت مشغول بود دلیل که در منفعت دنیا باشد

واگر مگس را آباد و پر بیند دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود واگر خراب بیند تاویلش بخلاف این بود
ملخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ملخ زنده در خواب لشکر بود و ملخ پخته درم و دینار بود واگر بیند که در
شهری یا در موضعی ملخ پدید آمده و در آنجا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن ملخ در آنجا لشکر جمع شود و اهل
آن موضع را بلا و زحمت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ملخ بسیار جمع کرد و در ظرفی می انداخت
دلیل که مال جمع کند و بکابین زنان دهد واگر بیند که ملخ بیقیاس در دریائی جمع شدند و نبات آنجا خوردند
دلیل که مال بی[illegible] در آنجا جمع شود و همه را بتاراج ببرند خراب کنند **منادی** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بخواب بیند که منادی گذشت و کلامش موافق علم و حکمت بود و بر کس خود صالح و پارسا بود
دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منادی بصلاح آنجهانی کرد دلیل که خیر و صلاح
یابد واگر منادی بخیر و بنیادی کرد دلیل که مراد انجهانی نیابد واگر بر شر و فساد بود تاویلش بخلاف این بود
مناره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مردمان را براه دین بخواند واگر بخواب
بیند که مناره بنا کرد دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد واگر بیند که مناره بکند و خراب
کرد دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که موذن آن مناره از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید
مناره در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود واگر در کوچه مناره بیند دلیل که بزرگی در آن کوچه
برسد واگر مناره از گچ و آجر بیند دلیل که از مهتر سلطان بود واگر مناره از خشت خام بود دلیل که آن بزرگ
از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد واگر مناره از سنگ و آهک بیند دلیل که آن مهتر پادشاه ستمگر بود
واگر مناره از چوب بیند دلیل که آن مهتر سفله و دون همت باشد واگر مناره بر در مسجد افتاده بود
دلیل که از مهتر و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند واگر بیند که مناره مسجد افتاده بود دلیل که
یکی از بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پراگندگی افتد واگر بیند که میان شهر مناره
بود دلیل بر پادشاه کند واگر بیند سر آن مناره از مس یا برنج بود دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار
بود واگر بیند سر او از زر یا از سیم بود دلیل که پادشاه دروغ زن و مقبول و غدار بود واگر مناره
از خشت پخته بود دلیل که پادشاه گردنکش و متکبر بود واگر خود را بر سر مناره آمده بیند دلیل که مقرب
پادشاه شود و کارش بنظام شود واگر بیند که بر مناره طعام نهاده بود دلیل که در آن دیار پادشاه پدید
آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مناره بود و بانگ نماز میگفت دلیل که پادشاه خلق را وعده
نیکو دهد واگر بیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد دلیل که عمره آرد واگر بیند که مناره
بجنبید دلیل که پادشاه بیمار گردد واگر بیند که پادشاه مناره را بفگند دلیل که پادشاهی بیاید
و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مناره در خواب
بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سیوم امام چهارم موذن **منبر** ابن سیرین

طلاق دهد واگر بیند که موزه بمردم بیگانه داد یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد واگر بیند که موزه او بدریدند دلیل که زن او
بمیرد واگر بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید موزه
در خواب چون نرم بود و پیراینا آرد دلیل بر هفت وجه بود یکے زن دوم عادم سیوم کنیزک چهارم قوت
پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن **موش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش
در خواب زنی بود که بظاهر ستوره باشد بباطن فاسقه بود واگر بیند که موش را بگرفت یا کسے بوی داد
دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم خواهد واگر بیند که موش را در طبله بگرفت دلیل که زنی بکر و حیلت
خواهد واگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند و جمله یکسان بودند دلیل که بقدر آن موشان زنان
در خانه وی جمع آیند واگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضے سیاه و بعضی سفید دلیل که اختلاف
تاویل آن در شب و روز بود و در خبر است از سید عالم صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم فرمود شب و روز
دو موش اند که عمر مردم را می برند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ بینی یا از سوراخ
قضیب او موش بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب مال و کالای
زنان مفسده بود و موش خانگی و دشتی بتاویل یکسان بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موش
بگرفت و دم نداشت دلیل که زنی بے اصل خواهد واگر بیند که موشی در دست وی بمرد دلیل که
او را مصیبت رسد واگر بیند که موش را بپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند
واگر بیند که سنگ بموش انداخت دلیل که کسے را متهم گرداند واگر بیند که موشے در بستر وی بود دلیل
که زنی مفسده قصد فساد کند واگر بیند که موش میخورد دلیل که مال زنی مفسده بخورد **موم** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید موم سپید در خواب مال و نعمت بود و موم زرد بیماری واگر بیند که موم سپید میخورد دلیل که بقدر
آن مال حلال یابد واگر بیند که موم از وی ضایع شد یا بفروخت دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله
علیه گوید که موم بهر رنگ که باشد مال و نعمت بود واگر بیند که موم سپید بود و بخائید بهتر از مومهای دیگر بود واگر
بیند که موم همی خایید دلیل که از کسے شکایت کند واگر بیند که موم با آتش بسوخت دلیل که بقدر آن پادشاه
مال وی بستاند واگر بیند که از موم شمع میکرد و بمردم میداد دلیل که مال خود بخیر و صلاح و صدقه خرج
کند و با مردم جود و احسان کند **مومیائی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مومیائی میخورد
دلیل بر غم و اندوه بود واگر بیند که مومیائی بکسے بخشید یا از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه خلاص
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بجهة خستگی اندام مومیائی خورد و صحت یافت تاویلش بخلاف این بود
موی دانیال علیه السلام گوید موی در خواب مردان را غم و اندوه بود و زنان را زینت و موی چهارپایان
مال اندک بود واگر صوفی بیند که موی سر او دراز شد دلیل که از زینت و صلاح یابد واگر صوفی نبود

دلیل که غم و اندوه بود بقدر درازی موی و اگر بیند که قدری از موی ببرید و بینداخت دلیل که غم و اندوه از وی
زایل شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج موی سر را سترد دلیل بر صلاح دین و کفارت
گناهان بود و اگر در خواب ماههای حرام یعنی رجب و ذی حجه و ذی القعده و محرم بیند دلیل که وامش گزارده
شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که موی تمام بسترد دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب زن
امیری بود و بیند که موی سر بسترد دلیل که شوهرش بمیرد یا والی کرمانی رحمة الله علیه فرماید اگر پادشاهی
موی خود [illegible] بیند دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موی تن هم
غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که موی سر او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موی
مرد خود او بخته بیند دلیل بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جهت مهتری بود و اگر سر خود را اصلع بیند
بنا بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که او را لباس علویان دو گیسوی بود دلیل که مهتری یابد و نیکنام گردد و
اگر بیند که موی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند که موی خود را شانه میکرد دلیل که بر کارها
خود قادر شود و دیرا منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موی بغل یا موی زهار بسترد
دلیل که صلاح دین وی باشد و موی بغل ستردن دلیل بر یافتن مال و مراد بود و ناستردن موی
بغل دلیل بر زیادتی بیم و ستم بود و اگر بیند که در سینه وی موی بود دلیل که وام بر وی جمع شود و
موی بر تن وام مال بود و اگر بیند که موی از تن خود بسترد دلیل بر نقصان مال وی بود و اگر آنکس درویش
و وام دار بود وامش گزارده شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که آهک بر تن خود مالید و موی از تن
خود بسترد اگر توانگر بود دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود توانگر گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه فرماید
اگر بیند که قدری از موی فرو ریخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود توانگر گردد
و اگر وام دار باشد وامش گزارده شود و اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موی راست او بمشرق رفت و موی
چپ او بمغرب دلیل که او را دو پسر باشد که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد حافظ معبر رحمة الله علیه فرماید
اگر عالمی بخواب بیند که موی او جعد بود دلیل بر بدعت و ذلت وی بود و اگر جاهل این خواب بیند دلیل که نعمت و
عزت یابد و اگر بیند که موی میکند دلیل که امانت گزارد و اگر بیند که موی زهار او دراز بود دلیل که
او را زیانی رسد و درازی موی زنان را نیک باشد و اگر بیند که موی زهار خود می سترد دلیل
که دین وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موی در خواب بر پنج وجه بود یکی
حج گزاردن دوم سفر کردن سیوم عز و جاه چهارم ایمنی پنجم دولت و بار تعالی در کلام مجید فرموده
مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ الخ اگر خداوند خواب را موی ستردن عادت بود دلیل که نیک و بد او یکسان باشد
می پخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تاویل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند که می خورد و مست شد
دلیل که بقدر مستی آن جاه و منزلت یابد و اگر بیند که بی می پخته و خمر مست شد دلیل که از پادشاه عظیم بوی رسد

می پخته

از آرامگاه و منزل و مرتبت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید معبد در خواب دیدن بر هشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم معیشت سیوم عز چهارم
دولت پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم کنیزک مهربان هشتم زن و دیدن معبد درویشان را بر چهار وجه
بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سیوم غم و اندوه چهارم رنج و محنت **مهر** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت و بزرگی یابد و اگر بیند که
بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی بر و رسد و اگر بیند که پادشاهی یا بزرگی انگشترین بوی داد که
بستان و خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه بوی سپارند و اگر سزاوار خزینه پادشاهی نباشد
دلیل که از بزرگان یکی مال خود بوی سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بوی داد و بسپرد دلیل که از وی
بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت
وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر هفت وجه بود یکی
بر تمامی عمل دوم قوت دین سیوم ریاست چهارم حقیقت و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی
هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب **مهره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که مهره یافت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بوی رسد یا وی را خدمتگاری
حاصل شود و اگر بیند مهره بیرون سفید بود دلیل که از غنه تسفاس صلح و بازیابد و اگر بیند بیند که لاله ... [illegible] بود دلیل ...
بیمارگون باشد و اگر سیاه بود سخت دل و بد خو باشد جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید دیدن مهره در خواب دلیل بر هفت وجه بود
یکی زن دوم خدمتگار سیوم کنیزک چهارم مال پنجم ادب و فرهنگ ششم فرزند هفتم غلام خرد
و هر زیادت و نقصان که در مهره بیند بدین هفت چیز آید **مهمان** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید
مهمانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بیند که قومی را بمهمانی خواند دلیل که کاری کند که انکار
او را از همه شغلی باز دارد و اگر بیند که او را در باغی بمهمانی بردند که آن باغ پر از میوه های الوان و آب
روان بود دلیل که بغزا رود و شهید شود قوله تعالی فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَشَرَابٌ کرمانی رحمة الله
علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در آنجا چنگ و چغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و
اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت و خرمی باشد مغربی رحمة الله علیه فرماید
مهمانی در خواب دلیل بر باز آمدن غائب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
که عروسی بی نکاح خواست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه رسد **مورچه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در جیزی جمع
شد دلیل که مردم بسیار در خانه وی فراز آیند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون
آمدند دلیل که مردم آنسرای تحویل بجای دیگر کنند و اگر بیند که مورچه بیگانه در خانه وی

دلیل که دزد بخانهٔ وی رود و اگر بیند بر تن وی موران بسیار جمع شدند یا از دهان وی بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمة الله علیه فرماید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر در خانهٔ خود مورچه بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مورچه خرد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر دزد مال زاهل بیت باشند و اگر بیند که موران از سرای وی بیرون آمدند در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن موران تا دلیل اهل بیت بینندهٔ خواب بود و اگر بیند که موران از خانهٔ او بیرون شدند دلیل که احوال آنخانه پریشان شود **مورد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مردم آزاده و خوش طبع و خوبروی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مورد داشت دلیل که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد بشکست یا از جای بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مال و نعمت بسیار بود و بعضی از معبران گویند مورد فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن مورد در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دوران عاقل دوم فرزند صالح سیوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دستهٔ مورد بسته بشوهر داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود **موز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موز توانگران را مال بود و دینداران را دین و برگ موز بهترین برگ درختها بود و اگر بیند که موز فرا گرفت یا کسی بوی داد و آنکس توانگر بود دلیل که مالش زیادت گردد و اگر بیند که موز میخورد دلیل که منفعت دینی و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید موز در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سیوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند اگر بوقت خویش بیند که موز میخورد دلیل که زنی خوبروی و توانگر زنی کند و از وی منفعت یابد **موزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موزه در خواب در زمان زمستان دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه معبران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه در پای داشت و سلاح پوشیده بود دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه ادیم در پای داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که موزهٔ ادیم در پای داشت و باز کوته بود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش داشت دلیل که بقدر آن مال بوی رسد و اگر بیند که زیر موزهٔ او دریده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که از پای موزه بیرون آورد دلیل که شادی و فرحی یابد و اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزهٔ وی بسوخت دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که موزهٔ او ضائع شد دلیل بر نقصان مالش بود و بسر موزه همین دلیل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه اش از خانه بدر افتاده است دلیل که زن با

رحمة الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شری که در منبر بیند تاویلش بر سلطان کن
بخواب ببیند که بر منبر شد و علم و حکمت و خطبه می خواند اگر از اهل آن نه بود دلیل که فرزندش یا یکی از خویش
او عالم شود و اگر ببیند که بر منبر شعر می خواند یا سخنی خلاف شریعت میگفت دلیل که در میان اهل اسلا
به بددینی و بدعت رسوا گردد و بعضی از معبران گویند که ویرا بردار کنند و اگر پادشاهی ب
اگر بر منبر بود و آن منبر بیفتاد یا بشکست دلیل که از پادشاهی معزول گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر ببیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد دلیل که از خطابت معزول گرد
و اگر زنی ببیند که بر منبر کلام و حکمت و علم در میان مردم می گفت دلیل که رسوا شود زیرا که زنان را علم
گفتن و خطبه خواندن در میان مردان روا نباشد و نیز مردان را خواندن هم میان زنان بر باشد و اگر
ببیند که از منبر بیفتاد اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوار و حقیر شود مغربی رحمة
علیه گوید اگر ببیند که بر منبر شد دلیل که عالم بود مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر مفسد بود
دلیل که او را بدزدی بگیرند و بردار کنند و هر چند که منبر بزرگتر و پاکیزه تر بیند منزلت و جاه بلندتر
بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سیوم
امام چهارم خطیب پنجم بردار کردن **منجم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که منجم شد
دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزیز باشد و منزلت او بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید خاصه که در
خواب سخن از احکام نجوم گفته باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سخن علم و نجوم و هیئت افلاک میگفت
دلیل که پادشاه و بزرگان او را حرمت دارند و اگر ببیند که سخن در احکام نجوم می گفت تاویلش بخلاف این بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید منجم در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی نکند
منجنیق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که در شهرها در قلعه مسلمانان سنگ منجنیق می انداخت
دلیل که در پس مسلمانان سخنهای بد گوید و اگر ببیند که در شهرها در قلعه کافران سنگ منجنیق می انداخت
دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که بر این
شهری منجنیق نهاده بودند و بناهای آن شهر را خراب میکردند دلیل که آن شهر را از دشمن خطر بود و اگر ببیند
که منجنیق ها بشکست یا آتش بسوخت دلیل که پادشاه آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آن شهر
از ترس و بیم ایمن شوند **مندیل** دستار بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مندیل بخواب خادم
بود و هر زیادت و نقصان که در وی ببیند بخادم باز گردد اگر ببیند که مندیل نو داشت یا کسی بوی داد
دلیل که او را خادمی حاصل شود و اگر مندیل سبز یا سفید بود دلیل که خادم وی با دیانت بود و اگر مندیل
سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر و سرکش بود و اگر مندیل زرد بود دلیل که خادمش بیمار گردد
بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر کبود بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر مندیل وی قرطه

بود دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که مندیل ابریشم یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دین دار بود و اگر از
کتان بود نیک باشد و اگر از قز یا ابریشم بود دلیل که خادمش بیوفا و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل
که از آن خادم نیکوئی نبیند و اگر مندیل ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر مندیل بسوخت
دلیل که خادمش بمیرد **منشور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور
بوی دادند که در آن کارها نبشته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت دنیا و آخرت
یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از
پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یابد و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایت
ویران بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که فرشته یا پیغامبر منشور بخط نبشته
بدو داد دلیل که حقتعالی او را بیامرزد و از وی خوشنود و راضی شود و اگر منشور سیاه بود تاویلش
بخلاف این بود **منقار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را بسان مرغ منقار بود دلیل که بقدر
و بزرگی منقار مال حاصل کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون آله و کرکس و مانند این او را منقار بزد و
او را درد کرد دلیل که وی را رنج و سختی رسد و نقصان مال وی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منقار
مرغی داشت دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که منقار
داشت و مردم را بمنقار گزند رسانید دلیل که مردم را از وی گزند و زحمت رسد **منی** آبی بود که از وی فرزند
پدید آید ابن سیرین رحمة الله گوید دیدن منی در خواب مالی بود که بیابد و از آن شادمان شود و اگر بیند که یک سبوی
از آب منی داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که از قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل
که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر منی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب
وی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منی
از وی فرود آمد دلیل که مال یابد چنانکه باریتعالی عزوجل فرموده انا خلقنا الانسان
من نطفة امشاج نبتلیه الی آخره جعفر صادق رضی الله عنه فرماید منی در خواب بر چهار
وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی مال سیوم نقصان مال چهارم بزرگی و چون خداوند خواب
بیند که منی از وی بیرون آمد معبر را باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی نیامد نقصان
مال بود **مهد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود و خداوند
خواب سزاوار مهد بود دلیل بر راحت و آسانی و عیش خوش وی بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند
که از مهد بیفتاد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود دلیل
که زنی مهربان خواهد یا کنیزکی خوب روی خرد و بعضی معبران گفته اند که مهد در خواب

قوله تعالی و تری الناس سکاری الخ مغربی رحمة الله علیه گوید مستی از می پخته یا شراب مویز بقدر خوردن مال و نعمت کند
و اگر بیند می پخته داشت و بتمامی خورد دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می پخته غرق
شد دلیل که در خصومت هلاک شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می پخته می خورد دلیل که مال حلال
بحرام مبدل گرداند و اگر بیند که می پخته با آب صافی بود دلیل که مالی بدست آورد که بعضی حلال و
بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر بیند که می پخته میفروخت دلیل که چیزی
حرام فروشد **میخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میخ در خواب برادر بود و اگر بیند که میخ در دیوار زد
دلیل که برادرش در آنجا که میخ زد مردی مهتر گردد زیرا که دیوار بتاویل مرد باشد و اگر بیند که میخی بر کسی ببست
دلیل که برادرش بمردی پیوندد و اگر بیند که میخ بر پشت زد دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا بشرف
و بزرگی تمام برسد یا زاهد شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد کرمانی رحمة الله علیه فرماید میخ در خواب
بهمه چیز بزرگی و شرف دین و دنیا بود و اگر بیند که میخی بر در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد
اگر بیند که میخ از خانه خود بکند و بینداخت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از
نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی آنکه زن خواهد یا دوستی گیرد و اگر بیند که
میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرار گرفت
احتیاط کند در آن که چه درخت بود تاویل از آن درخت کنند و بدوستی یا بنکاح یا بعطا و صلت مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر میخ از برنج یا از مس بود بتاویل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود دلیل
بر نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخ آهنین بود دلیل که او را فرزندی آید که شایسته
پادشاه بود و اگر فرزند ندارد دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم نباشد دلیل
که اهل علم او را دوست دارند و اگر بیند که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود توانگر گردد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سیوم دوست چهارم زن خواستن
میش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف
بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نره میشی نشسته بود و مطیع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمان بردار
او شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن نره میش بروی چیره گشت دلیل که خصمش بروی غالب گردد و اگر
بیند که شاخهای نره میش بزرگ و قوی گشته دلیل که آنکس قوی و توانگر شود و اگر بیند که نره میشی فرا گرفت
یا کسی بوی برابر دلیل که از مردی بزرگ مال و نعمت یابد و اگر بیند که پوست نره میش بکند و گوشتش جدا
کرد دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بیند که نره میشی را بکشتن باز رهانید دلیل که از غم
برهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ میکرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت
کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخانه کسی دیگر شد دلیل که زن وی بعشق کسی دیگر مشغول

گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نره میش در خواب بر شش وجه بود یکی امام دوم خلیفه سیوم امیر چهارم
رئیس پنجم مال ششم فرزند **میوه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل بر خیر و
منفعت بود و هر میوه که خام و ترش در خوردنش بود دلیل بر سخنهای بیهوده و سرد باشد وانگور سیاه
و آلو و زیتون دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از درخت میوه چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی
بزرگوار مال یابد و اگر بیند که گشته بود و از درخت میوه می چید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اگر بیند
که بی آنکه دست بر درخت کرد و میوه بیفتاد دلیل که بی رنج و تعب او را مال حلال حاصل شود و اگر بیند که از
درخت تلخ میوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بی وقت باشد
تاویلش بخلاف این بود و آنیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب بیند و بخورد دلیل که بقدر آن
مال حاصل کند و اگر میوه بوقت خود نباشد دلیل که مالش پراگنده شود و تاویل هر میوه باصل درخت بازگردد
خواه نیک یا بد بود و میوه آنچه زرد بود دلیل بیماری بود مگر ترنج و به و زردآلو که این هر سه در تاویل زیان ندارد
و میوهای ترش غم و اندوه بود و میوهای تر چون رسیده و شیرین بوقت خود باشد دلیل بر روزی حلال
بود و میوهای نارسیده ناخوش در خواب دلیل بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر بیند که میوه تابستان
بزمستان می خورد دلیل که بیمار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میوه شیرین در خواب اگر بی وقت بیند
دلیل بر غم و اندوه بود و میوه گلوگیر اگر بی وقت خورد دلیل بستگی کارها و تنگی عیش بود فی الجمله هر میوه که
سبز و تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که میوه می فروخت اگر میوه باشد که مردم آن را دوست دارند دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه
ترش و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه و رنج بود جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید میوه
فروش در خواب چون میوه خوش و شیرین فروشد دلیل بر شر و مضرت بود و معبر باید که نیک و بد جنس و
ناجنس داند که کدام را چگونه باید گفت و خوابهای هر کسی را بدان نوع فرق تواند کردن و تاویل آن نهادن تا از
اصل خطا نیفتد والله اعلم بالصواب

حرف النون نابینا

ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نابینا شده است دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر بیند
که یک چشم وی کور گشت دلیل که نیمه دین وی بشود یا گناهی بزرگ کرده باشد و بیک اندام از اندامهای
وی مصیبت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نابینا را دست گرفت و برد دلیل که گمراه گردد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نابینا شد دلیل که کارهای خوب بر دست او کند و اگر بیند که یک چشم
کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر بیند که چهارپای را کور کرد دلیل بر کسی بود که بدان
چهارپای منسوب باشد و وی را گزند و مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نابینائی در خواب بر هفت وجه
بود یکی درویشی دوم بدحالی سیوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال

میوه

نابینا

مغتنم تباهی دین قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ و اگر نابینائی بخواب ببیند که بینا شد دلیل که کارهای دنیا بروی کشاده شود و از انچه نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت حقتعالی الغیب باید قوله تعالی لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا **ناخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از معبران گفته اند که خداوند سلاح را ناخن سلاح بود اگر ببیند که ناخن را بمقراض ببرید دلیل که دین وی قوی گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید ناخنهای در خواب قوت و توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر ببیند که ناخنهای وی بشکست دلیل که مال تواند حاصل کردن و اگر ببیند که ناخن از بن بیفتاد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود و اگر ببیند که ناخن بیفتاد و دیگر باره برست و زیادت شد دلیل که کار وی نیکو گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر ببیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود دلیل بر مصیبت او بود و اگر ببیند که ناخنهاش چنان دراز شده بود که بیم شکستن داشت دلیل بد باشد و اگر ببیند که ناخنهاش از بن بریده بود و متغیر گشته دلیل بر بستگی کار وی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود دلیل بر صلاح دین و دنیای وی بود و اگر ببیند که ناخنها دراز است بیکرد دلیل که مال بسیار یابد و ناخن پای و دست را یک تاویل بود و بعضی از معبران گفته اند تاویل ناخنهای دست حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود اما در صفر جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ناخن در خواب بر شش وجه بود یکی قوت و توانائی دوم مقدار مردم در دنیا سیوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم بنده زادگان یا برادر زادگان **ناخن پیرا** یعنی مقراض بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن پیرا در خواب مردی بود که قسمت کند اگر ببیند که موی سر بناخن پیرا می برید یا بناخن پیرا جامه ببرید دلیل که این جمله نیکو بود و اگر ببیند که کسی ناخن پیرا بوی داد یا بخرید اگر پسری دارد دلیل که پسر دیگرش آید و اگر دختر دارد دختر دیگرش آید و اگر ناخن پیرا دو پاره بود همین تاویل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که کسی ناخن پیرا بدو داد یا بخرید یا بیافت اگر اسپی دارد دلیل که اسپی دیگر بخرد یا بیابد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین قیاس باشد از چیزیکه یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید مقراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با ایشان دوستی کنند و دین و دنیای وی زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب بر سه وجه بود یکی مرد قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سیوم دوست ناموافق **ناربا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناربا در خواب خوردن چون شیرین بود و بگوشت گوسپند یا بگوشت مرغان پخته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد اگر بگوشت گاو و یا گوشتی غلیظ پخته باشند دلیل بر غم و اندوه بود **نار مشک** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر ببیند که در زمین او نار مشک رسته بود دلیل که نامش بخیر و خرمی و خوبی در آند یا منتشر گردد و اگر ببیند که نار مشکها از زمین بر کند تاویلش بخلاف

این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته نارمشک تازه داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و
منفعت یابد **نارنج** دانیال علیه السلام گوید نارنج گونه زرد است اما بوی خوش دارد و بدیدار نیک و
پاکیزه است و از میوه هاے بهشت است لاجرم در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نارنج در خواب از یکے تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد بقدر آن نارنجها و نارنج
سبز بخواب بهتر باشد و نارنج زرد بوقت خود بد نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نارنج سبز بود
و بعضے از معبران گفته اند که نارنج سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید نارنج در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سیوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان
ناطف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال
و نعمت بسیار بدست آید و خیرات و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دوشاب
دلیل بر نعمت و مال بسیار بود الا فایدهٔ ناطف انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید ناطف بخواب
در خواب بر سه وجه بود یکے سخن شیرین دوم مال حلال سیوم معیشت **ناف** ابن سیرین رحمة الله علیه
فرماید ناف در خواب زن بود و کنیزک که زیر دست وی باشد و اگر بیند که ناف وی بیفتاد دلیل که
زن را طلاق دهد یا کنیزک ش بمیرد و اگر بیند که ناف بریده است دلیل که عیال وی بمیرد و همه شغل وے
تباه گردد و اگر بیند که ناف وی کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در ناف او سوراخ شد
دلیل که در حال او خلل پدید آید معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف یا سینه او بچو خطی موی برآمده
بود دلیل که بر سنتهای پیغمبر صلی الله علیه و اصحابه وسلم راغب گردد و اگر بیند که اصل ناف وے
بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم شگافته بود دلیل که دانا و عالم گردد لیکن
مالش برود اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه فرماید اگر بیند که ناف کسی بکبرید و بخورد دلیل که بقدر آن مال وے
ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن خوبروی دوم
کنیزک سیوم مال و روزی چهارم پسر پنجم مادر و پدر **ناقوس** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید ناقوس در خواب مردی منافق دروغ زن بود و در وی هیچ خیر نباشد و اگر بیند که ناقوس زد
دلیل که با مردی منافق نشیند و به نفاق سخن دروغ گوید و رضا دهد و اگر ناقوس بشکست تاویلش
بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود یکے دروغ گفتن
دوم منافقی سیوم مهر اهل کفر در دل داشتن **نام گردانیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و احمد و سعد و سعید و صالح و انچه بدین
ماند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر شر و فساد کند جعفر
صادق علیه السلام رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو سعید

نارنج
ناطف
ناف
ناقوس
نام گردانیدن

یا ابو البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابو جهل و ابو لهب و عتبه و شیبه
و مانند ایشان لعنهم الله دلیل بر شر و سفرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم **نامه** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که نامه سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامه سر گشاده داشت
دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بیند که نامه سر مهر داشت دلیل که مهر نامه آن چنان بود که بوی رسد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی نامه بوی داد که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خبر بوی رسد
و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که عنوانش نبشته بود و مهر داشت
و کسی نگشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و بباطن غم و اندوه اقتضا کند و اگر بیند که مهر نامه
بگشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیننده خواب خواننده بود و دید که نامه را بخواند
دلیل که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی اقرأ
كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه پادشاه بدو داد اگر نگشاد
و نخواند دلیل که غم و اندوه بود و اگر بر گشاد و بخواند و بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر
سخنهای زشت و ناخوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترش و تهلیک بود و اگر بیند که نامه بمهر بیافت و بیاد شاهی
داد دلیل بر خیر و منفعت بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امید و اری
بود و کارهای وی بر آید بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او بر نیاید
نان دانیال علیه السلام گوید دیدن نانهای پاکیزه در خواب عیش باشد و اگر نان پاکیزه
نباشد دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که نان خرید و بخانه برد دلیل بر خیر و منفعت بود و روزی فراخ
از مال حلال بود و اگر بیند که نان بکسی داد دلیل که راحت بدان کس رساند ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که دو سه نان یافت دلیل که از غم و اندوه برهد و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جائی
مجهول نیم نان یافت دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند که اندکی نان بیافت و نتوانست خوردن دلیل
که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که نانهای بسیار داشت و نمیخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
و اگر بیند که نان گرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بعیش
و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل بر قحط و تنگی بود و نان گرم و پاکیزه خوردن
دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان گاورس دلیل بر تنگی عیش و پرهیزگاری بود و نان جوین خوردن
دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و بستگی کارها کند و نان عدس و نان باقلا دلیل بر غم
و اندوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان خشک میخورد دلیل که روزی بروی فراخ گردد
و بعضی گفته اند که خوردن نان تنگ در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که نان گرده بر پیشانی
وی آویخته بود دلیل که درویش گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید تاویل نان بر امراء و مردم بزرگ

در نیسالست واگر سلطان یک نان بخواب بیند دلیل که ملکش زیادت گردد واگر بازرگان بیند دلیل که مالش
زیادت شود ویک نان از یکدرم تا هزار درم باشد بقدر شخص واگر رعیت بیند ضیاع ووقارش زیادت
شود دانیال علیه السلام گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال
بود که بیرنج بدست آید ونان پختن در خواب تاویل کار کردن باشد در طلب معیشت وتعجیل کردن اندر نان
بزرگی حاصل کردن باشد یا مال جعفر صادق علیه السلام رضی الله تعالی عنه گوید نان در خواب بر چهار وجه
بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سیوم شهری چهارم خیر وبرکت وبدانکه نان در خواب کسی بود که طلب
مال کند واگر بیند که نان واشد دلیل که بسیار مال بجنگ وخصومت جمع کند وبعضی از معبران
گویند که نان وا در تاویل پادشاه عادل بود **نان خواه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نان خواه
در خواب دلیل بر غم واندوه بود واگر بیند که نان خواه بکسی داد یا بیند اخت دلیل که از غم واندوه
رسته گردد ودر دیدن وخوردن نان خواه هیچ منفعت نباشد بجز غم واندوه والله اعلم بالصواب
ناودان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بی ناودان آب از بام فرود می آمد
دلیل که در آن مقام جنگ وخصومت وخون ریختن پدید آید واگر بیند که باران نمی آمد واز ناودان ها آب فرود
می آمد دلیل که مردم آنموضع را از پادشاه مصادره ورنج رسد واگر بیند که ابر باران بود واز ناودانها آب
فرود می آمد دلیل که از حقتعالی جل وعلا بر اهل آنموضع عنایت ورحمت باشد مغربی رحمة الله علیه فرماید اگر
بیند که ناودان بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد واگر بیند که ناودان خانه او بیفتاد وبشکست
دلیل که تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که ناودان سیمین یا آهنین بود دلیل که بنظام کارش مستدام باشد
واگر بیند که از ناودان کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
ناودان در خواب بر سه وجه بود یکی رئیس شهر دوم مهتر سیوم خیر ومنفعت اندک **نای زدن** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید نای زدن در خواب دلیل بر غم واندوه ومصیبت بود وشنیدن آواز نای دلیل
غم وتفکر بود واگر بیند که نای میشکند دلیل که در غم واندوه گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید نای زدن
کسی باشد که خیر بمردم برساند ودر نای زدن خیر نباشد **نبات** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید هر نباتی که بوقت خود بیند که اوراساق نباشد دلیل بر خیر ومنفعت کند وهر نباتی که اوراساق
وپیشانی پیشاخ باشد دلیل بر افزونی مال ونعمت وجاه بقدر سبزی وکوتاهی وبلندی وباریکی شاخهای
وی بود واگر بیند که برتن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر ومنفعت یابد وهر چند
نبات بیشتر بیند خیر ومنفعتش بیشتر باشد وچون بیند که بر چشم وگوش وزبان وی نبات رسته بود
دلیل که او را بزرگی زیادت گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت ومال بود وخواسته
مردم خاص وعام را واگر بیند که در زمینی که ملک او بود نبات بسیار رسته بود دلیل که بیننده

نان خواه
ناودان
نای زدن
نبات

خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم منفعت
و بزرگی و جاه سیوم معیشت خوش چهارم زیادتی دولت **نبات جلاب** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید نبات جلاب بخواب دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر
بیند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش شنود یا وی را بوسه دهد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که جزو از نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه بود یکے سخن خوش دوم بوسه دادن سیوم منفعت و مال چهارم
فرزندان پنجم روزی حلال **نباش** آنکس بود که کفن از مردگان بکند بدزدی ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسے بخواب بیند که نباش شد اگر آنکس از اهل علم بود دلیل که علم را فروشد
و طلب دنیای باطل باشد و عمر خود در آن ضایع و صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر نباشی بیند که
کفن بسیار جمع کرد دلیل که مصلح شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضے از معبران گفته اند که مال حرام جمع
کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد **نویسنده** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که چیزی همی نوشت
و نویسنده باشد دلیل که بمکر و حیلت مال کسے را بستاند و کار ناکردنی بکند و اگر بیند که از بهر پادشاه
چیزی می نبشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نبشت دل مردم بجو نشستن
بمکر و حیلت گرم کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی
از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد و بیند که نویسندگی میکرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر
بیند که شعر و غزل و افسانه می نبشت دلیل که بشغل دنیا مشغول شود و شغل آخرت فرو گذارد و اگر
بیند که قرآن و توحید و دعوات می نبشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که نامه می نبشت و مدادش خون بود دلیل که قباله ربا نویسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر دبیری
بخواب بیند که خط عبری می نبشت اگر صالح بود دلیل که دین و دیانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود
تائب گردد و اگر بیند که بسرخی می نبشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر بیند که بزردی می نبشت
دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بسبزی می نبشت دلیل که نامش بخیر و خبر می در آن دیار منتشر گردد و اگر بیند
که بزر و سیم می نبشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد جعفر صادق علیه السلام رضی الله عنه گوید نبشتن
در خواب بر چهار وجه بود یکے خیر و منفعت دوم مال و نعمت سیوم بمکر و حیلت چیزی حاصل کردن چهارم
معزولی عمل **نبید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبید در خواب مال حرام بود که بجنگ و خصومت
بدست آید و اگر بیند که در نبیذ غرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر بیند که در خانه او نبید بسیار
بود دلیل که بقدر آن از دهقانی بدو منفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نبیذ خورد و مست
شد دلیل که خوفی و ترسی بدو رسد و اگر بیند که نبیذ با دیگران میخورد دلیل که بقدر آن که خورده بود

نبات جلاب
نباش
نویسنده
نبید

جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در جوئی یا در رودی نبید میرفت و او در میان او شنا میکرد دلیل که در فتنه افتد
و اگر بیند که پیاله نبید در دست او بود و ندیم او بستد دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که نبید با آب آمیخته بود و میخورد دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد
و اگر بیند که نبید میفروخت دلیل که مال برباد دهد و خوردن نبید و اسلی دلیل بر عزل بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید نبید در خواب بر سه وجه بود یکی تزویج پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت ناگهانی اگر بیند
که نبید می مالید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یابد **نخاسی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نخاسی میکرد دلیل که سخنهای محال گوید و سوگند دروغ خورد و نخاسی در خواب
هیچ فایده نبود **نخچیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نخچیر او را مطیع و رام شد دلیل که مهتر و بزرگ
شود و بعضی از معبران گویند که سالار دزدان شود و اگر بیند که نخچیر او را متابعت نکرد تاویلش بخلاف این
بود و اگر بیند که بصورت نخچیر شد دلیل که بددین شود و بباطل گراید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که نخچیر تله یا بدام گرفت دلیل که بقدر نخچیر او را از مردی بیابانی بمکر و حیلت فایده رسد و اگر بیند که گوشت
نخچیر میخورد دلیل که از مال مردی بیابانی خزینه کند و اگر بیند که در میان نخچیران مقیم شد و از آن
نخچیران او را گزند نرسید دلیل که در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را
رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را گزند رسد و منفعت نرسد و اگر بیند که نخچیران با وی
سخن گفتند و وی را مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یابد
و اگر جاهل بود دلیل که کاری کند که مردم از آن کار عجب آید **نخود** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید
نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بیند که نخود از کسی بستد
و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم و اندوه رسد و اگر بیند که نخود بخیر وار داشت دلیل که در غم و
اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نخود شوربا یا گوشت پخته میخورد دلیل که غم و اندوهش کمتر بود
نرد باختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرد باختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر
کسی بخواب بیند که نرد می باخت و بخصم غلبه کرد دلیل که بسبب کاری باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند
و اگر بیند که آنکس بروی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود **نردبان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
کسی بخواب بیند که بر نردبان بالا میشد و آن نردبان از گل و خشت بود دلیل بر خیر و صلاح بود و دین و
زیادت گردد و نیکوئی بدو رسد و اگر نردبان از سنگ و آهک بود دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از
چوب بود دلیل بر ضعف دین او بود و اگر بیند که بر نردبان بالا شد اگر از آهک باشد دلیل که پادشاه
شود و اگر از آهک نباشد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از نردبان بزیر آمد تاویلش بخلاف این
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نردبان بزیر افتاد دلیل که از جاه و بزرگی بیفتد و او را سفر پیش آید

نخاسی
نخچیر
نخود
نرد باختن
نردبان

حضرت صادق علیه السلام رضی الله عنه گوید نردبان در خواب مرد مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر یابد و فاسق را منافق
بود **نرگس** دانیال علیه السلام گوید نرگس در خواب مردی ظریف و خوبروی و لطیف بود و ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید نرگس در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی بیند که نرگس تازه فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل
که او را فرزندی خوبروی آید و اگر شوهر ندارد دلیل که شوهری خوبروی کند و اگر بیند که نرگس از زمین بر کند
دلیل که زن را طلاق دهد یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که نرگس از درخت بر کند و بغلام داد دلیل که غلامش
بگریزد و اگر زنی بیند که دسته نرگس بشوهر داد دلیل که شوهرش طلاق دهد جعفر صادق علیه الصلوة والسلام
رضی الله عنه گوید که نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف و خوبروی دوم فرزند سیوم دوستی که دوستی
وی دیر ماند و اگر بیند که نرگس سبز گرفت دلیل که احسان و نیکوئی کند و در خیر مشهور گردد و اگر بیند که نرگس بود
و زیادت شد دلیل که عیالش زیادت گردد **نرم** بدانکه نرم صاف را خوانند اگر بیند که نرم را فرا گرفت
دلیل که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد در دین و اگر بیند که نرم بود و بروشنائی بدل شد دلیل که تایب گردد
و اگر بیند که نرمش بود و با نرمش شد دلیل که منافق بود جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید اگر بیند
که نرم تاریک شد دلیل که غم و اندوه بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه نرم
پدید آمد دلیل که مرگ مفاجات در اندیار بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نرم در خواب بر چهار وجه بود
یکی تاخیر دوم پوشیدن کارها سیوم بدعت چهارم گمراهی اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از
نرم بروشنائی آمد دلیل که از درویشی بتوانگری آید و از بدعت ضلالت دور باشد ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نرم در خواب خوب نباشد **نسرین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نسرین در خواب اگر بوقت خود
بود دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزندی آید و اگر نسرین از درخت دور باشد دلیل بر غم و
اندوه بود و اگر بیند که کسی دسته نسرین بوی داد دلیل که درمیان ایشان گفتگوی پیدا شود و اگر گل نسرین
بر درخت بیند دلیل که خرمی بوی رسد و باشد که از کسی چیزی اندک یابد **نشاسته**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نشاسته گندم در خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بیند که
نشاسته میخورد دلیل که اندوهگین شود و بعضی از معبران گفته اند که بیمار گردد و اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد
و بخورد دلیل که مال و نعمت بدست آورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از گندم نشاسته میکرد دلیل که
از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند **نشستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر زمین مقیم
نشسته بود و قرار گرفته بود دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بیند که بسیار خفته بود همین تاویل دارد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید نشستن بر اسپ یا بر استر یا بر خر دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سیوم
مرتبت چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد دلیل بر پادشاهی کند چنانکه باد مطیع او باشد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که با مردم مصلح میرفت و در راه نشست دلیل که هوادار و مخالف دین بود چنانکه خدای تعالی

در کلام مجید فرموده قوله تعالی فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ و اگر بیند که مخالف دین بود و میشرفت و در راه
نشست تاویلش بخلاف این بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باگروهی مصلحان و پارسایان نشست
بود دلیل که خیر و صلاح او زیادت گردد و اگر بیند که با فاسقان نشسته بود تاویلش بخلاف این بود **نعل** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید نعل در خواب مال بود از هر سببی که بوی رسد و اگر بیند که نعل استر داشت دلیل
که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که نعل خران داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاصل کند و
اگر بیند که نعل بندی میکرد چهارپایان خود را دلیل که بسفر رود و نعلبند کسی بود که میان مردم دوستی جوید
نعلین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دوال نعلین بشکست دلیل که روزگاری
در سفر باز ماند و اگر بیند که نعلین او سوراخ داشت دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بیند که
نعلین او سبز بود دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر بیند که نعلین نداشت و بدان سبب از سفر
باز ماند دلیل که کنیزکی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین او سیاه بود دلیل که آن زن مال دار باشد
و اگر سرخ بود زن معاشر بود و طرب دوست دارد و اگر بیند که نعلین او سفید بود دلیل که آن زن پارسا
و پاکیزه روی بود و اگر بیند که نعلین او ملون بود ازین صفتهای که گفتیم از هر یکی برنگی در وی بود و اگر بیند
که نعلین او از پوست گاو ابند داشت دلیل که آن زن اصل عجم باشد و اگر بیند که بند نعلین او از پوست اشتر
بود دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او بیفتاد و ضایع شد احتیاط کند که آن نعلین از پوست
چه بود اگر از پوست اشتر بود دلیل که زنش بیمار شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین او بدرید
همین تاویل دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم زن سیوم کنیزک
نقاع پودینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نقاع در خواب غم و اندوه بود و اگر کسی بخواب
بیند که در زمین ملک او نقاع بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نقاع می خورد دلیل که اندوهش
بیشتر شود و اگر بیند که نقاع در زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین را غم و اندوه بود و اگر بیند که نقاع
از زمین خود برکند و بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **نفت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نفت
در خواب زنی نابکار بود و اگر زنی بخواب بیند که نفت در خود مالید دلیل که با زنی نابکار جمع شود و بعضی
از معبران گفته اند که چیزی حرام خورد و اگر بیند که نفت بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی
رحمة الله علیه گوید نفت در خواب بر سه وجه بود یکی زن نابکار دوم مرد غماز عوان سیوم مال حرام **نفرین**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر ظالمی نفرین میکرد دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد
و اگر بیند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بناحق بیگناهی را نفرین میکرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردی را بناحق نفرین
کرد دلیل که کار او بد شود و بعضی از معبران گویند که نفرین بناحق در خواب بخداوند خواب باز گردد

نعل
نعلین
نقاع
نفت
نفرین

و اگر نفرین بحق کند تاویلش بر عکس باشد که او را نفرین کند و مرد مصلح را زود تر اثر کند از مفسد و مفسد اگر نفرین بحق یا ناحق کند بخصم باز گردد **نقاد** در خواب عالم و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیز است بهترین باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دیندار صالح نقاد شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر خواستگار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و مال دنیا اختیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید نقاد در خواب مرد عاقل و تمیز بود در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نقاد در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سیوم خردمند چهارم در یابنده کار **نقره** دلیل بر زنان آزاد کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نقره از کار خود فرا گرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی را بزنی کند زیرا که نقره جوهر زنان باشد و اگر بیند در مغاکی که معدن نقره بود در رفت و از انجا نقره بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سیوم مال چهارم معیشت **نقصان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در تن او نقصان بود دلیل که بقدر آن مالش نقصان شود مگر نقصان زنان که در آن صلاح بود چنانکه در باب زنان فرموده حرف زا یاد کردیم کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و خواسته او چیزی نقصان شد دلیل که متفکر شود اما او را مضرت نرسد **نگارگری** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید اگر کسی بخواب بیند که نگارگری میکرد بر سقف دیوارهای خانه دلیل که او دوستدار دنیا و فریفته و مغرور بر دنیا باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید نگارگری و صورتگری در خواب کار باطل و ناحق بود چنانکه خداوند تعالی جل و علا فرموده مَا هٰذِهِ التَّمَاثِيْلُ الَّتِيْ اَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُوْنَ مغربی رحمة الله علیه گوید نگارگری در خواب فریفته باشد در دنیا و راه راست گذاشته و راه باطل گرفته باشد اسمٰعیل اشعث گوید اگر بیند که دستهای خود را بسیاهی خضاب و نگار میکرد دلیل که در کسب دنیا خداوند مکر و حیلت بود جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید نگارگری در خواب بر چهار وجه بود یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سیوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ **نگین انگشتری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نگین انگشترین در خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد و اگر بیند که نگین انگشترین او ضایع شد دلیل که در بزرگی و جاه او نقصان پدید آید و یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که نگین انگشترین بشکست همین دلیل کند و اگر بیند که ناگاه نگینی بر انگشترین او ظاهر شد دلیل که بقدر و قیمت آن نگین نعمت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید نگین و تاج پادشاهان را ولایت بود و زنان را شوی و عامرا جاه و نیکوئی جعفر صادق رضی الله تعالی عنه گوید دیدن نگین انگشترین در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم مال سیوم ولایت چهارم عیش پنجم فرزند ششم بزرگی هفتم مال و نعمت هشتم عمل **نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه فرماید

اگر کسی بخواب بیند که در نماز روی جانب مشرق میکرد دلیل که بحج رود و اگر محل حج نباشد میلش بر جانب ترسایان
باشد و اگر بیند که بر جانب مغرب نماز میکرد و میل سوی قبله داشت دلیل که در اسلام پس پشت انداخته باشد
و اگر بیند که بر راه نماز میگذارد و پشت سوی قبله داشت دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد توبه باید کرد
و اگر بیند که نماز گذارد و ندانست که قبله کدام ست دلیل که در راه دین متحیر بود و اگر نماز سوی قبله گذارد دلیل که
در راه دین مستقیم شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد دلیل که بقدر جماعتی که ماموم
بودند سروری یابد و اگر بیند که وقت نماز درگذشت و جای پاکیزه نیافت که نماز بگذارد دلیل که کارش
بدشواری برآید و اگر بیند که نماز قطع کرد و نماز نگذارد یا نماز بی وضو گذارد دلیل که در طلبیکه باشد آن طلب
میسرش نگردد و اگر بیند که در مسجدی یا در مدرسه امامت میکرد دلیل که پادشاه آید یا مطیع وی شود و اگر بخلاف
این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در نماز رکوع و سجود تمام بجای آورد دلیل که کار دین و دنیای
وی نیکو گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نماز پیشین بوقت میگذارد و آسمان روشن و پاکیزه بود دلیل که
رفع درجات وی بحضرت حق تعالی باشد و اگر آسمان تیره و ابرناک بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند
که نماز میگذارد دلیل بر امیدیکه دارد برآید و اگر بیند که فریضه شام میگذارد دلیل که با اهل و عیال خود معامله کند
و از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که نماز صبح میگذارد دلیل که بسفر رود و اگر این خواب زنی بیند حایض شود
و اگر بیند که بی وضو نماز میگذارد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که فریضه عشا میگذارد دلیل که امین شود و بر
دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در باغ نماز میگذارد دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که در کشتیها نماز میگذارد دلیل
که وامش گذارده شود و اگر بیند که جای نماز نبود و نماز گذارد دلیل که مفسد و بدکردار باشد و اگر بیند که نماز
کرد و روی بصحرا نهاد دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول مقبول صلی الله علیه وآله وسلم کند و اگر بیند که
در کعبه نماز گذارد دلیل که کارش از خلیفه بنظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بیند که بعد از نماز سجده کرد دلیل
که بر مردی بزرگوار محتشم ظفر یابد و بروی مسلط شود و اگر بیند که بجز خدای تعالی کسی را سجده کرد دلیل که مرادش
حاصل شود و اگر بیند که بر سر دیواری سجده میکرد دلیل که با آواز بزرگان رنج و خواری رسد و اگر بیند که نماز
میگذارد و انگبین می خورد دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر بیند که در نماز تحیات نشسته بود دلیل که از غم
فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر بیند که سلام نماز اول بدست چپ داد دلیل که احوالش شوریده شود و اگر
بیند که نماز نشسته میگذارد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند عذری گوید که از وی پسند ببرند و اگر بیند
که نماز خود را دعا کرد دلیل که وی را فرزند آید قوله تعالی اِذْ نَادٰی رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِيًّا اگر بیند که در تاریکی
نماز گذارد دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز شب میگذارد دلیل که از همه ترسا ایمن گردد و نعمت و بزرگی
و فرمانروائی یابد و اگر بیند که نماز بر پهلو میگذارد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که نماز جمعه میگذارد دلیل که بسفر
رود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس نماز میگذارد دلیل که میراث یابد و روزی بر وی

فراخ گردد واگر بیند که در کعبه نماز میگذارد یا در بام کعبه دلیل که روی بکعبه آورد وعاقبت کارش بخیر گردد حافظ معبر رحمۃ اللہ علیہ گوید نماز گذاردن درخواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سنت سیوم تطوع واگر بیند که نماز فریضه میگذارد دلیل که حق سبحانه وتعالی جل وعلا اورا ج روزی گرداند واز فواحش نگاهدارد قوله تعالی اِنَّ الصَّلٰوۃَ تَنْھٰی عَنِ الْفَحْشَاۗءِ وَالْمُنْكَرِ واگر بیند که نماز سنت میگذارد دلیل بر صبر کردن کارها واشکارا شدن نام نیکو وشفقت بر خلق بود واگر بیند که نماز تطوع میگذارد دلیل بر گرامی داشتن عیال وسعی کردن در کارهای دوستان ومروت کردن با هر کسی بود واگر بیند که بر ستور نماز میگذارد دلیل که اورا امی عظیم رسد واگر بیند که در کارخانه یا دوکانی نماز میگذارد دلیل که حق تعالی در کار وکسب برکت کند واگر بیند که نماز آدینه گذارد دلیل که کار وی جمع گردد خالد اصفهانی رحمۃ اللہ علیہ گوید رکوع وسجود درخواب بحضرت باریتعالی عزوجل دلیل تقرب بود قوله تعالی كَلَّا ۚ لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ومعبران گفته اند اگر بیند که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوۃ مال ندهد واگر بیند که نماز بجای آورد دلیل که ایزد تبارک وتعالی عبادت او پذیرفته گرداند ودعای مستجاب کند وبروی رحمت کند جعفر صادق رضی اللہ عنه گوید نماز گذاردن درخواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سیوم عز وجاه چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا وهم او گوید که رکوع وسجود درخواب بر پنج وجه بود یکی مراد یافتن دوم دولت سیوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ واگر بیند که برده نماز گذارد دلیل که اوراد دعا وثنا گویند واگر بیند که نماز تمام نگذارد تاویلش بخلاف این بود

نمد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که نمدی سپید وپاکیزه داشت دلیل که مال حلال یابد واگر نمد چرکین بیند دران هیچ منفعت نباشد واگر بیند که نمد بسیار داشت دلیل که بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند واگر بیند که نمدها بسوخت دلیل که مال بفساد تلف کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که بر تن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی تواگر خواهد یا کنیزکی دوشیزه بخرد واگر بیند که نمد از پشم اشتر بود دلیل که از پادشاه منفعت یابد معبر بی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که نمد داشت بدزد وضایع شد دلیل که در مالش نقصان شود ونمد درخواب مردی بود که بحلال گراید واز حرام پرهیز نماید

نمک ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید نمک درخواب درم نقد وکاری نیکو کردن بود واگر کسی بخواب بیند که نمک سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که نمک خورد دلیل که راه زاهد گیرد وکار خیر کند ونمک چرکین سیاه دلیل جنگ وخصومت بود جعفر صادق رضی اللہ عنه گوید نمک درخواب بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آبروی سیوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو ونمک ناخوش درخواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم سخنهای ناخوش سیوم غم واندوه چهارم خورسندی نمک سود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نمک سود فربه بود وخورد

دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر نمک سود لاغر بود دلیل که زیانی بدو رسد و هرچند که شورتر بود و
لاغرتر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در خواب دلیل بر غیبت کردن بود معبری رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوشت قدید داشت و لاغر بود دلیل که از مردم پادشاه و از نایبان رسد و اگر گوشت اشتر لاغر
بود دلیل که از مهتری مضرت یابد و اگر نمک سود از گوشت چارپایان دشتی میخورد و لاغر بود دلیل که از مردم
بیابانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد **نهنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نهنگ
در خواب دزد باشد و ستمگار و ستیزنده بود و اگر کسی بخواب بیند که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد
دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نهنگ او را بگزید دلیل که بقدر گزند او را از دشمن مضرت رسد
و زحمت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب او را فرو برد دلیل که ماهیان او را هلاک کنند
و اگر بیند که نهنگ برو غالب شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ
داشت دلیل که از دشمن منفعت یابد معبری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نهنگ او را در آب کشید دلیل که در دست
دشمن تهیدست شود **نو دیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چیزی که نو باشد و پسندیده بود دلیل بر خیر
و خرمی بود و کهنه را در حرف ب بیان کردیم **نوحه کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بر وی مبارک نباشد و مردمان مهتر از آن موضع
متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر بمرد و مردم بر وی نوحه میکردند دلیل که ایشان را از آن والی
رنج و ستم رسد و بعضی از معبران گویند که والی را شادی باشد و اگر بیند که با نوحه میگریستند دلیل که بر
ایشان بیداد و ستم کنند و از بیدادی وی غمگین و مستمند شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد
و فغان بر میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود و از مضرتش رسد و اگر بیند که میگریست و آهسته نوحه میکرد
دلیل خرمی و شادی بود و اگر بیند که با زنان مردمان بسیار بودند و نوحه باواز میکردند دلیل که بسبب پادشاه
در آن موضع غم و اندوه رسد **نوشادر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نوشادر در خواب غم و اندوه
بود و اگر بیند که نوشادر در داشت دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که نوشادر میخورد دلیل که غم و اندوه صعبتر بود
نیرومند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیرومندتر از آن شد که در بیداری بود دلیل بر
نیکوئی احوال او در دین و دنیا و آخرت بود و اگر مصلح بود و اگر مفسد بیند تاویلش بخلاف این باشد **نیزه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و کامرانی
یابد چنانکه در ولایت [illegible] فرمانش روا گردد و اگر بیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری
آید و اگر بیند که نیزه بشکست دلیل که فرزندش یا برادرش بمیرد و اگر بیند که نیزه او کسی ببرد دلیل که کارش
دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد دلیل که غیبت مردم گوید و نیزه در خواب دلیل قوت و ظفر
یافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکوکار صحبت افتد

نهنگ
نو دیدن
نوحه کردن
نوشادر
نیرومند
نیزه

از وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر هشت وجه بود یکی قوت دوم سفر سیوم ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم ایمنی هفتم توانائی هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه کر در خواب مردی بود که با مردمان یاری کند و از وی بهر کس قوت رسد **نبشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که می نبشت یا کسی بوی می آموخت دلیل که دانش بیاموزد و اگر بیند که چیزی می نبشت دلیل بر شر و فساد بود و اگر بیند که از قرآن و اجابت و توحید و دعوات می نبشت دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می نبشت دلیل بر شر بود **نیشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر می مکید دلیل که بکاری مشغول گردد که در آنکار وی را لفت رسد و یکیدن گفتگوی و خصومت باشد اگر بیند که نیشکر بکسی داد دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد **نیکو کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نیکی کردن در خواب قوت و بزرگواری در دین بود بدان قدر که نیکی کند رستگاری یابد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با او مردی نیکوئی کرد و او خوار داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود قوله تعالی وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ اگر بیند که نیکی با اهل شرک کرد دلیل که مال خود تصرف دهد بر کسانیکه حاجت وی را خیر دو جهانی حاصل گردد **نیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل داشت دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل بکسی داد یا از وی ضایع شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که جامهٔ خود را به نیل رنگ کرده بود دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب خویشان و دوستان بود و اگر بیند که نیل میخورد دلیل که در دریا آفتی بوی رسد **نیلوفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر بجای خود بوقت خود بر درخت بیند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل بر غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درخت بشکست و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیند که دوستی دستهٔ نیلوفر بدو داد دلیل که میان ایشان جدائی افتد دانیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل بر کنیزکی بود که از وی او را زیان رسد

حرف الواو

واشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون واشه را مطیع و فرمان بردار خود بیند چنانکه از دست برود و بانگ کند و او را باز آید دلیل بر مال حلال بود و منزلت خداوندش بود و اگر بیند که واشه سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت یابد و اگر بیند که واشته بپرید و رشته در دست وی بماند دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید واشه در خواب پادشاهان را ملک و بزرگواری بود و توانگران را مال باشد و درویشان را فرزند بود و اگر بیند که واشه از دستش بیفتاد و بمرد اگر صاحب خواب پادشاه بود دلیل که از ملک بیفتد و اگر امیر بود یا سروری بود دلیل

از جاه و منزلت بیفتد و اگر توانگر بیند درویش گردد و اگر درویش بیند فرزندش بمیرد و بعضی معبران گویند که واشه مردی مشیر مم بود و اگر بیند که گوشت واشه میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که واشه بسیار در جائی جمع شدند دلیل که عیاران در آنموضع جمع شوند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن واشه در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان روائی سیوم مال چهارم منفعت **والی** کارداری و فرمان روائی بود و اگر بیند که کارداری از تخت بیفتاد یا تخت او بشکست یا کسی از وی بشمشیر بستد یا سرای او خراب گشت یا در واهی گرفتار شد و کشته شد یا چهار پایی بسر آمد و بیفتاد یا کسی او را بفگند این همه دلیل بر آنکه از شرف و بزرگی بیفتد و معزول گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کارداری بیند که دستارش با دستار کسی بپوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بر وی پاینده بماند و اگر بیند که بند پای اوست دلیل که شرف و بزرگی او زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاردار شد و در عمل خود منصف و دیندار بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد بود خاصه که بیننده مفسد و ناپارسا بود **وحوش** چهارپایان دشتی باشد هر چند از ایشان نر بود دلیل بر مردان کند و هر چند ماده بود دلیل بر زنان بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وحوش صید میکرد یا کسی از وحوش صید بر وی داد دلیل بر مال و نعمت و غنیمت بود و گوشت و پوست او همین دلیل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وحوش مطیع و فرمان بردار او شدند چنانکه سلیمان را علیه السلام بودند دلیل که گروهی ایشان را که در سلطانی خلل بود او را مطیع و فرمان بردار شوند خاصه که بیننده خواب مستور بود **وسخ** در حرف سین بیان کردیم **وردنه** و بتوک نان هر دو در خواب انباز متفق یکدیگر بودند اگر بیند که وردنه و بتوک نان کسی بوی داد دلیل که او را انبازی که گفتیم حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وردنه داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق نماید و از باطل دور کند و اگر بیند که وردنه او بشکست دلیل که از صحبت اینچنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن وردنه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق در کارها دوم انبازی که طلب کند در معیشت سیوم کار دشوار که بروی آسان گردد **ورده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر دست دشمن ورده شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورده بفروخت چون غلام و کنیزک دلیل که او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ورده از کسی بستد و یا بخرید دلیل بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل که بد باشد و اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلامی که فروخته بود دو باره خرید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که ورده داشت و از وی بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیزک بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردمان جوید **ورشان** جانوری بود که در خراسان آنرا

والی
وحوش
وسخ وردنه
ورده
ورشان

کبوترخوانند دیدن وی در خواب زن وکنیزک بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبوتر
رسان بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد واگر بیند که ورسان بمرد یا از دست وی بپرید دلیل که زن
طلاق دهد یا کنیزک فروشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورسان را بکشت وگوشت اورا بخورد دلیل که
آن مال زن بستم بستاند واگر بیند که ورسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار بخرد ونیز قانوی خوانند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سیوم
اندوه **وزغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وزغ در خواب مردی زاهد وعابد بود اگر کسی بخواب بیند
که وزغی بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود واگر بیند که با وزغ بنبرد کرد دلیل که با چنین
مردی خصومت کند واگر بیند که وزغ بسیار در جائی جمع شدند وفریاد میکردند دلیل که در آن موضع
عذاب خدا یتعالی فرا رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وزغ را بکشت واز گوشت وی بخورد دلیل
که مردی زاهد را قهر کند وبقدر آن مال او بستاند وخزینه کند واگر بیند که وزغ اورا بگزید دلیل که از مرد
زاهد ویرا رنج رسد واگر بیند که وزغی را از آب بگرفت وبر خشک انداخت دلیل که زاهد را از کار باز دارد ومضرت
رساند **وزیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وزیر پادشاه را کار نیکو بود دلیل که آن وزیر را کار نیکو
شود ودولتش زیادت شود واگر بخلاف این بیند تاویلش بد بود واگر کسی بیند که وزیر شده منصف ودادگر
بود دلیل که بقدر عدل وانصاف خویش شرف وبزرگی یابد واگر بیند که وزیر بساط بگسترد دلیل که جاه و
نعمت ومال بروی فراخ گردد وعمرش دراز بود واگر بیند که وزیر ویرا خلعت وکلاه داد دلیل که مردم
ویرا والی گردانند واگر بیند که وزیر در سرای او آمد دلیل که اورا بسبب پادشاه غم واندوه رسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با وزیر طعام خورد دلیل که از وی شرف وبزرگی یابد واگر بیند که خانه وزیر افتاده
بود یا بیمار بود یا پادشاه اورا معزول کرده بود یا اسپ اورا بیفگند یا گاوی اورا بسرون زد اینهمه دلیل
بر عزل وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بیند که چشم او
آفتاب وماهتاب گشته بود دوم آنکه چون بیند که چشم او دجله بغداد گشته بود سیوم آنکه چون بیند که پادشاه
کمری بر میان او بست چهارم آنکه از چهار یاران رسول صلی الله علیه وآله وسلم یکی تاجی بر سر او نهاد
اینهمه دلیل بریافتن وزارت کند **وسمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وسمه در خواب غم و
اندوه بود واگر بیند که زمینی داشت ودران زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم واندوه بود واگر بیند
که وسمها از زمین برکند وبینداخت دلیل که از غم واندوه خلاصی یابد واگر بیند که وسمه میخورد دلیل
که بسبب عیال در رنج ومحنت افتد واگر کسی بیند که دسته وسمه بدو دادند دلیل که میان ایشان
خصومت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته وسمه بدست عیال خود داد دلیل که از همدیگر جدا
گردند ودر دیدن وسمه خیر نباشد **وشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وشه در خواب غم واندوه بود واگر بیند که

گوشه بر واداشت دلیل که غم واندوه زیادت گردد واگر گوشه یکی را داد دلیل که از غم واندوه خلاص شود مغربی
رحمة الله علیه نسبت باید اگر بیند که چیزی بوشه ودر شانه بند دلیل که کار پراگنده او جمع شود واگر بیند که گوشه
مینهاید دلیل که غیبت مردم بسیار گوید **وضوی نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که دست وروی باب صافی بشست دلیل که کاری جوید که تمام کار بیابد ومقصودش حاصل
گردد واگر بیند که باب پلید روی می شست تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه فرماید
اگر بیند که دست وروی خود را می شست دلیل که از بهر یاران خود یاری خواهد واگر بیند که دست وروی
شست دلیل که مرادش حاصل شود **وکیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که وکیل پادشاه شد ودر شغل خود منصف بود دلیل که خیر واقبال دنیا یابد واگر وکیل قاضی شد همین
تاویل دارد واگر در شغل وکالت منصف نبود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر وکیل بیند که منیب را بنواخت دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود واگر منیب را کشاده روی
بیند دلیل که او را از منیب منفعت رسد واگر بخلاف این بیند دلیل که بد بود **واری**
علت جذام بود دیدن او درخواب مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن آبله سفید بیند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در تنش واری بسیار شده بود دلیل که او را کاری زشت پیش آید وبعضی از معبران
گفته اند که او را معروف گرداند جعفر صادق رضی الله عنه گوید واری درخواب درویش را توانگری ونعمت
بود وتوانگران را ایستادن از گناه واگر بیند که چنان شد که همه انگشتان افتاده بودند دلیل
که کارهای نیکو کند وباشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود **ویرانی** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید که ویرانی خانه ودکان وانچه برین ماند دلیل گمراهی بود در دین واگر بیند که ویرانه آبادان میکرد
تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل
آن جا دربلا ومصیبت افتند واگر بیند که ویرانه کهنه آبادان میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش
بود وبیننده از گمراهی براه صلاح آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ویرانی از کردار خالق است
دلیل که بیننده را نفع بود واگر از کردار مخلوق است تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد

حرف الهاء

هاون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هاون ودسته هر دو شریک باشند که ایشان را از یکدیگر ناگزیر بود
وچون هر دو بهم باشند کاری کنند وفایده رسانند واگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد واگر
بیند که در هاون چیزی می کوفت وآن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر وقیمت آن او را رنج وسختی
رسد واگر آن چیز دارو بود اگر داروی امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر انچه در هاون میکوفت شیرین بود دلیل که برنج وسختی فایده یابد و

وضوی نماز
وکیل
واری
ویرانی
هاون

واگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جواهر ها بود که در بازار میکوفت و می سود دلیل که بقدر آن
ببیند و عاقبت مال خود تلف بکند **هبا** ذره که از روزنه افتاده بود یعنی گرد و ذره آفتاب بود ابن سیرین رحمة الله علیه
هبا در خواب سخن باطل و کردارهای پراگنده بود که دران خیر و منفعت نباشد چنانکه حق تعالی
مجید فرموده است وَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر هبا
سرخ در هوا پدید آمد دلیل که در ان دیار بیمار شوند و اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید
بود دلیل که هیچ غم نباشد **هدهد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هدهد در خواب مردی زیرک
و دانا بود که از کار نهانی مردم خبر دهد و اگر ببیند که هدهد بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی
و بزرگ بدین صفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فرهنگی حاصل کند و اگر ببیند که هدهد را بکشت
بر مردی دانا و بزرگ ظفر یابد و بر وی قهر کند و اگر ببیند که گوشت وی بخورد دلیل که بقدر آن
از مردم از علمش حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید هدهد بخواب دیدن صاحب خبر بود یا رسول نیک
اگر ببیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل که از اهل یکی را قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن
در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر خوش که بشنود دوم بزرگی سیوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم در آنکار که باید
زیرک و دانا باشد چنانکه حق تعالی فرمود **هدیه** مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند
هدیه بکسی داد اگر آن هدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده و هر دو بود دلیل که هر دو را منفعت بود و اگر
نیکو نبود دلیل که هر دو را از یکدیگر منفعت نبود بلکه شر و فساد بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
ببیند که چیزی او را هدیه دادند که آنچیز را دوست دارد دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آنچیز دوست ندارد
دلیل بر شر و فساد بود و اگر ببیند که مردی پیر یا زنی پیر او را هدیه دادند دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر مردی جوان
یا زنی جوان هدیه دهد تاویلش بخلاف این بود **هریسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب
ببیند که هریسه میخورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا شود و بعضی از معبران
گفته اند که او را فرزندی آید که چشم او بدان فرزند روشن شود زیراکه حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که الهریسة اطعمة الجنة مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن هریسه در خواب دلیل بر اندیشه بود از جهت
اعمال جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر هریسه بگوشت گوسپند فربه بود دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر
بگوشت غلیظ باشد و بطعم ناخوش بود دلیل که بقدر آن او را مضرت رسد **هزار داستان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هزار داستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود والا ضعیف
احوال باشد و خداوند علم و ادب و فرهنگ بود و نزد یک مردمان محبوب باشد و اگر ببیند که او را هزار
داستان عطا دادند دلیل که او را فرزندی بدین صفت آید و اگر ببیند که هزار داستانی از باغ
بگرفت دلیل که او را با مردمان نیک خلق و خوب سخن پیوستگی شود کرمانی رحمة الله علیه

هبا

هدهد

هدیه

هریسه

هزار داستان

گوید هزار داستان درخواب زن خوش آواز بود واگر بیند که هزار داستانی بخرید دلیل که کنیزک خوش آواز
ومطرب بخرد واگر بیند که هزار داستان از دست وی بپرید دلیل که زن راطلاق دهد یا کنیزک وی
بمیرد یا بگریزد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید هزار داستان درخواب فرزند وغلام بود وسخن شیرین
وشنیدن آواز خوش بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید هزار داستان درخواب دیدن بر پنج وجه بود
یکی زن دوم فرزند غلام سیوم قاضی چهارم حکیم پنجم غلام **هلیله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
هلیله کابلی درخواب دیدن دلیل بر غم واندوه بود وهلیله زرد دلیل بر بیماری بود وهلیله سیاه
دلیل بر مصیبت بود واگر بیند که یکنوع ازین هلیله می خورد دلیل که اندوهش صعبتر باشد واگر بیند
که ازین هلیلها یکی باشکر یا با نگبین میخورد دلیل که اندوهش کمتر باشد ودر دیدن هلیله هیچ منفعت
نبود **همای** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید همای درخواب دولت وعزت وبزرگی وظفر باشد واگر بیند
که همای داشت دلیل که بقدر همای عز ودولت یابد واگر بیند که همای از دست او بپرید دلیل که در جاه و
حرمتش نقصان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید همای درخواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار واگر بیند
که همای را بکشت وگوشت وی بخورد دلیل که بر مردی بزرگوار قهر کند ومال وی بستاند وبخورد واگر بیند که همای
داشت دلیل ازین کسان که گفته شد خیر ومنفعت یابد واگر بیند که همارا به تیر یا بسنگ زد دلیل که از پس
مردم چنین سخن بد گوید واگر بیند که همای او را بخراشید دلیل که ازین کسان او را مضرت رسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن همای درخواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم مرد بزرگوار چهارم دولت
پنجم بزرگی ششم فرمان روائی هفتم عز واقبال **هوا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هوا روشن
وصافی بود دلیل که مردم آن دیار را اندر راستی ومعیشت نیکو وراحت بود وعلما واهل حکمت را دولت واقبال
زیادت شود واگر بیند که هوا تاریک وتیره بود دلیل که اهل آن دیار را غم واندوه بود واگر بیند که هوا سرخ
رنگ بود دلیل که در آن دیار جنگ وفتنه بود واگر بیند که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت وغله ونبات زمین
بسیار پیدا شود واگر بیند که سپید وپاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل آن دیار را نعمت وفراخی کسب ومعیشت
بسیار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هوا از گرد پاک بود وباد سخت بجست دلیل که پادشاه بیگانه در آن دیار
آید ورنج وزحمت بایشان رساند واگر بیند که برخی از هوا بر سر شهری یا محلتی روشن وصافی گشت دلیل که در آنسال
اهل آن موضع را نعمت وفراخی وخیر ومنفعت رسد واگر بیند که هوا مختلف بود دلیل که اهل آن دیار را حال پراگنده
شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن هوا درخواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سیوم تندرستی چهارم
ایمنی پنجم معیشت واین پنج وجه دلیل بر هوای روشن وصافی بود **هوام** بدانکه هوام جنبندگان بی
زهره بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تاویل هوام جنبندگان باشند بقدر وقیمت وصلاح ایشان باشد
زیراکه هرچه فروتر بود دلیلش از علم تعبیر دشمن قوی تر بود از جنبندگانی که زهره دارد جعفر صادق

رضی اللہ عنہ گوید دیدن ہوام در خواب ہتد یا باشد کہ بازگشت آن بدشنام و حاسد باز گردد **ہیزم**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید ہیزم تر و خشک در خواب جنگ و خصومت و سخن چینی بود و اگر بیند کہ ہیزم
در خانۂ خود آورد دلیل کہ بقدر ہیزم او را در آن شہر و خانہ جنگ و خصومت بود و اگر بیند کہ کسے بیگانہ ہیزم
بدو بخشید دلیل کہ وی را با مردم بیگانہ بقدر ہیزم جنگ و خصومت افتد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند
کہ از بیشہ یا از صحرا ہر گونہ ہیزم جمع میکرد دلیل کہ انکس بدکردار و حاسد و سخن چین بود دشمن و دگرفت
قولہ تعالی حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ اگر بیند کہ از درختان ہیزم جمع میکرد
کہ در میان محتشمان و بزرگان او را آزمودن کنند و سخنہای بے اصل گویند و اگر بیند کہ آن درختان
ہیزم از آن جمع میکرد دو میوہ دار بودند دلیل کہ میان بزرگان بزرگ ہمت بود و محتشم باشد فی الجملہ دیدن ہیزم
تر و خشک خوب نباشد **حرف الیاء) یارہ** در خواب جنبی بود از جنس دست اورنج ابن سیرین
رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر مردی بیند کہ یارۂ زرین در دست داشت دلیل کہ مکروہی بدو رسد و اگر یارۂ سیمین داشت
دلیل کہ غم و اندوہ بوی کمتر رسد و جملہ پیرایہ زنان مردان را نیک نباشد و از آن مردان زنان را طوق
و گوشوارہ و غیرہ کہ زینت یا دشاہی باشد مردان را زن بود و زنان را شوہر بقدر و قیمت آنچہ دیدہ باشد
و شرح ہر یکی از پیرایہا در اول کتاب بیان کردیم **یاسمین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ دو
دستہ یاسمین بوی داد دلیل کہ میان ایشان گفتگو افتد و از ہم جدا شوند و اگر زنی بیند کہ یاسمین از درخت بچید
و بشوہر داد دلیل کہ شوہر او را طلاق دہد و اگر بیند کہ یاسمین بغلام داد دلیل کہ او را غلام بگریزد و درخت یاسمین
در خواب زنی توانگر و بدخوی بود و سفلہ و حاسد باشد و اگر یاسمین خوشبوی بود دلیل کہ آن زن با جود
و احسان بود **یافتن** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسے بیند کہ چیزی یافت اگر خداوند خواب پارسا
و صالح بود دلیل کہ در بیداری چیزی یابد و اگر صالح و مستور نبود دلیل کہ او را غم و اندوہ رسد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ
گوید اگر بخواب بیند کہ دو چیز یافت و ہر دو یکجنس بود دلیل بر خیر و منفعت بود و حج و عمرہ کند و اگر بیند
کہ دہ چیز یافت و ہر دہ یکجنس بود دلیل بر خیر و منفعت و روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر برین قیاس باشد
و اگر آنچہ یافت از یکجنس نباشد تاویلش بد باشد **یافتن کانہا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر
کسے بخواب بیند کہ کوہ کند و کان زر بیافت دلیل کہ بقدر خویش ولایت یابد و اگر بینندہ مصلح و پارسا بود
و اہل دین کہ حق تعالی او را علم و حکمت ارزانی دارد و اگر بیند کہ کان سیم یافت دلیل کہ زنی از بزرگان
خواہد کہ با جمال و مال بود و بعضی از معبران گویند کہ او را فرزندی مبارک بی آید و اگر بیند کہ کان مس یا
برنج یافت دلیل کہ او را با مہتری بدکردار بی‌رحم صحبت افتد و اگر بیند کہ کان ارزیز یافت دلیل کہ
زنی خوبروی بزنی کند و اگر بیند کہ کان آہن یافت دلیل کہ او را با مہتری قوی صحبت افتد و از وی
مال اگر بیند کہ کان بلور یافت دلیل کہ از پادشاہ یا زن او را منفعت رسد و اگر بیند کہ کان

زبرجد و زمرد یافت دلیل که صاحب مال و جاه گردد و اگر بیند که کان یاقوت یافت دلیل که عز و مالش زیادت گردد
و اگر بیند که کان پیروزه بیافت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بیند که کان عقیق بیافت دلیل
که از پادشاه نفع یابد و اگر بیند که کان شبه یافت دلیل که با مهتری گفتگو کند و اگر بیند که کان لعل بیافت
دلیل که جاه و حشمت یابد و اگر بیند که کان نوشادر یافت دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که کان نمک یافت
دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که کان سرمه یا کان زاک یافت دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
بیند که کان گل زرد بیافت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که کان گل سفید یافت دلیل که با مهتری او را صحبت افتد
یاقوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یاقوت سرخ یا سبز پاکیزه داشت دلیل که زنی
یا کنیزکی نیکو او را حاصل آید یا او را دختری خوبروی آید و اگر بیند که یاقوت معیوب داشت دلیل که آن کنیزک
یا آن زن که دارد بروی حرام گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یاقوت سبز داشت دلیل که زنی خوب
با اصل و نسب بخواهد و اگر زن دارد دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که یاقوت مغشوش داشت دلیل که فرزندش
مفسد بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یاقوت سرخ داشت دلیل که زنی توانگر و با جمال بخواهد
و اگر بیند که یاقوت سبز بود دلیل که زنی پارسا و نیک سیرت بخواهد و اگر بیند که یاقوت زرد داشت دلیل که
که آن زن بیمارگون باشد و اگر بیند که یاقوت سفید بود دلیل که زنی دوشیزه و زاهده و مصلح باشد جعفر
صادق رضی الله عنه فرماید یاقوت در خواب بر شش وجه بود یکی مال دوم کنیزک سیوم علم چهارم پسر پنجم
مرد نیک ششم دختر دوشیزه **بیروج** بدانکه بیروج را ابروصنم نیز خوانند و بصورت مردم باشد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ابروصنم داشت یا کسی بدو داد دلیل که بخدمت مردی فرومایه
درن قدر مشغول گردد و از وی زحمت یابد و اگر بیند که بیروج خورد دلیل که از مال مردی بد نیت بخورد
و دیدن بیروج در خواب منفعت نباشد **یخ** دانیال علیه السلام گوید یخ در خواب غم و اندوه بود خاصه که بوقت
خویش بیند و اگر بیند که یخ میخورد دلیل که روزی بسیار یابد مگر آنکه بسیار ولی اندازه بیند بوقت خویش یعنی
زمستان و اگر بیند که یخ صافی بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال جمع کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در تابستان یخ صافی بود دلیل که مال حلال جمع کند و اگر بیند که یخ تیره و تلخ بود دلیل که مالی جمع کند
از حرام بود و اگر در زمستان یخ پاکیزه بخواب بیند دلیل که عیش خوش گذارد و منفعت از روزگار خود بیند و دل
دوستان بروی شاد گردد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید یخ در سردسیر در زمستان بخواب دیدن دلیل بر خیر و
منفعت و تندرستی بود و در گرمسیر دلیل بر قحط و تنگی و اندوه بود و بعضی معبران گفته اند یخ و برق در خواب
دیدن در دیار سرد و سیر دلیل بر فراخی نعمت بود و در گرمسیر دلیل بر قحط و اندوه بود جعفر صادق رضی الله
عنه فرماید یخ در خواب بر شش وجه بود یکی روزی فراخ دوم زندگانی سیوم مال چهارم نرخ ارزان پنجم
غم و اندوه ششم قحط و تنگی **یشم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن یشم در خواب دلیل بر زنی بی اصل بود و اگر

بیند که انگشترین شیم داشت یا کسی بوی داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر زن دارد دلیل که او را دختری
آید و اگر بیند که شیم داشت دلیل که از قبل زنان خیر و منفعت یابد **بیل** بدانکه مبارک و مبارز بود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی بیند که فاضل
یگانه در بحث بود دلیل که بر خصم غالب گردد و اگر بازرگانی بیند که مبارز شد دلیل که در تجارت مال بسیار حاصل
کند و اگر سپاهی بیند دلیل که توانگر شود و مال یابد قوله تعالی یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا
وَاعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ و اگر بیند که با کسی مبارزت کرد و بر وی غالب آمد
دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که خصم بر وی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که با زنی
مبارزت کرد و زن بر وی غالب شد دلیل که حالش بر بود و خوار و مستمند گردد **یوز** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بر وی ظاهر گردد و اگر بیند که با یوز جنگ
و نبرد میکرد و اگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که یوز را بگرفت دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر بیند که یوزان
وی بگریخت دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر بیند که یوزان
بسیار مطیع وی بودند دلیل که دشمنان او زبون شوند جابر
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد
دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و بعضی از معبران گفته
اند اگر بیند که یوز را بکشت دلیل که در وی هیچ
خیر و منفعت نباشد و اگر بیند که یوز بر گردن
نهاد و میبرد دلیل که بار دشمن کشد و اگر بیند
که یوزان در خانهٔ او یا در موضعی بانگ میکردند
دلیل که از سبب دشمنان رنج و
مضرت یابد بقدر آنکه دیده باشد
والله اعلم بالصواب
والیه المرجع والمآب
والحمد لله اولاً و آخراً
والصلوة علی نبیه محمد و
آله و اصحابه
اجمعین

خاتمۃ الطبع

بسم اللہ الرحمن الرحیم

حمد و سپاس مر حکیمی را کہ بوساطت وحی قطعی انبیاء و مرسلین را علیہم السلام امر و نواحی خود رسانیدہ و صدیقان و شہداء و اولیاء
خود را بذریعہ الہام و رؤیا منام از بشارت و نذارت آگاہ گردانیدہ و درود نامحدود بر خاتم النبیین و شفیع المذنبین کہ
کریمہ لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ بیان رویای اوست و بر آل و اصحاب و اولیاء امت کہ قانع اند
برشحہ از دریاء او اما بعد علم تعبیر الرؤیا علمیست شریف نمونۂ وحی آسمانی و مفسر الہامات ربانی کاشف رموز
عالم مثال پرتوۂ انوار جلال و جمال و نقابای مبشرات و سرمایہ علو مقامات ثابت بجناب الٰہی جل جلالہ و محقق نسبت نبویہ
علیہ الصلوۃ والتحیہ کما قال اللہ تعالیٰ حکایۃ عن کلام یوسف علی نبینا و علیہ السلام رب قد اتیتنی من الملک و علمتنی من تاویل
الاحادیث ای تعبیر الرؤیا جلالین و در بخاری از حدیث انس آوردہ کہ رویای حسنہ از مرد صالح یک جزو است
از چہل و شش جزو از نبوت و گفتہ اند کہ غالب رویای صالحین است و گرنہ مرد صالح می بیند گاہی اضغاث را و لیکن
نادر است از جہۃ قلت تمکین شیطان و در اینجا اشکالیست کہ بودن رویا جزو نبوت چہ معنی دارد و حالانکہ نبوت منقطع گشت
بوفات نبی علیہ السلام و جواب دادہ اند کہ اگر از نبی است علیہم پس جزو است از اجزاء نبوت او حقیقۃً و اگر از غیر اوست
پس جزو است از اجزاء نبوت بر سبیل مجاز باعتبار [illegible] بہ رویا بہ نبوت و نبوت اگر چہ منقطع شد علم او باقیست و از
امام مالک پرسیدند کہ آیا تعبیر کند رویا را ہر کس گفت [illegible] بازی میکند بہ نبوت بعد از ان گفت الرؤیا جزو النبوۃ
[illegible] دوی ہمان تشبیہ رویاست نبوت از جہۃ اطلاع دی [illegible] از غیوب و در حدیث عائشہ صدیقہ رضی اللہ عنہا
[illegible] آمدہ کہ آنحضرت فرمود صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم باقی نمی ماند [illegible] مبشرات مگر رؤیا انتہی و وارد ست ایضاً کہ تعبیر رؤیا
[illegible] بہ مبشرات باعتبار غالب است و الا بعضی منذر ہم میباشد [illegible] حب مواہب لدنیہ گفت این طرفیست از تعبیرات
آنحضرت صلعم و آن انموذجی است و الا انچہ منقول از لطایف [illegible] یب تاویل مجلدات حصر آن نتوان کرد چون
مائل کنی بدانی کہ ہر کرامتی کہ دادہ شدہ است آن را یکی از افراد [illegible] یا عمل ہمہ از آثار معجزات پیغمبر است
صلعم و برکات تصدیق و از ثمرات اقتدا و بہدی طریق اوست و پر [illegible] است زمین با آن از روی صدق و
صواب و عجب و عجایب و بحر عباب و اگر استحضار کنی آنچہ دادہ شد [illegible] ت با امام ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ
از لطایف تعبیر آنچہ شایع و ذایع است و پرسشدہ بان اسماع حکم بیکی [illegible] شدہ آنحضرت صلعم را از علوم
و معارف و چون ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ کہ یکی از امت است نقل کردہ [illegible] از وی در فن تعبیر از انجہ
خارج از حد حصر است پس از آنحضرت صلی اللہ علیہ و سلم چہ خواہد بود زا [illegible] فا دا افاض علینا سحاب

علویہ ومعارف ودقطعت علیتنا بعنوا لطف د الیقیا در مدا است کہ مردم بر سہ قسم اند مستور الحال وغالب برایشان استوار صدق
است وفسقہ وغالب برایشان اضغاث است و نادر است برایشان صدق و کفار صدق ایشان بغایت نادر است
بعضی کفار صادق نیز می افتد چنانکہ رویای صاحبی السجن یا یوسف علی نبینا وعلیہ السلام ور ؤیا ملک ایشان وغ
الکل فی مدارج النبوت غرض کہ در کتب صحاح ستہ وغیرہا از احادیث صحیحہ وکتب اخلاق وسیر کہ ... حفظ کردہ
این فن شریف بطوری مبین است کہ بر ماہرین این فن اظہر من الشمس و ابیض من الامس اما معدو ... ران و بیمار ا
مرکب ست چو آتش گرمی کہ در سنگی نہالنست ✤ زمین وآسمان او ہمالنست ✤ این علم ... شریف را کہ مونہ از
یافتہ از قبیل اضغاث الاحلام و لغو مید انستند لہذا این نسخۂ متبرکہ معتبرہ را کہ جا ... ع از کلمات اکابر و ائمہ
مثل امام ہمام سیدنا جعفر الصادق علیہ السلام و محمد بن سیرین رضوان اللہ تعالی علیہم اجمعین واز متاخ
مانند کرمانی و اسمعیل اشعث السجستانی و معتبرین وغیرہم بود باہتمام بندہ ... امیدوار رحمت ایزد سبحا
شیخ نور الدین بن جیوا خان تاجر کتب و مالک مطبع صفدری ... وحیدری بمطبع صفدری و
معمورۂ بمبئی فی شہر رجب المرجب سنہ ١٣٠٢ھ مطابق ماہ مئی سنہ ١٨٨٥ء بکمال ... تصحیح حلیۂ طبع پوشانید

قطعہ تاریخ از احقر العباد اصغر الافراد عاصی نواب علی لکھنوی متخلص بہ حسرت

کاتب کتاب ... ١٣٠٢

بحمد اللہ شد طبع تعبیر نامہ	بفضل خدای شہ انس وانس
پی مصرع سال تاریخ حسرت	بگو چشمۂ روشن اہل بینش
	١٣٠٢ھ

قطعہ تاریخ از نتائج طبع عالی گہر جناب منشی ابو الحسن صاحب بریلوی متخلص بہ جوہر

محلی شد ... از حلۂ طبع	پی تعبیر بس زیبا کتابی
پی تاریخ ... از اسرار	بجوہر گفتہ شد تعبیر خوابی
	١٣٠٢ھ

...عام

...نامہ غضب

...رام

...ی مطالعہ نمائید - اگر کسے این تعلیم را

...ی دد اگر بگردد بر ورقہ . وا...

بتاریخ ۲ جنوری ۱۸۹۶ء بقلم بندہ اسرار مولا خان ولد کرم مولا خان رسالدار ب اول

ریاست دیپالپور